

دانش خانواده و جمعیت

جمعی از نویسندگان

ویراست سوم



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



مرکز ملی تحقیقات جمعیت و برنامه‌ریزی خانوار

دانش خانواده و جمعیت

ویراست سوم

نویسندگان

زهرا آیت‌اللهی، دکتر امیرحسین بانکی پور فرد

دکتر فاطمه بداغی، شیما سادات حسینی

دکتر محمود حکمت‌نیا، دکتر مؤنس سیاح

دکتر محمدجواد محمودی، دکتر بتول نامجو

بهمکاری: گروه مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی



فصل اول: تشکیل خانواده (پیش از ازدواج)

اهداف درس	۱۷
برگی از یک زندگی	۱۷
نیازهای اساسی جوان	۱۷
یک. نیاز عاطفی	۱۸
دو. نیاز جنسی	۱۸
ارتباط با جنس مخالف	۱۹
یک. روابط اجتماعی	۱۹
دو. روابط عاطفی با رعایت مرزهای اخلاقی	۱۹
مهارت‌های رفتاری در روابط عاطفی با جنس مخالف	۲۰
سه. روابط عاطفی-جنسی	۲۶
پیامدهای دوستی و ارتباط با جنس مخالف	۲۷
برای مطالعه بیشتر	۲۸
چهار. هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج	۳۱
پنج. روابط آزاد	۳۲
برای مطالعه بیشتر	۳۹
مدیریت غریزه جنسی	۴۲
خویش‌داری جنسی تا آستانه ازدواج	۴۴
مهارت‌های رفتاری برای خویش‌داری جنسی	۴۴
شیوه‌های رایج روابط جنسی حرام	۴۸
یک. خودارضایی	۴۸
دو. ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج	۴۸
سه. ارتباط جنسی با هم‌جنس	۴۹
ازدواج موقت	۵۰
نمودار مطالب فصل	۵۲
پرسش	۵۳



فصل دوم: تشکیل خانواده (حین ازدواج)

اهداف درس	۵۷
برگی از یک زندگی	۵۷
الف) ازدواج و کارکردهای آن	۵۷
۱. تکامل شخصیت	۵۷
۲. کامل شدن ایمان	۵۸
۳. ایجاد آرامش روانی	۵۹
۴. ارضای نیاز جنسی	۵۹
۵. کسب استقلال	۵۹
۶. تجربه مدیریت	۶۰
۷. بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده	۶۰
۸. کسب اعتبار اجتماعی	۶۰
۹. ارضای میل به جاودانگی	۶۰
ب) تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف برای مطالعه بیشتر	۶۱
۱. اشتغال به تحصیل	۶۴
۲. تفاوت در سطح تحصیلات	۶۵
۳. مسائل اقتصادی	۶۶
۴. خدمت سربازی	۶۷
۵. طلاق پدر و مادر	۶۷
۶. سوء سابقه والدین	۶۸
۷. تفاوت سنی	۶۸
۸. بیماری والدین	۷۰
۹. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری	۷۰
۱۰. باورهای اشتباه	۷۱
۱۱. اختلاف نظرهای سیاسی	۷۳
۱۲. تفاوت فرهنگی	۷۳
۱۳. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست	۷۳

۱۴. مخالفت والدین	۷۳
۱۵. نیافتن فرد مناسب	۷۴
۱۶. ازدواج فامیلی	۷۵
۱۷. ازدواج با سرپرست خانواده	۷۵
۱۸. معلولیت	۷۶
۱۹. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده	۷۷
۲۰. ازدواج مجدد	۷۷
ج) انتخاب همسر شایسته	۷۸
یک. معیارهای همسرگزینی	۷۸
۱. همتایی و همانندی	۷۸
۲. خوش اخلاقی	۷۹
۳. سلامت	۷۹
دو. مهارت های انتخاب همسر شایسته	۷۹
۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی	۷۹
۲. شناخت فرد مناسب برای ازدواج	۸۰
۲. رعایت اصول اساسی در ازدواج	۸۱
نمودار مطالب فصل	۸۳
پرسش	۸۴
منابعی برای مطالعه بیشتر	۸۴



فصل سوم: تحکیم خانواده

اهداف درس	۸۷
برگی از یک زندگی	۸۷
الف) عوامل تحکیم خانواده و مهارت های رفتاری آن	۸۸
یک. دین داری	۸۸
برای مطالعه بیشتر	۸۸
مهارت های رفتاری	۹۱
دو. محبت به اعضای خانواده	۹۱
مهارت های رفتاری	۹۳
سه. خوش گفتاری	۹۴

مهارت‌های رفتاری	۹۴
چهار. ارضای صحیح نیاز جنسی	۹۶
پنج. مدیریت اقتصادی خانواده	۱۰۰
مهارت‌های رفتاری کسب درآمد	۱۰۱
برای مطالعه بیشتر	۱۰۲
شش. توجه به تفاوت‌ها در رفتار با همسر	۱۰۴
هفت. احترام به همسر و خانواده او	۱۰۶
۱. احترام به همسر	۱۰۶
مهارت‌های رفتاری	۱۰۷
۲. احترام به خانواده همسر	۱۰۸
مهارت‌های رفتاری	۱۰۸
هشت. رازداری	۱۱۰
مهارت‌های رفتاری	۱۱۱
نه. عفو و گذشت	۱۱۲
مهارت‌های رفتاری	۱۱۲
نقش اعضای خانواده	۱۱۳
یک. زن و شوهر	۱۱۳
دو. والدین و فرزندان	۱۱۴
سه. بستگان	۱۱۶
ج) حقوق و تکالیف همسران	۱۱۶
یک. حقوق و تکالیف مشترک	۱۱۷
۱. حسن معاشرت	۱۱۷
۲. تحکیم خانواده و مشارکت در امور آن	۱۱۸
۳. حضانت و تربیت فرزندان	۱۲۰
۴. پرداخت نفقه نزدیکان	۱۲۱
تعیین شروط ضمن عقد ازدواج	۱۲۲
دو. حقوق و مسئولیت‌های اختصاصی	۱۲۵
۱. حقوق اختصاصی مرد	۱۲۵
۲. حقوق اختصاصی زن	۱۲۷
برای مطالعه بیشتر	۱۳۰
نمودار مطالب فصل	۱۳۲



فصل چهارم: ایمن‌سازی خانواده؛ آسیب‌ها و راهکارها

اهداف درس	۱۳۷
برگی از یک زندگی	۱۳۷
الف) مسائل و مشکلات خانواده معاصر	۱۳۷
یک. افزایش سن ازدواج و مجردزیستی	۱۳۹
دو. افزایش اختلاف‌های خانوادگی	۱۳۹
سه. ضعف کارآمدی خانواده	۱۴۰
ب) عوامل تضعیف کارآمدی خانواده	۱۴۰
یک. عوامل شناختی	۱۴۰
۱. فقدان اطلاعات مورد نیاز	۱۴۰
۲. انحرافات شناختی (نگرش‌های نادرست)	۱۴۱
۱-۲. تقدس‌زدایی از ازدواج و خانواده	۱۴۱
۲-۲. نسبی‌گرایی در ارزش‌های اخلاقی درباره خانواده	۱۴۲
۲-۳. نگرش اولویت حقوق نسبت به تکالیف	۱۴۳
۲-۴. نگرش ناصحیح حاصل از ضعف سواد رسانه‌ای	۱۴۴
دو. عوامل رفتاری	۱۴۸
۱. رویارویی نامناسب با مشکلات زندگی	۱۴۸
۲. فردگرایی در خانواده	۱۴۸
۳. زیاده‌خواهی	۱۵۰
ج) راه‌های ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها	۱۵۱
یک. آموزش	۱۵۱
دو. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی	۱۵۲
سه. مواجهه صحیح با عیوب همسر	۱۵۲
چهار. مدیریت خشم	۱۵۳
پنج. کسب مهارت حل مسئله	۱۵۵
د) طلاق	۱۵۷
یک. عوامل طلاق	۱۵۸

دو. پیامدهای طلاق	۱۵۹
۱. پیامدهای فردی	۱۵۹
۲. پیامدهای خانوادگی	۱۶۰
۳. پیامدهای اجتماعی	۱۶۱
سه. راهکارهای کاهش فروپاشی خانواده	۱۶۲
چهار. گریزناپذیری طلاق	۱۶۴
پنج. ترمیم خانواده آسیب‌دیده از طلاق	۱۶۵
۱. تقویت فضایل اخلاقی	۱۶۵
۲. پذیرش موقعیت جدید	۱۶۶
۳. تقویت پیوندهای اجتماعی	۱۶۶
۴. توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق	۱۶۶
۵. ازدواج مجدد	۱۶۷
نمودار مطالب فصل	۱۶۸
پرسش	۱۶۹
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۶۹



فصل پنجم: فرزندآوری و فرزندپروری

اهداف درس	۱۷۳
برگی از یک زندگی	۱۷۳
۱. فرزندآوری	۱۷۳
یک. اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام	۱۷۳
دو. آثار و فواید فرزندآوری	۱۷۶
۱. آثار و فواید روحی-روانی	۱۷۷
۱-۱. احساس دوست داشتن و محبوب بودن	۱۷۷
۲-۱. نشاط و سلامت روانی والدین	۱۷۷
۳-۱. امید به آینده	۱۷۹
۴-۱. تداوم زندگی	۱۸۰
۵-۱. رشد شخصیت	۱۸۰
۲. آثار و فواید جسمانی	۱۸۱
۳. آثار و فواید خانوادگی	۱۸۳

۱-۳. استحکام خانواده	۱۸۳
۲-۳. پویایی خانواده	۱۸۴
۳-۳. گسترش ارتباطات خانوادگی	۱۸۴
سه. پیامدهای تک‌فرزندی	۱۸۶
۱. پیامد برای والدین	۱۸۶
۲. پیامد برای فرزند	۱۸۷
۲. ناباروری	۱۸۹
یک. علل ناباروری	۱۸۹
دو. عوامل مؤثر بر ناباروری	۱۸۹
۱. تغذیه ناسالم	۱۸۹
۲. مواد فریزشده	۱۹۰
۳. شرایط روحی و روانی	۱۹۰
۴. نوع لباس	۱۹۱
۵. فعالیت‌های بدنی	۱۹۱
۶. تکنولوژی	۱۹۱
۷. مواد مخدر و مشروبات الکلی	۱۹۲
۸. مصرف سیگار	۱۹۳
۹. مواد شیمیایی	۱۹۳
۱۰. روش‌های پیشگیری از حاملگی	۱۹۴
۱۱. سن	۱۹۴
سه. درمان ناباروری	۱۹۵
۳. فرزندپروری	۱۹۵
یک. دوران بارداری	۱۹۶
دو. تأمین نیاز جسمانی فرزند	۱۹۷
سه. اصول تربیت فرزند	۱۹۷
۱. محبت	۱۹۸
برای مطالعه بیشتر	۱۹۹
۲. تأمین امنیت	۲۰۰
برای مطالعه بیشتر	۲۰۰
۳. اقتدار در تربیت	۲۰۱
۴. هماهنگی والدین در تربیت فرزند	۲۰۲

برای مطالعه بیشتر	۲۰۲
۵. نظارت و هدایت در ارتباطات اجتماعی به خصوص با همسالان	۲۰۳
برای مطالعه بیشتر	۲۰۴
نمودار مطالب فصل	۲۰۵
پرسش	۲۰۶
منابعی برای مطالعه بیشتر	۲۰۶



فصل ششم: جمعیت

اهداف درس	۲۰۹
۱. تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی	۲۰۹
۲. روند تحولات جمعیتی در جهان	۲۱۰
۳. دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت	۲۱۳
۴. جمعیت و نظام سلطه	۲۱۷
۵. عوارض و چالش‌های کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی	۲۱۸
یک. پیامدهای اقتصادی	۲۲۰
دو. پیامدهای فرهنگی-اجتماعی	۲۲۲
سه. پیامدهای سیاسی-امنیتی	۲۲۲
برای مطالعه بیشتر	۲۲۲
۶. سیر تحولات جمعیت در ایران	۲۲۶
عوامل کاهش جمعیت در ایران	۲۲۸
۷. ظرفیت و تراکم جمعیتی ایران	۲۳۳
چالش کمبود آب و ازدیاد جمعیت	۲۳۵
۸. پنجره جمعیتی ایران	۲۳۷
۹. سیاست‌های جمعیتی ایران	۲۳۸
۱۰. تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران	۲۳۹
نمودار مطالب فصل	۲۴۱
پرسش	۲۴۲
منابعی برای مطالعه بیشتر	۲۴۲

فهرست منابع | ۲۴۳



فصل اول :
تشکیل خانواده
(پیش از ازدواج)

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ پیامدهای ارتباط دوستانه با جنس مخالف را بشناسند.

۲ مهارت ارتباط شایسته با جنس مخالف را به دست آورند.

۳ پیامد رابطه آزاد با جنس مخالف را ارزیابی کنند.

۴ با مهارت خویشتن‌داری تا آستانه ازدواج آشنا شوند.

♦ برگ از یک زندگی

کلنل باکستر، فرمانده پایگاه وقتی به دفتر کارش برگشت، جوانی را که احضار کرده بود، دید. قیافه جوان ایرانی (عباس بابایی) آشنا به نظر می‌رسید. یادش آمد شبی دیروقت با همسرش از مهمانی برمی‌گشته و او را دیده که در خیابان‌های پایگاه می‌دود تا شیطان را از خودش دور کند. حالا هم جوان داشت روی روزنامه‌هایی که کف دفترش پهن کرده بود، دولا راست می‌شد. وی بعد از اتمام کارش توضیح داد که این از واجبات دین آنهاست و الان وقت انجام آن است!

نیازهای اساسی جوان

نیازهای جوان، در طبقه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ از جمله نیاز به سلامت، محبت و امنیت. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین نیازهایی که جوان در خود احساس می‌کند، احتیاج به همراهی از جنس مخالف است؛ نیازی که باید به درستی مدیریت شود. این همراهی نیازهای مختلفی را نیز برآورده می‌سازد؛ از جمله نیاز عاطفی و نیاز جنسی.

۱. جعفریان، شهید بابایی به روایت همسر شهید، ص ۱۴.

هر فردی، هم به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است و هم به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن.^۱ مزلو،^۲ در بیان سلسله نیازهای انسان، سومین نیاز اساسی وی را «تعلق پذیری و محبت» می‌داند که از طریق رابطه صمیمی با یک دوست، محبوب و همسر یا از طریق روابط اجتماعی در گروه، برآورده می‌شود.^۳ موری^۴ نیز در مجموعه نیازهای بیست‌گانه انسان یادآور می‌شود که آدمی به پیوندجویی و همکاری نزدیک و لذت‌بخش با فردی که به وی شباهت داشته باشد یا او را دوست بدارد، نیازمند است.^۵

نیاز عاطفی به جنس مخالف در جوانی به اوج خود می‌رسد. در آموزه‌های دینی، برآورده شدن این نیاز در چارچوب ازدواج توصیه شده است.^۶

دو. نیاز جنسی

یکی از مهم‌ترین نیازهای زیستی، ارضای غریزه جنسی است. بی‌گمان آنچه می‌تواند به این نیاز اساسی پاسخ گوید، ازدواج است. اگر این نیاز و نیاز عاطفی به طریقی جز ازدواج پاسخ داده شود، دختران و پسران با آسیب‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. در این بخش به انواع ارتباط با جنس مخالف پرداخته شده و مهارت‌های لازم برای مدیریت این رابطه بیان می‌گردد.

۱. احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۲۸.

۲. آبراهام هرولد مزلو (متولد ۱۹۰۸ م) روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی، مبدع نظریه «سلسله مراتب نیازهای انسانی» است. او را پدر روان‌شناسی انسان‌گرا می‌شناسند.

3. Abraham (Harold) maslaw.

۴. (متولد ۱۹۳۴ م) شولتز، پروفسور روان‌شناس آمریکایی، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۴۹.

5. Duane P.Schultz.

۶. اصل مهم در دیدگاه موری (متولد ۱۸۹۳ م) وابستگی فرایندهای روان‌شناختی به فرایندهای فیزیولوژیکی است. او به عنوان مرد بزرگ شخصیت‌شناسی مطرح است.

7. Henry munry.

۸. همان، ص ۲۳۲.

۹. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از [جنس] خودتان برای شما آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. (روم: ۲۱: ۲۰)

ارتباط با جنس مخالف

روابط دختران و پسران را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: «روابط اجتماعی»، «روابط عاطفی با رعایت مرزهای اخلاقی»، «روابط عاطفی-جنسی» و «روابط آزاد».

یک. روابط اجتماعی

در روابط اجتماعی با جنس مخالف، مرزهای مشخصی رعایت می‌شود. از این رو دختر و پسر در این نوع روابط:

۱. در مورد مطالب علمی یا اجتماعی گفتگو می‌کنند و با یکدیگر تبادل اطلاعات دارند؛

۲. به محیط خلوتی که امکان ورود دیگران نباشد، نمی‌روند؛

۳. حریم یکدیگر را رعایت می‌کنند؛

۴. ارتباط پنهانی ندارند؛

۵. در مورد خود، اطلاعات چندانی ردوبدل نمی‌کنند؛

۶. موضوع صحبت‌هایشان درباره هدف رابطه است؛

۷. از کلمات عاطفی استفاده نمی‌کنند و رابطه آنها کاملاً رسمی و از نوع «من و او» است،

نه «من و تو»؛

۸. ارتباطشان فراتر از محدوده درس یا کار مشخص شکل نمی‌گیرد. (مثلاً مرد و زن

نامحرم برای جلسات مربوط به کار، در منزل شخصی وعده ملاقات نمی‌گذارند)؛

۹. اگر احساس کنند دیگری رابطه را به هوس آلوده ساخته، ارتباط را قطع می‌کنند.

دو. روابط عاطفی با رعایت مرزهای اخلاقی

در این نوع رابطه، دختر و پسر به هم علاقه دارند، به گونه‌ای که وقتی یکدیگر را نمی‌بینند،

دلشان برای یکدیگر تنگ می‌شود؛ اغلب به هم فکر می‌کنند و خواهان آن هستند که

همواره با هم باشند و حتی به ازدواج می‌اندیشند. این نوع رابطه به دلیل داشتن مرزهای

اخلاقی، ویژگی‌هایی دارد که آن را از رابطه ناسالم متمایز می‌سازد؛ از جمله:

۱. در طول رابطه، فرد نسبت به طرف مقابل احساس مسئولیت می‌کند؛ حال آنکه در

رابطه ناسالم، فرد فقط به فکر خود و نیازهای خویش است.

۲. در طول ارتباط، رفتارهای دو طرف نمایشی نیست و هر فرد شخصیت واقعی خود را بروز می‌دهد، اما در رابطه ناسالم رفتارها نمایشی بوده و برای جلب طرف مقابل انجام می‌پذیرد.

۳. در این رابطه هر مقدار زمان بگذرد، هر دو طرف برای ارتباط با یکدیگر مرزهایی قائل‌اند و آن را رعایت می‌کنند. در رابطه سالم عاطفی هر دو به ازدواج با یکدیگر می‌اندیشند و مقدمات آن را فراهم می‌سازند؛ درحالی‌که رابطه ناسالم با گذشت زمان به سمت رابطه عاطفی-جنسی سوق پیدا می‌کند.

مهارت‌های رفتاری در روابط عاطفی با جنس مخالف

اگر احساس کردید نسبت به فردی از جنس مخالف خود علاقه مند شده‌اید:

۱. با وجود کشش شدید امیال نفسانی، حریم الهی را در روابط با او پاس دارید و به این دو روایت رسول خدا ﷺ توجه داشته باشید:

خداوند به جوانی که بندگی [خدا] می‌کند، بر فرشتگان مباحثات می‌کند و می‌گوید: بنده مرا بنگرید که به خاطر من از تمایلات نفسانی خود چشم پوشیده است.^۱

هرکه عاشق شد و عشق خویش را کتمان کرد و عفت پیشه ساخت و صبر نمود، خداوند او را آمرزیده، داخل بهشت خواهد کرد.^۲

۲. برای پرهیز از وابستگی:

یک. احساس خود را بروز ندهید؛

دو. با یکدیگر تعامل کاری نداشته باشید؛

سه. نگاه و رفتار خود را کنترل کنید؛ زیرا احساسات بدون کلام نیز انتقال می‌یابد؛

چهار. برای حفظ شخصیت و احترام خود به‌گونه‌ای رفتار نکنید که او حس کند شما

اهل روابط ناسالم هستید؛

پنج. اگر فکر می‌کنید او فردی مناسب برای ازدواج شماست، اگر پسر هستید، مستقیماً یا

با واسطه، و اگر دختر هستید، با کمک فردی امین و باتجربه نظر او را در مورد ازدواج جویا

۱. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ: أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِ. (پابنده (مترجم)، نهج الفصاحه، ص ۳۰۳، ح ۷۳۶)

۲. مَنْ عَشِقَ وَكَتَمَ وَعَفَّ وَصَبَرَ، عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ. (بهایی، منهاج النجاح، مقدمه ۲، ص ۸۷)

شوید؛ چه بسا او قصد دارد با دیگری ازدواج کند، یا به هر دلیل مایل به ازدواج با شما نیست. این امر کمک می‌کند تا گرفتار سردرگمی نشوید و بیهوده ذهن و روانتان فرسوده نگردد.

۳. اگر درگیر رابطه عاطفی با جنس مخالف شده‌اید، خویشتن‌داری و رعایت مرزهای اخلاقی را فراموش نکنید. خویشتن‌داری به معنای سرکوب نیاز نیست، بلکه به معنای مدیریت نیاز است تا ارضای آن به تعویق افتد و در موقعیت مناسب به شیوه‌ای درست ارضا شود. اساساً یکی از عوامل موفقیت افراد به تأخیر انداختن لذت آنی برای دستیابی به لذت پایدار و آینده‌ای روشن است.

۴. در صورتی که جنس مخالف از شما تقاضای غیر اخلاقی داشت:

یک. با جرئت و قاطعیت، مؤدبانه مرزهای اخلاقی در روابط را متذکر شوید.

دو. واکنش قاطع خود را فوراً ابراز کنید تا طرف مقابل قطع امید کند.

سه. بر این واکنش مداومت داشته باشید.

چهار. موقعیتی را که او در آن به شما فشار می‌آورد، ترک کنید.

۵. چنانچه از طریق گفتگوی اینترنتی و یا فضای مجازی با کسی آشنا شده و قصد

ازدواج با او را دارید:

یک. مراقب باشید که بسیاری از اطلاعات داده شده ممکن است واقعیت نداشته باشد؛

دو. بکوشید گفتگوی شما از حوزه ادب و عقل خارج نگردد و احساسات شما نیز کنترل شده

باشد؛

سه. ارتباط خود را در قالب خواستگاری رسمی شکل دهید و با دیدار حضوری او و

خانواده‌اش، اطلاعات خود را واضح سازید.

توجه داشته باشید که دوستی با جنس مخالف از طریق اینترنت یا فضای مجازی

ممکن است مشکلاتی از این دست را برای شما فراهم سازد:

یک. از آنجاکه ایمیل‌ها و پیامک‌های شما نزد طرف مقابل ثبت شده است، در صورتی که

قطع رابطه را لازم بدانید، با تهدید او به رسوایی مواجه خواهید شد.

دو. در موارد بسیاری، هردو یا یکی از شما به دیگری دل بستگی شدیدی پیدا می‌کنید،

ولی زمانی که با او ملاقات می‌کنید، با مشاهده ظاهر او یا رفتارش، واقعیت او را با شخصیت

مجازی‌اش بسیار متفاوت می‌بینید و به همین دلیل دچار ضربه روحی می‌شوید.

سه. گاهی پس از تعلق خاطر به طرف مقابل و هنگام شناخت واقعیت، او را برای ازدواج مناسب نمی بینید، ولی به دلیل ترحم یا ترس از نفرین او یا به خاطر تهدید او به خودکشی یا آزار او یا ... به ازدواجی نامناسب تن داده، آینده خویش را تباه می سازید.

۶. اگر هم زمان فرد دیگری نیز به محبوب شما دلبسته است توجه داشته باشید که شما مالك محبوبتان نیستید و او حق دارد که خودش همسرش را انتخاب کند و اگر با دیگری ازدواج کرد شما حق ندارید وارد حریم خصوصی او و همسرش شوید.

۷. در صورتی که فردی - با وجود وعده هایش - به شما بی وفایی کرد و از ازدواج با شما سر باز زد، شکست عاطفی خویش را مدیریت کنید و نگذارید عواطف و احساسات، امید به زندگی و رشد و کمال را در شما ضعیف سازد. این کلام خدا را به یاد داشته باشید:

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ!

و چه بسا از چیزی ناخشنودید و آن برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است.

در شکست عاطفی، به تناسب میزان ارتباط و طول مدت آن، حالات روانی شما متفاوت خواهد بود. هر میزان که تغذیه عاطفی شما از طرف مقابل شدیدتر و طولانی تر باشد، قطع رابطه برای شما سخت تر خواهد بود. از همین رو، شما به زمان بیشتری برای تسلط بر اوضاع روانی خود نیاز دارید.

۸. اگر به این نتیجه رسیدید فردی که به او دل بسته اید، صلاحیت همسری شما را ندارد، هرچه زودتر رابطه خود را قطع کنید. برای قطع رابطه با جنس مخالف باید: یک. بدانید فراموشی فردی که به او دل بسته بودید، نیاز به زمان دارد. از این رو به خودتان فرصت دهید.

دو. همیشه به خودتان یادآوری کنید که چه بسا در ازدواج با او خوشبخت نمی شدید و شاید برخی خصوصیات اخلاقی منفی و ناشناخته او، زندگی را بر شما تلخ می ساخت؛ شاید فرزندی معیوب حاصل ازدواج شما می شد یا شاید ...

سه. از نگاه کردن به او، حرف زدن با او، رد و بدل کردن پیامک یا نامه های الکترونیکی، و هر آنچه احساسات شما را شعله ور می سازد، بپرهیزید.

چهار. رابطه را به صورت ناگهانی قطع کنید. قطع تدریجی رابطه، احتمال برقراری مجدد آن را بالا می‌برد.

پنج. قبل از بیان تصمیم به قطع رابطه، همه واکنش‌ها و پاسخ‌های طرف مقابل را پیش‌بینی و برای آن جوابی آماده کنید تا هم ذهن خودتان هنگام صحبت کردن آماده‌تر باشد و هم آسان‌تر رابطه قطع شود.

شش. هرگز به محیط‌هایی که احتمال حضور او وجود دارد، نروید. از هرچه ممکن است شما را به یاد او بیندازد، پرهیز کنید؛ از خانواده او، دوستان مشترکتان، ایمیل یا تلفن او. هفت. حتماً ویژگی‌هایی منفی از او دیده‌اید. هرگاه ذهن شما به او مشغول شد، به آن ویژگی‌های منفی بیندیشید و به خویش‌تن بگویید: او شایسته من نبود.

هشت. پس از شکست در عشق، تحریک‌پذیر می‌شوید؛ بی‌قراری می‌کنید؛ به درون خود پناه می‌برید؛ خاطرات گذشته دائماً در ذهن شما مرور می‌شود و احساس ناامیدی می‌کنید. نگران نباشید! این مراحل خاتمه می‌یابد و می‌توانید دوباره زندگی پرامیدی را آغاز کنید.

پس از رویارویی با شکست در عشق، ابتدا شوک زده می‌شوید و دوست دارید واقعیت را انکار کنید. پس از آنکه واقعیت را تغییرناپذیر می‌یابید، خشمگین می‌شوید. گاهی ممکن است به هر وسیله‌ای حتی با لگدمال کردن عزت نفس خود، با محبوب خود چانه‌زنی کنید و او را به ادامه رابطه وادار نمایید. پس از آنکه به قطع رابطه کاملاً یقین کردید، مدتی افسرده خواهید بود، ولی با پذیرش واقعیت، اندک‌اندک وارد مرحله جدیدی از زندگی خواهید شد. برای گذر موفق از این مرحله، اقدامات زیر انجام دهید:

۱. خشم خود را عاقلانه تخلیه نمایید. همچنین با خداوند رازونیز کنید. او شنونده خوبی است و به شما کمک خواهد کرد. پس از رازونیز عمیق با خدا، احساس سبکی خواهید کرد.

۲. احساسات خود و آنچه را برای شما اتفاق افتاده، بر روی کاغذ بنویسید. پس از خواندن آن آرامش یافته و قدرت تحلیل شما نسبت به آنچه پیش آمده، قوی‌تر خواهد شد. بعد از مدتی نوشته‌های خود را محو کنید.

۳. برای بیرون آمدن از تنهایی، بیشتر در جمع خانواده و دوستان دلسوزتان - که شما را درک می‌کنند - باشید تا خلأ عاطفی شما با حمایت‌های صمیمی آنها جبران شود.

۴. پس از شکست عشقی معمولاً افراد احساس می‌کنند توانایی محبوب شدن را ندارند و از همین رو نسبت به خود نگرش منفی پیدا می‌کنند. ویژگی‌های مثبت خود را در برگه‌ای بنویسید و آنها را مرور کنید. عظمت خود را دریابید و انرژی کافی برای بازسازی خود پیدا کنید.

۵. از آنچه پیش آمده، برای شناخت بیشتر خود استفاده کنید. نقاط ضعف خود را بررسی و برای اصلاح آن تلاش کنید.

۶. در دفترچه یادداشت خود فهرستی از موضوعاتی را که اندیشیدن به آنها برای شما لازم یا مسرت‌بخش است، بنویسید. هرگاه فکر او به ذهنتان آمد، سراغ دفترچه خود بروید و به یکی از آن موضوعات بیندیشید.

۷. هرگاه ذهن شما ناخودآگاه به او مشغول شد، بگویید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم». آنگاه وضعیت خویش را تغییر دهید و مشغول به کار مثبت و جدیدی شوید. یازده. روابط دوستانه خود را با بستگان و دوستان خوب خود بیشتر کنید. دوازده. با افراد باایمان، فعال و بانشاط دوست شوید و دوستی خود را با آنان تقویت کنید.

سیزده. از تنهایی بپرهیزید؛ زیرا وسوسه و فکر او بیشتر سراغ شما خواهد آمد. چهارده. از خداوند بخواهید آنچه موجب خوشبختی شماست، نصیب شما سازد. پانزده. سعی کنید برای ازدواج با فردی که مطلوب خود می‌دانید، اقدامات مطلوب را انجام دهید.

شانزده. این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در برگه‌ای یادداشت کنید و در جلوی دیدگان خود قرار دهید:

هرکس به آنچه از دستش رفته، امید نداشته باشد، آسوده است و هرکس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده، خرسند باشد، شادمان می‌گردد.^۱

۹. اگر متوجه شدید که باید ارتباط با جنس مخالف خود را قطع کنید و او شما را به آبروریزی تهدید کرد، نگران نباشید؛ زیرا در صورت طرح هر مسئله‌ای، آبروی خود او نیز

۱. از شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌برم.

۲. صدوق، الأمالی، ص ۲۲۵ و ۳۹۳.

در خطر خواهد بود، زمانی که قطع رابطه از طرف شما باشد، این نشانه پاکی شماست و دیگران نیز نظر مثبتی درباره شما می‌یابند. اعتماد به نفس داشته باشید و به سخنان و رفتارهای او اهمیتی ندهید. توجه داشته باشید اگر به هر دلیل در مقابل تهدیدهای او سستی نشان دهید، او با مشاهده تأثیر رفتارش، بر دامنه تهدیدهای خود خواهد افزود.

۱۰. از ارتباط مداوم با جنس مخالف به امید ازدواج در آینده بپرهیزید زیرا:

یک. کشش‌های غریزی پسران و وابستگی عاطفی دختران در دوستی با جنس مخالف گاهی سبب می‌شود این روابط به روابط جسمی و نهایتاً جنسی منجر شود. از آنجاکه این رابطه تعهدآور نیست، در موارد فراوانی به ازدواج منجر نمی‌شود؛ این امر آسیب‌های فراوانی به دنبال خواهد داشت.

دو. اگر با شما ازدواج نکند، سبب سرخوردگی شما خواهد شد و شما احساس می‌کنید تحقیر شده‌اید.

سه. اگر پس از مدت‌ها دوستی و ارتباط با فردی به این نتیجه رسیدید که ازدواج با او به مصلحت شما نیست و این رابطه را قطع کردید، دچار عذاب وجدان خواهید شد؛ چه بسا او به شما دل بسته است و قطع این دل بستگی، او را دچار آسیب شدیدی خواهد کرد.

چهار. اگر در آینده با فرد دیگری ازدواج کنید:

الف) گاهی اوقات در زندگی شما مشکلاتی ایجاد خواهد شد. برای مثال، چه بسا او با ارائه مدارکی از روابط دوستانه شما با خود (پیامک‌ها، نامه‌های الکترونیکی، عکس، نامه و ...) همسر شما را نسبت به شما بدبین کند.

ب) معمولاً احساس می‌کنید به همسرتان خیانت کرده‌اید؛ چراکه در گذشته، قلب و ذهن خود را در اختیار فرد دیگری قرار داده بودید.

ج) همسر آینده شما برای شما جذابیت لازم را نخواهد داشت؛ زیرا آن‌دو را با هم مقایسه می‌کنید و به هر حال، برخی ویژگی‌های مطلوب فرد اول را در دومی نمی‌یابید. افزون بر این، قلب لطیف‌تر از آن است که هر چند وقت یک‌بار شیفته یکی گردد. عشق اولین، تکرار نخواهد شد.

پنج. در صورتی که او نیز ازدواج کند، احساس می‌کنید به همسر آینده او خیانت کرده‌اید. شش. دختران به یاد داشته باشند در تمامی آن ایامی که به امید ازدواج با فردی،

خواستگارهای متعدد خود را رد کردند، فرصت‌های طلایی ازدواجی پاک را از خود سلب کرده‌اند.

۱۱. اگر فردی به شما وعده ازدواج داد، از او بخواهید تا به‌طور رسمی مقدمات ازدواج را فراهم سازد مثلاً اگر پسر است به خواستگاری بیاید؛ زیرا چه بسا امکان ازدواج با او به دلایلی همچون مخالفت خانواده او یا مخالفت شما وجود نداشته باشد. حال اگر فردی واقعاً خواهان ازدواج با شما باشد، فرصت را از دست نخواهد داد و موانع را برطرف خواهد کرد؛ به خصوص اگر دریابد که او را در رفع مشکلات ازدواج همراهی خواهید کرد.

۱۲. اگر قصد ازدواج با فردی را دارید، هرچه زودتر اقدام به خواستگاری نمایید و پس از توافق طرفین، ازدواج کنید و بدانید تا زمانی که عقد ازدواج خوانده نشود، امکان دارد او با دیگری ازدواج کند.

سه. روابط عاطفی-جنسی

معمولاً رابطه عاطفی دختر و پسر در دو خط موازی پیش نخواهد رفت و کشش شدید آنها نسبت به هم، گرایش به سمت رابطه جسمی را ایجاد خواهد کرد که در شدیدترین حالت به رابطه جنسی منجر خواهد شد. گاهی نیز فرد به‌خصوص دختر با تصور اینکه می‌توان با رابطه جنسی، طرف مقابل را متعهد به ازدواج کرد، به این رابطه تن می‌دهد. معمولاً این رابطه جنسی سبب افزایش وابستگی عاطفی آن دو نسبت به هم خواهد شد، ولی از آنجاکه این رابطه تعهدآور نیست، معمولاً به ازدواج منجر نمی‌شود و در آخر یکی از طرفین در برخورد با گزینه‌های مناسب‌تر یا در رویارویی با موانع، دوست عاطفی-جنسی خود را رها می‌سازد. این امر به‌خاطر رابطه جنسی و نیز قطع رابطه عاطفی، آسیب‌های فراوانی را به هر دو به‌ویژه دختر وارد می‌سازد. برخی از جوانان نیز گمان می‌کنند حال که قرار است با هم ازدواج کنند، می‌توانند با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند؛ حال آنکه برخی از افرادی که ازدواج کرده و تعهد قانونی و رسمی زندگی مشترک را پذیرفته‌اند، به این رابطه وفادار نمانده‌اند، چه رسد به آنکه بدون تعهد رسمی و قانونی با یکدیگر رابطه داشته باشند. افزون‌براین، رابطه جنسی انگیزه مرد را برای ازدواج و پذیرفتن مسئولیت آن شدیداً کاهش می‌دهد.

هرچند دوستی با جنس مخالف، شادمانی، هیجان و لذت کوتاه مدت به دنبال دارد، با توجه به زیان های آتی این نوع رابطه، عقل سلیم حکم می کند به دلیل هزینه زیاد این روابط در مقابل فایده اندک آن، این دوستی ایجاد نشود. برخی از این زیان ها را می توان چنین برشمرد:

۱. ایجاد اختلال در تمرکز فکری: روابط با جنس مخالف می تواند تمرکز فکری فرد را به هنگام فعالیت های جدی مختل کند. یکی از عوامل مهم اُفت تحصیلی دانشجویان، گرفتاری در وابستگی عاطفی به جنس مخالف است.

۲. ایجاد ناراحتی های روحی: این نوع روابط در ماه های اولیه همراه با هیجان و شادی است، ولی پس از چند ماه، نگرانی نسبت به آینده این روابط و احساس حقارت از اینکه شخص با زیچه امیال دیگری شده است، سبب ناراحتی های روحی و روانی هر دو یا یکی از آنها می شود. ۳. کاهش شانس ازدواج موفق: دختران و پسرانی که سابقه دوستی با جنس مخالف دارند، معمولاً شانس کمتری برای ازدواج موفق خواهند داشت. این ضایعه برای دختران بیشتر است؛ چراکه بیشتر پسرانی هم که با دختران متعدد رابطه داشته اند، به هنگام ازدواج به سراغ دخترانی می روند که هرگز با مردی دوست بسیار نزدیک نبوده اند.

۴. افزایش ازدواج های ناپایدار: در این دوستی ها، روابط دختر و پسر بیشتر براساس جاذبه های ظاهری شکل می گیرد، نه برپایه همتایی بین طرفین که شرط اساسی یک ازدواج موفق است. از سوی دیگر، ارتباط عاطفی دو جنس به وابستگی ختم می گردد و نقص ها دیده نمی شود؛ اما وقتی هیجانان فروکش کند، نقص ها نمایان شده، به کاهش رضایت مندی زناشویی و اختلافات خانوادگی می انجامد. به همین دلیل، طبق برخی تحقیقات صورت گرفته در آمریکا، از هر صد ازدواج عشقی، نود و سه مورد آن با شکست دردناک مواجه شده است. در فرانسه نیز عمر متوسط هر ازدواج عشقی، سه ماه و نیم است.^۱

۵. آسیب به دختران: در این دوستی ها معمولاً عشق با هوس، یکی دانسته می شود. عشق، همراه با احترام، اعتماد، تعهد، صمیمیت، گذشت، یاری و درک و همدلی است،

۱. کی نیا، مبانی جرم شناسی، ج ۲، ص ۸۰۸.

اما در هوس رانی، ابراز محبت‌ها به هیچ رو عمیق نیست و فرد تنها به دنبال رابطه جنسی است. از این رو در بسیاری از این دوستی‌ها هرچند انگیزه اولیه روابط دوستانه بوده است، بزرگ‌ترین گوهر وجودی دختر به یغما می‌رود و عفت او لکه دار می‌گردد.

۶. ارتکاب گناه: این روابط حرام و گناه‌آلود است. لذت گناه می‌رود، ولی عقاب و عذاب خداوند باقی می‌ماند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای مردم! تقوا پیشه سازید؛ زیرا صبر بر تقوا آسان‌تر از صبر بر کیفر الهی است»^۱.

♦ برای مطالعه بیشتر^۲

کازمارک و بک لند در سال ۱۹۹۱ م. در مقاله‌ای با عنوان «سوغ محرومیت؛ گسسته شدن پیوند عاشقانه یک نوجوان»، با استناد به چند بررسی علمی نشان دادند که وقتی رابطه عاطفی دو نفر قطع می‌شود، هردو دچار حالاتی شبیه داغ‌دیدگی و سوگ می‌شوند که شدت این مسئله برای دختران بیشتر است. اُفت تحصیلی، بروز مشکلات جسمی، بی‌توجهی به لباس و ظاهر، کنار کشیدن از مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، تنها ماندن در اتاق خود، گوش دادن به موسیقی‌های غم‌انگیز و هم‌زمان اشتغال ذهنی به فرد سابق، از بارزترین نمونه‌های واکنش به جدایی است.

بلسک و باس^۳ در سال ۱۹۹۴ م. با بررسی ۱۲۱ دانش‌آموز دبیرستانی دریافتند کسانی که مدت زیادی با یک یا چند نفر از جنس مخالف پیوند عاطفی برقرار می‌کنند، دچار کاهش عزت نفس می‌شوند.^۴

تحقیقات جونیر و اودری^۵ در سال ۲۰۰۰ م. نیز نشان داد که علایم افسردگی در دختران و پسرانی که درگیر رابطه‌های عاشقانه هستند، افزایش می‌یابد.^۶

ابی. ال‌فروث^۷، روان‌شناس آمریکایی در سال ۲۰۰۷ م. با مطالعه طولی بر روی ۱۳۱۶ نوجوان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله نشان داد که داشتن رابطه عاطفی و عاشقانه با

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف‌المقول، ص ۲۲۰.

۲. بنگرید به: گلزاری، ارتباط آگاهانه با جنس مخالف، ص ۴۰-۳۱.

3. A. L. Bleske. & D. M Buss.

4. Bleske, & Buss, "Can men and women be just friends?", *Personal relationships*, No. 7, p. 131 - 151.

5. Jonior & Odir.

6. Joyner, & udry, "you don't bring me anything but down: Adolescent romance and depression", *Journal of health and Social Behavior*, No. 41, p. 369 -391.

7. Ebi. Lfroth.

جنس مخالف، اعتماد به نفس را کاهش و افسردگی را افزایش می‌دهد. البته دختران بیش از پسران به افسردگی دچار می‌گردند و پسران نیز بیش از دختران با کاهش سطح اعتماد به نفس روبه‌رو می‌شوند.

همچنین تحقیقی دیگر نشان داد که در یک نمونه مختلط دختر و پسر، ۵۹ درصد دختران قربانی خشونت فیزیکی و ۹۶ درصد قربانی خشونت روانی شده و ۱۵ درصد نیز اجبار برای انجام عمل جنسی را تجربه کرده‌اند.^۱

هازنبدز^۲ از قرار ملاقات گذاشتن انتقاد کرده است؛ چراکه پیامد آن ایجاد روابط سطحی است. قرار ملاقات گذاشتن‌های چندگانه (قرار با تعداد زیادی از افراد در یک زمان) به دلیل سطوح پایین درگیری در روابط، موجب پایان یافتن آن می‌شود و به همین دلیل از تحول روابط هیجانی معنادار جلوگیری می‌کند. او معتقد است این زنجیره به تعارض در روابط عشقی و ناپایداری در ازدواج می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای دوستی با جنس مخالف، وادار شدن ناخواسته و اجباری به برقراری رابطه جنسی است. این پدیده که صحنه به‌ظاهر دلپذیر و صمیمانه دوستی را به عرصه آسیب‌رسان فشار و دشمنی تبدیل می‌کند، یکی از بارزترین گونه‌های خشونت در جامعه مدرن معاصر است.

تا پیش از سال ۱۹۸۰ م. تصور می‌شد که تجاوز همیشه از سوی بیگانه‌ای منحرف صورت می‌گیرد که ناگهان به زنی حمله می‌نماید و با خشونت، نیاز جنسی خود را - که پیامد ناکامی است - برطرف می‌کند؛ اما از آن زمان به بعد، مطابق برخی پژوهش‌ها در آمریکا و اروپا اعلام شد که در جامعه، نوع دیگری از تجاوز رایج است که تجاوزگر و قربانی، یکدیگر را به خوبی می‌شناسند و مدت‌ها با هم پیوند دوستی دارند. از آن تاریخ، اصطلاح «تجاوز در قرار عاشقانه»^۳ یا عبارت جامع‌تر و فراگیرتر «تجاوز آشنا»^۴ بر سر زبان‌ها افتاد و به مقاله‌ها و کتاب‌های علمی آن کشورها راه یافت.

امروزه پژوهشگران به‌سختی می‌پذیرند که تجاوزهای جنسی و از جمله تجاوز آشنایان به علت ناکامی جنسی یا شرور بودن متجاوزان باشد؛ زیرا معلوم شده است که بیشتر مرتکبان این کار نه محرومیت جنسی دارند و نه از افراد دیگر خلاف‌کارتر هستند. پسران خوب و نجیب و قابل اعتماد نیز در موقعیت‌های خاص قرارهای عاشقانه، از نظر شهوانی تحریک می‌شوند و دوست جنس مخالف خود را به تماس‌های جنسی وادار می‌کنند. مهم‌ترین این موقعیت‌ها ناشی از دیدن فیلم‌های جنسی، قرار گرفتن در مکان خلوت

1. James, West, Deters, & Armijo, "Youth dating violence". *Adolescence*, No. 35, p. 454 - 465.

2. Hozenbbeds.

3. Date rape.

4. Date acquaintance.

و پوشش نامناسب دختر یا حرکات تحریک‌کننده اوست. افزون بر این، طول کشیدن مدت دوستی و تبدیل شدن رابطه انفاقی ابتدایی به رابطه‌ای پایدار و نیز سوء تعبیرهای ارتباطی و برداشت نادرستی که دو طرف از رفتارهای غیرکلامی یکدیگر دارند نیز می‌تواند موجب بروز خشمونت و تجاوز در روابط عاشقانه شود.

بررسی‌های انجام یافته در ایران نیز نشان می‌دهد در این دوستی و ارتباط با جنس مخالف، آسیب‌هایی جدی متوجه هردو یا یکی از آنها شده است. برای نمونه، در سال ۱۳۸۰ در جامعه آماری تصادفی از بین دختران و پسران دبیرستانی در چهار شهرستان، دو هزار دانش‌آموز به سه پرسش‌نامه درباره «رابطه با جنس مخالف»، «سلامت روان» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد نوجوانانی که با جنس مخالف، دوستی و ارتباط دارند، به‌طور معناداری نسبت به نوجوانان بدون ارتباط، دارای نشانه‌های اضطراب، افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی بیشتری هستند و میزان دین‌داری آنها پایین‌تر است.

در سال ۱۳۸۲ از جمعیت ۶۲ هزار نفری دانش‌آموزان دختر و پسر یک شهرستان دیگر، ۳ هزار و ۲۰۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌هایی با محتوای «وضعیت ارتباط با جنس مخالف»، «سلامت روان»، «آسیب‌های روانی اجتماعی» (گرایش به خودکشی، فرار و...)، «رضایت از جنسیت»، «رضایت از ظاهر و روابط خانوادگی» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. در این تحقیق جامع، دانش‌آموزان از نظر وضعیت ارتباط با جنس مخالف، چهار گروه بودند:

۱. کسانی که در زمان انجام پژوهش با جنس مخالف ارتباط داشتند؛
 ۲. نوجوانانی که در آن زمان، ارتباط‌های پیشین خود را قطع کرده بودند؛
 ۳. دختران و پسرانی که به یک نفر از جنس مخالف علاقه داشتند، اما آن فرد از آن علاقه آگاه نبود؛
 ۴. کسانی که نه در گذشته و نه در حال، چه یک‌طرفه و چه دوطرفه، با جنس مخالف ارتباطی نداشتند.
- مجریان این نظرسنجی، «ارتباط» را این‌چنین تعریف کرده بودند: «دل‌بستگی عاطفی، همراه با تماس‌های پنهانی و دور از چشم خانواده».
- نتایج تحقیق نشان داد که گروه اول، از نظر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، تنش‌های روحی و ضعف اعتقادات و اعمال دینی، بدتر و پایین‌تر از بقیه بودند.
- گروه دوم از نظر آسیب اجتماعی و ضعف دین‌داری در رتبه دوم قرار داشتند.
- گروه سوم از نظر اخلاقی و دینی وضعیت خوبی داشتند، اما از نظر روانی از نشانه‌های افسردگی رنج می‌بردند.
- گروه چهارم از همه جهات، یعنی سلامت روان، سلامت اخلاق و پایبندی به باورهای دینی در رتبه بالاتری بودند.

چهار. هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج

امروزه در جوامع غربی نوعی از روابط کم‌و‌بیش پایدار بین زن و مرد رواج یافته که عبارت است از هم‌خانگی یا زندگی مشترک زن با مرد بدون ازدواج.

آندرا میشل^۱ در گزارش یونسکو اعلام می‌کند:

شمار فزاینده‌ای از مردان و زنان، بیرون از قاعده ازدواج زندگی مشترکی دارند. این حالت در اروپا بیشتر مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در فرانسه ۱۰ درصد از زوجها (حدود یک میلیون زوج) این‌گونه‌اند. در نروژ و دانمارک نیز از هر ۱۰ زوج، ۳ تا ۴ نفر زندگی مشترک بدون ازدواج دارند.^۲

عواملی چند سبب رواج این سبک زندگی است؛ از جمله آزادی روابط جنسی، کاهش نظارت والدین بر رفتار جنسی فرزندان، ایدئولوژی استقلال فردی و عدم تعهد نسبت به دیگران، نداشتن جنبه رسمی و قانونی این نوع زندگی که امکان ارضای جنسی غیرمتعهدانه را فراهم می‌آورد و نیز مدارای بیشتر مالکان خانه‌های استیجاری در مورد اسکان زوج‌های هم‌خانه.^۳

این هم‌زیستی زن و مرد بدون پیوند ازدواج، در واقع یک رفتار نامشروع^۴ است که با زیرپا گذاشتن چارچوب‌های دینی و عرفی، مسئولیت‌پذیری مشترک را نادیده گرفته و عامل تولد فرزندان نامشروع بسیاری نیز می‌شود.

در این نوع زندگی معمولاً اعتماد و صداقت ضعیف است و به رابطه جنسی، جدای از صمیمیت و اعتماد نگاه می‌شود. در درازمدت نیز در ایام میان‌سالی در مواجهه با هزینه‌های روانی فراوانی که پرداخته و فرصت بهره‌مندی از خانواده‌ای گرم و صمیمی را از دست داده‌اند، دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند.

اندیشمندان غربی معتقدند: این شیوه زندگی به هیچ‌روی برای بروز عواطف اصیل

۱. (متولد ۱۹۱۰ م. در فرانسه) نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان.

2. Andre Michelle.

۳. فرهنگد و بختیاری، فمینیسم و خانواده؛ واگردهای فمینیستی در ازدواج، ص ۱۴۱.

4. Allan and Crow, *Families, Households, and Society*, p. 66 - 68.

۵. برخی عنوان «زنای رایگان» را به این نوع رابطه اطلاق می‌کنند. مطابق مواد ۸۳ و ۸۸ قانون مجازات اسلامی ج.ا.ا. نیز ارتباط جنسی زن و مرد خارج از پیوند ازدواج مجازات دارد.

و عمیق بین زن و مرد و پرورش صحیح فرزندان (به عنوان اهداف مهم ازدواج) زمینه مناسبی فراهم نمی‌آورد؛ چراکه بی‌ثباتی و ناپایداری از ویژگی‌های اصلی آن است. در ضمن از آنجاکه این رابطه معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، میان زن و مرد الفتی از نوع الفت در ازدواج به وجود می‌آید (البته همراه با انحصارطلبی)، اما چون در این نوع رابطه، شریک جنسی می‌تواند هر زمان که بخواهد به زندگی مشترک خاتمه دهد، هر دو طرف همواره در حالت اضطراب و نگرانی و احتمالاً بدبینی نسبت به یکدیگر به سر می‌برند. از این رو احساس رضایت عاطفی در میان آنها بسیار کمتر از احساس رضایت در میان زن و شوهرهاست.^۱ دانشمندان روزبه‌روز بیشتر به این نتیجه می‌رسند که هم‌خانگی یا همزیستی بدون ازدواج در واقع جایگزینی برای مجرد بودن است و نمی‌تواند جانشین ازدواج گردد.^۲

پنج. روابط آزاد

این روابط به معنای روابط جنسی براساس میل و اراده خود فرد و رضایت طرف مقابل است و به جز رضایت دختر و پسر، محدودیت دیگری را نمی‌پذیرد. از این رو، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج پذیرفته می‌شود. این ارتباط، هم می‌تواند همراه با وابستگی عاطفی طرفین به یکدیگر باشد و هم می‌تواند همراه با تعلق عاطفی نباشد. این نوع روابط پیامدهای آسیب‌زای فراوانی دارد که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. آسیب‌های روانی: زیاده‌روی در ارضای غریزه جنسی نه تنها باعث ارضای کامل نمی‌شود، بلکه آسیب‌زا نیز خواهد بود. به تعبیر شهید مطهری: «در این مورد هرچه عرضه بیشتر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد».^۳

از آنجاکه هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود و تقاضای نامحدود، خواه‌ناخواه انجام‌نشدنی است، همیشه نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها با آن همراه است که این به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌انجامد.^۴

۱. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۶۲.

۲. بنگرید به: ویلسون، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، به نقل از: کیووپلسون، مشکل ازدواج.

۳. مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۱۳.

۴. همان، ص ۸۷-۸۴.

۲. آسیب رسیدن به زنان عفیف: بیشترین آسیب‌های ارتباط آزاد متوجه زنان است. خانم جینا لمبروزو،^۱ روان‌شناس معروف ایتالیایی می‌گوید:

اینکه گفته شود غرایز جنسی آزاد گذاشته شود و هرکس که مشتاق لذات و هوس‌رانی است، در پیروی از امیال خویش افسارگسیخته گردد، اگرچه در ظاهر مطلوب است، ولی برای زنان آسیب‌زاست؛ چراکه زنان دلربا و فریبنده به‌آسانی قادر بر تصاحب شوهر دیگران می‌شوند و زنان پارسا شاهد از دست دادن همسران خود می‌گردند و سرانجام در این عالم، بین زنان پارسا و تبه‌کار فرقی نباشد. ارتباط آزاد، سعادت ناچیزی نصیب زنان مردنما می‌نماید و در عوض، آنهایی که دارای حس مادری و آرزوهای بلند اجتماعی هستند، از بین رفته و نابود می‌گردند. سزاوار نیست زنانی که درخور تحسین‌اند، به خاطر عده‌ای محدود فدا شوند. قوانین معمول ملل جهان نیز همین است که نباید مصالح اکثریت، فدای لذات قلیلی شود. تردیدی نیست که بهترین راه حل همان راهی است که پیشینیان انتخاب نموده‌اند؛ یعنی زناشویی.^۲

۳. کاهش ازدواج و محرومیت از منافع آن: ارتباط آزاد با جنس مخالف سبب کاهش ازدواج در جامعه خواهد شد؛ زیرا براساس منطق مبادله، هنگامی که افراد به راحتی و با صرف هزینه اندک، امکان رسیدن به اهداف موردنظر خویش را داشته باشند و بتوانند از این طریق خود را ارضا کنند، انگیزه زیادی برای جایگزینی شیوه‌های همراه با مسئولیت (همچون ازدواج) نخواهند داشت.^۳

الیزابت فاکس جنووز،^۴ کارشناس مسائل زنان، در بیان وضعیت آمریکا می‌گوید:

تعداد زیادی از زنان جوان، هرچند به اشتباه، از رابطه جنسی و تن دادن به آن - و نه خویشتن‌داری جنسی - برای شیفته و مجذوب کردن مرد استفاده کردند، افزایش چشمگیر تولد کودکان نامشروع و کاهش نرخ ازدواج، حاکی از محاسبه اشتباه این زنان است. اما زنان جوانی هم که پایبند به هنجارهای سنتی و قواعد اخلاقی بودند،

1. Gina Lombroso.

۲. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۱۵-۱۱۳.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۲۲.

4. Elizabeth fox Genovese.

وضع بهتری نداشتند؛ زیرا مردان با دسترسی آسان به زنانی که مخالفتی با رابطه جنسی قبل از ازدواج نداشتند، انگیزه خود را برای پذیرش تقاضای زنانی که رابطه جنسی را بهای ازدواج می‌دانستند، از دست دادند. تعجبی ندارد مردان جوانی که می‌توانند بدون ازدواج از رابطه جنسی برخوردار باشند، ازدواج را به تأخیر انداخته و یا به طور کلی از آن صرف نظر نمایند.^۱

در نتیجه بسیاری از مردان و زنان از لذت پیوند عاطفی با همسر و بهره‌مندی از آرامش حاصل از این مودت و محبت و همچنین از رسیدن به کمال و بالندگی محروم گشته‌اند.

۴. سردی روابط همسران: به دلیل عرضه گسترده جاذبه‌های جنسی زنان و سهولت ارضای جنسی مردان با هر زنی (مجرد یا متأهل)، روابط عاطفی بسیاری از زن و شوهرها سرد و کم‌رنگ شده است. در بسیاری از پیوندها از عشقی آتشین خبری نیست. مردان به اندک تمایلی جسم زن را در اختیار دارند و زنان لطف تمنای پررنج مرد را برای وصال با خود نمی‌چسند. پس از ازدواج نیز بسیاری از زن و شوهرها به انحصار روابط جنسی همسر خود با خویشتن اعتمادی ندارند؛ حال آنکه قوی‌ترین عامل در استحکام روابط همسران، اعتماد به همسر در وفاداری جنسی است.

مطالعه‌ای در آمریکا که بر روی بیش از ۷ هزار مرد و زن (یک بار در ۱۸ سالگی و بار دوم در ۳۸ سالگی آنها) صورت گرفت، نشان داد کسانی که تا پیش از ازدواج پاک‌دامنی خود را حفظ کردند، نسبت به بقیه افراد ۵۰ درصد کمتر در معرض «طلاق» قرار می‌گیرند. همچنین «میانگین درآمد» آنها ۲۰ درصد بیشتر از دیگران است و در زمینه «تحصیلی» نیز به مدارج عالی‌تری می‌رسند. در ضمن، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هرچه روابط جنسی قبل از ازدواج کمتر باشد، زندگی مشترک پایدارتر است و فرد نیز خوشبخت‌تر، سالم‌تر و موفق‌تر است. همچنین پژوهش‌ها ثابت می‌کند که رابطه جنسی در چارچوب زندگی مشترک از لحاظ فیزیکی و عاطفی، رضایت‌بخش‌تر از رابطه جنسی آزاد است.^۲

دکتر آیان کرنر^۳ - مشهورترین مشاور امور جنسی در آمریکا - خطاب به زنان می‌نویسد: «هرچه رابطه جنسی آزادتر باشد، رضایت و شادمانی عاطفی کمتری احساس می‌کنید.»

۱. جنووز، «زنان و آینده خانواده»، فصلنامه کتاب زنان، ص ۲۳۷.

۲. دموس، دختران به عفاف روی می‌آورند، ص ۴۲-۴۱.

جرج گیلدر^۱ نیز در سال ۱۹۷۳ م. یادآور می‌شود: «شواهد نشان می‌دهد مردان نیز وقتی ازدواج کرده، احساسات خود را یک‌جا متمرکز می‌کنند، زندگی بهتری دارند.» وندی شلیت^۲ می‌گوید:

از میان رفتن احساس شرم از رفتارهای نادرست جنسی موجب شده است که افراد، بیشتر دست به خشونت جنسی بزنند تا رفتارهای تعهدآمیز و عاشقانه. زوج‌ها به راحتی همدیگر را بدون اعتماد و با انزجار و حتی به‌گونه‌ای انتقام‌جویانه ترک می‌گویند. مادران تنها، فرزندان رهاشده، قلب‌های شکسته، بیماری‌های جنسی و هرج و مرج احساسات و همچنین سقط جنین، حاصل روابط جنسی مدرن است.^۳

۵. کاهش لذت جنسی: گرچه ارتباط آزاد، نیاز جنسی را برآورده می‌کند، استمرار این وضعیت و تجربه مکرر محرک‌های جنسی، آستانه تحریک جنسی را بالا برده، لذت جنسی واقعی را به مرور کاهش می‌دهد. در آموزه‌های دینی، نیز فحشا زایل‌کننده لذت جنسی معرفی شده است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: خود را به زنا آلوده نکنید که خداوند لذت همسران را از درون شما می‌زداید.^۴

۶. تنزل جایگاه زنان: در جوامعی که روابط آزاد با جنس مخالف شایع است، جایگاه بسیاری از زنان، از انسانی محترم به یک کالای جنسی عمومی تنزل می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که مردان به بسیاری از زنان به چشم یک کالا می‌نگرند تا از آن بهره‌برند و سپس او را رها کنند. تحقیقات نشان می‌دهد نگاه به فرد به‌عنوان ابزار جنسی می‌تواند منجر به نارضایتی از جسم خود، اختلال‌های غذایی، پایین آمدن عزت نفس، احساس افسردگی و حتی مشکلات جسمی در دختران و زنان جوان شود.^۵

۷. آسیب‌های مربوط به سلامت: در جوامعی که اخلاق مدرن جنسی گسترش یافته، معیار

1. George Gilder.

۲. وندی شلیت متولد ۱۹۷۵ م. در ایالت ویسکانسین آمریکاست. او که فارغ‌التحصیل رشته فلسفه از دانشکده ویلیامز است، سعی کرده با شواهد دقیق مشکلات ناشی از بی‌توجهی به عفاف را در جامعه آمریکا بررسی کند و به نقش اساسی عفاف در سلامت فرد و جامعه بپردازد.

۳. بنگرید به: فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، به نقل از: وندی، بازگشت به عفاف.

۴. لا تُزْنُوا فَيُذْهِبَ اللَّهُ لِيَدِّه نِسَاءَكُم مِّنْ أَجْوَابِكُمْ... (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۸)

۵. بنگرید به: محققان سازمان روان‌شناختی آمریکا، تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، ص ۱۰۴.

اصلی در برقراری ارتباط با جنس مخالف، جاذبه‌های جسمانی زنان است. از این رو، آنان با تمرکز بر جسم خویش جهت جذب جنس مخالف، دچار آسیب‌های مربوط به سلامت شده‌اند. رژیم‌های غذایی افراطی برای داشتن اندامی جذاب، از جمله این آسیب‌هاست. در این رقابت، تعدادی از دختران به معیارهای مطلوب خود در حفظ ظاهر و اندام دست می‌یابند و برخی نیز با برداشت منفی از ظاهر خود، شادمانی روحی خویش را از کف می‌دهند. آزادی در رفتارهای جنسی موجب گسترش بیماری‌های جنسی به خصوص بیماری مهلک ایدز نیز شده است.

۸. گسترش سوءاستفاده جنسی: آشکار ساختن جاذبه‌های جنسی از سوی زنان منجر به تحریک جنسی مردان می‌شود و چون قدرت جسمانی آنان بیشتر است، خشونت‌های جنسی نسبت به زنان، در محیط تحصیل، کار و جامعه گسترش می‌یابد. الیزابت فاکس جنووز می‌گوید:

آزادی جنسی زنان عملاً به تخیلات جنسی و تجاوزکارانه مردان انجامید و آنان نیز همگام با زنان، خود را از هنجارها و آداب و رسوم رفتار جنسی رها کردند.^۱

۹. دغدغه دائمی برای برآوردن نیاز جنسی: روابط جنسی خارج از محدوده خانواده، زودگذر و موقت است و فرد نسبت به استمرار رابطه متعهد نمی‌گردد. از این رو، بسیاری از زنان و مردان زمان بسیاری صرف می‌کنند تا شریک جنسی جدیدی بیابند که البته با او نیز تعهد روابط مستمری ندارند. به همین دلیل، آنان نگران نیاز جنسی سیری‌ناپذیر خود هستند که آیا در آینده نیز پاسخ‌گویی برای آن می‌یابند یا خیر. ویلیام گاردنر^۲ می‌گوید:

بدون وجود ازدواج و خانواده جهت تنظیم میل جنسی، دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد که در آن انسان‌ها به حیواناتی جفت‌جو تبدیل می‌شوند که تحریکات جنسی برای آنها همه چیز، و تعهد و مسئولیت [نیز] هیچ است.^۳

۱. جنووز، «زنان و آینده خانواده»، فصلنامه کتاب زنان، ص ۲۳۷.

۲. ویلیام گاردنر دارای مدرک دکتری ادبیات انگلیسی از دانشگاه استنفورد آمریکاست. او از سال ۱۹۷۱ م. در همین دانشگاه و نیز در دانشگاه یورک به تدریس پرداخته و دارای کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

3. William Gardner.

۴. گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۸۸.

۱۰. بلوغ زودرس و گسترش رفتارهای جنسی بدون مسئولیت: حیازدایی از رفتارهای آشکار جنسی و دسترسی آزادانه به اطلاعات جنسی، سبب کاهش سن بلوغ و بیداری زودرس غریزه جنسی می‌شود. در نتیجه پسران و دختران پیش از رشد فکری لازم برای ازدواج به روابط جنسی روی می‌آورند. سقط جنین‌های گسترده، تولد فرزندان نامشروع بدون حمایت خانواده، رفتارهای جنسی خشن و شیوع افسردگی در بین نوجوانان، از جمله پیامدهای این‌گونه روابط است.^۱

۱۱. محرومیت کودکان از حمایت پدر: ارتباط جنسی می‌تواند منجر به بارداری دختر شود. اگر او اقدام به سقط جنین کند مرتکب جنایت بر علیه انسان کوچک بی‌پناهی شده است و در صورت تداوم بارداری، انتساب او به مادر روشن است، ولی اثبات پدری مرد قطعی نیست؛^۲ چراکه هیچ قرارداد الزام‌آوری زن را از ارتباط با سایر مردان بازمی‌دارد. حال اگر مادر سرپرستی کودک را بپذیرد، محکوم به پذیرش سرپرستی فرزندی بدون حمایت پدر خواهد بود و این موضوع امروزه یکی از معضلات اجتماعی غرب است.

۱۲. رواج انحرافات جنسی: آزادی روابط زن و مرد توأم با پوشش‌های هوس‌انگیز زنان، میل شهوانی را در مردان - اعم از مجرد یا متأهل - چنان برانگیخته است که بسیاری از آنان بر اثر فزونی هیجان‌های غریزه جنسی به جنون جنسی مبتلا شده‌اند. به همین دلیل تجاوزهای جنسی به کودکان، هم جنس‌بازی و ارتباط جنسی با انواع حیوانات در اروپا و آمریکا رواج یافته است.^۳ تحقیقات متعددی نشان داده که ارتباط آزاد جنسی به دلیل تغییر مداوم شریک جنسی، موجب اختلال در روابط جنسی می‌شود و بیشتر این مشکلات نیز متوجه زنان است. برای مثال در پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ م. در دانشگاه لندن (مرکز تحقیقات جنسی و ایدز) صورت گرفته است، ۱۱ هزار زن و مرد انگلیسی ۱۶ تا ۴۴ ساله مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند که براساس آن، ۵۴ درصد از زنان به نوعی اختلال در رفتار جنسی مبتلا بودند؛ در حالی که افراد متأهل به مراتب کمتر از سایرین دچار مشکل بوده‌اند.^۴

۱. همان.

۲. آزمایش‌های ژنتیک نیز می‌تواند عدم انتساب فرزند به مردی را اثبات کند، ولی انتساب او به مردی را به صورت قطعی اثبات نخواهد کرد.

۳. بنگرید به: فرهمند و بختیاری، فمینیسم و خانواده، واگردهای فمینیستی در ازدواج، ص ۱۵۲.

۴. بنگرید به: همان.

۱۳. توجه افراطی به مسائل جنسی: در جامعه‌ای که تحریک جنسی فراوان باشد، بسیاری از افراد در مدتی طولانی متوجه مسائل جنسی‌اند، بی‌آنکه به مسائل عمیق و سازنده بیندیشند. در این محیط‌ها فعالیت‌های علمی و حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی کاهش می‌یابد. از همین رو، امروزه مهم‌ترین دلیلی که برخی کشورها برای حمایت از تأسیس محیط‌های علمی تک‌جنسیتی مطرح می‌کنند، کمک به رشد علمی دانش‌پژوهان است. برای نمونه در اواخر دهه پایانی قرن بیستم، کشور سوئد به کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل گزارش داد: «دولت سوئد معتقد است که در صورت جداسازی دختران و پسران، دانش‌آموزان بهره علمی بالاتری خواهند برد»^۱.

۱۴. بی‌توجهی به بسیاری از نیازهای انسانی: اخلاق نوین جنسی، بسیاری از نیازهای غریزی آدمی را نادیده می‌گیرد؛ از جمله:

یک. نیاز غریزی به مهر ورزیدن پدرانه و مادرانه؛

دو. نیاز غریزی به عشق ورزیدن و معشوق واقع شدن. این حس در محیط آکنده از هوس‌های موقت و هرجایی شکل نخواهد گرفت.

سه. نیاز غریزی به حیا و عفت‌ورزی و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی دیگر.

۱۵. بروز آسیب‌های معنوی: روابط آزاد زن و مرد از مصادیق شهوت‌رانی شمرده می‌شود. براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام، شهوت گذرگاه شیطان، سرسخت‌ترین دشمنان، فاسدکننده دین^۲ و بیمارکننده عقل است^۳ و افسوس در قیامت را به دنبال دارد.^۴ کسی که عقل او بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می‌گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست‌تر خواهد شد.^۵ شاعر گران‌قدر مولوی گوید:

این جهان کوهست و فعل ماندا سوی ما آید نداها را صدا
مار شهوت را بکش در ابتدا ورنه اینک گشت مارت ازدها^۶

۱. طاهری، بررسی اسناد بین‌المللی حقوق زنان، ص ۸۱.

۲. طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّينَ. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۴)

۳. قَبْرِيْنُ الشَّهْوَةِ مَرِيضُ النَّفْسِ مَغْلُوْلُ الْعَقْلِ. (همان، ص ۳۴۶)

۴. مَا النَّدُّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِذْهَ الْأَكَاثَرُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ. (همان، ص ۳۴۷)

۵. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

۶. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

◆ برای مطالعه بیشتر^۱

گزارش ملی کشورهای اروپایی به سازمان ملل، اعتراف دولتمردان این کشورها به شیوع گسترده فجایع جنسی در کشورهایی است که نسبت به تأمین آزادی در رفتارهای جنسی بیشترین تعهد را دارند. نمونه‌هایی از این گزارش‌ها عبارت است از:
۱. گزارش ملی کشور انگلستان به CEDAW^۲ در سال ۲۰۰۸ م:
- در انگلستان خشونت‌های خانگی و جنسی علیه دختران و زنان ادامه دارد.
- قاچاق دختران و زنان در حال فزونی است.

- گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ م. در مورد ارزیابی وضعیت زنان در انگلیس اعلام کرد: تحقیقات نشان می‌دهد ۳۰ درصد از زنان انگلیس از ۱۶ سالگی خشونت و سوءاستفاده خانوادگی را تجربه کرده‌اند. همچنین فقط در سال‌های ۲۰۱۲ م. تا ۲۰۱۳ م، ۷۷ زن به دست والدین یا همسر سابق خود به قتل رسیده‌اند.^۳
- طبق بررسی‌های اتحادیه دانشجویان انگلیس، از هر ده دانشجوی چهار نفر اعلام کرده‌اند که دست‌کم یک بار هدف آزار و اذیت و بدرفتاری جنسی قرار گرفته‌اند.

۲. گزارش ملی کشور آلمان به CEDAW در سال ۲۰۰۴ م:

- زن در رسانه‌ها و تبلیغات به عنوان کالایی جنسی نشان داده می‌شود.^۴
- زنان در آلمان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.^۵

- اداره پلیس جنایی آلمان آمار خشونت خانگی در سال ۲۰۱۵ م. را منتشر کرده است که براساس آن ۸۲ درصد زنان از سوی همسرانشان مورد خشونت قرار گرفته‌اند که بیشترین نوع آن، خشونت فیزیکی بوده است. به گزارش دویچه وله، میزان خشونت علیه زنان در آلمان نسبت به سال ۲۰۱۲ م. ۵/۵ درصد افزایش داشته است. بیش از همه، ضرب و شتم شدید همراه با خطر مرگ نسبت به قبل ۸/۸ درصد بیشتر شده و پس از آن نیز خشونت فیزیکی با ۸/۳ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر ۱۸/۲ درصد موارد گزارش شده خشونت خانگی، مربوط به خشونت علیه مردان بوده که نسبت به سال ۲۰۱۲ م. نزدیک به ۲ درصد افزایش داشته است. این آمارها البته تنها مختص کسانی

۱. بنگرید به: یوسف‌زاده، نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا.

۲. CEDAW «کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل» است. همه کشورهایی که به معاهده بین‌المللی «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» ملحق شده‌اند، موظف‌اند وضعیت زنان را در کشور خود به این کمیته گزارش دهند. بنابراین گزارش‌های یاد شده اعلام وضعیت زنان این کشورها از سوی دستگاه‌های رسمی و دولتی آن کشور است.

۳. گزارش خبرنگار ویژه خشونت علیه زنان در انگلیس، ۹۴/۱۰/۱، تهیه و تنظیم: معاونت امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر....

4. A/59/38, Par 384.

5. A/59/38, Par 400.



است که خشونت را گزارش داده و علیه فرد خاطی شکایت کرده‌اند.
۳. گزارش ملی دولت بلژیک در سال ۲۰۰۶ م. و گزارش ویژه فروش و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۱۹۹۹ م:

- فروش کودکان در بلژیک مستقیماً به قاچاق گسترده انسان مربوط می‌شود. بیشتر قربانیان، دختران و زنان جوان اروپای شرقی هستند که برای به‌کارگیری در مراکز فحشا فروخته شده‌اند.

در کشور پیشرفته‌ای نظیر بلژیک که فقط ۶ درصد از مردم فقیرند، نمی‌توان گفت که نیاز اقتصادی سبب روی آوردن به فحشا می‌شود. دلایل و عواملی که موجب می‌شود برخی از افراد به میل خود به این کار روی آورند، تقریباً در تمام اروپا یکسان است. این کودکان در سنین پایین با انواع خشونت‌ها، تجاوز جنسی، کم‌مهری و بی‌توجهی روبه‌رویند.

بسیاری از آنان در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی از خانه می‌گریزند.

۴. گزارش دولت فرانسه از وضعیت کودکان در این کشور در سال ۲۰۰۶ م. و گزارش ویژه فروش و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۲۰۰۲ م:

- آمار فحشا در حال افزایش است. اعضای یک NGO در سرکشی از محلات پاریس دریافتند که زنان، کودکان و پسر بچه‌هایی وجود دارند که از اروپای شرقی و آفریقای غربی اغلب به‌اجبار و توسط شبکه‌های سازمان‌یافته وارد فرانسه می‌شوند. این شبکه‌ها به دختران قول مشاغلی با درآمد بالا می‌دهند یا از طریق اعضا با آنها ارتباط عاشقانه برقرار می‌کنند تا آنها را به خود وابسته کنند، اما به مجرد ورود آنان به فرانسه، برای وادار کردن آنها به اطاعت، اعضای خانواده‌شان را تهدید می‌کنند.

- طبق برآورد پلیس، تعداد روسپیان فرانسه بین ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر است که نیمی از آنها در پاریس‌اند.

- سوءاستفاده جنسی از کودک در محیط خانواده نیز رخ می‌دهد. در بازدید از مرکز نگهداری اطفال شامبون، کارکنان این مرکز اعلام کردند که در سال‌های اخیر تعداد نشانه‌های تجاوزهای جنسی در خانواده‌ها افزایش یافته است.

- مرکز مطالعات خانواده (IFS) و مرکز روندهای اجتماعی (STI) دو مرکز بین‌المللی ذیل مراکز مربوط به سازمان ملل، در گزارش سال ۲۰۱۵ م. اعلام کردند: ۵۷ درصد افراد متولدشده در فرانسه تولدهای خارج از تأهل (نامشروع) هستند.

۵. گزارش ملی کشور فنلاند در سال ۲۰۰۸ م:

- هرزه‌نگاری در فضای رسانه‌ای و تبلیغی کشور فنلاند رو به افزایش است. این نمایش‌ها به تقویت کلیشه‌های موجود از زنان - به‌عنوان ابزار جنسی - و کاهش مناعت طبع دختران می‌انجامد.

- آمار تجربه‌های آزار و اذیت جنسی دختران در مدرسه‌ها بالاست.

۶. پایگاه فهرست‌های شگفت‌انگیز، فهرستی را تحت عنوان ۱۰ کشوری که دارای بیشترین آمار آزار و اذیت جنسی هستند، منتشر کرد که در آن به ترتیب آفریقای جنوبی، سوئد و ایالت متحده آمریکا طی سال ۲۰۱۲ م. بیشترین میزان تجاوز در جهان را داشته‌اند. براساس این گزارش، سوئد از جمله کشورهایی است که میزان جرایم جنسی در آن رو به افزایش است. در سال ۱۹۷۵ م. حدود ۲۴۱ مورد پرونده مرتبط با آزار و اذیت‌های جنسی در این کشور به پلیس گزارش شده که این میزان در سال ۲۰۱۴ م. به ۶ هزار و ۶۲۰ مورد رسیده است.

- مرکز مطالعات خانواده (IFS) و مرکز روندهای اجتماعی (STI) دو مرکز بین‌المللی ذیل مراکز مربوط به سازمان ملل، در گزارش سال ۲۰۱۵ م. اعلام کردند: ۵۴ درصد افراد متولدشده در سوئد تولدهای خارج از تأهل (نامشروع) هستند.

۷. در آمریکا نیز FBI در سپتامبر ۲۰۰۶ م. چنین گزارش داد:

- در سال گذشته حدود ۹۳۹۰۰ زن قربانی تجاوز جنسی شده‌اند؛ یعنی به‌طور متوسط از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۶۲/۵ نفر.

- زنان آمریکا اغلب در محل کار خود نیز مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند.

کمیته فرصت‌های برابر شغلی آمریکا در سال ۲۰۰۶ م. گزارش داد:

- این کمیته در سال ۲۰۰۵ م، ۱۲ هزار و ۶۷۹ مورد شکایت از سوءاستفاده جنسی در محل کار دریافت کرده که ۸۵ درصد آنها زنان بوده‌اند.^۱

مرکز «حقوق بشر برای دختران» آمریکا، با همکاری دو نهاد فعال دیگر در حوزه زنان گزارشی را تحت عنوان «سوء استفاده جنسی راهی به سوی زندان دختران» منتشر نمود و اعلام کرد:

- خشونت علیه دختران، داستان بخشی از حقیقت دردناک آمریکا است. این حقیقت دردناک بیان می‌کند که از هر ۴ دختر ۱۸ ساله آمریکایی، یک نفر انواع خشونت جنسی را تجربه کرده است و ۳ درصد از قربانیان تجاوز و خشونت جنسی نیز دختران کمتر از ۱۲ سال هستند.^۲

- مرکز ملی مطالعه قاچاق انسان (NHTRC) که با روسپی‌گری کودکان مبارزه می‌کند، با جمع‌آوری اطلاعات پنج ساله در آمریکا به این نتیجه رسیده که قاچاق انسان به‌ویژه برای بردگی جنسی در همه ایالت‌ها وجود دارد و به جرمی شایع تبدیل شده است که به سوی یک بحران اجتماعی پیش می‌رود. براساس گزارش‌های انتشار یافته، برآورد اف. بی. آی نشان می‌دهد هر سال بیش از ۱۰۰ هزار دختر زیر سن قانونی برای بردگی جنسی در آمریکا خرید و فروش می‌شوند.

۱. گزارشی در سال ۲۰۱۵ م.

۲ وضعیت حقوق بشر در آمریکا (۲۰۱۵)، ص ۱۱۶.

اسلام برای رفتار جنسی متناسب با شأن شریف انسانی، قوانینی را معین کرده تا زمینه ساز رشد و کمال فرد و جامعه باشد. برخی از این قوانین را برمی شماریم:

۱. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف؛ حیا سد محکمی برای انسان در مقابله با وسوسه های شیطانی است.

«حیای از خدا» آن است که فرد هنگام انجام کار ناپسند، خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و از انجام آن خودداری ورزد. در این حال فرد به علم و آگاهی خدا اعتقاد دارد و حضور خدا را درک می کند.^۱ هنگام طغیان غریزه جنسی، حیا عاملی بازدارنده از رفتارهای غیراخلاقی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «حیا فقط مخصوص انسان است. اگر حیا نبود،... از فحشا پرهیز نمی شد».^۲

۲. ایجاد نگرش منفی نسبت به پیروی از غرایز حیوانی؛ در صورت ایجاد چنین نگرشی، اراده بازدارنده فرد نسبت به پیروی از شهوات تقویت می شود. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«ابتدای شهوات طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری».^۳

فیض کاشانی می گوید:

ز دست من گرفت هوا اختیار من خون جگر نهاد هوس در کنار من
بر من چو دست یافت گرفت و کشان کشان هر جا که خواست برد دل من مهار من^۴

۳. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس؛ بسیاری از خطاهای جنسی از این حواس آغاز می شود. گاه چشم می بیند و دل اسیر می شود؛ گوش می شنود و نیازهای غریزی تشدید می شود؛ زبان می گوید و رابطه هوس آلود شروع می گردد و لمس، نیاز خفته را بیدار می سازد. خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان باایمان امر می کند تا در برخورد با نامحرم، دیدگان خود را فرو آورند.^۵

۱. بنگرید به: شجاعی، نظریه های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۲۰-۲۸۹.

۲. أَنْظُرْ تَا مَفْضَلٍ إِلَى مَا خُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ دُونَ جَمِيعِ الْخَيَوانِ... فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْ لَا الْعَيَاءُ... وَلَمْ يَعْلَمْ عَنِ فَاحِشَتِهِ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۸۱)

۳. أَوَّلُ الشَّهَوَاتِ طَرَبٌ وَأَخْرُجُهَا عَظْبٌ. (تعمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلام، ص ۲۰۲)

۴. فیض کاشانی، دیوان اشعار، غزل ۷۶۰.

۵. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَفْضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَفْضُلْنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ... (نور (۲۲): ۳۱-۳۰)

بیهوده نیست که بابا طاهر عریان گوید:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند ییاد
بسازم خنجری نیشش ز پولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد^۱

در مورد تقوای گوش نیز سفارش شده تا مردان و زنان از شنیدن موسیقی‌هایی که موجب تقویت تخیلات جنسی می‌شود، بپرهیزند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «غناء [موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب]، افسون رابطه جنسی حرام است».^۲

در آیات و روایات بر رعایت عفاف و حیای کلام نیز تأکید شده و در مورد تماس بدنی، از هر نوع لمس حتی اگر به صورت دست دادن با نامحرم باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «کسی که با نامحرم دست بدهد، خداوند بر او غضب می‌کند».^۳

۴. رعایت حجاب از سوی زنان: هر چند باید‌ها و نباید‌های الزامی دین در روابط با نامحرم، دختران و پسران را یکسان دربر می‌گیرد، توصیه خاصی نیز به زنان شده است؛ چراکه جذابیت ظاهری و رفتاری زنان برای مردان، بسیار بیشتر از جاذبه مردان برای زنان است و معمولاً مردان در برابر جنس مخالف، توان خوبی‌اشتن‌داری کمتری دارند. از این رو، خداوند از سویی مرد را نیازمند زن خلق کرده و از جانبی دیگر با دستور به پوشاندن جذابیت‌های زنانه، مرد را به دستیابی محترمانه به او (از طریق ازدواج) توصیه کرده است. از همین روی، رعایت حجاب - که هدف از آن، حفظ ارزشمندی زن و نیز در امان داشتن او از سوءاستفاده مقتدرانه مرد است - بر زن واجب می‌باشد. درحقیقت حجاب، پیام بازدارنده به مردان بیمار دل است تا در برخورد با زنان، جانب احتیاط را رعایت کنند و از رفتار غیرمؤدبانه بپرهیزند. حجاب همچنین وسیله‌ای برای محدود کردن مردان در بهره‌جویی آسان از وجود زن است.

در سوره احزاب^۴ و نیز در سوره نور^۵ بر لزوم رعایت حجاب از سوی زنان تأکید شده است. برخی روایات در تفسیر این آیات، صورت و دست‌ها تا مچ را از پوشش مستثنا کرده‌اند. البته

۱. بابا طاهر عریان، دوبیتی‌ها، ش ۲۳.

۲. الغناء رُفِیةَ الزَّانَا. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۷)

۳. مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَخْمُرُهُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخِطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴)

۴. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ. (احزاب (۳۳): ۵۹)

۵. لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُنُوبِهِنَّ. (نور (۲۴): ۳۱)

باید از آرایش و زینت چهره و دست‌ها در مقابل نامحرم نیز پرهیز کرد. مراجع عظام تقلید همگی بر وجوب رعایت این حد از حجاب فتوا داده‌اند.

خویشتن‌داری جنسی تا آستانه ازدواج

کنترل غریزه جنسی چنان اهمیتی دارد که خداوند حکیم امر فرموده است که دختران و پسران تا آستانه ازدواج عفت پیشه کنند و به رفتارهای جنسی حرام آلوده نشوند:

وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا^۱

و کسانی که [وسایل] ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتن‌داری کنند.

افزون بر این، قرآن کریم هر نوع ارضای جنسی خارج از چارچوب ازدواج را حرام دانسته و آن را تعدی و تجاوز نامیده است.^۲ «خودارضایی»، «رابطه جنسی با هم‌جنس» و «روابط جنسی بیرون از چارچوب ازدواج»، شیوه‌های رایج رفتار جنسی حرام است. بی‌تردید این رفتار از فردی سر می‌زند که با دو ملاک «بیشترین لذت» و «سریع‌ترین زمان» می‌خواهد به ارضاء برسد و از همین‌رو محدودیت‌های اخلاقی برای او بی‌معناست.^۳

مهارت‌های رفتاری برای خویشتن‌داری جنسی

دختران و پسران مجرد برای خویشتن‌داری جنسی نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت رفتار خود هستند تا نفس سرکش را رام خویش سازند. برای تقویت خویشتن‌داری جنسی باید از راهکارهای اندیشه‌ای (تفکر در مورد فلسفه زندگی، تقویت باور به خدا، جدی گرفتن آخرت و افزایش اطلاعات درباره پیامدهای دوستی دختر و پسر)، گرایشی (توجه به کرامت خویشتن و مدیریت خواسته‌ها) و رفتاری (رعایت حدود الهی و مدیریت اوقات فراغت) استفاده کرد. بنابراین:

۱. به آثار منفی ارتباط آزاد با جنس مخالف بیندیشید و بکوشید تا عزت نفس شما

۱. نور (۲۴): ۳۳.

۲. وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ • فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. (مؤمنون (۲۳): ۷-۵)

۳. متقی فر، درآمدی بر نظام اخلاقی جنسی در اسلام، ص ۱۹۳.

افزایش یابد. به ارزشمندی خویش توجه داشته باشید و این کلام گهربار حضرت علی علیه السلام را هرگز فراموش نکنید: «لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ نَمْنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ برای نفس شما بهایی جز بهشت نیست. پس جز در ازای بهشت، آن را نفروشید».

پروین اعتصامی در شعری زیبا گوید:

دیده بیندی و درافتی به چاه این گنه توست، نه حکم قضاست
کعبه دل مسکن شیطان مکن پاک کن این خانه که جای خداست

۲. هیجانات و احساسات خود را کنترل کنید؛ به این معنا که هدایت ارادی هیجانات غریزی را در دست بگیرید. در جریان کنترل نفس، آدمی هیجانات خود را می‌شناسد، می‌پذیرد و با هدایتشان به سمت هدف‌های بالاتر، به آنها فرصت بروز می‌دهد. انسان موجودی مختار و دارای اراده است و می‌تواند و باید خود و تصمیماتش را کنترل کند. ما با مدیریت و کنترل خود می‌توانیم بگوییم بزرگ شده‌ایم و شأن انسانی یافته‌ایم و مسئول کارهای خود هستیم.

۳. خداوند می‌بیند و می‌شنود. این واقعیت را هرگز فراموش نکنید. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؛ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟».

۴. با حضور در برنامه‌های مذهبی، ارتباط خود را با خدا تقویت نمایید و قرائت قرآن و دعا را در برنامه روزانه خود قرار دهید.

۵. روزانه به فعالیت جدی و زیاد بپردازید تا فرصت نیابید که در تخیلات آزاردهنده فروروید، از ورزش نیز غفلت نکنید. ورزش باعث دفع انرژی زاید بدن و تعدیل قوای جنسی می‌شود و از نظر روانی نیز استقامت فرد را در برابر مشکلات و سختی‌ها افزایش می‌دهد.

۶. فکر و خیال خود را کنترل کنید. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «هرکس زیاد به فکر گناهان باشد، عاقبت به گناه آلوده می‌شود».

۷. از دیدن فیلم و عکس، خواندن رمان و اشعار و شنیدن موسیقی‌هایی که میل جنسی را تقویت می‌کند، به شدت بپرهیزید؛ زیرا نزدیک نشدن به محرک‌ها آسان‌تر از مقاومت کردن در برابر تحریک است.

۸. برای خواب خویش برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشید. فقط پس از خستگی زیاد به بستر بروید و صبح‌ها پس از بیداری به سرعت بستر خواب را ترک کنید.

۹. از پر خوری و پر خوابی بپرهیزید و غذاهایی که سبب تقویت غریزه جنسی می‌شود، مانند گوشت قرمز، سرخ‌کردنی‌ها، پیاز، سوسیس و کالباس، غذای چرب و غذاهایی با طبع گرم همچون؛ خرما، پسته، شیرینی و خربزه کمتر مصرف کنید. در ضمن شب از غذای سبک و زود هضم استفاده کنید.

۱۰. روزه‌داری در کاهش میل جنسی مؤثر است و علاوه بر آن سبب تقویت تقوا و نیروی اراده می‌شود. در صورت امکان، روزه مستحبی نیز بگیرید.

۱۱. روابط عاطفی خود را با خانواده‌تان تقویت کنید.

۱۲. هنگامی که میل جنسی شما تقویت شد، دوش آب سرد بگیرید و سپس به فعالیت سالمی که ذهن شما را مشغول سازد، بپردازید. از پوشیدن لباس‌های تنگ و لباس‌های زیر بسیار نرم یا بسیار زیر اجتناب کنید.

۱۳. از دوستی با افرادی که اهل رفتارهای جنسی حرام و غیراخلاقی هستند، بپرهیزید. و با دوستان خوب به فعالیت سالم علمی، تفریحی یا اقتصادی بپردازید و خود را در آن غوطه‌ور سازید.

۱۴. دختران با رعایت حریم الهی در پوشش، گفتار و رفتار خویش، به جنس مخالف اثبات کنند که برای جسم خویش حرمت اخلاقی قائل شده‌اند.

۱۵. پسران با رعایت حریم الهی در نگاه، گفتار و رفتار، مردانگی خویش را در معرض دید دیگران قرار دهند، نه مردی خویش را. دختران و پسران توجه داشته باشند که حیوانات نیز جنس نر و ماده دارند و این موضوع برای آنها هیچ شرافتی نیاورده است.

۱۶. تفاوت‌های جنسیتی را بیاموزید و در روابط خود، آن تفاوت‌ها را در نظر بگیرید؛ از جمله آنکه: پسران از نظر جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند و تصورات جنسی به سرعت در ذهن آنان نقش می‌بندد و خویشتن‌داری برای آنها دشوارتر است؛ حال آنکه دختران در ارتباط خود با جنس مخالف بیشتر خواهان ارضای عاطفی هستند و در جذب جنس مخالف از طریق کلام و عشوه‌گری‌های رفتاری، فعال‌تر می‌باشند.

۱۷. از بیان احساسات لطیف خود نزد جنس مخالف بپرهیزید.

۱۸. با نگاه یا کلام غیرعادی جنس مخالف هیجان‌زده نشوید و از خیال‌پردازی در این زمینه اجتناب کنید.

۱۹. اگر برای رابطه‌ای دوستانه پیامی دریافت کردید، به صراحت بگویید که وارد این روابط نمی‌شوید، یا اینکه در صورت لزوم، آن را در جهت ازدواج قرار دهید.

۲۰. از روابط پنهانی با جنس مخالف بپرهیزید و برای هرگونه ارتباط با جنس مخالف از تجربه و مشورت والدین استفاده کنید.

۲۱. برای مقاومت در مقابل وسوسه‌های جنسی، از شیوه تغییر وضعیت آگاهانه استفاده کنید؛ درست مانند اینکه در اوج خشم شما، فردی چیزی گفته که شما نتوانسته‌اید جلوی خنده خود را بگیرید و ناگهان احساس کرده‌اید خشم شما به سرعت برطرف شده است. بنابراین در زمانی که وسوسه‌ها به شدت شما را تحت تأثیر قرار داده‌اند، آگاهانه از محیط وسوسه‌انگیز به سرعت خارج شوید و به کار مثبتی که کاملاً متفاوت با آن فضا باشد، مشغول گردید.

۲۲. هیچ‌گاه خود را از آفات رابطه با جنس مخالف مصون ندانید؛ زیرا شیطان همیشه در کمین است.

۲۳. در صورت ارتکاب خطای جنسی برای خود جریمه سنگینی قرار دهید تا نقش بازدارنده داشته باشد. صادقانه و خالصانه به درگاه خدا توبه کنید و این کلام خداوند را فراموش نکنید: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، [کسی] از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

۲۴. توبه از گناه را هرگز تدریجی قرار ندهید؛ زیرا لذت شیطانی گناه، شما را به ادامه آن وسوسه خواهد کرد. بنابراین توبه را قطعی انجام دهید و با عزمی جزم، رابطه شیطان را با خویش قطع کنید. این شعر را به یاد داشته باشید:

شب‌های دراز بی‌عبادت چه کنم طبعم به گناه کرده عادت چه کنم
گویند کریم است و گنه می‌بخشد گیرم که ببخشد ز خجالت چه کنم

۲۵. برای پیشگیری از تکرار خطاهای جنسی، بازه زمانی کوتاه مدت (مانند یک ماه یا چهل روز) تعیین کرده، با خود عهد کنید که در این مدت کوتاه از آن خطاها بپرهیزید. پس از گذشت موفقیت‌آمیز این دوره، به خود پاداش دهید و خدا را برای این موفقیت شکر کنید. حال با احساس خوبی که به دست آورده‌اید، بازه زمانی بعد را طولانی‌تر کنید. پس از مدتی می‌بینید که رفتار پاک و شایسته عادت شما شده است.

این رفتار نوعی انحراف جنسی است که در دین مقدس اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره شمرده می‌شود. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره خودارضایی فرمود: «گناه بزرگی است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی کرده است»^۱.
این عمل آثار سوء جسمی و روانی نیز در پی دارد؛ از جمله:

۱. ایجاد ضعف در برخی فعالیت‌های مغزی همچون ضعف در حافظه کوتاه‌مدت یا ضعف در تمرکز؛^۲
۲. بروز اختلال‌های جنسی مانند ضعف لذت در ارتباطات جنسی پس از ازدواج و کم‌شدن قدرت باروری؛
۳. ضعف دستگاه عصبی و کنترل اعصاب؛
۴. ایجاد برخی اختلال‌های خواب.^۳

دو. ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج

دختر و پسر مجردی که خویشتن‌داری نکنند و به رابطه جنسی مبادرت ورزند، مستحق مجازات در دنیا و عذاب الهی در آخرت‌اند. خداوند در این باره می‌فرماید:

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا.^۴

و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری و بدراهی است.

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ

اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.^۵

۱. لَمَّا سئِلَ الصَّادِقُ عليه السلام عَنِ الْخُضْخُضَةِ فَقَالَ إِنَّهُ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ فِي كِتَابِهِ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰)
۲. خودارضایی مکرر باعث تحریک بیش از حد سیستم عصبی پاراسمپاتیکی و افزایش تخلیه استیل کولین از انتهای این رشته‌ها در مغز می‌شود که این خود موجب پاره‌ای از عوارض جسمانی و روانی است؛ همچون حواس‌پرتی، ضعف حافظه و عدم تمرکز حواس. (دیانت مقدم، آرامش طوفانی، ص ۳۰-۲۹)
۳. بنگرید به: شریفی خضارتی، انحرافات جنسی؛ مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی، ص ۲۳۵-۲۳۲.
۴. اسراء (۱۷): ۳۲.
۵. نور (۲۴): ۲.

زن زناکار و مرد زناکار، هریک از آن دو را صد ضربه تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، نسبت به آن دو در [کار] دین خدا هیچ دلسوزی شما را گرفتار نکند، و باید دسته‌ای از مؤمنان مجازات آن دو را مشاهده کنند.^۱

حضرت علی علیه السلام نیز در مورد عذاب اخروی فردی که رابطه جنسی نامشروع دارد، می‌فرماید: زناکار در آخرت با بد محاسبه‌ای روبه‌رو خواهد شد. خداوند مهربان [با وجود محبت نامحدودش] بر او خشم می‌گیرد و در آتش، جاودانه خواهد ماند.^۲

در روایات، حکمت تعیین مجازات و اصرار بر اجرای آن، پاک ساختن مجرم از آلودگی گناه و پیشگیری از فراگیر شدن جرم در جامعه عنوان شده است. در حقیقت از آنجاکه بُعد فرامادی انسان اصالت دارد و فانی نخواهد شد، جسم مادی انسان در انحراف از مسیر، زیر فشار قرار گرفته، به سوی طهارت روح بازگردانده می‌شود تا پس از مشقتی موقت، از سعادتی ابدی بهره‌مند شود.

سه. ارتباط جنسی با هم جنس

این نوع رابطه نیز در اسلام حرام است و فردی که مرتکب این عمل شود، مجازات می‌گردد. آیات و روایات بسیاری بر حرمت رابطه جنسی با هم جنس تأکید دارد. برای مثال، آیاتی که به قوم لوط اشاره می‌کند،^۳ زشتی هم جنس‌بازی مردان و عذاب الهی مربوط به آن را یادآور

۱. امام رضا علیه السلام در مورد مجازات این افراد می‌فرماید: «... عَلَّةٌ صَرَبَ الرَّانِ عَلَى جَسَدِهِ بِأَشَدِّ الصَّرَبِ لِمُنَايَرَتِهِ الرَّانِ، وَاسْتَلْذَازِ الْجَسَدِ كُلِّهِ بِهِ، فَجُعِلَ الصَّرَبُ عُقُوبَةً لَهُ، وَعِبْرَةً لَعَمْرٍو...؛ علت آنکه بر بدن زناکار باید ضربات شلاق زد این است که بدن مرتکب زنا شده و با تمام وجود از آن لذت برده است. از این رو، شلاق به عنوان کیفر بدن و درس عبرت برای دیگران قرار داده شده است.» (صدوق، عین اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۷)

۲. إِنَّا كَرِهْنَا... فَسَوْءَ الْحِسَابِ وَ سَخَطَ الرَّحْمَنُ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ. (همان، ص ۴۸۰)

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌کند: «مجازات زنای دختر یا پسر مجرد صد ضربه شلاق است.» ماده ۸۳ نیز مجازات مرد یا زن متأهل را که همسرش در دسترس باشد و امکان رابطه جنسی با او را داشته باشد، ولی با این وجود زنا نماید، مرگ اعلام می‌کند. (البته ماده ۸۱ در مواردی با اثبات برخی دلایل در دادگاه، در مجازات تخفیف قائل شده است)

در ماده ۶۷ این قانون نیز آمده است: مرد و زنی که وادار به زنا شوند، مجازات نمی‌شوند و آن‌که با دیگری به زور زنا کرده است، حتی اگر مجرد باشد، محکوم به قتل است.

۳. اعراف (۷): ۸۴-۸۰؛ هود (۱۱): ۸۳-۷۸؛ نمل (۲۷): ۵۸-۵۴؛ حجر (۱۵): ۷۵-۶۱؛ انبیاء (۲۷): ۷۴؛ شعراء (۲۶): ۱۷۴-۱۶۱؛ عنکبوت (۲۹): ۳۴-۲۸.

می شود. در یکی از این آیات می خوانیم: «و بارشی [از سنگ های عذاب] بر آنان بارانندیم. پس بنگر فرجام خلاف کاران چگونه بوده است!»^۱

در آیاتی که به قوم رس اشاره شده نیز بر زشتی ارتباط جنسی زنان با یکدیگر (مُساحقه) و عذاب الهی آن تأکید شده است.^۲

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۱۱۰ مجازات هم جنس بازی مردان را مرگ، و در ماده ۱۲۹، مجازات هم جنس بازی زنان را صد ضربه شلاق اعلام نموده است.

به نوشته بسیاری از مجلات پزشکی و علمی، هم جنس بازان برخی بیماری ها را چند برابر بیش از افراد غیر هم جنس خواه دارند: ایدز ۵ هزار برابر و سفلیس، سوزاک و هپاتیت نیز چندین برابر. بیشتر افراد هم جنس گرا از سلامت روانی مطلوبی برخوردار نیستند و دچار انواع افسردگی و بیماری های روانی هستند.^۳

ازدواج موقت

از آنجاکه برخی زیر فشار شدید غریزه جنسی، توان خویشتن داری ندارند و نمی توانند حتی به گونه ای بسیار ساده و آسان ازدواج کنند، در شریعت مقدس اسلام ازدواج موقت پیش بینی شده است. در این ازدواج مسئولیت ها حداقلی بوده و بر مرد لازم نیست مخارج همسر خود اعم از مسکن، خوراک و پوشاک را تأمین نماید؛ هرچند اگر حاصل ازدواج موقت تولد فرزندی باشد، زن و مرد تمام مسئولیت های پدر و مادر - همچون تأمین مخارج، نگهداری، حفظ سلامت و تربیت او - را برعهده دارند؛ تا جایی که تخلف از این مسئولیت ها حرام است و مجازات دنیوی نیز دارد. در توضیح بیشتر این نوع ازدواج نکاتی چند درخور ذکر است:

۱. ازدواج موقت یا صیغه، ازدواجی است مدت دار که باید با الفاظ عربی «ایجاب و قبول» منعقد گردد. مدت آن نیز باید مشخص شود. در این ازدواج باید مهریه ذکر شود، وگرنه عقد باطل است. پس از عقد، هر زمان زن متقاضی مهریه شود، بر شوهر واجب است

۱. وَأَنْظَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ غَافِيَةَ الْمُجْرِمِينَ. (اعراف (۷): ۸۴)

۲. بنگرید به: ق (۵۰): ۱۲؛ فرقان (۲۵): ۳۸.

۳. بنگرید به: فرهنگ، «فمینیسم و لژیونیسیم»، فصلنامه کتاب زنان، ص ۱۴۹-۱۴۸.

آن را به زن بپردازد. در ازدواج موقت به زن نفقه تعلق نمی‌گیرد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین زن و شوهر می‌توانند هر شرط مشروعی را قرار دهند و بر هر دو لازم است بدان عمل کنند؛ مانند اینکه در این ازدواج رابطه زناشویی وجود نداشته باشد.

۲. در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد و پایان آن با سپری شدن مدت عقد یا با بذل مدت (بخشش مدت باقی‌مانده عقد از جانب شوهر) محقق می‌شود. زنی که در عقد موقت مردی بوده و با یکدیگر رابطه زناشویی داشته‌اند، پس از اتمام دوران عقد باید عده نگه دارد (سپری کردن دو دوره عادت ماهیانه). در این مدت، ازدواج وی با فرد دیگری به عقد دائم یا موقت، حرام است.^۱

۳. چنانچه دختری بخواهد به عقد موقت پسری درآید، در صورتی که پیش‌تر ازدواج نکرده باشد، باید پدرش به این امر رضایت دهد.^۲

۴. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام مردان متأهل از ازدواج موقت نهی شده‌اند، مگر آنکه توجیهی وجود داشته باشد؛ مانند عدم دسترسی به همسر و نیاز جنسی شدید. امام رضا علیه‌السلام فرمود:

ازدواج موقت، حلال و مباح مطلق است، برای کسی که خداوند امکان ازدواج دائم را روزی او نکرده است. پس با ازدواج موقت خود را حفظ می‌کند. حال اگر با ازدواج دائم از آن بی‌نیاز شود، ازدواج موقت در صورتی برای او مباح است که از همسرش دور باشد.^۳

۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز در مواد ۱۱۹، ۱۰۴۳، ۱۰۷۵، ۱۰۹۵، ۱۱۱۳، ۱۱۵۸، ۱۱۶۸ و ۱۱۷۱ به این امور اشاره کرده است.

۲. آیات عظام امام خمینی رحمته‌الله، خامنه‌ای، فاضل لنکرانی، تبریزی، نوری همدانی، مکارم شیرازی و سیستانی در رساله‌های عملیه خود به فتوا یا احتیاط واجب، اجازه پدر یا جد پدری را در ازدواج موقت دختری که قبلاً ازدواج نکرده است، لازم می‌دانند.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۵۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۲.

نمودار مطالب فصل

نیازهای اساسی جوان
 ۱. نیاز عاطفی
 ۲. نیاز جنسی

ارتباط با جنس مخالف
 ۱. روابط اجتماعی
 ۲. رابطه عاطفی با رعایت مرزهای اخلاقی
 ۳. روابط عاطفی - جنسی
 ۴. هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج
 پیامدهای دوستی و ارتباط با جنس مخالف

۱. ایجاد اختلال در تمرکز فکری
 ۲. ایجاد ناراحتی‌های روحی
 ۳. کاهش شانس ازدواج موفق
 ۴. افزایش ازدواج‌های ناپایدار
 ۵. آسیب به دختران
 ۶. ارتکاب گناه

۵. روابط آزاد با جنس مخالف و پیامدهای آن

تشکیل خانواده
 (پیش از ازدواج)

مدیریت غریزه جنسی
 ۱. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف
 ۲. ایجاد نگرش منفی نسبت به پیروی از فریض حیوانی
 ۳. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس
 ۴. رعایت حجاب از سوی زنان

۱. آسیب‌های روانی
 ۲. آسیب رسیدن به زنان عقیف
 ۳. کاهش ازدواج و محرومیت از منافع آن
 ۴. سردی روابط همسران
 ۵. کاهش لذت جنسی
 ۶. تنزل جایگاه زنان
 ۷. آسیب‌های مربوط به سلامت
 ۸. گسترش سوء استفاده جنسی

خویشمن‌داری جنسی تا آستانه ازدواج

شیوه‌های رایج روابط جنسی حرام
 ۱. خودارضایی
 ۲. ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج
 ۳. ارتباط جنسی با هم‌جنس

۹. دغدغه دائمی برای برآوردن نیاز جنسی
 ۱۰. بلوغ زودرس و گسترش رفتارهای جنسی بدون مسئولیت
 ۱۱. محرومیت کودکان از حمایت پدر
 ۱۲. رواج انحرافات جنسی
 ۱۳. توجه افراطی به مسائل جنسی
 ۱۴. بی‌توجهی به بسیاری از نیازهای انسانی
 ۱۵. بروز آسیب‌های معنوی

ازدواج موقت

◆ پرسش

۱. پیامدهای منفی شکست عاطفی در عشق به جنس مخالف را در بین فردی از دوستان یا آشنایان خود ارزیابی کنید.
۲. پیامدهای مثبت و منفی دوستی با جنس مخالف چیست؟ آیا با احتساب هزینه و با در نظر داشتن فایده این دوستی‌ها، استمرار آن در غیر قالب ازدواج عاقلانه است؟
۳. چه راهکارهایی برای تقویت عفاف در جامعه پیشنهاد می‌کنید؟
۴. برای آنکه عقل و خرد یک جوان بر هوس‌های نفسانی او حاکم باشد، چه راهکارهایی را توصیه می‌کنید؟

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. محمدرضا احمدی، روابط پسر و دختر، قم، دفتر نشر معارف.
۲. علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۳. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش.
۴. سید مجتبی حسینی، نگاه و پوشش (آرایش، گفتگو و روابط دختر و پسر)، قم، دفتر نشر معارف.
۵. حسن رحیم پور ازغدی، عفاف نماد هویت انسانی، تهران، سنابل.
۶. وندی شلیت و نانسی لی دموس، دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه و تلخیص سمانه مدنی و پریسا پور علمداری، قم، دفتر نشر معارف.
۷. یوسف غلامی، رازیک فریب، قم، دفتر نشر معارف.
۸. علی نقی فقیهی، تربیت جنسی، قم، دار الحدیث.
۹. محمود گلزاری، ارتباط آگاهانه با جنس مخالف، تهران، مهر.
۱۰. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۱۱. —، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا.

فصل دوم:
تشکیل خانواده
(حین ازدواج)

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

- ۱ کارکردهای ازدواج را بشناسند.
- ۲ در برخورد با موانع ازدواج، راهکارهای مناسب برای رفع برخی از آنها را بدانند.
- ۳ با معیارهای همسرگزینی آشنا شوند.
- ۴ برخی مهارت‌های انتخاب همسر شایسته را فراگیرند.

♦ برگی از یک زندگی

همسر شهید چمران می‌گوید: مهریه‌ام قرآن کریم و تعهد از داماد بود که مرا در راه تکامل و اهل بیت علیهم‌السلام و اسلام هدایت کند. این اولین عقد در صور (از شهرهای لبنان) بود که در آن، عروس چنین مهریه‌ای داشت. اینها برای فامیلم و برای مردم عجیب بود.^۱

رایج‌ترین و بهترین نظریه اندیشمندان و ادیان (به‌ویژه دین اسلام) برای پاسخ به نیاز انسان به جنس مخالف، ارضای آن در قالب ازدواج است. ازدواج کارکردهای فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تکامل شخصیت

تجربه همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود. فرد بر اثر این دو تجربه، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی «توسعه خود» است. شهید مطهری می‌نویسد:

۱. جعفریان، چمران به روایت همسر شهید.

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست. آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود؛ به طوری که انسان به سرنوشت خانواده علاقه مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش، و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.^۱

بنابراین ازدواج، عواطف لطیف انسانی را به خروش می‌آورد. در حقیقت عشق به همسر و سپس فرزندان سبب رشد عاطفی فرد متأهل می‌شود.

هنگامی که دختر و پسر ازدواج می‌کنند، به دلیل عشق به همسر خویش و به دلیل آنکه زندگی جدید را، خانه و خانواده خود می‌دانند که با انتخاب خویش آن را بنا نهاده‌اند، نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند و در صدد رفع نیازهای خود و همسرشان برمی‌آیند. این تلاش جدی و شیرین سبب شکوفایی استعدادها می‌شود و بدین ترتیب خصلت‌های اخلاقی همچون خلاقیت و سازندگی، صبر و سازگاری، امیدواری و تلاش و نشاط و سرزندگی در آنان رشد می‌یابد.

۲. کامل شدن ایمان

یکی از دروازه‌های ورود شیطان به ذهن و روان آدمی، غریزه جنسی است و ازدواج عامل تسکین این نیاز است. همین امر سبب می‌شود که فرد به رفتارهای خلاف اخلاق روی نیاورد. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند، شیطان فریاد برمی‌آورد: «ای وای! ای وای! دوسوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت.» پس این بنده باید در یک سوم باقی مانده، تقوای الهی پیشه کند.^۲

بنابراین اگر فرد ازدواج نکند، ممکن است بر اثر فشار نیازهای جنسی به گناه کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی باعث بروز احساس حقارت در فرد می‌شود و به کرامت نفس وی آسیب می‌رساند.

۱. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۶۸.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۳. ایجاد آرامش روانی

زن و شوهر محرک مثبت برای یکدیگرند و هنگام بروز مشکلات همراه و رفیق و حامی عاطفی هم‌اند. آنان با پیوند به هم، از ناراحتی ناشی از بی‌اعتمادی به آینده می‌کاهند. فرد پیش از ازدواج به دلیل نیازهای مختلف از جمله نیاز جنسی و نیاز به همراه در زندگی دچار نوعی نآرامی و اضطراب است. بررسی وضعیت روانی دختران و پسران قبل از ازدواج، چگونگی تأثیر ازدواج در آرامش روانی را آشکار می‌سازد.

گذشته از این، در بین انسان‌ها نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقرار می‌شود و این رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقشی بنیادین دارد. بنابراین خانواده برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش‌ها پایگاه مهمی شمرده می‌شود. نقش روابط زن و شوهر آن هنگام روشن می‌شود که تأثیر نبود این روابط یا آسیب به آن مشاهده شود. بی‌تردید شدیدترین فشارها بر اثر از هم گسیختگی روابط خانوادگی پدید می‌آید. در آمارها آمده است که مرگ همسر ۱۰۰ درجه، طلاق ۷۳ درجه، زندگی جدا از همسر ۶۵ درجه، مشکلات جنسی ۳۹ درجه و تغییر عمده در روابط به دلیل مشاجرات خانوادگی ۳۵ درجه «تنیدگی»^۱ به دنبال دارد.^۲

۴. ارضای نیاز جنسی

رابطه جنسی، به نشاط فردی و تسکین دردها و تنش‌های بدن می‌انجامد. این امر برای رفع افسردگی و رسیدن به شادمانی و برطرف شدن سستی و عدم تحریک‌پذیری، عاملی مؤثر است و حتی تندخویی و خشم را کنترل می‌کند.^۳

۵. کسب استقلال

از جمله مهم‌ترین تحولات دوران جوانی، احساس نیاز به استقلال از خانواده است. بی‌گمان ازدواج بهترین پاسخ به این نیاز است؛ چراکه هم فرد را مستقل می‌کند و هم همگان، این استقلال را به رسمیت می‌شناسند.

۱. هر محرکی که در انسان ایجاد تنش کند، استرس‌زا یا عامل تنیدگی نامیده می‌شود.

۲. بنگرید به: سالاری فرو همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۵-۵۵.

۳. بنگرید به: همان، ص ۴۷-۵۳.

۶. تجربه مدیریت

با گذر از دوران کودکی و نوجوانی، افراد تمایل دارند افزون بر مستقل شدن از خانواده، مدیریت مجموعه جدیدی را نیز تجربه کنند. دختر و پسر پس از ازدواج، مدیران خانواده نوپای خود خواهند بود؛ آن‌سان که هریک به تناسب خویش به برنامه‌ریزی و اجرای ایده‌های خود می‌پردازند. بدیهی است با تولد فرزندان، حیطة این مدیریت نیز گسترده‌تر خواهد شد.

۷. بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده

انسان تا قبل از ازدواج و به تناسب نیاز خویش از حمایت‌های مادی و غیرمادی خانواده و بستگان خود بهره‌مند است. با ازدواج و تشکیل خانواده جدید بر تعداد بستگان فرد افزوده می‌شود و فامیل همسر او نیز در زمره بستگان او قرار می‌گیرند. بنابراین چتر حمایت‌های عاطفی، روانی و گاه مالی بستگان بسیار گسترده‌تر می‌شود.

۸. کسب اعتبار اجتماعی

ازدواج، اعتبار اجتماعی خاصی به فرد می‌بخشد. در واگذاری شغل، مسکن، وام و ... معمولاً تأهل یک اولویت است. مردم نیز برای افراد متأهل احترام بیشتری قائل هستند.

۹. ارضای میل به جاودانگی

ازدواج و سپس تجربه شیرین پدر یا مادر شدن سبب می‌شود که انسان با گذر زمان، خود را رو به افول نبیند. بدین‌سان، فرد تداوم حیات خویش را در فرزندان خود می‌یابد که حاصل دسترنج مادی و معنوی اوست.

ب) تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف

آمار سال ۱۳۹۵ بیانگر آن است که تعداد ۴/۴۲۳/۲۲۵ دختر ۱۵ تا ۲۹ سال (سن متعارف ازدواج دختران در ایران) هرگز ازدواج نکرده و تعداد ۵/۳۷۲/۹۸۹ پسر ۲۰ تا ۳۴ سال (سن

متعارف ازدواج پسران در ایران) هرگز ازدواج نکرده در این سال در کشور زندگی می‌کنند.^۱ آمار بالای دختران و پسران مجرد نشان‌دهنده اهمیت آسان‌سازی ازدواج از جانب دختران، پسران و خانواده‌های آنان است. بی‌شک اقدامات جدی دولت در راستای تسهیل ازدواج جوانان امری ضروری است که مهم‌ترین آن، اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان است که در سال ۱۳۸۴ به تصوب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

◆ برای مطالعه بیشتر

قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۸۴)

ماده ۱: به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید. اساسنامه صندوق شامل ماهیت صندوق، منابع مالی، ارکان، شرح وظایف صندوق و نحوه عضویت در آن ظرف سه ماه از تصویب این قانون توسط دولت تهیه، و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

ماده ۲: دولت مکلف است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش‌بینی‌شده، از محل «صندوق اندوخته ازدواج جوانان»، به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن - حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق - وام ودیعه مسکن پرداخت کند.

ماده ۳: با تأکید بر روش‌های انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و استفاده از روش‌های نوین ساخت در امر مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه‌سازی و اجاره به شرط تملیک) از طریق نهادهای عمومی نظیر شهرداری و اوقاف و امور خیریه و با بهره‌گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به‌عنوان «مسکن موقت» احداث کرده و آنها را در اختیار زوج‌های جوان با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حداکثر سه سال است.

ماده ۴: الف) کلیه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و شهرداری‌های دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگ‌سرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظف‌اند با هماهنگی کمیته سامان ازدواج، فضاهای مذکور را برای برگزاری جشن و مراسم ازدواج در اختیار زوج‌های واجد شرایط قرار دهند.

ب) به هر یک از خانواده‌های جوان عضو صندوق که هیچ‌یک از زوجین اشتغال به کار یا منبع درآمدی نداشته باشند، حداکثر تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.

به عنوان کمک هزینه زندگی به صورت قرض الحسنه پرداخت می‌گردد. سقف مبلغ مذکور را کمیته سامان ازدواج متناسب با سرمایه صندوق تعیین خواهد نمود.

ماده ۵: دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج، فرهنگ سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف) تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان در مناطق کشور؛
ب) تشویق جوانان و خانواده‌ها به برپایی جشن‌های گروهی و کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج؛

ج) روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام) به عنوان روز ازدواج جوانان نامگذاری شود؛

د) طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روش‌ها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی.

ماده ۶: دولت موظف است به منظور سامان فعالیت‌های ازدواج در استان‌ها و نظارت بر روند اجرایی این قانون در کلیه فرمانداری‌ها، کمیته سامان ازدواج را متشکل از فرماندار، امام جمعه شهر و رئیس شورای شهر تشکیل دهد.

تبصره ۱: این کمیته حسب مورد می‌تواند از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جهت شرکت در جلسات و تصمیم‌گیری‌های ذی‌ربط دعوت به عمل آورد.

تبصره ۲: کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به همکاری با این کمیته هستند.

تبصره ۳: استانداران موظف‌اند پس از دریافت گزارش اقدامات کمیته‌ها، نتیجه راز طریق دولت به تفکیک هر استان به صورت سالانه به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گزارش کنند.

ماده ۷: به منظور رفع موانعی که باعث تأخیر ازدواج می‌گردد و تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است پس از موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف) تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت؛

ب) پرداخت مستمری به میزان حداقل دو برابر سربازان مجرد به سربازان متأهل که میزان افزایش مستمری متأهلین از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌گردد.

ماده ۸: دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های مشاوره برای همسرپایی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرمداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد.

ماده ۹: دولت مکلف است متاهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصت‌های شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد.

ماده ۱۰: وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مؤسسات دارای مرکز آموزشی موظف‌اند در چارچوب بودجه سنواتی، نسبت به ساخت و واگذاری خوابگاه‌ها برای متاهلین اقدام لازم را معمول دارند و همچنین نسبت به پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان متأهل به میزان دو برابر دانشجویان مجرد- که افزایش آن از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌شود- اقدام نمایند. تبصره: دانشجویان متأهل رشته‌های پزشکی مجازند قبل از انجام خدمت سربازی و طرح خدمت نیروی انسانی در آزمون دوره‌های تخصصی شرکت کنند.

ماده ۱۱: آیین‌نامه اجرایی این قانون پس از تصویب اساسنامه صندوق توسط مجلس شورای اسلامی، ظرف مدت سه ماه توسط دولت تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. ماده ۱۲: گزارش اجرای این قانون هر شش ماه یک بار توسط دولت تهیه، و به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

ماده ۱۳: وزرای امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی و کشور در موارد مرتبط مسئول حسن اجرای این قانون در برابر مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

فارغ از مسئولیت دولت در آسان‌سازی ازدواج جوانان، در منابع اسلامی تأکید شده در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر نیندازند و از مشکلات و موانع ازدواج، بیم به دل راه ندهند؛ چراکه خداوند پشتیبان آنها خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بر خداوند است فرد مجردی را که برای رعایت عفاف از حرام الهی ازدواج می‌کند، یاری نماید.^۱

دختر و پسر جوانی که با فراهم شدن مقدمات اولیه ازدواج به آن اقدام می‌کنند، از فواید و برکات ازدواج - که به بخشی از آن اشاره شد - زودتر بهره‌مند می‌شوند. اما متأسفانه امروزه امور مختلفی سبب تأخیر در ازدواج می‌شود؛ از جمله افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده، آداب و رسوم دست‌وپاگیر و غلط، گرایش پسران جوان برای احراز موقعیت‌های بالای اقتصادی و اجتماعی قبل از ازدواج و تمایل برخی دختران برای کسب موقعیت‌هایی همانند مردان و اشتغال در مشاغل خارج از خانه، مشکلات خانوادگی،

۱. حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزُّونَ مَنْ نَكَحَ الْيَتَامَى الْعَفَافَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶)

رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان، ترس و نگرانی ناشی از سوء سابقه ذهنی، تغییر معیارهای گزینش همسر و گرفتار شدن به آرمان زدگی و ایده آل خواهی افراطی در انتخاب همسر، نداشتن خواستگار مناسب، سربازی و اشتغال به تحصیل.

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در بین دانشجویان متأهل دانشگاه‌های مختلف انجام پذیرفت، موانع ازدواج از دید دانشجویان به ترتیب اولویت عبارت بود از: چشم و هم چشمی، نداشتن شغل (به ویژه برای پسران)، اولویت یافتن ملاک‌های ظاهری در انتخاب همسر، پذیرش تأخیر ازدواج پسران از جانب خانواده و جامعه، عدم امکان شناخت طرفین به دلیل تنوع در گرایش‌های فرهنگی و اعتقادی، پوشش نامناسب دختران، کاهش انگیزه ازدواج در پسران، کم جرئت شدن افراد جامعه در معرفی دختران و پسران برای ازدواج و نیز تفاوت والدین با جوانان در معیارهای انتخاب همسر^۱.

به هر حال وقتی ازدواج به تأخیر می‌افتد در سنین بالا شور عاطفی کاهش می‌یابد و خستگی روانی رایج در این سنین از لذت ازدواج می‌کاهد. در این بخش به تعدادی از موانع ازدواج و راهکارهای برطرف کردن آنها توسط دختر و پسری که مایل به ازدواج هستند، اشاره می‌شود.

۱. اشتغال به تحصیل

بسیاری از دانشجویان،، اشتغال به تحصیل را مانع ازدواج می‌دانند و تصور می‌کنند ازدواج مانع پیشرفت تحصیلی آنان می‌گردد؛ در حالی که هرچند ازدواج سبب می‌شود تا آنها ساعات کمتری درس بخوانند، ولی بازده آن بهتر و بیشتر خواهد بود. در این زمینه به نکته‌های زیر توجه کنید:

یک. فاصله میان عقد تا عروسی کمی بیشتر باشد.

دو. شروع ازدواج با مقاطع حساس تحصیلی (کنکور، امتحانات و ...) هم‌زمان نباشد. مراسم عروسی نیز پس از گذراندن یک یا دو ترم برگزار شود تا پایه‌های تحصیلی محکم شده باشد و امکان ترک تحصیل کمتر شود.

۱. بنگرید به: محبتی، جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران.

سه. عروس و داماد با دلگرمی و امید، یکدیگر را در مسیر تحصیل علم یاری دهند و در امور خانه به یکدیگر کمک کنند.

چهار. قانع باشند؛ چه آنکه با قناعت می‌توان آرامش فکری و روحی بیشتری به دست آورد و در مسائل آموزشی و پژوهشی پیشرفت کرد.

پنج. والدین و خانواده‌ها از آنها حمایت کنند.

شش. کارهای اضافی و غیرضروری از برنامه روزانه حذف شود تا زمان برای کارهای مهم فراهم گردد.

هفت. می‌توان هم‌زمان با هم یا زمانی که همسر در منزل نیست، درس خواند؛ زیرا برخی اوقات، درس خواندن هنگام حضور همسر، نوعی بی‌توجهی به او تلقی می‌شود.

۲. تفاوت در سطح تحصیلات

از آنجاکه امروزه سطح تحصیلات برخی از دختران بالاتر از سطح تحصیلات پسران است، باید توجه داشت که ارزیابی و قضاوت درباره چندوچون تفاوت تحصیلات دخترها و پسرهای آماده ازدواج می‌باید با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی، تجارب ارزشمند حرفه‌ای و بینش اجتماعی طرفین انجام پذیرد. در واقع صرف تفاوت در میزان تحصیلات نمی‌تواند و نباید مانعی برای زوجیت باشد. چه بسا پسرهایی که با وجود بهره‌مندی از ظرفیت هوشی بالا و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایلی از جمله کسب مهارت‌های مورد نیاز، بضاعت مالی محدود و اشتغال، موفق به تحصیلات دانشگاهی نشده‌اند. بی‌تردید برخورداری پسر از تجارب حرفه‌ای مفید و ارزشمند از نظر منطقی به مراتب از صرف تحصیلات نظری والاتر و ارزشمندتر باشد.^۱ از این رو پسر و دختر در چنین شرایطی می‌توانند همسر شایسته‌ای برای یکدیگر باشند؛ به شرط آنکه:

یک. پسر فهمیدگی لازم را برای پذیرش مدیریت خانواده داشته باشد؛ دوست‌دار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود و همچنین دارای ویژگی برتری از حیث اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی باشد.

دو. زن ظرفیت پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد.

۱. افروز، تحصیلات و تفاوت‌های تحصیلی در ازدواج، ص ۱۱-۱۲.

مسائل اقتصادی هر چند يك مسئله مهم و واقعیت غیر قابل انکار است، اما آن را نباید مانع ازدواج دانست. اگر امکانات لازم و ابتدایی برای زندگی مشترک وجود داشته باشد، می توان برای ازدواج اقدام کرد. در این زمینه:

یک. باید به خداوند متعال توکل کرد. خداوند در قرآن وعده فرموده:

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^۱.

اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد.

دو. پسران ضمن پایین آوردن سطح توقعات شغلی خود بکوشند تا شغل مناسبی بیابند و در این راه از پرداختن به مشاغل پاره وقت و نیمه وقت امتناع نکنند. با تلاش و توکل به خدا می توان در آینده صاحب موقعیت های شغلی مناسب تری شد.

سه. دختران نیز هنگام انتخاب همسر توجه کنند که پسر، جوهره کار و قابلیت تأمین امکانات مورد نیاز را داشته باشد. اگر پسر اهل کار و تلاش است، اما هم اکنون نمی تواند نیازهای زندگی را برآورده کند، می تواند از حمایت خانواده تا زمان فراهم شدن امکانات بهره مند باشد.

چهار. برای ازدواج نباید توقعات بالایی در میزان مهریه، جهیزیه و مسکن داشت. اگر این امور، ساده گرفته شود، ازدواج آسان و شیرین خواهد شد. برای کمتر شدن مخارج ازدواج، خانواده ها با جلوگیری از تجمل گرایی و چشم و هم چشمی، برای برگزاری جشن ساده بکوشند تا برای فرزندشان امکانات ازدواج فراهم شود.

پنج. در صورتی که در منزل پدر دختر یا پسر، امکانات خلوت مناسب زوج جوان فراهم باشد، می توان فاصله عقد تا عروسی را طولانی تر کرد تا پسر امکان تهیه مسکن، و دختر، امکان تهیه جهیزیه را بیابد.

شش. در صورت امکان، زوج جوان در آغاز زندگی از امکانات مسکن والدین استفاده نمایند.

هفت. بستگان زوج جوان توجیه شوند که به جای هدایای غیر نقدی کم اهمیت، هدایای نقدی به آنها اهدا کنند.

هشت. در صورت امکان والدین دختر برای تهیه جهیزیه، فقط به موارد ضروری اکتفا کنند و بقیه هزینه جهیزیه را برای تهیه مسکن در اختیار زوج جوان قرار دهند. نه. در تعیین مهریه به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه بالا، دختر (و اساساً خود ازدواج) وجهه اقتصادی پیدا نکند.

از آنجاکه تأمین جهیزیه در بیشتر مناطق ایران برعهده خانواده دختر است، گاهی فقر فرهنگی، پافشاری بر آداب و رسوم غلط و مقایسه خود با دیگران، این ماجرا را به یک معضل تبدیل می‌کند. بنابراین باید توجه داشت که از نظر اسلام و قانون، تهیه جهیزیه برعهده دختر و خانواده وی نیست و این تنها یک مسئله عرفی است. در واقع جهیزیه برای آغاز زندگی مشترک است که با همت طرفین، وسایل زندگی کامل‌تر خواهد شد. از این رو اگر جهیزیه مختصر بود و برخی ایراد گرفتند و رفتار نامناسبی نشان دادند، مرد باید مدافع همسرش باشد و از این سو زن نیز نباید در موضع دفاع قرار گیرد؛ زیرا پاسخ به هر ایرادی لازم نیست.

۴. خدمت سربازی

خدمت سربازی مانع اساسی برای ازدواج محسوب نمی‌شود؛ ضمن آنکه حمایت‌های والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک خواهد کرد. افزون بر این، مرد در دوران سربازی در محل سکونت خود و همسرش خدمت می‌کند و حقوق سربازی او نیز دو برابر است. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت.

۵. طلاق پدر و مادر

اگر طلاق پدر و مادر مانع ازدواج است، باید توجه داشت: یک. برخی نگران دعواها و درگیری‌های والدین و تأثیر منفی آن بر دختر و پسر هستند؛ حال آنکه چه بسا دعواها و اختلافات، پنهانی و دور از چشم فرزندان بوده است. دو. عده‌ای نگران خلأهای عاطفی فرزندان طلاق هستند؛ در حالی که ممکن است این خلأ را پدر بزرگ، مادر بزرگ یا سایر افراد فامیل جبران کرده باشند.

سه. برخی نگران تربیت ناصحیح فرزند طلاق هستند؛ حال آنکه چه بسا فردی که نگهداری او را برعهده گرفته، به خوبی وی را تربیت نموده باشد. بنابراین:

- از آنجاکه هر دختر یا پسر دیگری نیز امکان دارد که دارای ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری باشد، در برخورد با فرزند طلاق نیز می‌باید فرایند تحقیق همچون دیگران انجام پذیرد.

- در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به موقع این موضوع، باید دلایل طلاق والدین برای خانواده طرف مقابل توضیح داده شود. این کار سبب می‌شود تا آنها موقعیت را بهتر درک کنند.

۶. سوء سابقه والدین

سوء سابقه والدین نیز مانع ازدواج فرزندان نیست، اما در این زمینه بررسی و تحقیق ضروری است. اگر سایه بدنامی اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزهکاری یا حبس والدین، زندگی آینده را تهدید می‌کند، برای اطمینان بخشی به طرف مقابل باید توضیح داد که شخصیت او متمایز از فضای حاکم بر خانواده است. همچنین افزایش توانایی‌های فردی و تلاش برای یافتن وجهه اجتماعی مثبت برای خود در جامعه نیز امری ضروری است.

۷. تفاوت سنی

اگر دختر و پسر رشد فکری مناسبی برای زندگی مشترک دارند، نباید ازدواج آنان به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از نعمت‌ها و برکات ازدواج زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیت آنها قالب محکمی پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. ازدواج در اوایل جوانی اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت، نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، سازگاری بیشتر با همسر و در نهایت موجب آرامش بیشتر در زندگی خواهد شد. البته برای ازدواج در سنین بالا نیز باید یادآور شد که تجربه و پختگی برای افراد مسن‌تر، مزیتی برای زندگی مشترک به شمار می‌آید. بی‌تردید بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر می‌شود و در نتیجه، زندگی آرامش خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری خانم‌ها در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل سالگی نیز باردار می‌شوند. افزون

براین، چه بسا افرادی در سنین پایین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم باشند. مهم آن است که همسران در زندگی مشترک خود آرامش داشته باشند.

به‌طورکلی سن حقیقی انسان برآیندی است از سه مؤلفه اصلی: سن شناسنامه‌ای یا سال تولد، سن زیستی یا بیولوژیکی و سن روانی و عقلانی و سرزندگی. گاه دو نفر دارای سن شناسنامه‌ای یکسان و سن زیستی متفاوتی هستند. برای مثال، شخصی بسیاری از موهبای سرش سفید شده و پوست او دارای کمی چین و چروک است، اما دیگری حتی یک تار موی سفید هم ندارد و سلامت دندان‌ها و پوست بدنش نشان‌دهنده سن زیستی کمتری است. گاه نیز افراد با سن شناسنامه‌ای یکسان، سن روانی متفاوتی دارند. نشاط و سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسرداری، قدرت و مهارت ابراز احساسات، انگیزه‌های تلاش، امیدآفرینی و امیدبخشی، توانمندی‌ها و مهارت‌های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی، نشان‌دهنده سن روانی و بلوغ عقلانی افراد است.^۱

نکته درخور توجه اینکه، امروزه بیشترین سهم جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند و یکی از نیازهای مهم آنان نیز ازدواج است. حال اگر ازدواج جوانان با فاصله سنی کم اتفاق افتد، این نیاز آنان به خوبی پاسخ داده خواهد شد. برای وضوح بیشتر مسئله، مقایسه تعداد پسران و دختران مجرد لازم است: سرشماری سال ۱۳۹۵ بیانگر آن است که تعداد پسران مجرد هرگز ازدواج نکرده ۳۵ تا ۴۰ سال ۳۲۱ هزار و ۹۹ نفر و تعداد دختران مجرد هرگز ازدواج نکرده در این سن ۳۶۳ هزار و ۴۴۴ نفر بوده است.^۲ حال اگر پسران برای ازدواج با دخترانی با فاصله سنی ۵ یا ۶ سال کوچک‌تر از خود اصرار داشته باشند، بسیاری از دختران فرصت ازدواج را از دست خواهند داد، ولی اگر پسران مجرد با دخترانی با فاصله سنی ۲ تا ۴ سال کوچک‌تر از خود ازدواج نمایند، قریب به اتفاق دختران و پسران از نعمت ازدواج بهره‌مند خواهند شد. آمار طلاق در کشور نیز بیانگر آن است که ازدواج همسالان یا افرادی با فاصله سنی اندک، ازدواج‌های موفق‌تری بوده است. برای نمونه، آمار ازدواج و طلاق در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که بیشترین نسبت ازدواج به طلاق در این سال در بین زوج‌های همسال اتفاق افتاده است؛ به این معنا که بیشترین ازدواج و تعداد اندک طلاق در

۱. بنگرید به: افروز، سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج، ص ۱۰-۱۲.

۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵.

بین زن و شوهرهای هم‌سن بوده است و سپس در میان زوج‌هایی که پسر یک یا دو سال از دختر بزرگ‌تر بوده است.^۱ کاهش طلاق در بین همسالان به دلیل نقش همفکری و همدلی بیشتر بین همسران با فاصله سنی اندک است. از این رو مناسب است پسران به ازدواج با دخترانی با فاصله سنی اندک تشویق شوند.

نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس: مطابق عرف و فرهنگ کشور ما، داماد معمولاً بزرگ‌تر از عروس است. اگر در شرایطی سن دختر بالاتر بود، در این زمینه لازم است دختران به این نکات توجه کنند:

یک. مراقب آثار گذر عمر بر جسم و روان خود باشند و از عواملی که آنها را فرسوده می‌سازد (همچون حساسیت زیاد نسبت به مشکلات زندگی - که نشاط روانی را از بین می‌برد - یا آنچه سبب به هم خوردن تناسب اندام یا از بین رفتن طراوت پوست صورت می‌شود)، بپرهیزند و بکوشند با ورزش و مراقبت‌های لازم، خود را جوان‌تر نگاه دارند. دو. به علاقه‌ها و سلیقه‌های همسر جوان‌ترشان توجه کنند و رفتار خود را با آنها تنظیم نمایند.

۸. بیماری والدین

چنانچه کسی به دلیل بیماری پدر یا مادر (یا هر دو) مجبور به مراقبت از آنها باشد، نباید ازدواج را به تأخیر بیندازد؛ چراکه ممکن است فرصت‌های ازدواج مناسب را از دست بدهد؛ ضمن آنکه پدر و مادر نیز از تأخیر ازدواج فرزندشان رنجیده خاطر خواهند شد. برای حل این مسئله در صورت وجود خواهر یا برادر می‌توان مسئولیت رسیدگی به والدین را بین یکدیگر تقسیم کرد. در غیر این صورت در انتخاب همسر باید فردی را برگزید که مانع مراقبت از والدین خود نشود. همچنین در صورت امکان می‌توان برای آنها پرستار گرفت.

۹. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری

نباید انتظار بالا از زیبایی همسر را مانعی برای ازدواج خود قرار داد؛ زیرا: یک. هیچ فردی زیبایی مطلق ندارد. از این رو باید سطح توقع خود را نسبت به زیبایی همسر تعدیل کرد.

دو. زیبایی امری شدنی است و فردی که برای ازدواج انتخاب می‌شود، با آرایش، لباس و... زیبا خواهد شد؛ همان‌گونه که برخی زیبارویان، زیبایی واقعی ندارند و در صورت محو پیرایه‌ها و آرایش‌ها هرگز مورد پسند نخواهند بود. باید دانست زیبایی پس از مدتی عادی می‌شود و آنچه مهم جلوه می‌کند، رفتار همسر است.

سه. زیبایی امری ترکیبی است. چه بسیار دختران خوش‌سخن و خوش‌اخلاق و پسران مهربان و فهمیده که پس از اندکی زندگی مشترک، در چشم همسر خود زیباترین جلوه خواهند کرد. چهار. زیبایی نسبی است؛ چه بسا دختری در چشم پسری زیبا جلوه کند، حال آنکه مادر پسر در مراسم خواستگاری او را نمی‌پسندد.

پنج. زیبایی زیاد دختری یا پسر برای کسانی که نسبت به برخورد جنس مخالف با همسرشان غیرت و حساسیت زیادی دارند، چه بسا گرفتاری ایجاد خواهد کرد؛ بدین بیان که هم همسر دائماً نگران است و هم زن یا مرد با محدودیت‌های رنج‌آفرین همسر مواجه خواهد بود. شش. گاهی زیبایی همسر سبب غرور، تکبر و فخرفروشی او می‌شود که این امر زندگی مشترک را تلخ و تحمل‌ناپذیر خواهد ساخت.

۱۰. باورهای اشتباه

برخی از باورهای نادرست در زمینه ازدواج عبارت است از:

یک. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی؛ حال آنکه:

- از دست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گران‌بهایی است که در دوران تأهل به دست می‌آید.

- برای اینکه حس عدم آزادی به وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان در نظر گرفته شود تا از روابط دوره مجردی در حد متعادل استفاده گردد. هنگام انتخاب همسر نیز نظری در مورد آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که برای فرد مهم است، پرسیده شود تا در این زمینه به تفاهم برسند.

دو. ترس از مشکلات زندگی؛ حال آنکه:

- یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات به خوبی می‌تواند باعث افزایش امید و در نتیجه موجب کاهش ترس باشد.

- مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، بسیار مؤثر است.

- در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات دقت شود.

- مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام خواهد شد؛ ضمن آنکه پس از ازدواج برای حل مشکلات، همراهی به نام همسر وجود خواهد داشت.

سعدی گوید:

همه روزا اگر غم خوری غم مدار چو شب غمگسارت بود در کنار
کرا خانه آباد و همخوابه دوست خدا را به رحمت نظر سوی اوست^۱

سه. مقایسه با دیگران؛ در صورتی که راز یک انتخاب صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است، نه تناسب با دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران، نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین هرکس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم مناسبی برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و ...) گاه به بهای از دست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز باز نمی‌گردد.

چهار. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگ‌تر. در این‌گونه موارد ازدواج خواهر کوچک‌تر قبل از خواهر بزرگ‌تر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که موجب سرشکستگی وی نشود. بنابراین:

- والدین با خواهر بزرگ‌تر سخن بگویند و موافقت او را برای ازدواج خواهر کوچک‌تر جلب نمایند.

- والدین علت این امر را واضح و مستدل برای بستگان و دوستان بیان کنند.

- عزت و احترام دختر بزرگ‌تر حفظ شود و محاسن وی - البته نه به صورت ترخمی - در میان جمع بیان گردد.

- با خواهر بزرگ‌تر در مورد ازدواج خواهر کوچک‌تر مشورت شود. والدین نباید وی را در مقابل تصمیم انجام‌شده قرار دهند؛ زیرا این موضوع ممکن است ضربه روحی به او وارد کند. اگر پیشنهاد اقدام برای ازدواج خواهر کوچک‌تر از طرف خواهر بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

۱. سعدی، کلیات سعدی بوستان، باب هفتم، ص ۲۵۴.

۱۱. اختلاف نظرهای سیاسی

- اختلاف در ایده‌های سیاسی مانع ازدواج نیست، اگر:
- یک. دختر و پسر در کلیات اعتقادات سیاسی با هم مخالف و در تضاد نباشند.
 - دو. هر دو یا یکی از آنها تعصب سیاسی نداشته باشند.
 - سه. دیدگاه سیاسی خود را با مسائل زندگی خانوادگی درنیامیزند.

۱۲. تفاوت فرهنگی

- در این موارد باید به نکات زیر توجه کرد:
- یک. فرد در صورتی که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، این ازدواج را بپذیرد.
 - دو. فرد قبل از ازدواج، با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او گردد. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.
 - سه. اگر سطح تفاوت فرهنگی بسیار بالا بود، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا بیشتر اختلافات ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

۱۳. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست

- در ازدواج با فرزند تک‌سرپرست باید توجه داشت:
- یک. او از وجود یک سرپرست محروم بوده است؛ از این رو به توجه عاطفی نیاز بیشتری دارد. همسر وی باید اهل مهر و محبت و مدارا باشد.
 - دو. ممکن است به دلیل نبود الگوی پدرانه یا مادرانه، همسر نیاز به زمان داشته باشد تا نقش مردانه یا زنانه را به خوبی ایفا نماید. بنابراین باید با او مدارا شود. البته در مواردی فرزند تک‌سرپرست به دلیل حضور پدر بزرگ یا مادر بزرگ یا فرزندان آنها، فاقد این خلأ است.

۱۴. مخالفت والدین

- در صورتی که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. در این زمینه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

یک. بهتر است فرد علت مخالفت آنها را جویا شود و به دلایل آنها بیندیشد؛ شاید آنان دلیل منطقی و موجهی دارند. در این صورت، او باید در تصمیم خود بازنگری کند. اگر علت مخالفت آنان غیرمنطقی است، با آرامش و احترام و رعایت روابط عاطفی صحیح، آنان را با خود همراه سازد. فرد نباید با عقاید غیرمنطقی آنها به صراحت مخالفت کند، بلکه در ابتدا بخشی از سخنان آنها را بپذیرد و به تدریج خواسته‌های خود را مطرح نماید.

دو. از فردی که دلایل او را درک می‌کند و می‌پذیرد و بر پدر و مادر او نیز نفوذ دارد، استفاده کند تا میانجی‌گری نماید. این فرد می‌تواند یکی از بستگان، دوستان پدر یا مادر، یک روحانی یا مشاور باشد.

سه. برای متقاعد کردن پدر و مادر، ابتدا هریک را که کلام دختر یا پسر نزد او نافذتر است، با خود همراه سازد.

چهار. بر محبت و احترام خود به آنها بیفزاید تا محبت و رضایت آنها را بیشتر جلب کند.

۱۵. نیافتن فرد مناسب

امروزه به دلیل کم‌رنگ شدن ارتباط‌های فامیلی، کاهش مهمانی‌های دسته‌جمعی و صمیمانه و نیز کم شدن احساس مسئولیت بستگان، دوستان و آشنایان در معرفی دختر و پسرهای هم‌شان، یکی از موانع ازدواج، نیافتن فرد مناسب است. افزون بر این، تحول در زندگی‌های کنونی به خصوص در شهرهای بزرگ، مهاجرت‌ها، گسست‌های قومی و فرهنگی و نداشتن ارتباط‌های محلی باعث شده فرصت‌های شناخت خانوادگی در بین افراد کم شود. کسی که همسر شایسته خویش را نیافته است، چند نکته را باید در نظر گیرد: یک. انصراف از برخی معیارهای فرعی؛ برای مثال، اگر شرط کسی در انتخاب همسر، سید بودن یا تحصیلات عالی اوست، چون این دو از ملاک‌های اساسی نیست، باید آنها را کنار نهاد تا دایره انتخاب وسیع‌تر شود.

دو. بالا بردن شایستگی‌ها؛ به عنوان مثال پسر ولو شغلی پاره وقت بیابد و دختر شیوه ارتباطات اجتماعی و از همه مهم‌تر، اخلاق فردی خود را بهبود بخشد. همچنین شخص باید از رفتار و گفتار نامناسب بپرهیزد و نقاط ضعفی را که در ازدواج مورد توجه دیگران است، رفع کند.

سه. حضور فعال در اجتماعات سالم؛ زیرا حضور اجتماعی بستری مناسب برای انتخاب شدن است. گذشته از این، حضور صمیمانه در جمع بستگان - که علاقه ویژه‌ای به انسان دارند و کمک به آنها، سبب جلب رحمت الهی شده و موجب دل‌نگرانی آنان نسبت به سرنوشت فرد می‌شود - چه بسا زمینه ازدواج او را فراهم سازد.

در این زمینه احساس مسئولیت همگانی نیز حائز اهمیت است. بدین بیان، اگر افراد در بین اعضای فامیل و دوستان، دختر و پسری را سراغ دارند که مناسب همدیگرند، با رعایت اصول اخلاقی آنها را به یکدیگر معرفی کنند. در روایات نیز به این موضوع توصیه شده؛ چنان‌که امام کاظم علیه السلام فرمود:

در قیامت سه گروه در سایه رحمت الهی هستند و خداوند آنان را در سایه عرش خویش

قرار می‌دهد: یک گروه کسانی هستند که برای ازدواج مسلمانی وساطت کنند...^۱

البته دعا و اصرار بر آن، توکل به خداوند و توسل به اهل بیت علیهم السلام را نیز نباید نادیده انگاشت.

۱۶. ازدواج فامیلی

از ازدواج فامیلی نباید نگران بود؛ چه بسا در این نوع ازدواج‌ها، تناسب بیشتری وجود داشته باشد و حمایت‌های فامیلی نیز بیشتر صورت گیرد. افزون بر این، شناخت از فرد مقابل بیشتر و دقیق‌تر بوده و امکان فریب بسیار کمتر است. علاوه بر این، از آنجاکه معمولاً آداب و رسوم، اخلاق و اعتقادات فامیل شباهت بیشتری به هم دارد، تفاهم با همسر و خانواده او نیز بیشتر است. در ازدواج فامیلی باید به این نکات توجه کرد:

یک. از مشاوره ژنتیک غفلت نشود.

دو. ازدواج براساس انتخاب عاقلانه انجام شود، نه فقط پیروی از آداب و رسوم.

۱۷. ازدواج با سرپرست خانواده

اگر دختر با پسری که سرپرست مادر و خواهر و برادرانش است، ازدواج می‌کند، در صورتی که قدرت تحمل بالایی دارد، پیشنهاد ازدواج را بپذیرد و پس از ازدواج بر صبر و مدارای خود

۱. ثَلَاثَةٌ يَسْتَلْظُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ، رَجُلٌ زَوْجَ أَخَاةِ الْمُسْلِمِ... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۶)

ببفزاید. دخالت‌های خانواده همسر، آگاهی آنها از مسائل خصوصی زندگی، عدم استقلال در برخی مواقع و توجه هم‌زمان همسر به دو خانواده (به دلیل مسئولیت‌های دوگانه) و ایجاد دوگانگی در تربیت فرزندان می‌تواند از مشکلات پیش‌رو باشد؛ هرچند در این نحوه زندگی، هنگام نیاز، حمایت‌کنندگان بیشتر خواهند بود و می‌توان از تجربه‌های والدین همسر در زندگی خود و فرزندان بهره‌مند شد و در غیاب همسر نیز هم‌صحبت و مونس داشت. بنابراین:

یک. از ابتدا تا حد امکان، مسکن خویش را مستقل از مسکن خانواده همسر قرار دهند (طبقه‌ای در کنار طبقه آنها یا خانه‌ای نزدیک خانه آنها یا ...).

دو. بکوشند تا از برکات ارتباط نزدیک با خانواده همسر بهره‌مند شوند و مشکلات پیش‌آمده را به خوبی مدیریت کنند.

۱۸. معلولیت

معلولیت مانع ازدواج نیست. کسی که می‌خواهد با معلول ازدواج کند، باید:

یک. پیش از ازدواج با پزشک معالج معلول مشورت کند تا از تمام مشکلات جسمی یا روحی او و نیازهایش مطلع گردد؛

دو. با افرادی که با این‌گونه معلولان ازدواج کرده‌اند، مشورت نماید و از تجربه آنان استفاده کند؛

سه. به ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و فرهنگ خانوادگی معلول نیز توجه کند.

چهار. او را به سبب معلولیت تحقیر نکند و ارزش‌های مختلفی را که معلول دارد، به خوبی ببیند؛

پنج. سعه صدر داشته و صبور باشد؛

معمولاً افرادی که معلولیت آنها به‌گونه‌ای است که نقص جسمانی هر یک از سوی دیگری جبران می‌شود، برای ازدواج مناسب یکدیگرند؛ زیرا یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و در آینده، متنی بر یکدیگر نخواهند داشت. البته خانواده‌های آنها نیز باید هنگام بارداری، زایمان و خردسالی فرزند آنها به ایشان کمک کنند.

۱۹. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده

تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده مانع از ازدواج نیست. در خانواده‌های پرجمعیت: یک. فرزندان معمولاً از روابط عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا علاوه بر محبت پدر و مادر، طعم مهر خواهران و برادران را نیز می‌چشند. دو. افراد قانع‌تر و سازگارتری هستند. سه. تعامل اجتماعی این‌گونه فرزندان بهتر است و توان مدیریت بهتری برای مسائل خود دارند.

۲۰. ازدواج مجدد

امروزه شاهد تعداد فراوان زنان و مردانی هستیم که به دلیل وقوع طلاق یا فوت همسر، مجرد هستند. سرشماری سال ۱۳۹۵ بیانگر آن است که در این سال ۳۰۶/۵۶۰ زن ۳۰-۵۰ سال و ۲۸/۵۳۷ مرد در همین سنین بر اثر فوت همسر بدون همسر بوده‌اند.^۱ علاوه بر آن، تعداد ۴۱۹/۶۵۴ زن و ۲۵۱/۳۴۱ مرد در همین سنین بر اثر طلاق همسر بدون همسر بوده‌اند. لازمه پاسخ به نیاز این افراد آن است که خانواده، دوستان و بستگان این افراد مقدمات مناسب را برای ازدواج افراد هم‌تا و هم‌شان از این گروه با یکدیگر فراهم سازند. بسیاری از دختران و پسرانی که به دلایل مختلف از همسر خود جدا شده‌اند یا همسر آنان فوت نموده است، افراد بسیار مناسبی برای ازدواج با یکدیگرند، هرچند لازمه موفقیت در ازدواج مجدد این افراد اموری چند است؛ از جمله:

یک. از زمان طلاق یا فوت همسر حدود شش ماه گذشته باشد تا تنش‌های روانی پس از طلاق یا فوت همسر از بین رفته یا کاهش یافته و آرامشی که لازمه تصمیم‌گیری صحیح است، فراهم شده باشد.

دو. در ازدواج دوم نیز شایستگی‌های لازم و معیارهای اصلی ازدواج در نظر گرفته شود.

سه. در صورت وجود فرزند باید اطمینان یافت که آیا همسر جدید صلاحیت رسیدگی به فرزند را دارد یا خیر.

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.

چهار. در ازدواج مجدد پس از طلاق باید در مورد علت طلاق تحقیق دقیق صورت گیرد. پنج. یکی از مناسب‌ترین افراد برای ازدواج پس از طلاق، همسر سابق است. بنابراین اگر مرد یا زنی پس از جدایی به این نتیجه رسید که همسرش فرد سالمی با خطاهای جزئی و قابل رفع بوده و خودش نیز اشتباه‌هایی داشته که تصمیم دارد آنها را اصلاح کند، ازدواج مجدد آن دو با هم مناسب است؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا^۱

و در این [مدت]، شوهرانشان برای بازگرداندن آنها [به زندگی مشترک] سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح باشند.

ج) انتخاب همسر شایسته

پس از رفع موانع ازدواج، مهم‌ترین مسئله، انتخاب صحیح شریک زندگی است. از این رو باید معیارهای انتخاب همسر را به خوبی شناخت.

یک. معیارهای همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد، فرایند گزینش همسر است؛ چراکه انسان تا پایان عمر با پیامدهای انتخاب خود همراه است. معیارهای انتخاب همسر برخی ضروری است، برخی از معیارها اگر در همسر آینده یافت شود مناسب است و تعدادی نیز جزء آمال و آرزوها هستند. معیارهای ضروری را باید کسب کرد، معیارهای مناسب اگر حاصل شود بهتر است ولی نباید مانع ازدواج شود و آمال و آرزوها را هم چون سیری ناپذیرند باید کنترل کرد.

اسلام در انتخاب همسر بر چند معیار اساسی تأکید کرده است:

۱. همتایی و همانندی

تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل کفو بودن تأکید دارد؛ بدین معنا که زن و مرد بنا بر

۱. بقره (۲): ۲۲۸.

«اصل تناسب» تقریباً همتا^۱ باشند. البته این همسانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند.^۲

اصل جهانی در ازدواج که در تمام فرهنگ‌ها و باورها و ملل حاکم است «اصل تناسب» است. به این معنا که دختر و پسر تفاهم بیشتری را خواهند داشت که تناسب بیشتری داشته باشند البته تناسب در خانواده، فرهنگ و شخصیت مهم است. در مورد خانواده و فرهنگ هرچه همسانی بیشتر باشد تفاهم بیشتر خواهد بود. اما در مورد شخصیت باید گفت: در بیشتر صفات همسانی موجب تناسب است ولی در برخی صفات، مانند اقتدارگرایی و اقتدار پذیری با عدم همسانی، تناسب بیشتری شکل می‌گیرد.

۲. خوش اخلاقی

اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیکو فراهم می‌شود.

۳. سلامت

سلامت جسمانی و روانی نیز جزو شرایط لازم یک همسر مناسب به شمار می‌رود. بنابراین اگر فرد به بیماری جسمی شدید و بدون علاج یا به بیماری روانی شدید مبتلا باشد، گزینش او به عنوان همسر، کارکردها و اهداف مورد نظر ازدواج را تأمین نخواهد کرد. به جز صفات یادشده، سایر ملاک‌ها نسبی است؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاک‌ها و ضعف یا قوت آنها در نظر گرفت.

دو. مهارت‌های انتخاب همسر شایسته

۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی

انسان تا خود را به خوبی نشناسد، نمی‌تواند تشخیص دهد که چه کسی همتا و هم‌شان اوست. از این رو بهتر است ابتدا ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی خود را

۱. اَلْكَوْنُ الْاِسْتِفَاءُ وَ اَلْكَوْنُ اَمْنُهُ وَ اِخْتَارُ وَ النُّطْقُ كَذَلِكَ؛ با همتایان خود ازدواج کنید و از همتایان خود همسرگزینید و برای فرزندان آینده خود فردی را پدر یا مادر او قرار دهید که همتای خودتان باشد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶)
۲. النُّؤْمَنُ كُفُو النُّؤْمِنَةِ وَ الْمُسْلِمُ كُفُو الْمُسْلِمَةِ؛ مرد با ایمان همتای زن با ایمان و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است. (همان، ص ۲۲)

مشخص کند. برای شناخت خود باید از موضوعاتی در ابعاد مختلف (اعتقادی و مذهبی، اخلاقی، روحیه و منش رفتاری، ظاهری، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، میزان هوشمندی و سطح تحصیلات، خصلت‌های شخصیتی، سلیقه‌ها، برنامه زندگی، حساسیت‌ها و...) شروع کرد و ضمن کمک گرفتن از نظر دیگران در مورد خود، جواب آنها را مشخص نمود. صداقت در هنگام خودشناسی به انسان فرصت می‌دهد تا شخصیت پنهان خود را بهتر بشناسد.

۲. شناخت فرد مناسب برای ازدواج

مهم‌ترین روش‌ها برای شناخت همسر آینده عبارت است از:

یک. گفتگو با طرح سؤالات دقیق؛

دو. دقت در گفتار و رفتار؛

سه. تحقیق از دوستان صمیمی، بستگان، همکاران و معرفان؛

چهار. مشورت با افراد آگاه، دلسوز و مطمئن؛

برای استفاده از روش یک و سه یعنی برای گفتگو و تحقیق باید این امور مورد بررسی قرار گیرد:

- ویژگی‌های جسمانی (سلامت، سابقه بیماری مهم جسمی یا روانی، ویژگی‌های ظاهری چون قد و اندام و...):

- ویژگی‌های اعتقادی (مبانی فکری، باورها و بینش‌های مذهبی و...):

- ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری (درون‌گرا یا برون‌گرا بودن، عادات خاص، میزان نرم‌خویی یا تندخویی، نوع واکنش به هنگام عصبانیت، میزان مسئولیت‌پذیری در مقابل دیگران، گوشه‌گیر یا اجتماعی بودن، میزان نظم و انضباط، اهل مشورت یا خودرأی بودن، میزان وفاداری نسبت به دوستان، میزان تواضع یا غرور، نوع رفتار با جنس مخالف در محیط تحصیل یا محیط کار، برجسته‌ترین ویژگی مثبت و برجسته‌ترین ویژگی منفی فرد و...):

- سطح درک و نیز میزان هوش؛

- مشخصات خانوادگی (سطح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، جایگاه فرد در خانواده و نگرش خانواده نسبت به این ازدواج)؛

- مسائل اقتصادی (شغل، میزان درآمد، برنامه‌ریزی برای هزینه درآمد، مسکن، توقعات مالی)؛

- حساسیت‌ها و علایق خاص. اگر دختری یا پسر نسبت به امری حساسیت ویژه‌ای داشته باشد و طرف مقابل برای آن مسئله اهمیتی قائل نباشد، در آینده دچار مشکل می‌شوند. البته باید توجه داشت که در صورت عدم حساسیت شدید به برخی علاقه‌ها و سلیقه‌ها، این موارد با گذشت زمان و تحت تأثیر روابط مشترک با همسر تغییر خواهد کرد.

- برنامه‌ای که برای زندگی آینده دارد.

۲. رعایت اصول اساسی در ازدواج^۱

توجه به مواردی چند در امر ازدواج ضروری است:

یک. پرهیز از انتخاب احساسی: از انتخاب براساس عشق تند و آتشین، تلافی نسبت به دیگران یا خواستگارهای پیشین، دلسوزی و ایثار نسبت به طرف مقابل و طمع ورزیدن به مال اجتناب نمایید. برای انتخابی عقلانی، اطلاعات لازم را کسب و بررسی نمایید و پیامدهای انتخاب را ارزیابی کنید. در انتخاب خود قاطعیت داشته باشید و تعهدات انتخاب را بپذیرید. به یاد داشته باشید مناسب‌ترین فرد برای ازدواج، آن کسی است که بتوانید او را چون دوست صمیمی برای خود بپذیرید. باید بتوانید او را همان‌گونه که هست، بدون تغییر قبول کنید. از اینکه شبیه او شوید و همچنین از اینکه او پدر یا مادر فرزند شما باشد، باید احساس رضایت نمایید.

دو. احساس خوشایندی: معیار «خوش آمدن» را پس از معیارهای مطلوب قرار دهید؛ زیرا اگر این ملاک را ابتدا برجسته کنید، فرصت شناخت معیارهای دیگر از بین می‌رود. ابتدا اطمینان پیدا کنید که تطابق فرهنگی، خانوادگی، فکری و روحی بین شما وجود دارد. سپس به احساس خویش مراجعه کنید و ببینید آیا نسبت به او احساس مطلوبی (نه لزوماً علاقه زیاد) دارید یا خیر. به یاد داشته باشید که در یک انتخاب عاقلانه، پس از ازدواج، عشق نیز ایجاد خواهد شد. این محبت، وعده الهی است که خداوند در آیه ۲۱ سوره روم بدان اشاره کرده و آن را یکی از نشانه‌های خود برشمرده است.

۱. بنگرید به: آیت‌اللهی، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آینه آیات و روایات، ص ۵۱-۵۰.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.
و از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی خلق کرد تا در کنار
آنان آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.

سه. تفکیک بین ملاک‌های اصلی و فرعی: بهتر است معیارهای اصلی را پیش از شروع
جلسات گفتگو اولویت‌بندی کنید تا بعد از هر جلسه بتوانید به ارزیابی و جمع‌بندی برسید.
همچنین با مشاهده یک ملاک در شخص، قضاوت سطحی و شتاب‌زده نداشته باشید و
قبل از ارزیابی تمام معیارها، نظر خود را اعلام نکنید.

نکته مهم آنکه، هیچ‌کس تمام امتیازات را نخواهد داشت، بلکه از جمع‌بندی معیارها
باید معدل خوبی کسب شود و حد این معدل خوب نیز به شرایط دختر و پسر بستگی
دارد. ممکن است فردی در برخی جنبه‌ها بالاتر از همسرش باشد؛ درحالی‌که همسروی در
جنبه‌های دیگر از او پیش‌تاز باشد. در ضمن توجه داشته باشید که مسائل حاشیه‌ای ازدواج
مانند مهریه و مراسم عقد و ازدواج به ملاک‌های اصلی تبدیل نشود. در تمام این موارد،
رعایت اعتدال، ضروری است.

چهار. اهمیت دادن به نظر خانواده: در زمان انتخاب و گزینش، به نظر خانواده اهمیت
دهید؛ زیرا انتخاب بدون کمک خانواده معمولاً پیامدهایی منفی دارد. در صورتی‌که خانواده
به دلایل غیرمنطقی با ازدواج شما مخالفت می‌کنند، تا آنجا که ممکن است، آنها را نسبت
به ازدواج خود توجیه نمایید. افزون بر این، اگر قصد ازدواج با فردی را دارید که خانواده
شما و او با یکدیگر سنخیتی ندارند، ازدواج در صورتی مناسب است که میزان رفت‌وآمد با
آن خانواده کم باشد (به علتی مانند دوری مسافت). در ضمن شما ناگزیر هستید که روابط
خویش با خانواده را به خوبی مدیریت کنید.

پنج. درمان برخی بیماری‌ها: اگر شما یا فرد موردنظر، مشخصاتی مانند اختلال جنسی،
اعتیاد، بیماری‌های خطرناک مُسری و اختلال شخصیت دارید، ازدواج را تا درمان کامل به
تأخیر بیندازید. در مراسم خواستگاری نیز بیماری‌هایی را که مانع روابط زناشویی است، یا
سبب نقص در فرزندان می‌شود، به طرف مقابل بگویید، هرچند لازم نیست بیماری‌های
درمان‌شده و ازبین‌رفته مطرح گردد.

در ضمن اگر فردی حساس، زودرنج و پرخاشگر هستید که توان زندگی مشترک آینده را

ندارید ابتدا توانایی خود را در همراهی و انس بخشیدن، درک کردن و فهم دیگران افزایش دهید و سپس اقدام به ازدواج کنید.

شش. مشورت: با مشورت از تجارب دیگران در زندگی استفاده کنید. مشاوره قبل از ازدواج، شما را از مشکلات ورود به زندگی مشترک آگاه می‌کند تا در زمان بروز مشکل، با منطق و صبر آن را حل نمایید. در صورت بروز اختلاف نظر در یکی از ملاک‌های فرعی، بهتر است آن را با مشاور در میان بگذارید تا تصمیم نهایی با دقت بیشتری گرفته شود.

نمودار مطالب فصل

فصل دوم:



تشکیل خانواده (حین ازدواج)



- | | | |
|--|------------------------------------|--------------------------|
| ۱. همتایی و همانندی
۲. خوش اخلاقی
۳. سلامت | ۱. معیارهای همسرگزینی | ۳. انتخاب همسر
شایسته |
| ۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی
۲. شناخت فرد مناسب برای ازدواج
۳. رعایت اصول اساسی در ازدواج | ۲. مهارت‌های انتخاب
همسر شایسته | |

- | |
|--|
| ۱. پرهیز از انتخاب احساسی
۲. احساس خوشایندی
۳. تفکیک ملاک‌های اصلی و فرعی
۴. اهمیت دادن به نظر خانواده
۵. درمان برخی بیماری‌ها |
|--|

◆ پرسش

- ازدواج شخص متأهل چهل ساله دارای چه پیامدهای مثبتی برای او بوده است که فرد مجرد چهل ساله از آن بهره‌مند نیست؟
- امروزه ازدواج جوانان با موانع مختلفی روبه‌روست که به برخی از آنها در این فصل اشاره شد. برای غلبه بر این موانع آیا راهکار دیگری می‌شناسید؟ توضیح دهید.
- کدام بخش از قانون تسهیل ازدواج جوانان اهمیت بیشتری دارد؟
- در عرف منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، چه اقداماتی برای تسهیل ازدواج جوانان صورت می‌گیرد؟
- اگر بخواهید دختر یا پسری را برای ازدواج به دوست دانشجوی خود معرفی کنید، چه اموری را باید رعایت کنید؟
- مطابق آنچه در بخش «خودشناسی مقدمه همسرگزینی» بیان شد، برگه‌ای برداشته و در آن ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و فرهنگی خود را یادداشت کنید، سپس ویژگی‌های ضروری همسر آینده خود را در موضوعات ذکر شده، روبه‌روی آن بنویسید، همچنین معیارهای آرمانی که می‌توان از آنها گذشت کرد را نیز یادداشت نمایید.

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

- عبدالاحد اسلامی، چاپ اول، دانستنی‌های پیش از خواستگاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ابراهیم امینی، جوان و همسرگزینی، قم، بوستان کتاب.
- محمد جواد حاج علی‌اکبری، مطلع عشق، تهران، فرهنگ اسلامی.
- محمد رضا احمدی، خواستگاری (پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)، قم، دفتر نشر معارف.
- حسین دهنوی، گلبرگ زندگی، قم، خادم الرضا علیه السلام.
- سیده فاطمه محبی، جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران، قم، دفتر نشر معارف.

فصل سوم
تحکیم خانواده

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

- | | |
|---|---|
| ۱ | عوامل تحکیم خانواده را بشناسند. |
| ۲ | با تعدادی از مهارت‌های تحکیم خانواده آشنا شوند. |
| ۳ | وظایف پدر، مادر و فرزندان را در خانواده فراگیرند. |
| ۴ | اطلاعاتی در مورد ارتباط با بستگان نسبی و سببی به دست آورند. |

♦ برگی از یک زندگی

همسر شهید مصطفی چمران می‌گوید: مصطفی لبخند به لب داشت و من خیلی جا خوردم. فکر می‌کردم کسی را که اسمش با جنگ گره خورده و همه از او می‌ترسند، باید آدم قسی‌القلبی باشد. حتی از او می‌ترسیدم، اما لبخند او و آرامشش مرا غافلگیر کرد. مصطفی تقویمی آورد. گفتم: آن را دیده‌ام. گفت: از کدام تصویر آن خوشتان آمد؟ پاسخ دادم: شمع خیلی مرا متأثر کرد. با تأکید پرسید: «شمع؟ چرا شمع؟» اشکم بی‌اختیار بر روی گونه‌هایم لغزید. گفتم: «نمی‌دانم! این شمع، این نور، انگار در وجود من هست. من فکر نمی‌کردم کسی بتواند معنای شمع و از خودگذشتگی را به این زیبایی بفهمد و نشان بدهد.» دلم می‌خواست بدانم آن را چه کسی کشیده است. مصطفی گفت: «من کشیده‌ام.» ادامه دادم: شما که در جنگ و خون زندگی می‌کنید! مگر می‌شود؟! فکر نمی‌کنم شما بتوانید این قدر احساس داشته باشید. چمران شروع کرد به خواندن نوشته‌های من. گفت: «هرچه نوشته‌اید، خوانده‌ام و دورادور با روحتان پرواز کرده‌ام» و اشک‌هایش سرازیر شد!

ازدواج یک دختر و پسر، سرآغاز دلدادگی و مهرورزی بین آنهاست و معمولاً شیرین‌ترین روزهای زندگی، پس از عقد آغاز می‌شود. این رابطه نیازمند رسیدگی و مراقبت است تا به درازای عمر، شیرینی و گرمی خود را

۱. ر.ک: جعفریان، چمران به روایت همسر شهید، ص ۱۶-۱۷.

حفظ کند. در غیر این صورت، به مرور زمان و با بی‌تدبیری و خودخواهی یکی از همسران یا هردوی آنها، پایه این بنای نوساخته اندک‌اندک سست شده، ناگهان فرومی‌ریزد. از این رو، زوج‌های جوان باید با عوامل استحکام خانواده آشنا شوند و مهارت‌های تقویت این عوامل را بیاموزند.

الف) عوامل تحکیم خانواده و مهارت‌های رفتاری آن

یک. دین‌داری

از جمله عوامل مؤثر در استحکام خانواده، اعتقادات دینی و رفتارهای منطبق بر شاخص‌های دینی است. پژوهش‌های بسیاری، تأثیر دین‌داری را بر سلامت روابط اعضای خانواده و استحکام آن اثبات کرده‌اند.

♦ برای مطالعه بیشتر

گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که «تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی التزام دارد»^۱. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م. پروفسور نیک استینت^۲ از دانشگاه آلاباما و پروفسور جان دی فرین^۳ از دانشگاه نبراسکا برای کشف «رابطه بین دین و پایداری خانواده» تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه، دین را عامل مهمی برای تقویت و استحکام خانواده می‌شمردند.

همچنین در سال ۱۹۹۲ م. یافته‌های یک مطالعه ملی بر روی ۲۳۰۰ مرد (از ۲۰ تا ۳۹ سال) نشان داد افرادی که همسران خود را کتک می‌زنند، اعتقادات دینی ندارند.^۴ پروفسور آلن برگین^۵، استاد روان‌شناسی دانشگاه بریگام یانگ - که موفق به دریافت جایزه از انجمن روان‌شناسی آمریکا شد - معتقد است: «برخی از تأثیرات دین، اثری معادل انرژی هسته‌ای بر روان انسان‌ها دارند. شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت دینی باعث کاهش مسائلی مانند بی‌بندوباری جنسی، اعمال انحرافی و بزهکارانه، حاملگی در سنین پایین، تجاوز به عنف، طلاق، نارضایتی از

۱. بتگرید به: یلاسی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ص ۲۶۴.

۲. Nick Stinct.

۳. John De Frain.

۴. یلاسی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان، ص ۲۶۵.

۵. Allan Bergin.

ازدواج، خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌شود و از سویی عزت نفس، انسجام خانوادگی و سلامت عمومی را نیز افزایش می‌دهد.» در حال حاضر، اندیشمندان اجتماعی در حال تئوریزه کردن قدرت مداوم دین در قبال نیروهایی هستند که باعث از هم گسیختگی خانواده می‌شوند.^۱

در مورد چگونگی تأثیر دین‌داری بر استحکام خانواده می‌توان بدین نکات اشاره کرد:

۱. ایجاد وفاق در تعیین بایسته‌های زندگی: وقتی اعضای خانواده متدین باشند، همگی در باید و نبایدهای زندگی خانوادگی، تابع دستورهای الهی هستند. از این رو در مورد حقوق، وظایف و محدوده اختیار خویش یکپارچه هستند و گرفتار اختلاف نظر نمی‌شوند.
۲. تأثیر رعایت حلال و حرام الهی: در موارد فراوانی، پرهیز از محرّمات الهی به استحکام خانواده می‌انجامد:

- غیبت حرام است. از این رو، اعضای خانواده حرمت همدیگر را در غیاب هم پاس می‌دارند.

- تهمت حرام است. بنابراین افراد خانواده به واسطه تهمت همسر، در معرض از بین رفتن احترام خود و نفرت از یکدیگر قرار نمی‌گیرند.

- سخن‌چینی حرام است. در نتیجه اختلافات خانوادگی تشدید نمی‌شود.

- نسبت ناروای بی‌عفتی به زنان پاک‌دامن، حرام است. از همین روی، روابط عاطفی همسران خصمانه نمی‌شود.

- شراب‌خواری حرام است. از این رو، همسر و فرزندان از برخی خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها در امان می‌مانند.

- دروغ‌گویی حرام است. بنابراین اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد دارند.

- آزار والدین و ناخشنود ساختن آنها حرام است. در نتیجه حمایت عاطفی متقابل والدین و فرزندان، روابط آنان را گرم و صمیمی می‌سازد.

نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان بیان کرد که همگی نشان‌دهنده تأثیر رعایت مرزهای واجب الهی در استحکام روابط اعضای خانواده است.

۲. اعتقاد به نظارت الهی در روابط با خانواده: توجه به نظارت دقیق خداوند بر تمام رفتارها

۱. بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان ص ۲۶۶.

و حتی بر آنچه در ذهن می‌گذرد، آدمی را از افکار و رفتار ناشایست باز می‌دارد. امام حسن علیه السلام به مردی که در امر ازدواج دخترش با آن حضرت مشورت کرده بود، فرمود: «دخترت را به پسر با تقوا شوهر بده؛ زیرا حتی اگر از همسرش متنفر شود، به او ظلم نمی‌کند»^۱.

در روایات نیز معمولاً مردان و زنانی که در حق همسر خویش جفا می‌کنند، به شدت از عذاب الهی ترسانده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زن یا مردی که همسرش را آزار دهد و به او ظلم کند، اولین فرد وارد شونده در جهنم است»^۲.

۴. بالابردن آستانه تحمل فرد در رویارویی با مشکلات خانوادگی: آیات و روایات بسیاری به زنان و مردانی که در مواجهه با مشکلات خانوادگی صبر سازنده پیشه می‌کنند و به جای حفظ منافع فردی، مدبرانه منافع خانواده را تأمین می‌نمایند، وعده رحمت الهی داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند به مردی که بر بد اخلاقی همسرش صبر کند، ثواب حضرت داوود علیه السلام و به زنی که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند، ثواب آسیه را عطا می‌کند.^۳

آن که به خدا اعتقاد دارد، ناملايمات زندگی خانوادگی را با اعتقاد به تقدیر الهی، رحمت پنهان خداوند می‌شمرد. او اعمال خویش را برای رضایت الهی انجام می‌دهد. از این رو اگر در مسیر با جفا یا ناسپاسی همسر و یا ناکامی در زندگی خانوادگی مواجه شد، طاقت از کف نمی‌دهد و در برخورد با مشکلات زندگی با سرعت به فکر طلاق نمی‌افتد بلکه معتقد است خداوند مشکلات را می‌بیند و او را یاری خواهد داد. این اعتقاد، توانایی فرد را در حل مسائل زندگی خانوادگی دوچندان خواهد کرد زیرا قدرت لایزال الهی را پشتیبان خود می‌داند. فرد با ایمان حتی اگر مشکلات خانوادگی را محصول تصمیم نادرست یا رفتار خطای خود ببیند، باز هم به خداوند امیدوار است؛ چرا که در وعده الهی تردید ندارد. «ای بندگان من (که با گناه) بر خود زیاده روی کردید از رحمت خداوند نا امید نشوید»^۴.

۱. رُوْحَهَا مِنْ رَجُلٍ نَفَى فِائِهَ إِنْ أَحْبَبَهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَنْظِلْمَهَا. (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴)

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳. همچنین در روایات آمده: «بدر رفتاری و نیز کناره‌گیری مرد از خانواده سبب عذاب قبر خواهد شد.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۴۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد زنان شوهر آزار نیز فرمود: «زنی که با شوهر خود مدارا نداشته و کاری فوق طاقت وی را بر او تحمیل کند، در قیامت خدا را در حالی ملاقات می‌کند که از او خشمگین است.» (همان، ج ۲۰، ص ۱۶۳)

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

۴. يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ. (زمر (۳۹): ۵۳)

نکته مهم در زمینه دین داری آن است که مقصود از دین داری، داشتن اعتقادات اسلامی و بروز رفتارهای منطبق بر آن است، نه آن نحوه از دین داری که با گزینش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، به نام دین عمل می‌شود؛ چراکه گاه افراد هم‌زمان با عمل به برخی رفتارهای دینی (نظیر اصرار بر نمازهای مستحبی یا رعایت ظواهر مذهبی یا شرکت در مراسم دسته جمعی دعا یا پافشاری بر اذکار پر شمار)، بخشی از دین - همچون خوش رفتاری با همسر و فرزندان، پرهیز از نگاه آلوده به نامحرم یا رعایت حجاب - را رها می‌سازند و مطابق میل خویش، گزینشی عمل می‌کنند. چنین افرادی متدین واقعی نیستند و نباید انتظار داشت که ظهور و بروز آثار دین داری موجب استحکام روابط خانوادگی ایشان شود.

مهارت‌های رفتاری

پس از ازدواج، برای رشد معنوی و رسیدن به کمال الهی یکدیگر را یاری داده و بال پرواز هم باشید به عنوان نمونه:

۱. هر روز صبح چند آیه قرآن با تدبر در معنای آن بخوانید؛

۲. زمینه گناه را در خانه خود فراهم نکنید. دیدن برنامه‌های آلوده به حرام یا رفت و آمد با افراد اهل گناه هرچند اعضای خانواده را سرگرم می‌کند ولی صفای معنوی خانه را مسموم خواهد کرد. با خانواده‌های با ایمان و درستکار رفت و آمد داشته و ارتباط خود را با آنها قوی کنید؛
۳. از خوردن لقمه حرام بپرهیزید؛

۴. در صورتی که از همسر خویش ترك واجب یا انجام حرامی را مشاهده کردید صمیمانه و با مهر و محبت از او تقاضا کنید برای حفظ پاکی و صفای زندگی مشترکتان رفتار خود را خداپسندانه نماید.

دو. محبت به اعضای خانواده

قرآن کریم از رابطه میان زوجین با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر می‌کند.^۱ این نکته بسیار دقیق به جنبه انسانی زندگی زناشویی اشاره دارد؛ بدین بیان که شهوت تنها عامل پیوند زناشویی

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. (روم: ۲۱)

نیست، بلکه صفا و صمیمیت و اتحاد دو روح است که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^۱ بی‌تردید زندگی مشترک از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عشق و شیفتگی در روابط انسانی است که در شکل‌گیری این پیوند و استمرار آن نقشی اساسی دارد.^۲ امام صادق علیه السلام در روایتی بر اهمیت احساس عاطفی اشاره می‌کند: «هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود».^۳ امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

بدان که زنان چند گروه‌اند [که] یک گروه از آنان گنج و غنیمت به شمار می‌آیند. این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست دارند و به آنها عشق می‌ورزند.^۴

شاعر ارزشمنند، محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای زبان حال این افراد را چنین بیان می‌کند:

بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم
در این گلشن، بهار هم، گل هم، خار هم باشیم
پریشان خاطران برگرد هم از جان و دل گردیم
ز شهر آوارگان در دشت غم، غم خوار هم باشیم
به صحرای صفا، در پرده با هم، راز هم گوئیم
به گلزار وفا، هم‌ناله و هم‌راز هم باشیم
شبان تیره را روشن کنیم از مهر یکدیگر
در این تاریک محفل شمع گل رخسار هم باشیم^۵

رابطه عاطفی همسران، ارتباطی دوسویه است که در نگاه، کلام و رفتارشان بروز می‌نماید. بدین سان، محبت آنها نسبت به هم بیشتر و ژرف‌تر می‌گردد. در این باره نکته مهم آن است که این احساس باید بارها و بارها اظهار شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: باید میان همسران پیام‌رسانی باشد. سؤال شد: مقصود شما از پیام‌رسان چیست؟ آن حضرت فرمود: بوسه و سخن.^۶

۱. مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۵۳.

۲. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۸۹.

۳. الْعَبْدُ كُلَّمَا أَزْدَادَ لِلنِّسَاءِ خُبَا أَزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴)

۴. وَأَعْلَمُ أَنَّ النِّسَاءَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيْمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِزَوْجِهَا وَالْعَاشِيقَةُ لَهُ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴)

۵. الهی قمشه‌ای، دیوان اشعار.

۶. وَ لَيْكُنْ بَيْنَهُمَا رَسُوْلٌ. قِيلَ: وَمَا الرَّسُوْلُ؟ قَالَ: الْقُبْلَةُ وَالْكَلامُ. (جزائری، التحفة السنية، ص ۲۷۷)

علاوه بر همسران، بدون تردید ابراز محبت به فرزندان نیز بسیار مهم است. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به دلیل محبت زیاد بنده به فرزندش به او رحم می‌کند»^۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او حسنه می‌نویسد، و کسی که او را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد.^۲

ابراز محبت اعضای خانواده به یکدیگر آثار فراوانی در پی دارد؛ از جمله:
 یک. دلگرمی همه اعضا به خانه و خانواده و دل در گرو غیر نسپردن؛
 دو. بهره‌مندی فرزندان از چتر حمایتی خانواده و نشاط و شادابی حاکم بر آن؛
 سه. دلگرمی به کسب و کار و فعالیت‌های مربوط به معاش؛
 چهار. شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های خدادادی اعضای خانواده به شکلی درست و کامل؛

پنج. لذت بردن از زندگی و ارتباط با دیگران.^۳

مهارت‌های رفتاری

شنیدن عبارات محبت‌آمیز از نیازهای جدی زوجین است. از این رو پس از ازدواج:
 یک. محبت و علاقه خود را به همسران به بهانه‌های گوناگون ابراز کنید و از هر فرصتی برای تبادل ارتباطات عاطفی خود با یکدیگر بهره بگیرید. لحظاتی که احساس می‌کنید خیلی همسران را دوست دارید، آن را به او بگویید و احساس خود را در دفتر خاطرات بنویسید تا اگر زمانی میان شما ناراحتی و کدورتی پیش آمد، با خواندن آن نوشته آرام شوید.
 دو. از همسر خود عکس بگیرید و یادگاری نگه دارید. او حس خواهد کرد که چقدر برای شما مهم است و درمی‌یابد که او را با همان وضعیت کنونی دوست دارید.
 سه. هرچند وقت یک بار، کاری ویژه برای همسر خود انجام دهید. برای نمونه، غذای مورد علاقه همسر خود را تهیه کنید، یا خوراکی مورد علاقه وی را خریداری کنید.

۱. إِنَّ اللَّهَ لَيُرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲)

۲. مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَّخَهُ فَرَّخَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۴۹)

۳. طوسی، همسران شایسته، ص ۲۵۰.

چهار. ادبیات محبت آمیز در افراد متفاوت است. برای نمونه، مردان با سخنان محبت آمیز، نوازش یا با خرید هدیه برای زن به او محبت می‌کنند و زنان نیز با خانه‌داری باسلیقه، محبت خود را به شوهر ابراز می‌نمایند. محبت همسران را با هر ادبیاتی که دارد، بپذیرید و به همسران با ادبیاتی که با روحیات او سازگار است، محبت کنید تا آن را بهتر دریابید. پنج. به همسر خود، محبت مادرانه یا پدرانه نداشته باشید؛ زیرا این رفتار به او این پیام را می‌دهد که بی‌لیاقت است و همین از اعتماد به نفس او می‌کاهد. افزون بر این، جذابیت همسری شما نیز کاهش می‌یابد؛ زیرا او شما را بیشتر مادر یا پدر می‌بیند تا همسر. در ضمن خدمات‌های بیش از حد شما او را پرتوقع می‌سازد و زمانی که نتوانید آنها را انجام دهید، احساس می‌کند همسر وظیفه‌ناشناسی هستید.

سه. خوش‌گفتاری

کلام مهم‌ترین وسیله ارتباطی بین دو فرد است. از این رو، همسران که نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و بیشترین اوقات عمر را با یکدیگر سپری می‌کنند، باید مهارت خوب سخن گفتن و خوب شنیدن را فراگیرند.

مهارت‌های رفتاری

یک. پس از ازدواج باید از اعجاز کلام عاطفی در پیوند قلبی خود و همسران غفلت نکنید. در کلام مهربان خویش از همسر خود تمجید کنید و به او احترام بگذارید و هنگامی که همسران با شما صحبت می‌کند، کارها و امور دیگر را رها نمایید و فقط به وی گوش دهید. دو. از ابراز هرگونه خستگی، بی‌حوصلگی و شتاب‌زدگی هنگام صحبت همسر خودداری کنید و خود را صبور، علاقه‌مند و مشتاق به ارتباط کلامی با وی نشان دهید.

سه. هنگام حرف زدن همسر با تکان دادن سر یا پرسیدن سؤالاتی در مورد مضمون صحبت او و طرح پرسش‌های بازپاسخ،^۱ نشان دهید که به سخنان او گوش می‌دهید. با همسر خود همدلی نمایید و آن را ابراز کنید. همدلی به معنای موافقت با نظر و عقاید همسر

۱. سؤالاتی که با چگونگی، چرا و چه، آغاز می‌شوند و جواب تفصیلی دارند.

نیست، بلکه بدین معناست که خود را به جای وی بگذارید و به او بگویید چطور احساس وی برای شما درک شدنی است. جبهه‌گیری، سرزنش همسر، تجسس در امور وی، اصرار بر راهنمایی او هنگام درد دل کردن، بزرگ یا کوچک جلوه دادن مسئله‌ای که مطرح می‌کند و قضاوت سطحی و عجولانه، می‌تواند مانع همدلی با همسر در ارتباط کلامی شود.

چهار. اگر پیش‌تر نظر خود را در مورد موضوعی به همسرتان گفته‌اید، در صورت لزوم آن را تکرار کنید و از به‌کار بردن جملاتی مانند «تو که می‌دانی» یا «صد بار به تو گفته‌ام» اجتناب کنید؛ زیرا این نوع جملات در همسر موضع دفاعی ایجاد می‌کند.

پنج. به جای اینکه بگویید «چه نمی‌خواهید»، مهربانانه بگویید «چه می‌خواهید؟» اگر شما به همسرتان بگویید «چه نمی‌خواهید»، چه بسا او در نیابد که در عوض چه باید بکند، ولی وقتی تقاضای مثبت خود را ابراز نمایید، همسرتان به روشنی نیاز شما را درمی‌یابد. البته انتظار نداشته باشید تقاضای شما کاملاً برآورده شود. برای این منظور، نظر همسرتان را نیز جویا شوید.

شش. از طرف همسر خود صحبت نکنید و از به‌کار بردن عباراتی همچون «تو فکر می‌کنی من ...» یا «تو می‌خواهی من ...» اجتناب کنید و در عوض از او درباره افکار و احساساتش سؤال کنید. برای مثال بگویید: «تو در مورد ... چه فکر می‌کنی؟» یا «تو درباره ... چه احساسی داری؟»

هفت. اگر عصبانی، نگران، مضطرب، خسته یا غمگین هستید، ممکن است حرف‌ها و کارهای همسر خود را به صورت منفی دریافت کنید و براساس این برداشت اشتباه، واکنش منفی بروز دهید. در این شرایط باید وضعیت خود را به همسرتان ابراز کنید. ابراز احساس فرد، احتمال درک احساسات را از سوی همسر افزایش می‌دهد.

هشت. زمانی که احساس می‌کنید خود یا همسرتان در جریان گفتگو دچار مشکل عاطفی یا هیجانی شدیدی شده‌اید، از ادامه صحبت صرف‌نظر نمایید و آن را به فرصت مناسب دیگری واگذار کنید.

نه. وقتی خشمگین یا رنجیده‌خاطر هستید، از به‌کار بردن عبارات تند بپرهیزید؛ چراکه به احتمال بسیار، پاسخ همسرتان نیز تند خواهد بود. اگر با زبانی آرام‌تر احساس خود را بیان کنید، هم به گفته شما توجه خواهد شد و هم امکان حل مشکل، بیشتر می‌شود.

از جمله اهداف مهم ازدواج، ارضای نیاز جنسی است. بنابراین همسران باید در مقابل نیاز جنسی یکدیگر احساس مسئولیت نمایند و از همسر خویش لذت بخش‌ترین بهره جنسی را ببرند. ارضای صحیح نیازهای جنسی علاوه بر آنکه زندگی را شیرین و لذت بخش می‌سازد، به سلامت جسم نیز کمک می‌کند و در رشد بهنجار شخصیت و آرامش روان انسان نیز نقشی اساسی دارد. از این سو، بی‌توجهی به نیاز جنسی همسر به روابط زن و شوهر آسیب می‌رساند و او را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به خانواده می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت سبب افسردگی می‌شود.^۱

از دیگر آثار مهم ارضای صحیح نیازهای جنسی، کمک به حفظ ایمان از دستبرد شیطان است. اساساً فشار غریزه جنسی، عامل مهمی در ارتکاب انواع گناهان است. پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر فرمود:

فردی که با همسرش ارتباط زناشویی برقرار می‌کند، خداوند به او اجر و ثواب می‌دهد. همان‌طور که وقتی حرامی را مرتکب شوی، مجازات می‌شوی، وقتی حلالی را نیز به جا آوری، اجر خواهی برد؛ آیا نمی‌بینی هنگامی که فردی بترسد از اینکه مرتکب حرام شود سپس حلال را به جا آورد، اجر داده خواهد شد.^۲ (چراکه به واسطه انجام این حلال از حرام الهی در امان خواهد ماند.)

ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید:

بنده مؤمن هنگامی که دست همسرش را بگیرد، خداوند برایش ده حسنه می‌نویسد و ده سیئه را محو می‌کند، و اگر او را ببوسد، خداوند برایش صد حسنه می‌نویسد و صد سیئه را محو می‌کند، و اگر با او رابطه زناشویی برقرار کند، خداوند برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار سیئه را محو می‌نماید.^۳

روابط جنسی سالم در رضایت از زندگی مشترک همسران تأثیر بسزایی دارد. روابط زناشویی مناسب سبب احساس لذت مشترک، ایجاد و تعمیق شور و نشاط در زندگی، تقویت صمیمیت بین همسران، و کاهش تنش در برخورد با فشارهای زندگی می‌شود.

۱. بنگرید به: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

۳. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد؛ هرچند معمولاً این بهره‌ها به هم بستری و ارتباط زناشویی منتهی خواهد شد.

روایات اسلامی به ضرورت توجه هریک از همسران به پاسخ‌دهی مناسب به همه این نیازها اشاره دارد؛ از جمله آراستگی ظاهری در مقابل هم. امام صادق علیه السلام فرمود:

در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است که یکی از آنها به دست آوردن قلب زن با آراستن ظاهر خود در مقابل دیدگان اوست و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر است.^۱

در ارضای نیازهای جنسی، زن و شوهر باید به دو نکته توجه کنند:

۱. توجه به تفاوت جنسی زن و مرد: نکته مهم در زمینه نیاز جنسی همسران این است که گزینه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد: مردان نسبت به محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابل نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام عدم ارضای جنسی خود آسیب‌پذیرتر هستند. به دلیل این تفاوت‌ها، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی نماید، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد، مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی برای حاجتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از «مسوفات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا! «مسوفات» چیست؟ آن حضرت فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز جنسی دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را به عقب می‌اندازد، تا اینکه همسرش را چرت فرامی‌گیرد و می‌خوابد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.^۲

تمکین زن سبب رضایت مندی شوهر می‌شود و او را محبوب وی قرار می‌دهد. از این رو، زنان باید نسبت به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پراحساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲.

«بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کند»^۱. البته مردان و زنان هر دو باید پیام‌های جنسی همسر خود را - حتی اگر مستقیم نباشد- دریابند و با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، زندگی زناشویی خود را جذاب و دل‌نشین سازند. یکی دیگر از تفاوت‌های همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند؛ حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند مدت زمان بیشتری است. از این رو، بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند. اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌ها ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان نیز اگر شاهد هیجانات جنسی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

هنگامی که یکی از شما خواست با همسرش آمیزش جنسی کند، پس نباید شتاب کند؛ زیرا زنان نیازهایی دارند.^۲

از این رو، هریک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

۲. خویشتن‌داری جنسی از غیرهمسر: از آنجاکه غریزه جنسی عامل بسیار مهم در پیوند عاطفی همسران و استحکام خانواده است، اسلام دستور داده تا زنان و مردان ارضای این نیاز را در همه مراتب آن به همسر خود معطوف نمایند. در همین راستا، اسلام نگاه و کلام هوس‌آلود با غیرهمسر و نیز عشوه زنانه در کلام و رفتار برای غیرشوهر را حرام شمرده و حتی توصیه کرده است که افراد مراقب ذهن خویش باشند تا در نیاز جنسی خویش به غیرهمسر خود نیندیشند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، نزد همسر خود بروید [و با او رابطه زناشویی برقرار کنید]؛ زیرا همسر شما هم مانند اوست، و برای شیطان در قلب خود راهی قرار ندهید، تا اینکه آن زن از خاطر شما برود.^۳

۱. خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا دَخَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ دِرْعَ الْحَيَاءِ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)
 ۲. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعْجِلْهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ (همان، ص ۲۸۷)
 ۳. همان؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۷.

زن و مرد عقیف در مقابل همه وسوسه‌های جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خویشتن‌داری می‌کنند. بدین‌گونه، آنان نسبت به همسر خود احساس نیاز بیشتری خواهند داشت و این امر پیوند خانواده را مستحکم‌تر خواهد ساخت.

نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر: در این باره بیان چهار نکته مفید است.

یک. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر غسل جنابت نمایند.^۱
دو. رابطه زناشویی، در دوران خون‌ریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و در احرام سفر حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب کفاره نیز می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خون‌ریزی ماهیانه زنان، برای آنها عوارض منفی جسمانی و روانی در پی خواهد داشت. سه. مصرف داروهای محرک جنسی بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی اثر مثبت دارد، ولی در درازمدت توانایی جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

چهار. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی و سردمزاجی هستند و قادر به ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زا است. هریک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار و مشاور خانواده، به حل و فصل آن بپردازند. امروزه به دلیل پیشرفت علوم، بیشتر این اختلال‌ها که علت جسمی یا روانی دارد، قابل درمان است.

پنج. امروزه به دلیل گستردگی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد بالا رفته است. به همین دلیل زن و شوهر از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند. از این‌رو باید بکوشند تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از فضای مجازی که آنان را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، بپرهیزند. با این کار، هم از حرام الهی دوری می‌جویند و هم روابط زناشویی آنها همواره لذت‌بخش خواهد بود. آنها باید توجه کنند که بسیاری از رفتارهای جنسی مهیج که در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، مختص افرادی است که به دلیل فساد اخلاقی، تجربه انواع رفتارهای جنسی را با افراد مختلف دارند و همسر عقیف و نجیب آنها با این رفتارها بیگانه است.

۱. در صورتی که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

شش. زن و شوهر هنگام شادی با یکدیگر عهد ببندند که در هیچ شرایطی نباید بسترشان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از آنها در سفر باشد، و عهد ببندند که هر کسی تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هر قدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

پنج. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است. از این رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیازها هستند. نظام حقوقی اسلام و قوانین کشور، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است. بنابراین مردان باید در جهت کسب درآمد و نیز مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند. این قدرت تأمین‌کنندگی در آنها عزت و شکوه ایجاد خواهد کرد.

از این سو، زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ چراکه به دست آوردن شغل مناسب و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی خواهد داشت. در غیر این صورت، انگیزه مرد کاهش می‌یابد و چه بسا به دلیل علاقه به همسر خود، به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی می‌آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بیند.

افزون بر این، زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه مصرف صحیح به فرزندان، سهم مهمی در ایجاد آرامش و آسایش خانواده دارند.

متأسفانه امروزه مصرف خانواده‌های ایرانی در برخی موارد بی‌رویه است. هم اکنون در ایران سرانه مصرف سالیانه نوشابه چهار برابر، نمک دو برابر، شکرشش برابر و بنزین چهار برابر متوسط جهانی است. در مصرف لوازم آرایش نیز دومین کشور غرب آسیا و هفتمین کشور دنیا هستیم.^۱

۱. بنگرید به: سیاح، اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده، ص ۱۱۳.

مسائل مربوط به اشتغال مردان: از آنجاکه تأمین درآمد خانواده برعهده مردان است، پسران جوان باید از آغاز جوانی با مهارت‌های لازم برای کسب درآمد آشنا شوند:

۱. از آغاز زندگی مشترک به دنبال مشاغل سطح بالا نباشید. هر شغل حلالی که کمکی برای تأمین معاش شما و خانواده‌تان باشد - هرچند با دستمزد پایین - می‌تواند مقدمه خوبی برای شغل‌های بهتری در آینده باشد. شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و اشتغال در کنار پدر یا یکی از بستگان یا دوستان می‌تواند آغاز خوبی باشد تا دیگران با مشاهده همت و توانمندی شما، فرصت‌های شغلی بهتری را به شما پیشنهاد دهند.

۲. باید شغل شما شرافتمندانه و مال حاصل از آن حلال باشد. بنابراین باید از اموری مانند رشوه گرفتن یا رشوه دادن، غل و غش در معامله و معاملات حرام همچون قمار، ربا و غصب، دوری گزید؛ زیرا مال حرام، برکت را در زندگی از بین خواهد برد و تأثیر نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «اثر درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود».^۱

۳. رشته تخصصی فعالیت اقتصادی خود را مشخص کنید و در همان محدوده به کسب تجربه و تلاش بیشتر بپردازید. عدم ثبات شغلی معمولاً مانع پیشرفت اقتصادی می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ارزش کارها به این است که به پایان برسد و نیمه‌کاره رها نشود».^۲

۴. سعی کنید نگرانی‌ها و افکار منفی مربوط به محیط کار را به خانه منتقل نکنید؛ چه‌آنکه خانه محل آرامش اعضای خانواده است.

۵. اشتغال بیش از حد شما نباید به مسئولیت‌های همسری و پدری شما و نیز به ارتباطات صمیمانه زناشویی آسیب برساند. همچنین در محیط کار مراقب روابط با نامحرم باشید تا موجب بروز غیرت‌ورزی همسرتان نشوید.

۶. زنان توجه داشته باشند که مردان نیاز دارند همسرشان در امور مربوط به اقتصاد خانواده با آنان همراهی کند؛ به‌ویژه امروزه که ازدواج‌های همسالان بیشتر اتفاق می‌افتد. زنان هنگام شروع فعالیت یا شغل جدید همسر، مشوق او باشند، نه اینکه پی‌درپی تذکر بدهند و سؤال کنند.

۱. کَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۵)

۲. الْأُمُورُ بِتَمَامِهَا وَ الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵)

مسائل مربوط به اشتغال زنان: مردان نباید همسر خود را مجبور به کار کنند؛ چراکه تأمین مخارج زندگی وظیفه زن نیست. اما اگر او داوطلبانه مشغول به کاری می‌شود:

۱. از اینکه در تأمین مخارج زندگی کمک می‌کند، از او تشکر کنید.
۲. به او کمک کنید تا در محیط مناسبی اشتغال یابد؛ محیطی که روابط مردان و زنان، مناسب شأن انسانی آنها و در چارچوب حدود الهی باشد و شرایط کار در آنها فرسودگی ایجاد نکند.
۳. اشتغال بیرون از خانه، همسر شما را خسته می‌کند، همان‌گونه که شما هم خسته می‌شوید. بنابراین در امور منزل به او کمک کنید.
۴. از آنجاکه همسر شما برای تأمین نیازمندی‌های زندگی به شما کمک می‌کند، شما نیز زمانی که خانه یا ماشین یا زمینی می‌خرید، سعی کنید بخشی از آن را به نام همسر خود کنید و او را مالک چیزی بسازید که اگر روزی دست تقدیر، عمر شما را کوتاه‌تر از او ساخت، او محتاج دیگران نشود و تا آخر عمر با غرور به همسر دلسوز خود افتخار کند.

♦ برای مطالعه بیشتر

زنان شاغل به این امور توجه داشته باشند:

۱. برخی از زنان بانگرانی از درآمد پایین شوهر، به اشتغال بیش از حد روی می‌آورند. در نتیجه هم خود را فرسوده می‌کنند و هم شوهر و فرزندان را از نعمت همسر و مادری بانشاط محروم می‌نمایند. کار و تأمین معاش زندگی، وظیفه مردان است و آنها از آغاز زندگی، آمادگی پذیرش مسئولیت‌های خانه را دارند. زن‌ها باید نقش بی‌بدیل خود را در ایجاد آرامش، نشاط، شادی و گسترش محبت در خانه حفظ کنند و بیش از توان خود مسئولیت نپذیرند.
۲. برای زمان اشتغال خود برنامه‌ریزی نمایید. سعی کنید زمان ورود همسر به خانه در منزل باشید. استقبال گرم از شوهر در لحظه ورود او به خانه، در استواری روابط صمیمی همسران بسیار مؤثر است. وقتی فرزند کوچک است، سعی کنید تا حد امکان به اشتغال بیرون از خانه نپردازید. سال‌های ابتدایی عمر کودک بسیار حساس است و در این ایام هیچ چیز جای آغوش گرم و تربیت مادرانه را نخواهد گرفت. بهترین فرصت‌های شغلی و بیشترین درآمدها با داشتن فرزندی صالح و سالم قابل مقایسه نیست.
۳. برای جمع میان مسئولیت‌های خانوادگی و اشتغال، از شغل‌های پاره‌وقت، نیمه‌وقت، دورکاری، یا شغل‌های خانگی استقبال کنید.
۴. در مواقعی که کار منزل زیاد است، صمیمانه از همسران کمک بخواهید. البته توقع نداشته باشید که او مانند یک زن خانه‌داری کند؛ چراکه این کار با روحیات زنانه

سازگارتر است. بگذارید در هر کاری که مایل است، به شما کمک کند و سپس از او برای کمک‌هایش تشکر کنید.

۵. در زندگی با همسر سخنی از پول من و پول تو به میان نیاورید. زنان با اشتغال خود، روابط خود و همسرشان را صمیمی‌تر می‌کنند. از این رو با ایجاد مرز میان خود و همسران به این صمیمیت آسیب نرسانید.

مدیریت مصرف: ثروت خانواده از دو راه تأمین می‌شود: «زیاد کردن درآمد» و «کم کردن مخارج». بنابراین به همان میزان که برای ازدیاد درآمد مشروع تلاش می‌کنید، برای مصرف بهینه نیز باید برنامه‌ریزی نمایید. به بیان دیگر، برای ثروتمند شدن، به جای آنکه بکوشید بیشترین امکانات را در زندگی خود فراهم کنید، بکوشید از امکانات موجود بیشترین بهره را ببرید.

بنابراین همسران جوان برای مدیریت بهینه مصرف به این نکات توجه کنند:

۱. موارد مصرف خانواده را مشخص کنید. مخارج خانواده معمولاً عبارت است از: غذا، پوشاک، خرید یا اجاره مسکن و تعمیرات، هزینه منابع انرژی مانند آب، برق و گاز، مخارج مربوط به رفت‌وآمد، تلفن، بهداشت و درمان، خرید لوازم منزل، تعمیر و خرید لوازم مربوط به شغل، هزینه تحصیل، اقساط وام، هزینه آرایش و عطر، تفریح و مسافرت، میهمانی و حقوق واجب الهی مانند خمس و زکات فطره. این موارد را متناسب با درآمد و هزینه‌های خانواده و با توجه به اولویت‌ها بودجه‌بندی کنید.

۲. تا آنجا که ممکن است، بخشی از درآمد خود را - هرچند کم - پس‌انداز کنید. اندک اندک این پس‌اندازها می‌تواند سرمایه کار بهتر یا فراهم کردن امکانات اصلی زندگی شود. چه بسا پس از چندین سال پس‌انداز و استفاده از وام‌های گوناگون بتوانید صاحب خانه شوید، یا مغازه‌ای بخرید یا در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنید.

۳. همسر خویش را از میزان درآمد خود مطلع نمایید و در مورد مصرف آن با یکدیگر همفکری کنید و برای مصارف هر ماه با هم برنامه‌ریزی داشته باشید. بدین سان، او با شما همدلی می‌کند و توقعات خود و مصرف خانواده را با درآمد شما تنظیم خواهد کرد.

۴. برای مصرف خانواده، کالای ایرانی که کیفیت قابل قبولی دارد خریداری کنید و بدین وسیله از اشتغال جوانانی همانند خودتان حمایت کنید.

در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره زنان با مردان تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ هرچند تربیت و آموزش‌های رسمی و غیررسمی در تنوع و شدت این تفاوت‌ها اثرگذار بوده است. ابعاد این تفاوت‌ها عبارت است از: «جسمی و فیزیولوژیکی»، «عاطفی و روانی»، «رفتار و عملکرد» و نیز «خواسته‌ها و انتظارات». اسلام نیز بر وجود این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها براساس آن صحه نهاده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم مادامی که متفاوت باشند، در جهت خیر و خوبی سیر می‌کنند. پس هنگامی که مساوی گردند، نابود می‌شوند.^۱

یکی از مهارت‌هایی که زوج‌های جوان باید بیاموزند، شناخت این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها و انتظارات خود براساس آن است. از این رو باید دانست:

یک. زن‌ها ظریف‌تر از مردان هستند و مردان عضلات قوی‌تر و قدرت بدنی بیشتری دارند. در ضمن خون مردان دارای اکسیژن بیشتری است و قلب آنها نیز به هنگام فعالیت بدنی، مجال بیشتری برای فعالیت دارد. بر همین اساس به هنگام تقسیم وظایف در خانواده، مردان باید بخش سخت‌افزاری امور خانه و زنان نیز امور نرم‌افزاری خانواده را برعهده گیرند.

در ضمن از آنجاکه زنان لطیف‌تر از مردان، و مردان خشن‌تر از زنان هستند، زنان رفتار جدی مرد را خشونت بی‌رحمانه‌شانمارند و از شوهر خود انتظار ابراز محبت زنانه نداشته باشند و در رفتارهای گوناگون شوهر خود نیز به ابراز محبت‌های او توجه کنند. مردان هنگام خرید برای خانه، تعمیر لوازم منزل و هر خدمتی که به خانواده می‌کنند، پیام‌های محبت‌آمیزی دارند.

به مردان نیز توصیه می‌شود به همسر خود سخت‌گیری نکنند. همچنین از تأثیر کلماتی که بار عاطفی دارد، غفلت نورزند و به شدت از تندخویی پرهیزند و از همسر خود حمایت و حفاظت کنند؛ زیرا زنان به دلیل ظرافت جسمانی و عواطف لطیف، آسیب‌پذیرترند. دو. مردان کلی‌نگرتر هستند و زنان به جزئیات دقت بیشتری دارند. بنابراین مردان باید

۱. النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْوُ فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا. (همان، ج ۱۷، ص ۱۰۱)

بکوشند به امور جزئی خانه‌داری زنان توجه و آن را تحسین کنند. زنان نیز از بی‌توجهی مردان نسبت به جزئیات رفتاری خود تعجب نکنند. آنان مردان را متوجه جزئیات کنند تا واکنش مناسب آنان را ببینند.

سه. غالباً مردان هدف‌مدار و زنان رابطه‌مدارند. بر همین اساس مردان بیشتر به موفقیت‌های اجتماعی و زنان بیشتر به هدف‌هایی با موفقیت احساسی (مانند عشق) علاقه دارند. بنابراین مردان باید به همسر خود اظهار علاقه کنند و به احساسات او اهمیت دهند. وقتی همسرشان با احساس سخن می‌گوید، به خوبی گوش دهند و هنگامی که ناراحت است، با او همدردی کنند. نیز از نگاه، کلام و رفتاری که نشان‌دهنده ارتباط صمیمی و عاشقانه است، غفلت نورزند.

زنان نیز تصمیم‌گیری در امور مهم خانواده را به شوهر خود بسپارند اما از همکاری و بیان نظر مشورتی دریغ نورزند. نیز در مقابل همسر خود متواضع باشند و او را با دیگران نسنجند و اگر شوهرشان نمی‌تواند مشکلی را حل کند، او را مأیوس نکنند.

اگر زن در خانه، مدیریت شوهر را نپذیرد، اعتماد به نفس مرد آسیب می‌پذیرد و بدین سان انگیزه وی برای پذیرش مسئولیت‌های سنگین خانوادگی تضعیف می‌شود. و نیز با نبود مدیریت واحد و متناسب با مسئولیت‌ها، بی‌نظمی در خانه حاکم می‌شود و در نهایت فرزندان از پدر و مادر خود فرمان نمی‌پذیرند و در نتیجه درست تربیت نخواهند شد.

چهار. خیال‌پردازی زنان قوی‌تر است و مردان معمولاً جدی‌تر و استدلالی‌ترند. بر این بنیاد، مردان باید از بیان سخنانی که همسرشان را مضطرب می‌سازد، بپرهیزند و به همسر خود امنیت خاطر دهند. همچنین برخی سخنان اغراق‌آمیز همسر خود را جدی نگیرند و هدف اصلی از ابراز آن سخن را دریابند. برای مثال، وقتی زن به شوهر خود می‌گوید: «تو هیچ وقت به من توجه نمی‌کنی»، در حقیقت می‌گوید: «لطفاً اکنون به من توجه کن». زنان نیز در به‌کار بردن کلمات و جملات دقت بیشتری کنند؛ زیرا شوهر آنها سخنانشان را جدی خواهد گرفت.

پنج. قدرت تکلم در زنان قوی‌تر از مردان است. معمولاً زن‌ها شکایت می‌کنند: «شوهرم کم صحبت می‌کند»، و مردان نیز شکایت می‌کنند: «همسرم همواره حرف می‌زند». با توجه به این تفاوت جنسیتی، زنان این انتظار خود را تعدیل کنند و نیاز به سخن گفتن بیشتر را

در روابط خود با فرزندان یا سایر زنان (بستگان و دوستان) تأمین نمایند. از این نکته نیز غافل نباشند که مردان از شیرین سخنی همسرشان لذت می‌برند و بدان نیاز دارند. معمولاً زنان خوش‌زبان نزد شوهر خود از زنان خوش‌سیما محبوب‌ترند.

تفاوت دیگر آنکه، مردان بسیاری از اوقات در سکوت می‌اندیشند و سپس نتیجه پایانی را بر زبان می‌آورند. آنان دوست ندارند تردیدشان را نشان دهند. همچنین تحلیلی و استدلالی سخن می‌گویند، بی‌آنکه متوجه احساسات خود باشند. از سویی، برای صحبت کردن در مورد احساس‌های خود به‌ویژه احساس‌های منفی مانند عصبانیت و سرخوردگی، تمایل کمتری دارند. آنها معمولاً بیان این نوع احساس‌ها را ضعف می‌دانند. این در حالی است که زنان پس از تجربه احساس منفی دوست دارند در مورد آن صحبت کنند تا از این طریق آرامش یابند. در ضمن زنان برای افزایش صمیمیت و نزدیکی علاقه دارند در مورد هر کاری که انجام می‌دهند، یا درباره اتفاق‌هایی که در طول روز افتاده، با همسرشان صحبت کنند، ولی مردان گفتگو در مورد جزئیات را خسته‌کننده و بی‌فایده می‌دانند.

همچنین مردان تمایل دارند هنگام بروز مشکل به جای صحبت کردن در مورد آن، به دنبال راه‌حل برای رفع آن باشند؛ ولی زنان دوست دارند ابتدا درباره مشکل و احساس خود نسبت به آن سخن بگویند و سپس به راه‌حل بپردازند.

در پایان یادآوری می‌شود افزون بر این تفاوت‌ها، زنان و مردان دارای تفاوت‌های فردی نیز هستند. در ازدواج موفق، زن و شوهر باید بکوشند تا تفاوت‌های فردی خود و همسرشان را نیز شناسایی کرده، متناسب با این تفاوت‌ها با همسر خویش رفتار کنند.

هفت. احترام به همسر و خانواده او

۱. احترام به همسر

همه افراد در روابط با دیگران نیازمند احترام‌اند، ولی زن و شوهر به پاس روابط عاطفی عمیق خود و نیز به دلیل زحمات بسیاری که برای یکدیگر می‌کشند، از همسر خود احترام بیشتری انتظار دارند. روایات اسلامی نیز بر رعایت این اصل اخلاقی تأکید می‌کند؛ چنان‌که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و همسر خویش را بیشتر تکریم کند.^۱

اقبال لاهوری به زیبایی گوید:

جهان عشق نه میری نه سروری داند
همین بس است که آیین چاکری داند^۲

مهارت‌های رفقاری

پس از ازدواج برای احترام به همسر باید:

یک. به رابطه صمیمی میان خود و همسران بسنده نکنید و به او احترام بگذارید. احترام گذاردن به همسر موجب کوچک شدن شما نمی‌شود، بلکه حق‌شناسی، صفا و مودت شما را اثبات خواهد کرد. افزون بر این، احترام به همسران سبب می‌شود که او در انجام مسئولیت‌هایش توانمندتر گردد. در ضمن او نیز احترام شما را حفظ خواهد کرد و بدین‌سان عزت نفس هر دوی شما بیشتر خواهد شد.

دو. به یاد داشته باشید شما هستید که می‌توانید همسر خود را نزد دیگران پیراج یا بی‌مقدار کنید. بی‌شک هرچه بر ارزش او بیفزایید، بر ارزش خود افزوده‌اید.

سه. هنگام ورود به منزل به استقبال او بروید و در سلام کردن پیشی بگیرید و هنگام خروج از خانه او را بدرقه کنید.

چهار. در حضور میهمان او را کمک دهید و هنگام پذیرایی به او نیز تعارف کنید.

پنج. در غیاب همسران از او تعریف کنید و در جمع از او تمجید نمایید.

شش. به زحمتهایی که برای خانواده متحمل می‌شود، توجه کنید.

هفت. کارهای شخصی‌تان را خودتان انجام دهید و به او دستور ندهید.

هشت. در امور زندگی با او مشورت کنید.

نه. به بستگان او محبت کنید و به آنها احترام بگذارید.

۱. چهارمک الیندکم مناجبة و اکرمهم لینانهم. (بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۹)

۲. لاهوری، اشعار فارسی، غزلیات، ص ۳۴.

۲. احترام به خانواده همسر

در اسلام افزون بر سفارش به ارتباط صمیمی و احترام به همسر، درباره ضرورت ارتباط مؤثر با خانواده خود - چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج - نیز توصیه‌هایی شده است. خداوند در قرآن بارها بر نیکی کردن و احترام به پدر و مادر سفارش کرده و احسان به والدین را پس از امر به پرستش خود امری ضروری شمرده است.^۱

بنابراین زن و شوهر باید مراقب باشند ازدواج سبب سردی روابط آنها با والدین نشود. از این رو اگر کسی مانع روابط صمیمی همسر با خانواده‌اش شود، گویی ارتباط او را با ریشه استوارش قطع کرده است؛ اقدامی که سبب سستی روابط همسران خواهد شد. در روایتی آمده است که پدر و مادر همسر، جایگاهی شبیه پدر و مادر خود انسان دارند.^۲ بنابراین رعایت احترام و نیکی به والدین همسر لازم است.

مهارت‌های رفتاری

امروزه به دلیل وجود برخی تفاوت‌های فکری و نگرشی بین جوانان و والدین آنها، ارتباط سازنده اعضای خانواده نوپا با والدین خود نیازمند کسب برخی توانمندی‌هاست که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. توجه داشته باشید که افراد به بستگان‌شان به‌ویژه والدین خویش علاقه‌مندند و صمیمانه آنها را دوست دارند و نسبت به هرکس که حرمتشان را بشکند یا آنها را نادیده بگیرد، احساس بدی پیدا می‌کنند. رفتار خوب با خانواده همسر سبب می‌شود که آنها نیز با شما رابطه خوب و عاطفی برقرار نمایند و فضای روانی مثبتی را به نفع شما در خانواده خود ایجاد کنند؛ اقدامی که در نهایت موجب مثبت‌تر شدن نظر همسر می‌شود.

۲. هرچند وقت یک بار خانواده خود یا همسران را به منزل دعوت کنید و با همسر خود به دیدار آنها بروید. این مهمانی‌ها نشانه احترام و صمیمیت است.

۳. ارتباط با خانواده خود و خانواده همسران را مدیریت کنید. زمان رفت و آمدها و

۱. وَ قَصَىٰ رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگارت فرمان قطعی داده که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید. (اسراء (۱۷): ۲۳)

۲. الْآبَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَبٌ وَ لَدُنْكَ، وَ أَبٌ وَ زَوْجُكَ، وَ أَبٌ عَمَلُكَ. (امینی، الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۹)

مقدار حضور نزد آنها را به گونه‌ای تنظیم کنید که هم روابط صمیمانه حفظ شود و هم به برنامه‌های شخصی و خانوادگی شما آسیب نرسد.

۴. کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به خوشبختی، استفاده از تجربه دیگران است. بهترین تجربه‌ها از آن پدر و مادر شما و پدر و مادر همسران است. از راهنمایی منطقی والدین همسر خود استقبال کنید و نصایح آنها را دخالت تلقی نکنید. گاه خودتان نیز در برخی امور زندگی با آنها مشورت کنید.

۵. برای پیشگیری از ایجاد اختلاف بین خانواده خود و همسران، از آغاز زندگی مشترک، به همسر خود کمک کنید تا عادات و آداب و رسوم خانواده شما را بهتر بشناسد. البته از او انتظار نداشته باشید که دقیقاً متناسب با آن رفتار کند.

۶. هنگام نیاز خانواده خود و همسران به کمک آنها بشتابید تا اگر زمانی آنها منتظر حضور شما بودند و شما این حضور را مصلحت ندانستید، دلگیر نشوند و رفتار شما را تکبر یا بدخلقی به شمار نیاورند. کمک شما به خانواده همسران در مشکلات، نشانه صمیمیت شماست و نزد خداوند نیز اجر خواهد داشت؛ ضمن آنکه آنها نیز هنگام مشکلات به کمک شما خواهند شتافت. به علاوه، همسر شما نیز یاد می‌گیرد که در سختی‌ها به خانواده شما رسیدگی نماید.

۷. اسرار زندگی خود و همسران را تا حد امکان نزد خانواده خود یا همسر بازگو نکنید. آنها شما را دوست دارند و ممکن است نگرانی‌های آنان سبب دخالت نامناسب در زندگی شما شود.

۸. دختران با روش مناسب مدیریت داخلی خانه همچون آشپزی خوب، نظافت و نظم منزل و مهمان‌داری شایسته، آشنا باشند و پسران نیز در کسب و کار و شیوه صحیح تأمین مخارج زندگی اطلاعات کافی به دست آورند و به درستی رفتار کنند تا زمینه دخالت‌های والدین در زندگی آنان کم شود.

۹. اگر از خانواده خود دلگیر شده‌اید، نزد همسران از آنها بدگویی نکنید؛ چراکه نگاه همسران نسبت به خانواده شما منفی خواهد شد.

۱۰. اگر از خانواده همسر خود انتقادی دارید، فقط در مورد آنچه به روابط شما و همسران و زندگی خانوادگی شما مربوط می‌شود، واکنش نشان دهید. انتقاد نسبت به آنها را از طریق همسران ابراز کنید و مستقیماً به آنان سخنی نگویید. همچنین هنگام بازگویی این انتقادها به همسران، احترام آنها را رعایت کنید.

۱۱. اگر همسر شما از رفتار خانواده شما با خودش گله مند است، با او همدردی کنید. نگذارید حمایت‌های شما از خانواده‌تان، میان شما و همسرتان شکاف ایجاد کند.
۱۲. اگر بستگان همسرتان مرتکب رفتار زشتی شدند، همسر خود را سرزنش نکنید. هر کسی مسئول اعمال خویش است، نه مسئول اعمال دیگران. در ضمن پشت سر خانواده همسرتان بدگویی نکنید که غیبت و حرام است.
۱۳. برای پیشگیری از دخالت‌های ناروای خانواده همسر در زندگی خصوصی خود، به همسر خویش در جمع خانواده ابراز علاقه کنید و به او احترام بگذارید. این امر، خانواده همسر را متوجه روابط مستحکم شما می‌کند و آنها را از دخالت در زندگی شما باز می‌دارد.
۱۴. زمانی که پدر یا مادر در مورد زندگی خصوصی شما توصیه‌ای دارند، به آنها بگویید در آن زمینه با همسرتان مشورت می‌کنید و سپس در صورت صلاحدید، اقدام خواهید کرد. در نتیجه آنها متوجه خواهند شد که با زوجی روبه‌رویند که دارای حریم‌های مستحکم است.
۱۵. در صورتی که والدین همسر در زندگی شما دخالت‌های ناروا دارند، طول اقامت خود را در منزل آنان کاهش دهید و در مدت حضور، به آنها محبت نمایید.
۱۶. زنان شاغل توجه داشته باشند که پدر و مادر زن یا شوهر ممکن است برای حمایت از اشتغال زن، از او و فرزندانش حمایت‌های افراطی به عمل آورند. این امر در طولانی‌مدت موجب بیگانه شدن همسران با وظایف خود، بی‌مسئولیتی زوجین نسبت به یکدیگر یا فرزندشان و غرق شدن همسران در فعالیت‌های فردی می‌شود و روابط گرم خانوادگی زن و شوهر را به سردی می‌کشاند. در صورت کمک والدین، میزان این حمایت‌ها را مدیریت کنید و با صمیمیت از آنها تشکر نمایید.

هشت. رازداری

روابط زن و شوهر از تمامی روابط انسانی صمیمانه‌تر است. آنها شب و روز در کنار هم هستند و از احوال و رفتار یکدیگر مطلع‌اند. صمیمیت مطلوب همسران اقتضا می‌کند که هریک از آنان حافظ اسرار همسر خود و مسائل خانوادگی باشند؛ چراکه خداوند زن و شوهر را لباس یکدیگر معرفی کرده است:

هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ.^۱

آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.

لباس پوشاننده عیوب و زینت دهنده بدن است. بی‌گمان افشای اسرار خانوادگی سبب خواری خانواده در منظر دیگران خواهد شد. علاوه بر آن همان‌گونه که لباس بدون حائل و واسطه به بدن می‌چسبد، همسران نیز باید دیگران را در روابط خود راه ندهند و محرم اسرار یکدیگر باشند.^۲ در حفظ اسرار خانوادگی، زن و مرد به یکسان مسئول‌اند، ولی از آنجاکه زنان معمولاً زودتر رنجیده خاطر می‌شوند و ارتباطات کلامی وسیع‌تری نسبت به مردان دارند، باید در حفظ اسرار خانواده بیشتر اهتمام ورزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زنی را که از خانه خود دامن‌کشان برای شکایت شوهرش بیرون شود، دشمن می‌دارم».^۳

مهارت‌های رفتاری

برای حفظ اسرار خانوادگی باید نکاتی چند را در نظر داشت:

یک. عیب‌های پنهان همسر، وضعیت اقتصادی خانواده (چه ثروت و چه فقر)، اختلاف‌های زناشویی، مشکلات خویشاوندان همسر و مشکلات روحی و روانی فرزندان، جملگی رازهای خانوادگی‌اند که نباید بازگو شوند، مگر آنکه با مشاوره خردمند و امین، آن‌هم به منظور رفع مشکلات در میان گذارده شود.

دو. حرمت حریم خانه را همواره حفظ کنید و اسرار زندگی‌تان را نزد دیگران فاش نسازید، حتی اگر پدر یا مادرتان باشد. گله از مشکلات جزئی نزد پدر و مادر، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه تصویری تیره در ذهن خانواده‌تان ایجاد می‌کند.

سه. لزومی ندارد همه امور زندگی را برای همسران بازگو کنید؛ زیرا این امر سبب نگرانی همسران می‌گردد. از سویی نزد همسر خود نیز نباید راز دیگران را فاش سازید. البته همسر شما نیز باید بداند که شنیدن همه واقعیت‌ها ضرورتی ندارد.

۱. بقره (۲): ۱۸۷.

۲. بنگرید به: جوادی آملی، تسنیم، ج ۹، ص ۴۶۰.

۳. ابْنُ لَبَّيْضِ الْمَرْأَةِ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا، تَجْرُؤُ ذَيْلَهَا، تَشْكُو زَوْجَهَا. (پاینده (مترجم)، نهج الفصاحه، ح ۹۶۰، ص ۳۴۸)

چهار. رازی که مربوط به زندگی مشترک است، از هم پنهان نکنید؛ چراکه اگر همسر شما به شکلی از آن مطلع شود، احساس می‌کند که با او صمیمی نیستید و به او اعتماد ندارید. این امر روابط شما را سرد خواهد کرد و او را نیز نسبت به شما بی‌اعتماد خواهد نمود. در ضمن با پنهان کردن آن، خود را از همفکری و حمایت همسر محروم خواهید ساخت.

عفو و گذشت

انسان به دلیل جهالت و کوتاهی، مرتکب خطا می‌شود. در توصیه‌های اسلامی آمده است که در برابر خطای خویش سخت‌گیر باشیم؛ اما در تعامل با دیگران سهل‌گیر و نرم‌خو باشیم، مگر آنکه خطا سبب وارد آمدن آسیب جدی به دیگران گردد. این امر در خانواده - که کانون عطوفت و محبت است - بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا اگر مرد یا زن از اشتباه همسر خود چشم‌پوشد، هر کوتاهی سبب ایجاد نزاع و اختلاف خواهد شد.

مهارت‌های رفتاری

یک. در صورت مشاهده خطا از همسر، باید ابتدا بررسی نمود که آیا رفتار او اشتباه بوده، یا برداشت ما از این رفتار، نادرست است.

دو. در مرحله دوم باید اندیشید که آیا رفتار نامطلوب همسر واکنشی در برابر رفتار اشتباه ماست؟ اگر خطای عمدی همسر بدون تقصیر ما انجام گرفته، با مهربانی به او گوشزد کنیم و اگر همسر عذری آورد، بپذیریم. گذشت و عذرپذیری به اصلاح رفتار او کمک خواهد کرد و انگیزه وی را برای تغییر رفتار تقویت خواهد نمود.

سه. بخشش و گذشت نه تنها به تحکیم روابط همسران کمک می‌کند، بلکه موجب حفظ سلامت جسمی و روانی خود فرد نیز می‌گردد؛ چنان‌که برپایه برخی تحقیقات، افرادی که کینه به دل می‌گیرند، دچار ناراحتی‌های جسمی از جمله فشارخون و زخم معده و ناراحتی‌های عصبی (همچون افسردگی) می‌شوند.^۱ حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرکه از بسیاری امور، تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره می‌شود».^۲

۱. عاطف وحید و دیگران، تحکیم پیوند زناشویی، ص ۱۱.

۲. مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغْفُضْ - يَتَقَاضُ - عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَنَفَّصَتْ عَيْشَتَهُ. (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم،

نقش اعضای خانواده

هرچند ازدواج به ظاهر پیوند دختر و پسر با یکدیگر است، با این امر مقدس شبکه‌ای ارتباطی متشکل از زن و شوهر و فرزندان و بستگان ایجاد می‌شود که هریک جایگاه و نقش ویژه‌ای دارند. ایفای مناسب این نقش‌ها سبب برکت و رحمت فراوان در زندگی هریک از آنها خواهد شد. در نگاهی اجمالی می‌توان رابطه اعضای خانواده را چنین برشمرد:

- زن و شوهر؛

- والدین و فرزندان؛

- بستگان.

یک زن و شوهر

همسران هرچند در خانواده نقش‌های مشترک فراوانی دارند، به دلیل برخی تفاوت‌های «جسمانی»، «عاطفی و روانی» نقش‌های ویژه‌ای نیز برعهده دارند. از این رو در اسلام مسئولیت تأمین مخارج زندگی زن و فرزندان برعهده مردان قرار داده شده و زن‌ها از آن معاف هستند. علاوه بر آن مرد جایگاه مدیریتی خاصی در خانه دارد و حامی و مراقب خانواده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هریک از فرزندان آدم یک فرمانرواست: مرد فرمانروای خانواده خویش است و زن فرمانروای خانه خویش.^۱

براساس تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، نقش زنان در ایجاد محبت و گسترش عواطف در خانواده پررنگ‌تر بوده و از همین رو در رفع کدورت‌ها مسئولیت بیشتری متوجه آنهاست.^۲ به سایر تفاوت‌های نقش‌ها و تکالیف همسران نیز در سایر بخش‌ها اشاره شده است.

ح ۱۰۳۷۵، ص ۴۵۲

۱. کُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدٌ، فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ، وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا. (پابنده (مترجم)، نهج الفصاحه، ح ۲۱۷۷، ص ۶۱۴)
۲. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاصًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ و اگر زنی از سرکشی یا روی گردانی شوهرش ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در اینکه با آشتی در میانشان صلح برقرار کنند، و صلح بهتر است، و [هرچند در این موارد] جان‌ها در معرض آزمندی است، و اگر نیک‌بختی کنید و خودنگه‌دار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» (نساء (۴): ۱۲۸)

با تولد فرزندان، زن و شوهر نقش‌های جدیدی می‌پذیرند. ایفای نقش پدری و مادری، شیرین ولی پرمسئولیت است. پدر باید نیازهای اولیه کودک به‌ویژه مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان فرزند را برآورده کند و مادر نیز وظیفه دارد با ایجاد ارتباط عاطفی عمیق با فرزند به تربیت او همت گمارد. هرچند تربیت جسمانی، روانی، اعتقادی و اخلاقی فرزندان وظیفه مشترک پدر و مادر است، نقش مادر در این بخش حساس‌تر و مؤثرتر است.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ماهیت روابط میان فردی هر شخص، در تعامل میان نوزاد و مادر تثبیت می‌شود. اگر میزان تماس بدنی، دیداری و کلامی مادر و آگاهی و پاسخ‌دهی او به نیازهای کودک کافی باشد، وی دارای الگوی دل‌بستگی ایمنی‌بخش می‌شود. این نوع دل‌بستگی با ویژگی‌های آینده فرد مرتبط است؛ ویژگی‌هایی چون عواطف مثبت، همدلی، عزت نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان^۱. اسلام به تناسب این نقش‌ها با عباراتی همچون «بهشت زیر پای مادران است»^۲، شخصیتی والا از ایفای نقش مادری به‌دست داده و از این سو بر نقش مردان نیز انگشت نهاده است:

کسی که از طریق کسب روزی حلال برای تأمین معاش خانواده خود تلاش می‌کند، خداوند را در روز قیامت با چهره‌ای که چون ماه شب چهارده می‌درخشد، ملاقات می‌کند.^۳

این تعبیر سبب می‌شود مادران و پدران به تناسب نقش‌های خویش، احساس مسئولیت نمایند و رضایت بیشتری از انجام مسئولیت خویش به‌دست آورند. از آنجاکه بیشتر مسئولیت‌های پدر و مادر در مقابل فرزند مشترک است، می‌توان نقش ویژه والدین در خانواده را به‌اختصار چنین ذکر کرد:

- رعایت اصول سلامت فرزند در دوران جنینی؛

۱. بنگرید به: آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۶۸-۲۶۶.

۲. الْجَنَّةُ تَحْتَ أقدامِ الْأُمَّهَاتِ. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

۳. مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا... وَسَعَى عَلَى عِيَالِهِ... لَقِيَ اللَّهَ وَوَجَّهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. (همان، ج ۱۳، ص ۱۷ و ۵۵)

- تلاش برای بارداری و زایمان سالم؛

- توجه به تغذیه کودک در دوران شیرخوارگی؛

- کمک به فرزندان برای استقلال در رفتارهای شخصی؛

- سیراب نمودن فرزند از محبت و عشق بدون عوض؛

- زمینه‌سازی برای بازی‌های سالم و سازنده؛

- تلاش در جهت سلامت جسمانی و رشد کودک و درمان بیماری‌های او؛

- رشد دادن خصلت‌های اخلاقی مانند «اعتماد به نفس، نشاط روحی، امیدواری، صبر

و بردباری، صداقت، مسئولیت‌پذیری، حیا و عفت، خوش رفتاری با دیگران و شجاعت»؛

- ایجاد و تقویت اعتقادات صحیح در او همچون «ایمان به خالق جهان هستی، نقش و

مسئولیت انسان در جهان، پذیرش معاد و رسالت رسولان، باور به قرآن و دوری از خرافه‌ها»؛

- فراهم نمودن امکانات آموزشی مورد نیاز برای رشد و پیشرفت؛

- توانمند ساختن فرزندان برای روابط اجتماعی سالم و سازنده.

نقش والای پدر و مادر در سازندگی و رشد فرزند، برای او نیز وظایفی ایجاد می‌کند.

کودک تا زمانی که به رشد عقلی لازم نرسیده است، معمولاً مطیع پدر و مادر بوده، از آنان

تأثیر می‌پذیرد. اندک‌اندک با آغاز بلوغ و ورود به دوران نوجوانی، حس استقلال طلبی در او

رشد می‌کند. از این پس با ورود به سن مسئولیت‌پذیری، به فرزند تکلیف می‌شود تا از پدر

و مادر خویش اطاعت کند و به آنان فرصت دهد تا به تداوم نقش تربیتی خویش بپردازند.

علاوه بر آن، احترام به پدر و مادر و نیکی به آنان برای فرزندان واجب شمرده شده است.

خداوند می‌فرماید: «به آدمی سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند».

همچنین بر رسیدگی به مادر و پدر در ایام سالمندی تأکید شده است و در صورتی که آن دو یا

یکی از آنها نیازمند باشد، بر فرزند - اعم از دختر و پسر - واجب است که مخارج آنها را تأمین کند.

۱. وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عَنْكَ الْكِبَرِ أَخَذَهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آيِبٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا • وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهَا كَمَا رَّبَّنَا ابْنِي صَغِيرًا؛ و پروردگارت فرمان قطعی داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو نزد توبه [سن] پیری برسند، پس به آن دو «آف» [=کوچک‌ترین سخن اهانت‌آمیز] نگو و آن دو را با پرخاش نزن و به آن دو سخنی ارجمند بگو و از سر مهر، بال فروتنی برای آن دو فرو آور و بگو: پروردگارا! آن دو را رحمت کن، همان‌گونه که مرا در خردی پرورش دادند.

بنابراین نقش والدین و فرزندان در خانواده به اختصار چنین است: وظیفه پدر و مادر مراقبت، حمایت و تربیت فرزند است. البته پدر علاوه بر اینها، تأمین معاش او را نیز عهده‌دار است. وظیفه فرزند نیز احترام به والدین و اطاعت از دستورهای مشروع آنها و رسیدگی به آنان در ایام نیازمندی و سالمندی است.

بسته. بستگان

از نظر اسلام، ارتباط با بستگان (صله رحم) قبل یا بعد از ازدواج واجب است و آثار مثبت متعددی دارد؛ از جمله اینکه عمر را زیاد می‌کند و فقر را از بین می‌برد،^۱ حساب قیامت را آسان می‌کند^۲ و اخلاق افراد را نیکو می‌گرداند.^۳

حمایت عاطفی خویشاوندان نسبی یا سببی در مشکلات زندگی، راهنمایی و حمایت مالی آنها در فشارهای اقتصادی و نیز نشاط روحی حاصل از دید و بازدیدها، به سلامت روانی اعضای خانواده کمک می‌کند و سبب رشد اجتماعی آنها نیز خواهد شد.

بنابراین دختر و پسر پس از ازدواج وظیفه دارند ارتباط با خویشان خود به ویژه پدر و مادر را حفظ نمایند، هرچند این ارتباطات نباید به روابط همسران آسیب برساند. گاهی وابستگی شدید یکی از آنها به والدین، سبب کوتاهی در مسئولیت همسری می‌شود و گاه فرد بدون رعایت حریم خصوصی روابط خود با همسرش، آبروی وی را نزد بستگان خویش می‌برد. گاهی اوقات نیز رقابت فامیلی در تجملات، سبب ایجاد فشار اقتصادی بر خانواده جدید می‌شود. در مواردی نیز دخالت‌های بستگان به خصوص والدین موجب از بین رفتن استقلال خانواده جدید می‌گردد و روابط آنها را دچار تنش می‌سازد. بنابراین همسران باید روابط خود با بستگان را به گونه‌ای مدیریت کنند که آسیبی متوجه خانواده نشود.

ج || حقوق و تکالیف همسران

بنیان خانواده بر مودت و رحمت و عواطف عمیق انسانی و معنوی بنا شده است. بی‌تردید

۱. صَلَاةُ الرَّجْمِ تَرْبِيَةٌ فِي الْفَقْرِ... وَتَنْفِي الْفَقْرَ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲)

۲. صَلَاةُ الرَّجْمِ تَهْوِنُ الْحِسَابَ. (طوسی، الامالی، ص ۴۸۱)

۳. صَلَاةُ الْأَرْحَامِ تُحَيِّنُ الْخُلُقَ. (کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲)

مسئولیت‌پذیری و ایثار و گذشت، امری دوسویه است که بذریعۀ محبت را به درختی تنومند مبدل می‌کند و زن و مرد را زوجی خوشبخت می‌سازد؛ زوجی که نه برای حق‌طلبی و رقابت مذموم، بلکه بر مبنای رحمت و الفت کنار یکدیگرند. بر این مبنای، بیان برخی از حقوق و تکالیف قانونی در این بخش، تنها برای ارتقای آگاهی‌های حقوقی است تا اگر احیاناً زندگی به مراحل دشواری رسید، از آن بهره‌گیرند.

وظایف و حقوق اعضای خانواده مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران به قراری است که در پی می‌آید.

یک. حقوق و تکالیف مشترک

۱. حسن معاشرت

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»
لوازم حسن معاشرت عبارت است از:

۱-۱. اسکان مشترک: زن و شوهر باید با یکدیگر و در محل مشترکی زندگی کنند. بنابراین شوهر مکلف است زن را در خانه بپذیرد و زن نیز مکلف است در خانه شوهر زندگی کند. همسران باید به اهمیت بستر مشترک و نقش هم‌بستری در ایجاد مودت و رحمت بین آنها و تأثیر آرامش روحی و روانی آن بر اعضای خانواده توجه داشته باشند.

۲-۱. روابط جنسی متعارف: داشتن روابط جنسی به شکل متعارف، نوعی خوش‌رفتاری به شمار می‌آید. بنابراین بی‌اعتنایی یکی از همسران به خواست طرف دیگر، اگر به دلیل موجهی نباشد، برخلاف حسن معاشرت است.^۱

خروج از حسن معاشرت برای زن، اگر به صورت عدم تمکین جنسی باشد، موجب «نشوز»^۲ است و وی دیگر مستحق نفقه نخواهد بود.

برابر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز چنانچه شوهر دچار سوءمعاشرت شود، به گونه‌ای که ادامه زندگی خانوادگی تحمل‌ناپذیر گردد، زن حق طلاق خواهد داشت.

۱. عراقی، آبا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۹۱.

۲. نشوز اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی به معنای عصیان در مقابل همسر است.

۳-۱. خوشرفتاری: بدیهی است که بدرفتاری یا ضرب و شتم همسر از مصادیق بارز سوء معاشرت خواهد بود.^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر مردی به صورت همسرش یک سیلی بزند، خداوند عزوجل به مالک دوزخ فرمان می‌دهد در جهنم هفتاد سیلی به او بزند.^۲

نیز فرمود:

آگاه باشید! هرگاه زنی با شوهرش مدارا نداشته باشد و بر آنچه خداوند روزی آنان کرده، صبر نکند و شوهرش را به مشقت اندازد [و] از وی چیزی بخواهد که قادر بر به دست آوردن آن نباشد و فوق طاقت شوهر باشد، خداوند از چنین زنی حسنه‌ای را - که او را از آتش در امان دارد - نمی‌پذیرد و مادامی که زن چنین است، مورد غضب الهی است.^۳

۲. تحکیم خانواده و مشارکت در امور آن

ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی اعلام می‌کند: زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. لازمه تحکیم خانواده اموری چند است؛ از جمله:

یک. همکاری در امور خانواده: در اسلام تأکید شده که زن و شوهر در امور خانواده مشارکت و همکاری داشته باشند. این همکاری موجب عمیق شدن محبت بین زن و شوهر می‌شود.

دو. وفاداری همسران: وفاداری زن و شوهر به یکدیگر و تخصیص روابط جنسی به حریم خانواده،^۴ از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده است. بی‌تردید مقررات جزایی و تعیین مجازات برای روابط جنسی خارج از حریم زوجیت، حاکی از وجود اصل وفاداری زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران است.^۵

هر نوع نگاه، گفتار و رابطه حرام با غیر همسر، افزون بر حرمت، موجب رنجش و کدورت

۱. قربانی، قانون مدنی، ماده ۱۱۳۰، بند ۲ و ۴.

۲. فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالِكَ خَازِنِ السَّبْرَانِ... (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰)

۳. وَمَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ لَمْ تُوَافِقْهُ وَلَمْ تُصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَشَقَّتْ عَلَيْهِ... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۴)

۴. منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی ایران، فصل ۲، بند ۹.

۵. صفایی و امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۳.

بین همسران می‌شود. آنچه زمینه وفاداری بین همسران را تقویت می‌کند، «عفاف» است که در آداب دینی به زن و مرد توصیه شده است.^۱ از سویی، غیرت مردان نیز در حفظ عفاف خانواده مؤثر است. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند بندگان با غیرت خود را دوست دارد».^۲ برای مثال، شوهر می‌تواند به همسر خود تذکر دهد که در برابر نامحرمان آرایش نکند و حجاب خویش را حفظ نماید، یا در معاشرت با همکاران مرد خود، رفتاری متین و باوقار داشته باشد. البته باید یادآور شد که غیرت در امور حرام امری پسندیده است، نه در امور حلال؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «در امر حلال غیرت وجود ندارد».^۳

بی‌شک غیرت‌ورزی بدون دلیل شرعی و عقلی آثار زیان‌باری دارد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام نوشت: تو را از غیرت بی‌جا برحذر می‌دارم؛ زیرا غیرت بی‌جا زنان سالم را به بیماری می‌کشاند.^۴

بنابراین وسواس‌های برخی مردان، زیر نظر گرفتن زن و تذکرهای مکرر که مثلاً چرا با آن مرد صحبت کردی یا چرا جواب تلفن مردی را دادی، از مصادیق غیرت‌ورزی‌های نادرست است. الزام زن و شوهر به وفاداری نسبت به یکدیگر، هم از آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۵ دریافتنی است و هم از اینکه قرآن از ازدواج به «میثاق غلیظ» (به معنای «پیوند استوار») تعبیر نموده است.^۶ سه. گذشت از خطای همسر: انسان هیچ‌گاه از خطا و اشتباه مصون نیست. از این رو، بخشودن وسیله‌ای برای تداوم زندگی مشترک است. این موضوع در خانواده‌هایی که فرزند دارند، ضرورت بیشتری می‌یابد. چه بسا پدر یا مادر با علم به اینکه حق همسری او از جانب همسرش تضییع می‌شود، به منظور حفظ حقوق فرزندان در برخورداری از نعمت پدر و مادر و بهره‌مندی آنها از محیطی آرام و بدون تنش، از حقوق خود می‌گذرند. نکته مهم اینکه، صبر بر خطاهای دیگری را نباید با ظلم‌پذیری یکی دانست. چه بسیار مواردی که این صبر کلید گشایش باشد.

۱. پاینده (مترجم)، نهج الفصاحه، ح ۲۰۰۸، ص ۵۷۹.

۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ عِبَادِهِ الْغَيُورَ. (متقی هندی، کنز العمال، ح ۷۰۷۰)

۳. لا غيرة في الحلال.... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳۸)

۴. أَيْتَاكَ وَالتَّغَائِيرِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ.... (همان، ص ۲۳۷)

۵. به قراردادها وفا کنید. (مانده (۵): ۱)

۶. نساء (۴): ۲۱.

از مسئولیت‌های مهم زن و شوهر، مراقبت از سلامت جسمانی فرزندان، رسیدگی عاطفی به آنان و برآوردن نیازهای روانی‌شان است. از سویی، پرورش فکری و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان نیز برعهده آنهاست. از همین رو است که در قرآن کریم آمده است: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ خودتان و خانواده‌هایتان را از آتش حفظ کنید.

در قانون مدنی در این باره مواردی ذکر شده؛ از جمله:

یک. پدر و مادر مکلف‌اند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خود اقدام کنند.^۱

دو. حضانت و نگهداری فرزندان از حقوق و وظایف مشترک زوجین است.^۲

سه. حضانت اطفال برای حمایت از آنان است. از این رو، هیچ‌یک از والدین حق ندارد از

نگهداری طفل امتناع نماید.^۳

چهار. شیردهی طفل نیز در صورتی که تغذیه طفل به غیر از شیر مادر ممکن نباشد،

به عهده مادر است.^۴

اما زوجین گاه به‌هنگام اختلاف با مواردی روبه‌رو می‌شوند که از آن آگاهی ندارند. این

موارد را برمی‌شمریم:

الف) معمولاً اختلافات خانوادگی در مورد حضانت کودکان، پس از طلاق و جدایی مطرح

می‌شود. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی می‌گوید:

در صورت جدایی پدر و مادر، مادر تا هفت سالگی در مورد اطفال (چه اناث، چه ذکور)

اولویت دارد و پس از انقضای مدت، حضانت اطفال با پدر است. در صورت اختلاف،

دادگاه با توجه به مصلحت طفل، در مورد حضانت طفل تعیین تکلیف می‌کند.

ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی بیان می‌کند:

هیچ‌یک از پدر یا مادر حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست، از

نگهداری او امتناع کنند.

۱. تحریم (۶۶): ۶.

۲. قربانی، قانون مدنی، ماده ۱۱۷۸.

۳. همان، ماده ۱۱۶۸.

۴. همان، ماده ۱۱۷۲.

۵. همان، ماده ۱۱۷۳.

همچنین در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی آمده است:

اگر پدر یا مادر از نظر اخلاقی صالح نباشند، یا صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، دادگاه به تقاضای وابستگان طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی تصمیم لازم را می‌گیرد.

برابر همین ماده، موارد انحطاط اخلاقی پدر یا مادر عبارت است از: اعتیاد، فساد اخلاقی، بیماری روانی، سوءاستفاده از طفل و نیز ضرب و جرح غیرمتعارف طفل. در ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی نیز می‌خوانیم: «نمی‌توان طفل را از پدر و مادر او گرفت، مگر به حکم قانون».

همچنین ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی می‌گوید:

هرگاه به هر دلیلی طفل با یکی از والدین زندگی کند، نباید از ملاقات با دیگری محروم شود.

این به آن دلیل است که بهره‌مندی از حمایت‌های عاطفی و روحی پدر و مادر، نعمتی است غیر قابل جایگزین.

ب) پس از فوت پدر، حضانت فرزند با مادر است و در این موضوع محدودیت سنی وجود ندارد. در ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده چنین آمده:

حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده، با مادر آنهاست، مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

لازم به ذکر است حفظ فرزند در دوران جنینی نیز تکلیف مادر است. در صورت اسقاط جنین، فرد سقط‌کننده مرتکب فعل حرامی شده و باید دیه نیز بپردازد. مواد ۴۸۷ تا ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مقدار دیه جنین سقط‌شده را به تفکیک بیان کرده است.

ح ۴. پرداخت نفقه نزدیکان

نفقه نزدیکان، انفاقی است که شخص باید در حال نیازمندی والدین و فرزندان بپردازد تا برای فرزندان صغیر یا فقیر، یا پدر و مادر نیازمند او هزینه شود. گاهی نسبت به این نوع نفقه که برعهده افراد است، کوتاهی می‌شود که افراد به‌ویژه فرزندان باید به آن توجه

کنند. ملاک این نوع نفقه، حقوق فرزندان بر والدین خود و همچنین حقوقی است که پدر و مادر به حکم زحماتی که در دوره کودکی فرزند خود متحمل شده‌اند، بر فرزند - اعم از دختر یا پسر - پیدا می‌کنند. شرط این نوع نفقه، ناتوان بودن آن شخص است.^۱ برای مثال اگر فرزند امکان اشتغال و تأمین مخارج خویش را داشته باشد دیگر بر پدر لازم نیست که مخارج فرزند را تأمین نماید. طبق قوانین، «نفقه اقارب» بر کسی واجب است که توان دادن نفقه را داشته باشد.^۲ قانون مدنی در مورد نفقه اقارب می‌گوید:

نفقه ابوبین با رعایت الأقرب فالأقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.^۳
نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدر است، با رعایت الأقرب فالأقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه به عهده مادر است.^۴

تعیین شروط ضمن عقد ازدواج

در عقد نکاح، حقوق و تکالیف زوجین در قوانین تعیین شده است ولی در عین حال زوجین می‌توانند با شروط ضمن عقد برخی حقوق دیگر را برای خویش ایجاد نمایند. در حال حاضر، سندهای ازدواج دارای شروط چاپ شده‌ای است که اگر زوجین ذیل هر يك را امضاء کنند در روابط بین آنها قابل استناد و لازم الاجراست. این شروط چاپ شده در حقیقت دو شرط است:

شرط اول: اگر شوهر، زن را بدون دلیل موجه طلاق دهد باید نصف دارایی خود را که پس از ازدواج بدست آورده است به زوجه منتقل نماید.

شرط دوم: آنکه زن با وجود موارد معین، وکالت در طلاق را از شوهر داشته باشد که در صورت وجود هر يك از آن موارد، خود را مطلقه نماید، یعنی زن می‌تواند با شوهر توافق کند که اگر شوهر رفتاری نادرست داشت بتواند خود را به وکالت از طرف شوهر طلاق دهد. علت پیش‌بینی این حق طلاق برای زن به وکالت از شوهر آن است که طلاق از نظر قوانین ایران

۱. اسعدی، خانواده و حقوق آن، ص ۲۵۶.

۲. قربانی، قانون مدنی، ماده ۱۱۹۸.

۳. همان، ماده ۱۲۰۰.

۴. همان، ماده ۱۱۹۹.

به اراده مرد می‌باشد و زن در صورتی حق طلاق دارد که یا از دادگاه اجازه بگیرد،^۱ یا اینکه از شوهر وکالت در طلاق داشته باشد و این شرطی است که در قانون مدنی پذیرفته شده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند».

مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا تا مدت معینی غایب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل^۲ باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.^۳

علت اینکه وکالت را در ضمن عقد نکاح واقع می‌سازند آن است که وکالت، عقد جایز است و در عقد جایز می‌توان وکیل را عزل کرد یا وکیل استعفا کند به همین دلیل برای اینکه موکل نتواند وکیل را عزل کند وکالت را در ضمن عقد لازم نکاح واقع می‌سازند. از سال ۱۳۶۱ مواردی در عقدنامه‌ها ذکر شده و به موجب آن زن به وکالت از شوهر می‌تواند خود را مطلقه سازد.

بخشی از شروط یاد شده در سال‌های بعد، وارد قوانین کشور گردید. از این رو بسیاری از مفاد مندرج در بند دوم شروط ضمن عقد (وکالت زن در طلاق از سوی شوهر به سبب سوء معاشرت، حبس، غیبت و ...) از مصادیق عسر و حرج زن شناخته شد؛ که مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی^۴ با اثبات آن در دادگاه به درخواست زن، او مطلقه می‌شود.

امروزه مواردی مثل ترك زندگی خانوادگی به مدت ۶ ماه متوالی، اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که مخل روابط خانوادگی باشد، محکومیت قطعی به حبس ۵ سال یا بیشتر، ضرب و شتم یا هرگونه سوء معاشرت، ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی و ... در قانون پیش‌بینی شده است. از این رو این سؤال مطرح می‌شود که با وجود پیش‌بینی قانون، امضای این شروط چه فایده‌ای خواهد داشت؟

۱. موارد ۱۱۳۰ قانون مدنی و ۱۰۲۹ قانون مدنی.

۲. از جانب شوهر وکیل باشد که خود مطلقه نماید یا اینکه بتواند از جانب شوهر وکیل بگیرد تا وکیل، او را از طرف شوهر طلاق دهد.

۳. ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی.

۴. ماده اصلاحی ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۲۹ تیر ۱۳۸۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام، روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۶۸، مورخ ۱۳۸۱/۶/۳۱.

قبول کردن این شروط از دو نظر مفید است:

۱. دادگاه به مواردی که ضمن عقد نکاح شرط شده، در صورت عدم حضور مرد نیز می‌تواند رسیدگی نماید؛ زیرا وکالت از ازدواج برای زوجه در ضمن عقد شرط شده است.
۲. شرایط اثبات دعوی را به نفع زن در موارد فوق آسان‌تر می‌کند. زیرا گاه اثبات عسروخرج (تنگی و سختی غیرقابل تحمل) دشوار است.

در عقدنامه، قسمت دیگری وجود دارد که زوجین می‌توانند شرایط دیگری را به اراده خود انتخاب نموده و بر آن توافق و به عقدنامه ملحق نمایند.

البته اموری را می‌توان به‌عنوان شرط در سند ازدواج آورد که از یک سو با طبیعت ازدواج مخالف نباشد و از سوی دیگر از دیدگاه فقهی و قانونی منعی نداشته باشد.^۱

زوجین نمی‌توانند موارد زیر را به‌عنوان شرط قرار دهند:

۱. شروط مخالف شرع مانند آنکه مرد بگوید: من همسر تو شدم به شرط اینکه حجاب را رعایت نکنی.

۲. شروط مخالف قانون مانند آنکه مرد شرط کند با زن ازدواج می‌کند به شرط اینکه عقد او را ثبت نکند.

۳. شرط مخالف ذات عقد نکاح (طبیعت عقد) مانند آنکه زن در عقد ازدواج دائم شرط عدم تمکین نماید.

تشخیص همه شروط باطل و صحیح آسان نیست، مثلاً مرد نمی‌تواند در عقد دائم شرط نماید که نفقه همسر خود را نپردازد.

لازم به ذکر است هرچند از نظر قانونی می‌توان شروطی را در ضمن عقد ازدواج مطرح نمود ذکر بسیاری از این شروط در آغاز ازدواج یا سبب می‌شود که در طرف مقابل تردید برای ازدواج فراهم شود و او را از ازدواج منصرف سازد و یا در صورت وقوع ازدواج، فرد را دچار بدبینی نماید و او گمان کند همسرش به اندک مسئله‌ای، از ادامه زندگی مشترک منصرف خواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود جز در موارد ضروری، اقدام به ذکر این شروط نشود. بلکه طرفین در گفتگوهای مقدماتی، ایده‌ها و نظرات خود را به‌طور شفاف در موضوعات مورد نظر خود به یکدیگر منتقل کنند.

۱. عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۵۲.

۱. مدیریت خانواده: هر اجتماعی به یک مدیر نیاز دارد (هرچند بین افراد آن نهاد، کمال همکاری وجود داشته باشد)؛ چراکه اختلاف‌نظرهایی هرچند جزئی پیش می‌آید و اگر مشخص نباشد که تصمیم نهایی را چه کسی باید بگیرد، آن نهاد گرفتار بی‌نظمی و عدم انسجام خواهد شد و کارایی لازم را از دست خواهد داد. در آیین اسلام از آنجاکه تحصیل مال و اداره زندگی برعهده مردان گذارده شده و مرد مسئول تأمین مخارج زندگی است، مدیریت و سرپرستی خانواده نیز بر دوش آنان نهاده شده است. آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ بر این امر دلالت دارد. لازمه این امر، تمکین و گردن نهادن اعضای خانواده از جمله همسر در برابر تصمیم‌های شوهر است. قوام بودن، مسئولیتی در جهت حفظ مصالح خانوادگی است و زنان با حفظ این اقتدار برای شوهرانشان می‌توانند به آنان در پایداری خانواده یاری برسانند. شوهران نیز باید ریاست بر خانواده را فرصتی برای ارتقای سطح مادی و معنوی خانواده بشمارند.

در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز به چنین امری اشاره شده است: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

بنابراین مرد، سرپرست خانواده محسوب می‌شود و موظف است مخارج همسر و فرزندان را تأمین نماید. همچنین باید درباره مسائل مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری نماید و در این تصمیم‌گیری نیز می‌باید مصلحت همسر و فرزندان را در نظر گیرد و از خودکامگی و استبداد در مدیریت خانواده بپرهیزد.^۲ به تعبیر دیگر، هدف از ریاست مرد، حفظ سلامت و استحکام خانواده است. بنابراین اگر مرد از موقعیت خود سوءاستفاده کند - مانند اینکه به عنوان رئیس خانواده، زن را از رفت‌وآمد متعارف با خویشاوندان خود بازدارد، یا اموال او را تصرف نماید - برخلاف قانون بوده و از مصادیق سوء معاشرت به شمار می‌آید.^۳

۲. منع اشتغال زن در موارد خاص: ریاست شوهر در خانواده گاه موجب محدودیت زن در

۱. مردان، سرپرست زنان‌اند. (نساء (۴): ۳۴)

۲. مقدادی، ریاست خانواده، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۳. صفایی و امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۵.

انتخاب شغل می‌شود. بی‌گمان شغل زن باید با مصالح خانواده و حیثیت شخصی زوجین سازگار باشد. در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است:

شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

البته شغلی که با مصالح خانوادگی در تنافی باشد، شغلی است که ذاتاً مشروع است، وگرنه می‌توان از مشاغل نامشروعی مانند قاجاق، بی‌هیچ قید و شرطی جلوگیری کرد. تشخیص منافات داشتن شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیت همسر، با دادرسی است که باید به عرف رجوع کند. برای مثال، اگر شغل زن به گونه‌ای باشد که به هیچ‌رو نمی‌تواند به اداره امور خانواده و نگاهداری و تربیت اطفال بپردازد، از آنجاکه این شغل وضع خانواده را نابسامان می‌کند، منافعی مصالح خانوادگی شمرده می‌شود. همچنین اگر زن در شغل خویش با مردان نامحرم روابط غیرمعتارف دارد و دائماً در معرض نگاه‌های آلوده و سخنان هرزه مردان قرار می‌گیرد، این شغل با حیثیت زن سازگار نیست و از همین‌رو دادگاه به درخواست شوهر می‌تواند زن را از این شغل بازدارد.

البته شوهر حق ندارد از موقعیت خود و اختیارهای ناشی از آن سوءاستفاده کند؛ زیرا هدف از ریاست مرد، حفظ نظام خانواده و استحکام آن است.

۳. تمکین زوجه: یکی از اهداف ازدواج، ارضای نیاز جنسی از طریق مشروع است. زن و شوهر در این زمینه، حقوق و مسئولیت‌های اساسی دارند و هریک باید احساس نیاز جنسی همسر را برآورده سازند، مگر آنکه مانعی عقلی یا شرعی وجود داشته باشد. این موضوع مطابق عهده‌ی است که هریک از آنها با انعقاد قرارداد ازدواج پذیرفته‌اند. البته در این زمینه به دلیل تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، زن وظیفه سنگین‌تری برعهده دارد و از همین‌رو تمکین خاص بر زنان الزامی است. هرچند همه حقوق و وظایف همسری پس از عقد بر زوجین واجب و لازم می‌شود.^۱

بر مبنای برخی قوانین، عرف جامعه معمولاً روابط زناشویی همسران و پرداخت نفقه زوجه را تا زندگی مشترک به تعویق می‌اندازد. البته هرگاه پس از عقد، زن آمادگی خویش را برای

۱. قربانی، قانون مدنی، ماده ۱۱۰۲.

روابط زناشویی اعلام نماید، بر مرد لازم است نفقه او از جمله تأمین مسکن را بپذیرد، مگر آنکه زن دریافت نفقه و تهیه مسکن توسط شوهر را به آینده موکول نماید. به هر روی امروزه دوران عقد، مدت زمانی است بین انعقاد قرارداد ازدواج تا شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، تا در این دوران خانواده دختر جهیزیه تهیه نماید و پسر مسکن مناسب فراهم کند. در ضمن دختر و پسر نیز نسبت به یکدیگر شناخت بهتری پیدا می‌کنند و با روحيات و نیازمندی‌های همسر خود بیشتر آشنا می‌شوند.

۴. ولایت بر فرزندان: خانواده از زن و شوهر و فرزندان تشکیل می‌شود. فرزندان تا فرارسیدن زمان بلوغ و رشد فکری لازم، تحت سرپرستی پدر خود قرار دارند. آنها تا هنگامی که کوچک هستند، بر دارایی‌های خود تسلطی ندارند و از تصمیم‌گیری درباره امور مهم زندگی ناتوان هستند.^۱ در این دوران، پدر مسئولیت تأمین مخارج فرزندان را برعهده دارد و موظف است به امور اساسی زندگی آنها رسیدگی کند.

ح ۲. حقوق اختصاصی زن

۱. حق هم‌بستری: یکی از حقوق زن بر مرد آن است که مرد با وی ترک هم‌بستری نکند. چنانچه مرد زندگی مشترک یا سایر حقوق زوجیت (مانند هم‌بستری) را ترک نماید و زن دچار سختی شود، حق زن خواهد بود که به دادگاه رجوع نماید. در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی آمده است: اگر در مرد عیبی قبل یا بعد از عقد باشد که مانع هم‌بستری شود، به شرط اینکه حتی یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد، زن حق دارد نکاح را فسخ کند. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز بیان می‌کند:

اگر این عیب پس از رابطه زناشویی در مرد ایجاد شود و زن دچار سختی و مشقت شود، می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.

البته زن می‌باید همسر خویش را برای مراجعه به پزشک ترغیب و همراهی کند تا عیب شوهر برطرف گردد؛ زیرا در بیشتر موارد، پزشک با کشف علت ناتوانی جنسی مرد، قادر بر درمان خواهد بود.

۱. علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۵۱.

روابط زناشویی اعلام نماید، بر مرد لازم است نفقه او از جمله تأمین مسکن را بپذیرد، مگر آنکه زن دریافت نفقه و تهیه مسکن توسط شوهر را به آینده موکول نماید. به هر روی امروزه دوران عقد، مدت زمانی است بین انعقاد قرارداد ازدواج تا شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، تا در این دوران خانواده دختر جهیزیه تهیه نماید و پسر مسکن مناسب فراهم کند. در ضمن دختر و پسر نیز نسبت به یکدیگر شناخت بهتری پیدا می‌کنند و با روحيات و نیازمندی‌های همسر خود بیشتر آشنا می‌شوند.

۴. ولایت برفرزندان: خانواده از زن و شوهر و فرزندانش تشکیل می‌شود. فرزندانش تا فرارسیدن زمان بلوغ و رشد فکری لازم، تحت سرپرستی پدر خود قرار دارند. آنها تا هنگامی که کوچک هستند، بر داری‌های خود تسلطی ندارند و از تصمیم‌گیری درباره امور مهم زندگی ناتوان هستند.^۱ در این دوران، پدر مسئولیت تأمین مخارج فرزندانش را برعهده دارد و موظف است به امور اساسی زندگی آنها رسیدگی کند.

حقوق اختصاصی زن

۱. حق هم‌بستری: یکی از حقوق زن بر مرد آن است که مرد با وی ترک هم‌بستری نکند. چنانچه مرد زندگی مشترک یا سایر حقوق زوجیت (مانند هم‌بستری) را ترک نماید و زن دچار سختی شود، حق زن خواهد بود که به دادگاه رجوع نماید. در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی آمده است: اگر در مرد عیبی قبل یا بعد از عقد باشد که مانع هم‌بستری شود، به شرط اینکه حتی یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد، زن حق دارد نکاح را فسخ کند. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز بیان می‌کند:

اگر این عیب پس از رابطه زناشویی در مرد ایجاد شود و زن دچار سختی و مشقت شود، می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.

البته زن می‌باید همسر خویش را برای مراجعه به پزشک ترغیب و همراهی کند تا عیب شوهر برطرف گردد؛ زیرا در بیشتر موارد، پزشک با کشف علت ناتوانی جنسی مرد، قادر بر درمان خواهد بود.

۱. علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۵۱.

۲. حق نفقه: نفقه زوجه، مخارج متعارفی است که شوهر باید به همسر بپردازد. برابر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نفقه عبارت است از:

همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، پوشاک، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و یا خادم، در صورت عادت یا احتیاج (به دلیل نقصان یا مرض).

نفقه، متناسب با وضعیت زن، با توجه به شرایط زندگی خانوادگی و بستگان و زنان ماندگار در همان شهر است. البته باید دانست اگر وضع مالی زن از توان اقتصادی شوهر بهتر است و او حاضر به ازدواج با این مرد شده، نمی‌تواند در میزان نفقه سخت‌گیری کند. علاوه بر ماده یاد شده، در ماده ۱۱۰۸ آمده:

اگر زن بدون مانع مشروع، از ادای وظایف زوجیت امتناع کند و نیازهای مشروع جنسی شوهر را برآورده نسازد، مستحق نفقه نخواهد بود و نفقه ساقط می‌شود.

حال اگر زن سازگاری داشته باشد، ولی با این همه شوهر نفقه ندهد، زن می‌تواند به دادگاه شکایت کند. دادگاه نیز میزان نفقه را معین، و شوهر را به دادن آن محکوم می‌کند. اگر شوهر به دستور دادگاه عمل نکند و دادگاه نیز نتواند او را مجبور نماید، طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی، حاکم ممکن است زوج را به طلاق وادار کند. هرچند قانون در این زمینه از زن حمایت حقوقی و کیفری می‌کند، توصیه اخلاقی به زنان این است که با دشواری‌های زندگی سازگار باشند تا خداوند در زندگی آنان گشایشی پدید آورد.

نفقه با قوانین مخصوص به خود، یکی از مهم‌ترین منابع برای تأمین هم‌بستگی زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده است. انفاق مرد به زن، به او احساس کفایت و مفید بودن می‌دهد و بدو القاء می‌کند که شوهرش برای حفاظت از خانواده و آسایش وی می‌کوشد. مردان نیز این کوشش را سندی برای علاقه خود به همسر و فرزندان می‌شمرند و آن را دست‌مایه غرور و اقتدار خویش می‌دانند. بنابراین قانون نفقه به حفظ جایگاه طبیعی مرد و زن کمک می‌کند!

۳. حق مهریه: «مهر» عطیه و بخششی است که مرد پس از ازدواج به همسر خود می‌پردازد. قرآن کریم از مهر به «صداق» تعبیر نموده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»^۱ واژه «صداق» از ریشه «صدق» بوده و نشان حقیقی علاقه و عشق شوهر به زن است و صدق ادعای وی را در اظهار علاقه‌اش اثبات می‌کند. واژه «نحله» نیز به معنای عطیه است. در این تعبیر، مهر جنبه تقدیمی و هدیه بودن دارد. از آن رو که این هدیه باید از سر صدق و راستی به زن تقدیم شود، نباید با سخت‌گیری و تعیین شرط و فشارهای دختر و خانواده او همراه گردد و به ارقام نجومی - که پرداخت آن در توان مرد نیست - کشیده شود. از سویی، مهریه نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها با یکدیگر به کار می‌رود و حاکی از این است که مرد برای جلب رضایت همسر خود و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار وی می‌کند.^۲

در شریعت مقدس اسلام، بر پرداخت مهریه زنان تأکید بسیار رفته و خودداری از آن در شمار پلیدترین گناهان شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است: «خودداری از پرداخت مهریه از پلیدترین گناهان شمرده می‌شود».^۳

چه بسیار مردانی که در طول زندگی مشترک هدایای زیادی به همسر خود می‌دهند، یا مبالغ کلانی صرف زندگی و لوازم خانه مشترک می‌کنند، ولی مهریه زنان را که شرعاً بر آنها واجب است، نمی‌دهند و حتی گاهی درخواست پرداخت مهریه را از سوی زنان، مساوی با طلاق می‌دانند؛ حال آنکه مطالبه حق قانونی زن نباید به معنای عدم وفاداری وی تلقی شود. پرداخت این هدیه از طرف مرد، تأثیر روان‌شناختی ویژه‌ای در زن برجای می‌گذارد و او احساس می‌کند مرد به وی علاقه مند است؛ چراکه علاقه خود را در عمل نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد.

مهریه در مرد نیز آثار روان‌شناختی ویژه‌ای دارد: اولاً او متوجه می‌شود برای کسی که دوست دارد و به او علاقه مند است، باید هزینه کند. ثانیاً تأثیر مهریه به پس از ازدواج بازمی‌گردد. به طور کلی اگر برای کسب چیزی سرمایه‌گذاری کنیم، راضی نمی‌شویم آن را

۱. نساء (۴): ۴.

۲. بنگرید به: مطهری، حقوق زن در اسلام، ص ۱۸۶-۱۸۴.

۳. أَفْذَرُ الذَّنُوبِ ثَلَاثَةٌ... حَيْثُ مَهْرُ الْمَرْأَةِ... (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۰۸)

به سادگی از دست بدهیم. در مورد ازدواج نیز مرد سرمایه‌گذاری عاطفی و مادی گسترده‌ای کرده است و بدین سبب نمی‌تواند به آسانی از آن دست بردارد.^۱

آن‌چنان‌که گذشت، از جمله توصیه‌های اخلاقی در مورد مهریه، پرهیز از تعیین مهریه‌های سنگین است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مهریه را زیاد قرار ندهید؛ زیرا سبب کدورت و دشمنی می‌شود».^۲

همچنین در روایات آمده است که از ویژگی‌های همسر مطلوب، سبک بودن مهریه اوست؛ چنان‌که در مورد سیره معصومین از جمله حضرت زهرا علیها السلام نیز این امر رعایت گردیده است.

♦ برای مطالعه بیشتر

نکات حقوقی مهم درباره مهریه عبارت است از:

۱. مهریه باید قابل تملک (ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی)، قابل اندازه‌گیری به مال و در عین حال معلوم و معین باشد. همچنین مبهم نباشد؛ یعنی تعداد، مقدار و وصف آن معلوم باشد. برای نمونه، نمی‌توان یک دانگ از خانه‌ای را مهریه زن قرار داد، مگر آنکه مشخصات آن خانه دقیقاً تعیین گردد.

۲. اگر مهریه مال غیرمنقول مانند خانه، زمین و باغ باشد، علاوه بر تنظیم سند ازدواج و ثبت در دفتر ازدواج، باید مفاد سند در دفتر معاملات نیز ثبت شود. (بند ۴ آیین‌نامه متحدالشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۱/۵/۲۰)

۳. اگر مهریه از نوع خانه و زمین باشد، منافع مال متعلق به زن می‌شود؛ یعنی از نظر قانونی اگر مثلاً خانه در اجاره است، زن می‌تواند مال الاجاره را دریافت کند.^۳

۴. مرد باید قصد پرداخت مهریه را داشته باشد.

۵. در دفترچه عقد ازدواج قسمتی وجود دارد که زوجین باید مشخص کنند مهریه باید عندالمطالبه پرداخت شود یا عندالاستطاعه و یا بخشی عندالمطالبه و بخشی عندالاستطاعه. اگر در سند ازدواج ثبت شود که مرد مهریه را عندالاستطاعه بپردازد، پرداخت مهریه زمانی بر مرد لازم می‌شود که توانایی پرداخت آن را داشته باشد. در این صورت اگر زن مهریه خود را مطالبه کند، باید توانایی مالی مرد در پرداخت نفقه را اثبات نماید تا بتواند مهریه را دریافت کند. می‌توان بخشی از مهریه را عندالمطالبه قرار داد که در صورت تقاضای زن به او پرداخت شود و برخی را عندالاستطاعه تا هر زمان مرد

۱. بنگرید به: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۸۰-۱۷۹.
 ۲. لَا تَقَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونُ عَذَابًا. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۵۳)
 ۳. بداغی، اخلاق و حقوق خانواده، ص ۹۸-۹۷.

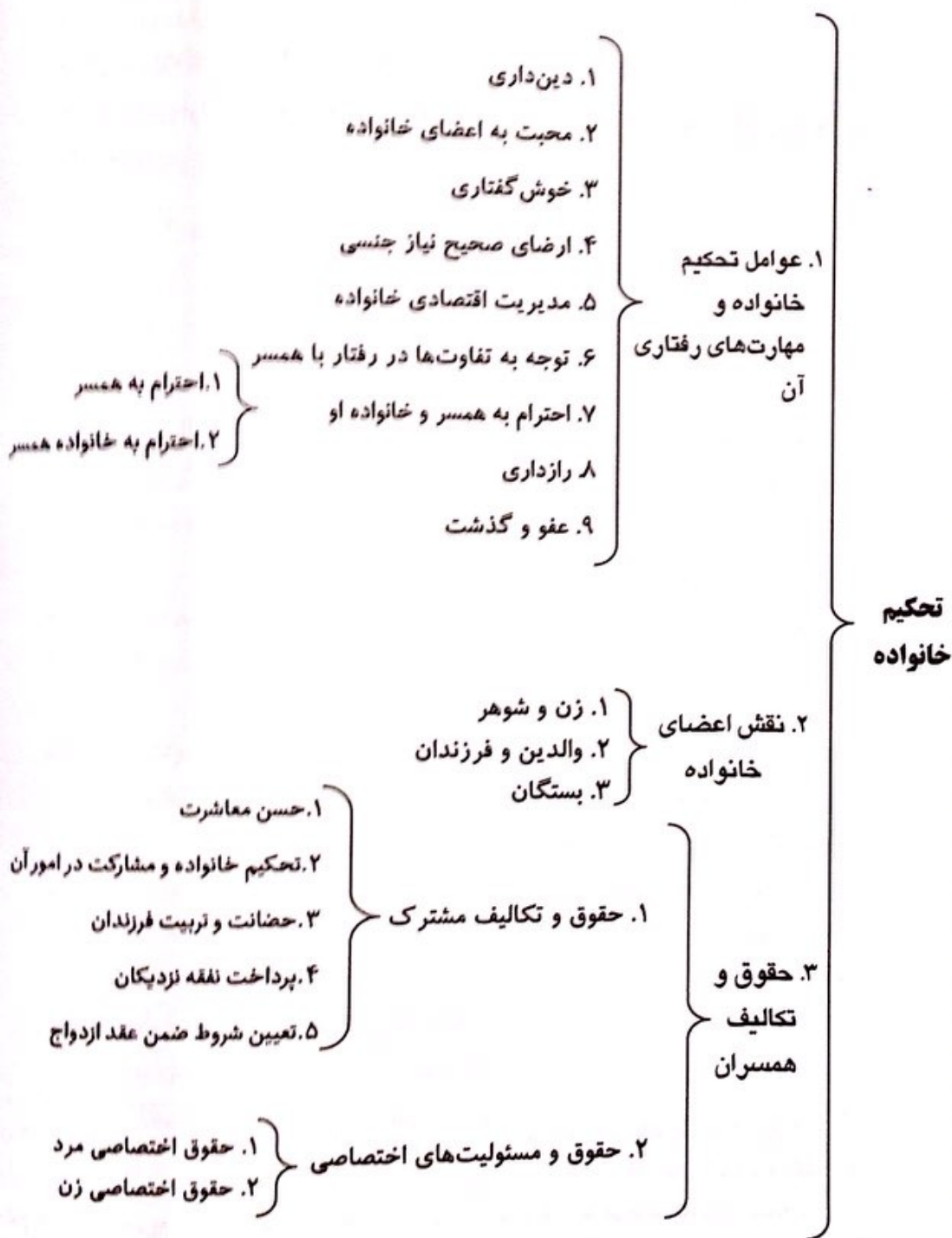
توانایی پرداخت را داشت بپردازد. در صورتی که مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد نیز مرد برای نپرداختن بیش از آن تعداد مجازات نخواهد شد.^۱

۶. اگر بعد از عقد و قبل از نزدیکی طلاق واقع شود، زن مستحق نصف مهر است. (ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی)

۷. در صورت عدم پرداخت مهریه در طول حیات، پس از مرگ شوهر، ابتدا مهریه زن به عنوان دین از اموال شوهر به زن پرداخت می‌شود. سپس بقیه اموال مطابق قانون به وراثت می‌رسد.



۱. ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) بیان می‌دارد: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. (دادگاه شوهر را ملزم به پرداخت مهریه می‌کند و اگر مالی از او در دسترس باشد، آن را ضبط می‌کند و به میزان محکومیت، از مال ضبط شده در اختیار زن قرار می‌دهد. در غیر این صورت به تقاضای زن، اگر شوهر معسر (تنگ‌دست) نباشد، تا زمان پرداخت نفقه حبس خواهد شد). چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد فقط توانایی شوهر ملاک پرداخت است.



◆ پرسش

۱. پس از ازدواج، برای ابراز علاقه به همسران با استفاده از خلاقیت خود چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ چند نمونه ذکر کنید.
۲. در این فصل به برخی از عوامل مؤثر در استحکام خانواده اشاره شد. چه عوامل دیگری را می‌توانید نام ببرید؟
۳. علاوه بر مهارت‌های تحکیم خانواده که در این فصل ذکر شد، چه مهارت‌های دیگری را می‌توانید ذکر کنید؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین آموزشی که زوج‌های جوان برای مدیریت اقتصادی خانواده باید فراگیرند، چیست؟
۵. وظایف الزامی زن و شوهر نسبت به یکدیگر کدام‌اند؟

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. غلامعلی افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، تهران، دانشگاه تهران.
۲. محسن ایمانی، ارتباط با خانواده همسر، اصفهان، حدیث راه عشق.
۴. عبدالمجید برازجانی، ۲۴۰ اصل خانوادگی در اندیشه مطهر، قم، آخرین.
۵. حسین بستان، خانواده در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. علی احمد پناهی، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی: همسرمداری، قم، دفتر نشر معارف.
۷. سید مجتبی حسینی، احکام ازدواج، قم، دفتر نشر معارف.
۸. محمود حکمت‌نیا، فلسفه حقوق خانواده، قم، جامعه الزهراء علیها السلام.
۹. محمدرضا شرفی، خانواده متعادل، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۰. محمدکاظم عاطف وحید، فهیمه فتحعلی لواسانی و احمدرضا محمدپور، تحکیم پیوند زناشویی، مشهد، آهنگ قلم.
۱۱. —، مهارت‌های ارتباطی همسران، مشهد، آهنگ قلم.
۱۲. علی قائمی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، منیر.

فصل چهارم:
ایمن سازی
خانواده؛ آسیب‌ها
وراهکارها

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ عوامل تضعیف خانواده را بشناسند و مهارت‌های لازم برای رفع

این عوامل را به دست آورند.

۲ با عوامل و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی طلاق آشنا شوند.

۳ راهکارهای ترمیم خانواده‌های آسیب‌دیده از طلاق را بدانند.

♦ برگی از یک زندگی

نوه امام خمینی علیه السلام می‌گوید: یک بار که خانم مسافرت رفته بود، آقا خیلی دل‌تنگی می‌کرد. خلاصه ما هرچه سر به سر آقا گذاشتیم، اخم ایشان باز نشد. بالأخره من گفتم: خوش به حال خانم که شما این قدر دوستشان دارید. امام گفت: خوش به حال من که چنین همسر فداکاری دارم. این همه فداکاری که خانم در زندگی کرد، هیچ‌کس نکرده است.^۱

الف) مسائل و مشکلات خانواده معاصر

خانواده در غرب دستخوش تغییراتی شده که بسیاری از آنها همگام با تحولات در سبک زندگی فردی و اجتماعی رخ داده است. این تغییرات از طریق قدرت رسانه‌ای، ارائه یک‌سویه نظریات علمی غرب در محافل دانشگاهی و فشار برای تغییر وضعیت اجتماعی سایر کشورها از سوی نهادهای بین‌المللی، روزبه‌روز در جهان در حال گسترش است. برخی از این تغییرات عبارت است از:

۱. گسترش روابط جنسی لذت‌گرا (به جای روابط اخلاق‌گرایا خانواده‌گرا)؛

۱. رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۷۴.

۲. افزایش میزان هم‌خانگی مشترک بین دو جنس به ویژه در میان جوانان؛
۳. افزایش آمار پدران و مادرانی که بدون ازدواج صاحب فرزند شده‌اند؛
۴. گسترش هم‌جنس‌گرایی و بی‌پرده‌تر شدن این نوع روابط؛
۵. کاهش تعداد افراد خانواده، خصوصی و هسته‌ای شدن آن و جدایی جغرافیایی از خویشاوندان؛
۶. افزایش چشمگیر طلاق و آسیب‌های آن به ویژه بر کودکان خردسال؛
۷. افزایش سالمندان تنها و از بین رفتن منزلت کهن سالان؛
۸. کاهش اقتدار دینی در شکل‌گیری خانواده و روابط اعضای آن؛
۹. فرزندسالاری؛
۱۰. ابهام در مرز بین تجربیات کودکی و بزرگ‌سالی به دلیل دریافت آسان اطلاعات جنسی.

هم‌زمان با تغییرات خانواده در جهان، خانواده ایرانی نیز نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت‌های بسیاری پیدا کرده و دچار آسیب‌های متعددی شده است. برخی از این آسیب‌ها بدین قرار است:

بالارفتن سن ازدواج، افزایش افراد مایوس از ازدواج، تمایل به مجردزیستی، بی‌میلی به فرزندآوری به دلیل تغییرات شغلی و فرهنگی، کاهش نرخ باروری و افزایش سالمندی، کاهش پیوندهای درون‌نسلی، کاهش مدت زمان ارتباط عاطفی و کلامی اعضای خانواده با یکدیگر، بیشتر شدن جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان، کاهش تعداد وظایف خانواده‌ها و خویشاوندان و واگذاری آنها به نهادهای حمایتی جامعه،^۲ افزایش تعارض‌های خانوادگی، افزایش طلاق و نیز وجود رقبای مؤثر و قوی همچون ماهواره و اینترنت در کنار نقش تربیتی خانواده.

در ادامه به واکاوی چند نمونه از این مشکلات پرداخته می‌شود.

۱. خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است. (در مقابل خانواده گسترده که شامل برخی بستگان دیگر مانند پدربزرگ و مادربزرگ‌ها نیز می‌شود)
۲. بنگرید به: نوابی‌نژاد، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، مجموعه مقالات سومین نشست راهبردی، ج ۲، ص ۶۸۵ و ۶۸۷.

یک. افزایش سن ازدواج و مجردزیستی

تغییر نگرش‌ها در سال‌های اخیر سبب فزونی سن ازدواج دختران و پسران شده است که هم می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و کاهش انگیزه فعالیت‌های اقتصادی و آسیب‌پذیری جنسی بینجامد و هم با سپری شدن دوران شور جوانی، انگیزه تشکیل خانواده را کم کند.

عوامل پرشماری می‌تواند باعث کم شدن انگیزه و بالا رفتن سن ازدواج شود که یکی از مهم‌ترین آنها شیوه زندگی مدرن و سیطره تفکر مادی‌گرایی در جهان کنونی است. برپایه این نگرش، اشتغال به تحصیل و عدم امکان برآوردن توقعات بالای اقتصادی جوانان یا خانواده‌های آنان، از موانع ازدواج شمرده می‌شود و آن را تا پایان یافتن دوره تحصیل و تا زمان کسب دارایی مناسب به تأخیر می‌اندازد. کسانی هم که پیش از تأمین اقتصادی ازدواج کرده‌اند، به دلیل نیاموختن مهارت‌های لازم برای سپری کردن زندگی در شرایط حداقلی و رها نکردن خود از دام فرهنگ مصرف‌زده، گرفتار معضلاتی در زندگی خواهند شد که حیات خانوادگی آنان را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، از آنجاکه با کاهش هم‌بستگی خانوادگی و ترویج فرهنگ استقلال‌طلبی، خانواده‌ها در نظارت و حمایت از زوج‌های جدید نقشی کمتر از گذشته ایفا می‌کنند، زمان ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد. کم شدن قبح تک‌زیستی و مجرد و کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده نیز در افزایش سن ازدواج مؤثر است.^۱

دو. افزایش اختلاف‌های خانوادگی

رشد آمار طلاق و نزاع‌های خانوادگی نشان‌دهنده گسترش اختلاف در خانواده‌هاست. رضایت خانوادگی - که مشخصه آن ارتباط مؤثر و لذت‌بخش همسران است - بر اثر اختلاف خانوادگی کاهش می‌یابد و در نتیجه زن یا شوهر، همسر خود را کمتر به صورت مثبت درک می‌کند و بیشتر درگیر رفتارهای منفی می‌شود. آنها توافق کمتر و اختلاف بیشتری دارند و رفتار غیرکلامی و تقابل منفی بیشتری بروز می‌دهند. کاهش رضایت زناشویی باعث می‌شود

۱. زیبایی‌نژاد و همکاران، آسیب‌شناسی خانواده، ص ۲۶-۲۷.

شیوه‌های ارتباطی مثبت مانند همدلی، بیان مناسب احساس، تفاهم با همسر، اعتماد و سطح توجه آنان کاهش یابد.^۱ ادامه اختلاف، زن و شوهر را دچار سردرگمی و محرومیت مکرر ساخته، آنها را آسیب پذیر می‌کند. برپایه برخی تحقیقات، روابط زن و شوهر بر سلامت عاطفی فرزندان اثرگذار است و کج‌روی‌های اجتماعی فرزندان با نابسامانی خانواده مرتبط است.^۲

سه. ضعف کارآمدی خانواده

جامعه‌شناسان مهم‌ترین کارکردهای خانواده را تنظیم رفتار جنسی، تولیدمثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری، کنترل و نظارت می‌دانند. البته پرورش معنوی افراد را نیز باید به این موارد افزود. امروزه تحولات گسترده در خانواده‌ها، همه این کارکردها را در معرض آسیب قرار داده است.

ب) عوامل تضعیف کارآمدی خانواده

تضعیف خانواده، محصول عوامل فراوانی است که برخی از آنها «شناختی» و برخی نیز «رفتاری» است. عوامل شناختی را باید با اصلاح باورها و نگرش‌ها، و عوامل رفتاری را باید با کسب مهارت‌های رفتاری جدید برطرف نمود.

یک. عوامل شناختی

عدم دانش یا برخی باورها و نگرش‌های غلط می‌توانند موجب تضعیف کارآمدی خانواده شوند. مهم‌ترین عوامل شناختی که منجر به تضعیف کارآمدی خانواده می‌گردد عبارتند از:

۱. فقدان اطلاعات مورد نیاز

اگر فردی درباره اهداف ازدواج و مسیر رسیدن به آرامش حاصل از آن، دانش کافی کسب کند، با اراده و تلاش می‌تواند خانواده‌ای متعادل و رو به کمال داشته باشد. بسیاری از افراد

۱. بنگرید به: برونستین، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۴۸-۱۴۶.

۲. سالاری‌فرو و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۲۹.

متأهل - با وجود میل شدید به برخورداری از برکات چنین خانواده‌ای - به دلیل جهل و فقر اطلاعاتی درباره مسائل خانواده، از آرامش حاصل از ازدواج محروم‌اند.

ح ۲. انحرافات شناختی (نگرش‌های نادرست)

رفتار انسان برآیند اعتقاد و اراده بر انجام کار (بر مبنای آن اعتقاد) است. از این رو، نوع نگرش انسان عاملی اساسی در رفتارهایی است که موجب استحکام یا تضعیف خانواده می‌شود. برخی از نگرش‌های نادرست یا انحرافات شناختی که باعث تضعیف خانواده می‌شود، به شرحی است که در پی می‌آید:

۱-۲. تقدس‌زدایی از ازدواج و خانواده

یکی از عواملی که در سوق‌یابی به ازدواج، دوری‌گزیدن از جایگزین‌های احتمالی، ایجاد آمادگی‌های فردی و اجتماعی در جهت مقابله با آسیب‌های احتمالی پیوند زناشویی و در حفظ و تثبیت خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد، «مقدس دانستن ازدواج» است. بی‌شک حرمت نهادن به یک پدیده، به‌ویژه در صورتی که چنین نگرشی در ذهنیت عموم غلبه داشته باشد، به‌طور طبیعی در تقویت موقعیت آن، و از دیگر سو، در تضعیف اراده‌های ناهمسو تأثیری شگرف دارد. به‌باور صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب، فرایند دنیوی شدن یا تقدس‌زدایی^۱ بود که افزون بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی، نهاد خانواده را نیز به شدت متأثر ساخت. در نتیجه این فرایند، ازدواج - که پیش‌تر اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد - قداست خود را از دست داد و به یک قرارداد مدنی صرف بدل گردید.^۲

اسلام در صدد آن است که نگرش مسلمانان نسبت به ازدواج و خانواده مقدس باشد. از این رو در روایات ازدواج و روابط همسران با عباراتی تقدس‌آمیز ذکر شده است از جمله: ازدواج سبب کامل شدن دین فرد می‌شود؛^۳ کسی که ازدواج می‌کند، خدا را پاک ملاقات

1. Secularization.

۲. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۳. عن علی رضی الله عنه قال: «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَمَلْ دِينَهُ». (نوری طبرسی،

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰)

می‌کند؛^۱ هنگام ازدواج درهای آسمان به رحمت گشوده می‌شود؛^۲ نگاه پرمحبت زن و شوهر به یکدیگر سبب جلب رحمت خدا خواهد شد؛^۳ زیاد شدن محبت مرد نسبت به زنش موجب ازدیاد ایمان می‌گردد؛^۴ هم‌نشینی با همسر ثوابی بیش از ثواب اعتکاف در مسجدالنبی دارد؛^۵ شوهرداری شایسته زن و تلاش مرد برای تأمین مشروع نیاز اقتصادی خانواده، ثواب جهاد در راه خدا را دارد؛^۶ کسی که با همسرش ارتباط جنسی داشته باشد، اطاعت پروردگارش را انجام داده و خداوند گنااهش را آمرزیده است.^۷ گذشت از خطای همسر دارای اجراخروی است.^۸

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که افراد نباید ازدواج را تنها راه خوشبختی بدانند و در صورت عدم توفیق در ازدواج، راه سعادت و پیشرفت را به روی خود بسته ببینند؛ چه بسا افرادی که به دلایل فردی، خانوادگی یا اجتماعی موفق به ازدواج نشده‌اند. این افراد باید از سایر امکانات زندگی بهره‌برند و بدانند ازدواج جزئی از زندگی است، نه همه زندگی.

۲-۲. نسبی‌گرایی در ارزش‌های اخلاقی درباره خانواده

قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نزول کتاب آسمانی را تزکیه و تعلیم بیان کرده است. لازمه تزکیه، ملاک‌های اعتقادی و رفتاری است تا همگان براساس آن، خویشتن را

۱. قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَلَقَّهُ بِزَوْجَةٍ». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)
۲. قال رسول الله ﷺ: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ، وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ، وَعِنْدَ النِّكَاحِ». (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱)
۳. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ». (پاینده (مترجم)، نهج الفصاحة، ج ۶۲۱، ص ۲۷۸)
۴. سمعت الصادق عليه السلام يقول: «العبد كلما ازداد للنساء حبا، ازداد في الإيمان فضلا». (صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۴)
۵. قال رسول الله ﷺ: «جلوس العزء عند عياله أحب إلى الله تعالى من اغتكاب في مسجدي هذا». (ابن ابی فراس، مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۲۲)
۶. قال رسول الله ﷺ: «مهنة إحدائكم في بنيتها تدرِكُ جهاد المجاهدين إن شاء الله». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴)
- قال الصادق عليه السلام: «الكاذب على عياله من خلال كالمجاهد في سبيل الله». (همان، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳)
۷. عن جعفر بن محمد عليه السلام: «ليس شيء مباح أحب إلى الله من النكاح فإذا اغتسل المؤمن من حلاله بكى إبليس وقال يا ويلتاه هذا العبد أطاع ربه وغفر له ذنبه». (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰)
۸. عن النبي ﷺ قال: «من صبر على سوء خلق امرأته واحتسبته أعطاه الله (بكل مرة) يصبر عليها من الثواب مثل ما أعطى أتوب على بلائيه». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۲۱۶)؛ قال عليه السلام: «من صبر على سوء خلق زوجها أعطاه الله مثل ثواب آيئة بنت مزاحم». (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)

به فضایل آراسته نمایند. از این رو، قرآن کریم سرشار از بایدها و نبایدهایی است که رشد و کمال انسانی در گرو توجه به آنهاست؛ حال آنکه از جمله عوارض گسترش لیبرالیسم در جهان امروز، اعتقاد به نسبی‌گرایی در ارزش‌ها و قواعد اخلاقی است. این اعتقاد بر یک پیش‌فرض تجربی-حسی (هر آنچه در محک تجربه حسی نیاید، واقعیت خارجی ندارد) استوار شده است. بر این اساس، تمام اصول و ارزش‌های اخلاقی، اموری غیرواقعی و برآمده از سلیقه‌های شخصی‌اند و هیچ معیار قطعی برای سنجش درستی یا نادرستی آنها وجود ندارد. پذیرش نسبیت اخلاقی، تأثیرات سهمگینی بر بنیاد خانواده خواهد داشت. اگر خارج از ذهن بشر هیچ معیاری برای سنجش خوبی و بدی رفتارها و عقاید نباشد، نمی‌توان درباره درستی رفتار و تمایلات دیگران قضاوت کرد. بنابراین مفهوم آزادی فردی در مکتب لیبرالیسم به رهایی از قید نظارت، قضاوت و عدم مسئولیت‌پذیری می‌انجامد و لذت نفس جای آن را می‌گیرد.

از دیگر پیامدهای نسبیت‌گرایی آن است که نمی‌توان هیچ‌الگویی به فرد، خانواده و جامعه عرضه کرد؛ زیرا پذیرش الگو به معنای پذیرش یک ارزش واقعی است.

پیامد بعدی نسبیت‌گرایی، از میان رفتن روح جمعی در خانواده است. بدین ترتیب خانواده از افرادی تشکیل می‌شود که صرفاً در کنار هم زندگی می‌کنند. اساساً هم‌بستگی گروهی زمانی محقق می‌شود که ارزش‌ها و اهداف مشترک، افراد گروه را به هم پیوندزند.^۱

۳-۲. نگرش اولویت حقوق نسبت به تکالیف

حق در گذشته، ناظر به مواردی بود که شخص در اموری مشروع دخالت و تصرف می‌کرد و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌شد و از تعرض دیگران مصون می‌ماند (حقوق سلبی). اما کاربرد حق در معنای جدید آن، ناظر به مطالبات است (حقوق مثبت)؛ به این معنا که افراد و گروه‌ها، تأمین نیازهای خود را از دیگران مطالبه می‌کنند. حقوق به معنای یادشده، تداعی‌کننده آن است که بشر تکلیف و مسئولیتی ندارد. این نگرش افزون بر آنکه با نادیده گرفتن تکالیف، آحاد جامعه را نسبت به هم متوقع و متخاصم می‌سازد، نسلی پرورش می‌دهد که کمتر حاضر به تلاش برای حل مشکلات شخصی و گروهی خود

۱. بنگرید به: گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۵۸-۵۰ و ۱۰۴.

است و همه چیز (مانند شغل، امنیت، مسکن و حل مشکلات خانوادگی و ازدواج جوانان) را از دولت مطالبه می‌کند. خانواده نیز در چنین اوضاعی، استعداد شگرف خود را در حل مشکلات و رفع نیازمندی‌ها نادیده می‌گیرد و همواره چشم مساعدت به دست‌گره‌گشای دولت دارد. نتیجه آنکه، ناخواسته نسلی ناتوان با خانواده‌هایی کم‌توان پدید می‌آید؛^۱ حال آنکه استواری رابطه همسران به عمق ارتباط عاطفی آنها بستگی دارد و مطالبه حقوق از همسر، باعث مشاجره و خدشه‌دار شدن رابطه آنها می‌شود. این در وضعیتی است که رعایت اخلاق، زندگی خانوادگی را شیرین می‌کند، اما اصرار بر حقوق، آن را خشک و بی‌روح می‌سازد.

۲-۲. نگرش ناصحیح حاصل از ضعف سواد رسانه‌ای^۲

با وجود گستردگی و تنوع رسانه‌های دیداری و شنیداری و تأثیر مثبت و منفی فراوان آنها بر اعضای خانواده، بسیاری از افراد، فاقد دانش و مهارت لازم برای انتخاب سنجیده و منطقی رسانه‌ها هستند و از سواد رسانه‌ای بی‌بهره‌اند؛ یعنی فاقد راهکاری برای پاسخ به این نیاز هستند که بدانند فلسفه وجودی، کارکردها، تهدیدات، تأثیرات و نحوه استفاده از رسانه چیست و چگونه می‌توان از فرصت استفاده از رسانه بهره‌برد و تهدیدات آن را کاهش داد.

«افراد با به‌دست آوردن سواد رسانه‌ای می‌آموزند:

- پیام‌های رسانه‌ای چگونه معنا خلق می‌کنند؛
- هویت کسی را که تمام یا بخشی از پیام رسانه‌ای را خلق کرده، شناسایی می‌کنند؛^۳
- تشخیص می‌دهند سازنده پیام رسانه‌ای می‌خواهد ما به چه چیزی اعتقاد پیدا کنیم یا چه کاری انجام دهیم؛^۴

۱. بنگرید به: همان، ص ۶۸-۶۵.

۲. به دلیل اهمیت این موضوع، این مبحث به تفصیل مطرح شد.

۳. برای نمونه می‌اندیشند که فیلم‌ها و سریال‌های فراوانی که سوژه اصلی آن خیانت زن و شوهر به یکدیگر است یا ازدواج را امری ارتجاعی قلمداد نموده یا مسائل جنسی را بی‌پروا مطرح می‌کنند، چرا از سوی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای - که با حمایت انگلیس یا آمریکا راه‌اندازی شده - به زبان فارسی برای خانواده‌های ایرانی پخش می‌شود؟

۴. برخی متفکران علم جامعه‌شناسی برای کاربرد رسانه‌ها از واژه «صنعت فرهنگ» استفاده می‌کنند؛ زیرا درست

- تکنیک یا ابزاری را که در پیام رسانه‌ای برای قانع کردن مخاطب مورد استفاده قرار گرفته، می‌شناسند؛

- کشف می‌کنند که چه بخشی از رویداد گفته شده و چه بخشی بیان نشده است؛
- پیام‌های رسانه‌ای خود را براساس اعتقادات و ارزش‌های خود تولید و منتشر می‌کنند.^۱
در مجموع آنها می‌توانند یک مخاطب فعال، جستجوگر، زیرک، گزینش‌گر و هوشمند باشند، نه صرفاً یک مصرف‌کننده ساده و خام برای پیام‌های رسانه‌ای.^۲

از آنجاکه شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و تلفن همراه نسبت به سایر انواع رسانه‌ها نوپدیدترند، به مباحثی چند درباره سواد استفاده از این رسانه‌ها اشاره می‌شود:

۱. شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت: هرچند استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت موجب گستردگی و تنوع اطلاعات انسان، گستردگی ارتباطات و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی در ارتباط‌های انسانی می‌شود، استفاده بدون پالایش از آنها نیز عوارض منفی متعددی برای خانواده‌ها در پی خواهد داشت؛ از جمله:

- کم‌رنگ شدن نقش مرجعیت خانواده در انتقال ارزش‌ها به فرزندان؛
- نهادینه شدن ارزش‌های جهان مدرن (مانند فردگرایی و آزادی عمل بدون رعایت موازین دینی و اخلاقی و ارزش‌های بومی) به جای ارزش‌های ریشه‌دار در خانواده‌ها؛
- ایجاد چنددستگی اعتقادی و هویتی در راستای ترویج نسبیت‌گرایی که به وحدت اعتقادی اعضای خانواده آسیب می‌زند و روح جمعی حاکم بر خانواده را سست می‌سازد؛
- کاهش رشد طبیعی فرزندان؛ چراکه مسابقه رسانه‌ها برای جذب بیشتر مخاطب در

مانند خط تولید کارخانه ماشین‌سازی، مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی مورد نظر خود را می‌سازند و به سایر کشورها صادر می‌کنند. بر همین اساس تولیدات فرهنگی کشورهای سلطه‌جو، بسان یک سرباز می‌توانند در درون کشورها و ملت‌های دیگر راه یابند و آنها را تحت تسلط ارزش‌های فرهنگی خود درآورند؛ تا جایی که برای مثال در کشورهای استفاده‌کننده از محصولات این رسانه‌ها، فروپاشی خانواده امری عادی شود؛ روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج رواج یابد؛ خوراک و پوشاک اعضای خانواده تابع تبلیغات آن رسانه‌ها شده و محصولات بومی اعتبار خویش را از دست دهد و ...

۱. در سال ۲۰۱۴ م. در ۲۰ روز نخست حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه و کشتار وسیع کودکان و زنان، ۵۲۵ میلیون مورد ثبت، تبادل و بازنشر پیام یا دیدگاه در توئیتر اتفاق افتاد. بدین ترتیب رژیم صهیونیستی با وجود سانسور خبری این کشتارها در رسانه‌های قدرتمند جهانی، تحت فشار افکار عمومی جهان قرار گرفت و برای فرار از فشار افکار عمومی به آتش بس متمایل شد.

۲. بنگرید به: رضانی، سواد رسانه‌ای.

راستای سود اقتصادی حاصل از آن، مانع فعالیت‌های طبیعی، جسمی و فکری فرزندان می‌شود و رشد خلاقیت آنان را کند می‌سازد. افزون بر این، نیاز کودکان به کشف استعداد‌های خود و دستیابی به خوداتکایی نیز کاهش می‌یابد؛

- اختصاص یافتن اوقات فراغت اعضای خانواده به برنامه‌های متنوع این رسانه‌ها که سبب کاهش ارتباط کلامی و عاطفی بین آنها می‌شود؛

- تأثیر منفی بر اقتصاد خانواده به دلیل تنوع‌طلبی و مصرف‌گرایی حاصل از تماشای تبلیغات کالاهای مصرفی که تولیدکنندگان آن بخشی از بودجه رسانه‌ها را تأمین می‌کنند؛

- تأثیر نامطلوب اینترنت در ایجاد دوستی‌های اینترنتی با جنس مخالف که به دلیل مجازی بودن، فریب‌کاری در آن فراوان است؛

- بی‌وفایی به همسر به دلیل سهولت ارتباط با جنس مخالف در فضای مجازی و برقراری ارتباط عاشقانه با او؛

- عقلانی ساختن خیانت در روابط زناشویی و روابط میان محارم یا افراد هم‌جنس در برخی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای یا سایت‌های اینترنتی؛

- عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده و حیازدایی از مخاطبانی که در جمع خانوادگی، خصوصی‌ترین روابط با جنس مخالف را مشاهده می‌کنند. این امر سبب پایین آمدن سن روابط جنسی نیز می‌شود.^۱

خانواده‌ها برای ایمن ماندن از این آسیب‌ها نیازمند اقداماتی جدی‌اند؛ از جمله:

- ارتقای آگاهی اعضای خانواده برای انتخاب خردمندانه برنامه‌ها؛

- تقویت پایگاه هویت‌بخش خانواده؛

- ارتباط با پایگاه‌های هویت‌بخش و مطمئن؛

- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه و کنترل آنها و نیز پر کردن اوقات فراغت آنها با فعالیت‌های سازنده.

۲. تلفن همراه: این ابزار نیز رسانه‌ای نوپدید است که مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد و فواید فراوان دارد؛ همچون: ارتباط با مخاطب در مکان‌های مختلف و در حال حرکت و نیز ارتباط با پیامک در موقعیتی که نمی‌توان با مخاطب مکالمه کرد، انجام

۱. یوسف‌زاده، خانواده و مصرف‌کننده فرهنگی جدید، ص ۲۹-۲۸.

عملیات بانکی، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، استفاده از نرم‌افزارهای علمی، کتابخوانی، محاسبه، خرید آسان و دریافت جدیدترین اخبار. اما از آنجاکه تلفن همراه نیز به رسانه‌ای فراگیر تبدیل شده که بسیاری از افراد از آن بدون مدیریت استفاده می‌کنند، توجه به آثار استفاده نامطلوب از آن نیز ضروری است که به چند مورد اشاره می‌شود:

- اعتیاد به تلفن همراه و از دست دادن فرصت‌های ارزشمند برای رشد و پیشرفت. در این نوع اعتیاد، فرد احساس می‌کند اگر تلفن همراه در اختیار نداشته باشد، ارتباط او با دنیا قطع می‌شود؛ از این رو احساس پریشانی و اضطراب می‌کند؛

- انتشار اطلاعات خصوصی افراد به دلیل ضریب امنیت پایین شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه از طریق هک کردن گوشی، بلوتوث و اینترنت، سرقت گوشی، ضبط صحبت‌های خصوصی و محرمانه دیگران و ثبت تصاویر و فیلم‌ها از لحظات خصوصی آنها؛

- اختلال در روابط خانوادگی به دلیل وابستگی روانی به «احساس همیشه آنلاین بودن» و لزوم پاسخ‌دهی به تماس هر کسی در هر زمان و هر موقعیتی؛

- ایجاد اجتماعات مجازی از طریق تلفن همراه که معمولاً سبب کاهش اجتماعات واقعی و ارتباط چهره به چهره و تبادلات عمیق فکری و روحی بین اعضای خانواده و بستگان می‌شود؛

- کاهش ارتباط کلامی، دیداری و عاطفی در میان اعضای خانواده و اقوام و دوستان به دلیل جایگزینی پیامک در برابر این نوع ارتباطات و نیز وابستگی به استفاده از تلفن همراه در اجتماعات خانوادگی یا دوستان؛

- افزایش خودشیفتگی به دلیل امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی که سبب نمایش بیشتر «خود» از طریق ارائه عکس و فیلم و ... می‌شود؛

- سرقت اطلاعات خصوصی خانوادگی افراد از طریق بلوتوث یا وای فای در مراکز شلوغ؛

- تهدید برای سلامتی به دلیل تشعشعات الکترونیک که موجب اختلال در عملکرد

طبیعی بدن می‌شود؛ به ویژه برای جنین در ایام بارداری مادر.^۱

۱. به جز آنچه گفته شد، به این پیامدها نیز می‌توان اشاره کرد: اخاذی‌های اطلاعاتی یا مالی از طریق تلفن همراه، تحت کنترل درآوردن گوشی‌های هوشمند یا تبلت از طریق ارسال یک کد مخرب، اختلال در کارکرد آموزشی به دلیل اختلال نظم در کلاس، کاهش تمرکز سایرین در یادگیری و نیز ورود تصاویر و محتوای غیراخلاقی به محیط‌های آموزشی. از این روی، استفاده از تلفن همراه در مدارس یا دانشگاه‌های برخی کشورها از جمله انگلیس، استرالیا، قطر و تاجیکستان ممنوع بوده و توقیف تلفن همراه یا جریمه نقدی را به دنبال دارد.

دو. عوامل رفتاری

عوامل رفتاری فراوانی به تضعیف کارآمدی خانواده می‌انجامد که در این بخش به چند عامل مهم اشاره می‌شود.

۱. رویارویی نامناسب با مشکلات زندگی

خداوند خیر مطلق و منشأ تمام خیرهاست؛ از این رو هرگز شری نمی‌آفریند. آنچه انسان شر می‌پندارد نیز در حقیقت خیر است و ابزاری برای رشد و کمال اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «به راستی که انسان را در رنج آفریده ایم»^۱.

تولد انسان و رشد تدریجی او با مشقت‌هایی همراه است. زندگی خانوادگی نیز با دشواری‌هایی روبه‌روست: فقر، بیماری، مرگ عزیزان، ناباروری، بدرفتاری همسر و مانند آن. اگر انسان دنیا را نه محل راحتی و کامیابی، بلکه گذرگاهی برای رسیدن به سعادت ابدی بداند، هیچ‌گاه از سختی‌ها و ناکامی‌ها رنجیده خاطر نخواهد شد. سختی‌ها هرچه باشد، پایان خواهد یافت و آنچه می‌ماند، ارزش پایداری در برابر آنهاست. چه بسیار مشکلاتی که سبب نزدیکی و پیوستگی بیشتر اعضای خانواده می‌شود.

آموزه‌های اسلامی یادآور می‌شود که در برخورد با مشکلات زندگی، به این امور توجه کنید: یادآوری نعمت‌های فراوان گذشته،^۲ توجه به نعمت‌های کنونی که در کنار مشکلات وجود دارد،^۳ امید به رفع مشکل کنونی در آینده^۴ و نیز توجه به کاستی‌های موقت دنیا و لذت‌های جاودانه آخرت.

۲. فردگرایی در خانواده

زندگی خانوادگی از احساس نیاز مشترک دختر و پسر نسبت به هم سرچشمه می‌گیرد.

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ. (بلد (۹۰): ۴)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «در برخورد با ناملایمات به یاد داشته باشید که در گذشته با هزاران امر خوشایند روبه‌رو شده‌اید». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۱)

۳. ابوهاشم جعفری خدمت امام هادی علیه السلام از مصیبت‌ها شکایت نمود. آن حضرت نعمت‌هایی را که او در آن غرق بود، برشمرد؛ نعمت‌هایی چون سلامتی، خانواده و دین‌داری. سپس فرمود: «شکر کدام یک از این نعمت‌ها را می‌خواهی به جای آوری؟».

۴. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ در واقع با [هر] دشواری، آسانی است. (انشرح (۹۴): ۶)

از این رو، هرچه این نیاز بیشتر برآورده شود، فرد نسبت به همسرش احساس تعلق بیشتری خواهد داشت. از جمله آسیب‌های مؤثر در روابط همسران، فردگرایی و خودخواهی در خانواده است. چارلز تیلور^۱ فردگرایی را یکی از معضلات اساسی جامعه مدرن می‌داند:

انسان‌های مدرن نگرش‌های وسیع‌تر را از دست داده‌اند؛ زیرا آنها فقط بر زندگی خودشان تمرکز کرده‌اند. به بیانی دیگر، سوی تاریک فردگرایی، خودمحوری است که زندگی را کم‌مایه می‌کند و افراد را از توجه به دیگران بازمی‌دارد.

در بینش فردگرایانه، همه قوانین خانوادگی براساس اعتقاد، نیاز و قابلیت‌های فردی تعیین می‌شود. در این نگرش، تعالی یا تنزل مقام و جایگاه افراد خانواده و ایفای درست یا نادرست نقش‌ها، به استعداد و توانایی فرد نسبت داده می‌شود و در قالب لفظ «من» و «تو» ابراز می‌گردد. بدین بیان، فرد موفقیت فردی یا خانوادگی را با کلمه «من» بیان می‌کند، بی‌آنکه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم همسر و فرزندانش مورد توجه قرار گیرد. در بینش فردگرایانه، حقوق و مصالح فردی بر حقوق و مصالح خانواده تقدم می‌یابد.

اما در نظام اخلاقی و تربیتی اسلام، فرد با اختیار و از روی رغبت، از منافع خود در راستای مصالح همسر و فرزندانش می‌گذرد، اما نه اینکه شخصیت، افکار، علایق و مصلحت فرد به طور کلی مغفول بماند.^۲ بنابراین اعضای خانواده باید تفاوت‌های فردی را به رسمیت بشناسند و سعی در تغییر اجباری آن نداشته باشند. در رهنمودهای اسلامی، به اعضای خانواده سفارش شده است که مصلحت یکدیگر را در نظر بگیرند. در روایات آمده است:

مؤمن مطابق میل اعضای خانواده می‌خورد و خانواده منافق مطابق میل او می‌خورند.^۳

زن و شوهر در خانواده براساس نیاز و خوشایند همسر خود ظاهرشان را آراسته سازند.^۴ بهترین شما، خوش‌رفتارترین شما با خانواده است.^۵

۱. فیلسوف سیاسی، اجتماعی و تاریخی و استاد فلسفه دانشگاه مک‌گیل کانادا.

۲. بنگرید به: فاتحی، «تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی بر روابط اعضای خانواده»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۱، ص ۱۴۶-۱۳۶.

۳. التَّوَّابُونَ يَأْكُلُونَ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِمْ. وَ التَّنَافِقُونَ يَأْكُلُونَ أَهْلَهُمْ بِشَهْوَتِهِ. (کلینی، اصول الکافی، ج ۴، ص ۱۲)

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷.

۵. فَإِنَّ خَيْرَكُمْ خَيْرَكُمْ لِأَهْلِهِ. (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴)

انسان، کمال گرا و بی نهایت خواه است، اما گاه بی نهایت خواهی خود را به امور فانی دنیوی محدود می نماید. عطار نیشابوری به زیبایی گوید:

زمین در جنب این نه سقف مینا
چو خشخاشی بود بر سطح دریا
نگر تا تو از این خشخاش چندی
سزد تا که به ریش خود بخندی^۱

اسلام، آدمی را به قناعت در امور دنیوی و کمال طلبی در امور معنوی توصیه می کند. بسیاری از نزاع های خانوادگی به دلیل عدم قناعت است. هر اندازه زن و شوهر از یکدیگر و رابطه زناشویی انتظارات غیرعقلانه ای داشته باشند، احتمال اختلال در خانواده بیشتر خواهد شد. ویلیام ج. گود در این زمینه گوید:

یک جوان غربی که از منظر عشق رومانتیک به ازدواج می نگرد، انتظارات بسیار بالایی دارد و از داشتن یک زندگی یکنواخت و خسته کننده - هرچند توأم با آسایش - ناخشنود است؛ در حالی که در بسیاری از جوامع به جوانان آموخته می شود که در بهترین حالت، از همسر خود توقع احترام داشته باشند.^۲

اختلاف های خانوادگی ای که به سبب انتظار زیاد از همسر یا زندگی پیش می آید، معمولاً در پی مقایسه همسر خود با دیگران ایجاد می شود. متأسفانه برخی به جای نگرستن به خوبی های همسر خویش، محاسن دیگران را با معایب همسر خود می سنجند، تا اینکه به مرور نسبت به همسر خود احساس ناخوشایندی می یابند. در واقع بی وفایی ها نیز از همین جا آغاز می گردد. آنها در برخورد با امکانات زندگی نیز به جای توجه به داشته ها، به کمبودها می نگرند. اما افرادی که قانع اند، هماهنگ با تلاش خستگی ناپذیر برای بهبود وضعیت، به تقدیر الهی راضی و قانع اند و از همین رو با آرامش زندگی می کنند. از آثار دیگر قناعت، عزت فرد است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «قناعت به عزت منجر می شود».^۳

واقعیت نیز نشان می دهد مردان و زنانی که قانع نبوده و به داشته های دیگران طمع

۱. عطار نیشابوری، اسرارنامه، بخش دوازدهم. الحکایة و التمثیل، بیت ۲۲ و ۲۳.

۲. بستان و همکاران، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ص ۱۷۸.

۳. بِالْقَنَاعَةِ يَكُونُ الْعِزُّ... (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۲)

می‌ورزند، ذلیل و خوار می‌گردند. چه بسا مردانی که با داشتن همسری مهربان و سازگار، حرص بهره‌مندی از زنی زیباتر یا پولدارتر، آنها را در روابطی گرفتار کرده که حاصل آن رنجیدگی همسر، اختلافات خانوادگی و خواری در نزد عام و خاص است؛ یا از این سو، زنان متأهلی که با زیاده‌خواهی، زندگی را بر همسر خود ناگوار ساخته و آرامش را از همه اعضای خانواده سلب نموده‌اند. امام صادق علیه السلام از جمله ویژگی‌های زن ناشایست را چنین برشمرده است: «زیاد را اندک می‌شمرد و کم را نمی‌پذیرد»^۱.

همچنین امام علی علیه السلام به مردان توصیه کرده است:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، به همسر خود قانع باشید؛ نزد او رفته و نیاز خود را با او برآورده سازید.^۲

ج) راه‌های ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، معمولاً تفاوت‌های متعددی از جهت اعتقادات، اخلاق، فرهنگ، آداب و رسوم، سلیقه‌ها و حساسیت‌ها دارند. این تفاوت‌ها هرچند جزئی باشد، در صورت سوءمدیریت، سبب اختلافات و تعارض‌های خانوادگی می‌شود و خانواده را گرفتار آسیب‌های متعددی می‌سازد. از همین رو برای ایمن‌ساختن خانواده از آسیب‌ها، همسران باید اقداماتی را انجام دهند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

یک. آموزش

بسیاری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از آن است که همسران از «وظایف خود، عوامل مؤثر در استحکام یا تزلزل خانواده و روش حل مشکلات» آگاه نیستند. از این رو یکی از راهبردهای مهم حل مسائل خانوادگی، رویکرد آموزشی است.

محققان برای پیشگیری از ناسازگاری زناشویی سه راه را پیشنهاد می‌دهند: «افزایش کیفیت تعامل زن و شوهر»، «بالا بردن آگاهی از نیازهای همسر» و «آموزش مهارت‌های

۱... تَشْتَقِلُ الْكَبِيرَ، وَلَا تَقْبَلُ الْبَيْتَ. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۸)

۲... إِنْ رَأَى أَعْدَاكَ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷)

خانوادگی» که در آن به شناسایی مهارت‌های مقابله‌ای در نظام خانواده و آموزش رفتاری افراد (برای استفاده مؤثر از توانایی‌ها) پرداخته می‌شود.^۱

در مواردی نیز فرد با توجه به شرایط ویژه خود نیازمند راهنمایی است که در این‌گونه موارد، مراجعه به مشاور می‌تواند راهگشای مشکلات باشد. مشاور شایسته باید این ویژگی‌ها را داشته باشد: دارای دانش لازم و تجربه کافی، آشنایی با فرهنگ و سلیقه مخاطبان خود، متدین و آگاه از محدوده اوامر و نواهی الهی (برای اینکه راهکارهای او در چارچوب رهنمودهای خداوند باشد) و رازداری.

دو. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی

خانواده موفق آن است که به پایش جامع و مستمر عملکرد خویش و سود و زیان حاصل از آن می‌پردازد و پس از آن برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند.

در روایات سفارش شده است که انسان مسلمان در هر روز، فرصتی را برای محاسبه و بررسی رفتار خود اختصاص دهد و پس از این محاسبه، اگر عملکرد خویش را مثبت یافت، خدا را شکر گوید و توفیق استمرار آن را از او طلب کند و بر آن رفتار مداومت نماید، و اگر از روی غفلت یا به عمد مرتکب خطایی شده بود، از خدا طلب مغفرت کند و عزم خویش را بر ترک آن رفتار جزم نماید. امام کاظم علیه السلام فرمود:

کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند، از ما نیست. ببیند که اگر موفق به انجام کار خیری شده، از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده، از خدا آمرزش خواهد و توبه نماید.^۲

ارزیابی دائمی رفتارهای خانوادگی و رفع نواقص آن، خانواده را از آسیب‌ها در امان خواهد داشت.

سه. مواجهه صحیح با عیوب همسر

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، رفته‌رفته با خصوصیات یکدیگر آشنا می‌شوند

۱. بنگرید به: بورنستین، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۹۹-۲۰۴.

۲. لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلَهُ خَيْرٌ إِشْتَرَا اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمَلَهُ عَلَيْهِ وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۷۲)

و خوبی‌ها و عیوب یکدیگر را بیشتر و بهتر می‌شناسند. در هنگام رویارویی با عیب‌های ظاهر شده، توجه به این امور می‌تواند مانع از سردی عاطفی و تنش در بین اعضای خانواده شود؛ یکی برخی از عیب‌ها شخصی است و به روابط خانوادگی لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. در این گونه موارد بهتر است همسر توجهی نشان ندهد و برای اصلاح رفتار او به امور اساسی‌تر بپردازد. چشم‌پوشی از خطای همسر سبب می‌شود قبح کار از بین نرود؛ آبرو و احترام همسر حفظ شود و برخی از ارزش‌های اخلاقی (مانند گذشت) در فردی که چشم‌پوشی کرده، تقویت گردد. دو فردی که قصد اصلاح رفتار همسرش را دارد، باید اصلاح رفتار خود را مقدم بدارد. چنین فردی با این تجربه دشوار (تغییر رفتار ناپسند خود)، با همسر خویش منصفانه‌تر برخورد خواهد کرد.

سه. در صورتی که همسر خطای خویش را پذیرفت، باید عذرخواهی او را قبول کرد و متناسب با ظرفیت همسر، با حفظ احترام خود و با اهتمام بر حفظ روابط عاطفی و صمیمی با او، به وی فرصت کافی برای تغییر داد و برای اصلاح خود، همسر و زندگی مشترک از خداوند طلب یاری کرد.

چهار. برای مواجهه صحیح با عیوب همسر باید خود نیز انتقادپذیر بود و انتقاد را هدیه‌ای از جانب همسر تلقی کرد که سبب شده اشتباه‌ها سریع‌تر مشخص شود. این نحوه واکنش در مقابل همسر، روابط آنها را با یکدیگر صمیمی‌تر خواهد ساخت. برای تغییر رفتار نیز باید بر تغییر مثبت مداومت نمود تا سبب تثبیت رفتار نیکو گردد و خوبی‌ها عادت رفتاری شود. از آنجاکه این تغییرها معمولاً دشوار است، گاهی باید زمان کوتاهی را تعیین کرد و در طول آن بر اصلاح رفتار اهتمام ورزید و سپس با چشیدن طعم شیرین رفتار نیک، زمان تغییر را طولانی‌تر ساخت.

چهار. مدیریت خشم

از جمله علل مهم بروز کدورت همسران، خشم کنترل نشده است. این امر سبب بیان جملات یا انجام کارهایی می‌شود که همسر را آزرده‌خاطر می‌سازد و گاه با ایجاد عصبانیت

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هر که عذر کسی را نپذیرد، خواه عذرش راست باشد یا دروغ، شفاعت من شامل حال او نخواهد شد. (همان، ج ۷۴، ص ۴۷)

در او، موجب مشاجراتی تلخ می‌شود و به روابط عاطفی آنها آسیبی جدی وارد می‌سازد. از این رو هنگامی که همسران گرفتار عصبانیت می‌شوند، باید به این نکات توجه کنند:

۱. در آغاز، علت خشم خویش را کشف کنند:

- گاه مشکلات جسمانی مانند بیماری، بی‌خوابی یا کم‌خوابی، مصرف برخی داروها، پرکاری غده تیروئید، کم‌خونی یا خستگی زیاد سبب بروز این عصبانیت‌ها می‌شود که در این‌گونه موارد باید هرچه سریع‌تر مشکل برطرف شود.

- گاهی خشم، برآمده از عاملی روانی است که باید برای رفع آن تلاش کرد. برای نمونه، اگر علت آن احساس ناامنی است، باید با توجه به عوامل امیدوارکننده فراوانی که در اطراف وجود دارد و نیز با ایجاد روابط جایگزین (مانند روابط گرم و صمیمی با همسر)، به جای عامل ناامنی این احساس را از بین برد.

- گاهی رفتار همسر سبب خشم و غضب می‌شود. زن معمولاً از بی‌توجهی شوهر، تمسخر احساساتش، تندخویی شوهر، ساکت و عبوس بودن او، اوامر متعدد و مکرر، انتقادهای فراوان و توجه او به نامحرم عصبانی می‌شود. مردان نیز از بی‌توجهی زن به نظافت و آراستگی خود، تحقیر شوهر، ناسزاگویی، ساکت و عبوس بودن او و همچنین از جلب توجه مردان نامحرم (با پوشش یا کلام نامناسب) عصبانی می‌شوند. از این رو برای استمرار آرامش در خانواده، زن و شوهر باید از این‌گونه رفتارها بپرهیزند.

۲. همسران باید بکوشند تا از ابتدا مانع ایجاد خشم در خود شوند. بهترین راه برای تحقق این مهم آن است که نگرش منفی به خشم را در خود تقویت نکنند. برای نمونه، اشعار یا روایاتی را درباره زشتی خشم بنویسند و در معرض دید خود قرار دهند؛ مانند کلام مولای متقیان علی علیه السلام که فرمود: «آغاز خشم دیوانگی است و پایان آن پشیمانی.»^۱ علاوه بر آن، نگرش مثبت به کنترل خشم را نیز در خود تقویت نمایند.

برخی امور نیز می‌تواند مانع ایجاد خشم در فرد شود؛ از جمله عفو و گذشت، قناعت و پایین آوردن سطح توقعات. همچنین در مواجهه با امور نامطلوب، توجه به مقرون بودن خوشی‌ها با سختی‌ها، و لذت‌های اخروی با کاستی‌های دنیوی و نیز توکل به خداوند مهربان حکیم سبب کنترل خشم می‌شود.

۱. إِنَّا لَ وَالْقَضَبِ فَأَوْلُهُ جُنُونٌ وَأَخْرَهُ نَدَمٌ. (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودررالكلم، ح ۶۸۹۸، ص ۳۰۳)

عوامل دیگری که سبب آرامش و مانع ایجاد هیجانات مخرب می‌شود، عبارت است از: خواب کافی و مناسب، نظم در زندگی، شرکت در فعالیت‌های خیرخواهانه، استفاده از طبیعت، استفاده از رنگ‌های شاد در پوشاک و تزیین منزل، شوخی و خنده و از همه مهم‌تر، یاد خدا؛ چنان‌که قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ!

آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

۳. فردی که عصبانی می‌شود، ابتدا باید حالت روحی خود را به همسرش اظهار کند تا او رفتارش را بهتر درک نماید. سپس حواس خود را به چیز دیگری معطوف کند. برای مثال، تلویزیون تماشا کند؛ با دوستی تلفنی صحبت کند؛ آب یا شربت خنک بنوشد و چندین بار نفس عمیق بکشد. در هر صورت هرگز در حالت عصبانیت تصمیم نگیرد و تا حد امکان سخنی نگوید.
۴. زن یا شوهری که همسرش عصبانی شده، باید با او همدلی کند؛ هنگام سخن با او از کلماتی که بار عاطفی دارند، استفاده نماید و موضوع صحبت او را به آرامی تغییر دهد.
۵. در صورتی که فردی معمولاً و بدون دلیل منطقی عصبانی می‌شود، باید به روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کند تا تحت درمان قرار گیرد.

پنج. کسب مهارت حل مسئله

انسان در طول زندگی با مشکلات متعددی مواجه می‌شود. زندگی مشترک با همسر نیز در کنار شیرینی‌ها و لذت‌های فراوان، دشواری‌هایی دارد. چگونگی مواجهه با این مشکلات، در استحکام روابط خانوادگی یا سست نمودن بنیان خانواده تأثیر فراوانی خواهد داشت. از این رو، همسران باید مهارت حل مسئله را در این‌گونه مواقع بیاموزند. برای آموزش این مهارت، توجه به این نکات ضروری است:

۱. فشارهای زندگی مانند جمع شدن بخار در دیگ سربسته است که ناگهان موجب ترکیدن دیگ می‌شود. بنابراین نباید فشارها روی هم انباشته شود، بلکه باید آنها را با روش صحیح تخلیه کرد.

۲. مشکلات زندگی را باید «مسئله» دید و درصدد حل آن برآمد. مشکل امری مبهم، حل ناشدنی و کلی است؛ حال آنکه مسئله، واضح و روشن، حل شدنی، جزئی و معین است. با به کار بردن کلمه مسئله به جای مشکل، ناخودآگاه امید به حل آن در فرد ایجاد می‌شود. فراگیری مهارت حل مسئله سبب می‌شود؛ در خانواده بحران ایجاد نشود؛ فرد احساس توانمندی کند و اعتماد به نفس او افزایش یابد؛ از فشارهای روانی وی کاسته شود و در زندگی او آرامش ایجاد گردد.

از آنجاکه حل یک مسئله نشان از درایت و فهم انسان است، حل مسائل می‌تواند اعتماد همسر، بستگان و دوستان را به فرد افزایش دهد؛ همان‌گونه که حل نشدن آن نیز ممکن است این اعتماد را سلب کند.

مراحل حل مسئله بدین قرار است:

۱. ابتدا باید مسئله را به صورت واضح، روشن و دقیق تعریف کرد. برای نمونه، اگر همسر فرد به او بی‌توجهی می‌کند، باید دقت کرد که آیا علت آن وجود خلأ عاطفی است یا عدم ارضای نیازهای جنسی یا خستگی ناشی از کار بیش از حد یا ...

۲. باید هدف را مشخص کرد و به درستی آن نیز اطمینان داشت. گاه افراد هدف را اشتباه تعیین می‌کنند، یا در تعیین اولویت آن به خطا می‌روند؛ مانند اینکه در تنگنای اقتصادی خانواده، سفر تفریحی و تشریفاتی، یک نیاز جدی تلقی شود.

۳. باید برای حل یک مسئله، راه‌حل‌های متعددی را در نظر گرفت. برای پیدا کردن این راه‌حل‌ها، تفکر، خلاقیت، افزایش آگاهی از طریق مطالعه و مشورت با فردی خردمند، دین‌دار و دلسوز، مفید و راهگشاست.

۴. راه‌حل‌ها را باید ارزیابی کرد و با توجه به پیامدها و عواقب هریک، بهترین آنها را انتخاب نمود.

۵. با طلب یاری از خدا، باید برای حل مسئله کوشید.

۶. گاهی افراد در رویارویی با مسائل زندگی با موانعی روبه‌رو می‌شوند که قدرت حل مسئله را از آنها سلب می‌کند. این افراد نیازمند توجه به این موانع و برطرف ساختن آنها هستند. مهم‌ترین مانع، «ضعف انگیزه» است. برای تقویت انگیزه حل یک مسئله باید پیامدهای منفی حل نشدن آن مسئله را فهرست کرد و خود را در فضای پس از حل مسئله

تصور نمود و لذت زندگی در آن شرایط را مجسم نمود. بدین گونه، فرد توانایی صبر بر حل مسائل زندگی را به دست خواهد آورد. شاعر گران قدر حافظ گوید:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم اند بر اثر صبر نوبت ظفر آید^۱

۱۱۱۹ (۱) طلاق

ازدواج پیوندی مقدس است که زن و شوهر باید در حفظ آن بکوشند. در بخش های پیشین مباحثی درباره انتخاب صحیح همسر، مهارت های لازم برای استحکام روابط همسران و ایمن سازی خانواده از آسیب ها بیان شد. از آنجاکه گاهی زن و شوهر با تقصیر یکی یا هر دو از یکدیگر جدا می شوند، در این بخش موضوع طلاق بررسی خواهد شد.

طلاق یعنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی^۲ که ممکن است به درخواست مرد یا زن باشد. این درخواست به دادگاه خانواده ارائه می شود و دادگاه به درخواست طلاق مرد پس از تحقیق و رعایت شرایط قانونی رسیدگی می کند. همچنین بنابر ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، به درخواست طلاق از سوی زن در صورت وجود شرایط قانونی رسیدگی می شود. این شرایط عبارت است از:

۱. زن از جانب شوهر وکالت داشته باشد که بتواند خود را در صورت تحقق موارد مندرج در قانون (یا در سند ازدواج) مطلقه کند.

۲. شوهر نفقه نپردازد و دادگاه نیز نتواند او را ملزم به پرداخت نفقه کند.

۳. وضعیت زندگی مشترک به گونه ای باشد که زن در سختی طاقت فرسا قرار گیرد.

در این موارد دادگاه به تقاضای زن، او را از جانب شوهر مطلقه می سازد.

براساس ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی، طلاقی که به درخواست مرد باشد، «طلاق رجعی» است؛ یعنی در ایام عده^۳ (سه بار پاک شدن از خون ریزی ماهیانه از زمان طلاق به بعد) شوهر می تواند رجوع کند. در طلاق رجعی، زن باید در تمام مدت عده در منزل شوهر سکونت داشته باشد، مگر آنکه ترس از ضرر جانی یا مالی یا حیثیتی داشته باشد. اگر در ایام

۱. حافظ، دیوان حافظ، غزل ۲۳۲.

۲. عمید، فرهنگ عمید، واژه «طلاق».

۳. در صورتی که طلاق قبل از رابطه زناشویی واقع شود، عده وجود ندارد.

عده، مرد با کلام یا رفتار خود، تمایلی برای رابطه همسری نشان داد، آن دو بدون نیاز به عقد ازدواج مجدد، دوباره زن و شوهر خواهند شد.

طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، اگر طلاق از طرف زن و به سبب کراهت او باشد، «طلاق خلع» نام دارد که هرچند زن باید عده نگه دارد، شوهر دیگر نمی‌تواند رجوع کند و در مقابل، زن تمام یا بخشی از مهر خود را می‌بخشد.

طلاق از نظر دین اسلام و عرف جامعه، امری ناپسند است و فقط در صورتی پذیرفتنی است که در تداوم زندگی مشترک، ضرر جدی وجود داشته باشد.

ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید؛ زیرا عرش خدا از وقوع طلاق می‌لرزد.^۱
 همانا خدا و رسول خدا از زنانی که به ناحق از شوهر خود طلاق می‌گیرند، بیزارند.
 خدا و رسول خدا از مردانی که به زن خود ضرر می‌رسانند تا مهریه خود را ببخشند و طلاق گیرد، بیزارند.^۲

متأسفانه امروزه در نتیجه تغییرات فرهنگی و اجتماعی طی دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای جهان، طلاق رشد فراوانی داشته است.

یک. عوامل طلاق

بررسی نتایج ۹۲ پژوهش انجام‌یافته در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ - که دستگاه‌های اجرایی یا مراکز تحقیقاتی دانشگاهی انجام داده‌اند - نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل وقوع طلاق در ایران بدین شرح است:

۱. عوامل فرهنگی - اجتماعی: شیوه ناکارآمد انتخاب همسر، کاهش سطح مسئولیت‌پذیری دختران و پسران، عدم آموزش مهارت‌های لازم برای انجام مسئولیت‌های خانوادگی، بالا بودن سطح توقع زن یا شوهر از یکدیگر، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، عدم نگرش منفی به طلاق در میان بستگان زن یا شوهر، بی‌احترامی از سوی همسر، بی‌صداقتی زن یا شوهر در معرفی خود پیش از ازدواج و

۱. عن الصادق علیه السلام: تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۸)

۲. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ بَرِيئَانِ مِنَ الْمُخْتَلِعَاتِ يَقْبِرُ حَتَّىٰ لَا وَإِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ بَرِيئَانِ مِمَّنْ أَصْرَ بِأَمْرَيْنِ حَتَّىٰ تَخْتَلِعَ مِنْهُ. (همان، ص ۲۸۳)

۲. عوامل اقتصادی: نپرداختن نفقه از جانب شوهر، توقعات بالای اقتصادی، نوع و میزان اشتغال زن در خارج از منزل و ...

۳. عوامل اخلاقی: عدم توافق اخلاقی همسران، سوء معاشرت و سوء رفتار، فساد اخلاقی زن یا شوهر، اعتیاد، شراب خواری، فحاشی، خودخواهی و ...

۴. عوامل روان شناختی: ویژگی های روانی و عصبی غیرقابل تحمل، بدبینی شدید نسبت به هم، باورهای غیرمنطقی، انگیزه های واهی در ازدواج و ...

۵. عوامل جنسی: عدم رضایتمندی زناشویی، ناتوانی جنسی زن یا مرد، سردمزاجی جنسی، وجود عادات جنسی ناپسند در مردان، عدم تمکین زن، تنوع طلبی جنسی، عقیم بودن مرد یا زن و ...^۱

دو. پیامدهای طلاق

هرچند معمولاً طلاق، خروج از یک رابطه تنش‌زا و فرسایشی است و معمولاً افرادی که از همسر خود جدا می‌شوند، تا مدت کوتاهی آسایش نسبی را تجربه می‌کنند، پیامدهای منفی طلاق بیش از آن است که افراد از طلاق خشنود باقی بمانند. رضایت دائمی از طلاق در ازدواج‌هایی حاصل می‌شود که میزان بحران و آسیب در زندگی مشترک بسیار بالا بوده و آثار منفی طلاق با آن برابری نمی‌کند. در چنین مواردی، فرد با مدیریت زندگی پس از طلاق، جدایی را رهایی واقعی از رنج‌ها و ضررهای فراوان می‌یابد. در ادامه به برخی پیامدهای منفی طلاق می‌پردازیم.

۱. پیامدهای فردی

بسیاری پس از طلاق دچار مشکلات روحی متعددی می‌شوند؛ از جمله: کاهش شدید اعتماد به نفس، بی‌علاقگی به زندگی، احساس عذاب وجدان، احساس خشم، یأس، فریب خوردگی، عصبانیت، افسردگی و دل‌تنگی و کاهش انگیزه و علاقه به کار. گذشته از این، خروج از رابطه زناشویی و ارتباط منظم جنسی، زنان و به‌ویژه مردان را دچار فشارهای

۱. بنگرید به: محبی، بررسی علل و عوامل مؤثر بر درخواست طلاق زنان.

روانی می‌سازد. معمولاً طلاق سبب فشار اقتصادی بر زنان نیز می‌شود؛ زیرا حمایت مالی شوهر را از دست خواهند داد و تأمین مسکن و مخارج آنان برعهده خودشان خواهد بود. یافتن شغل مناسب و اشتغال آنها در بخش‌های غیررسمی، بی‌ثبات و پایین‌تر از شأن، از گرفتاری‌های زنان پس از طلاق به‌شمار می‌آید.

۲. پیامدهای خانوادگی

فردی که پس از سپری کردن مدتی از زندگی مشترک و انحلال خانواده، قصد بازگشت به خانواده خویش را دارد، معمولاً منزلت سابق را ندارد و در خانه مستقل نیز با عدم اقبال اطرافیان مواجه می‌شود. این امر در مورد زنان موجب کاهش ضریب امنیت آنان نیز خواهد بود.

فردی که از همسر خویش جدا شده، برای ازدواج مجدد نیز با محدودیت‌هایی روبه‌روست. از آنجاکه طلاق معمولاً نشان‌دهنده ناتوانی فرد در مدیریت روابط با همسر است، تمایل چندانی به ازدواج با فرد طلاق‌دهنده یا طلاق‌گیرنده وجود ندارد. علاوه بر آن، اگر زن و شوهر صاحب فرزند باشند، پس از طلاق سرپرستی کودک به‌تنهایی برای پدر یا مادر مشکلات متعددی به‌وجود خواهد آورد.

هرچند عوارض منفی طلاق برای زن و مرد بسیار است، فرزندان طلاق متحمل بیشترین آسیب‌ها خواهند شد.^۱ آنها همواره با مشکل عاطفی جدایی از یکی از والدین مواجه هستند و حتی در صورت ارتباط با هر دو، به‌دلیل جدایی زمانی این ارتباط، مشکل عاطفی خواهند داشت؛ ضمن آنکه ارتباط جداگانه با والدین، فرزند را فاقد تربیت هماهنگ و یگانه می‌سازد.

کودکانی که تحت سرپرستی مادر زندگی می‌کنند، با مشکلات مالی نیز روبه‌رو می‌شوند. در ضمن از آنجاکه فرزند زندگی خود را با یکی از والدین ادامه می‌دهد، گاه نسبت به صفات روحی والد دیگر شناخت درستی ندارد.

پس از طلاق والدین، کودکان در سنین پیش از دبستان، معمولاً خشمگین یا افسرده می‌شوند. بی‌میلی به بازی با دیگران و اخلال در بازی دسته‌جمعی، مراقبت زیاد درباره

۱. فرجاد، آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۲۷۹.

پاکیزگی، غمگینی، زود به گریه افتادن و زیاده‌طلبی، برخی از علایم رفتاری کودکان در مواجهه با طلاق والدین است.

فرزندانی که به مدرسه می‌روند، افسردگی شدید خود را از جدایی والدین، به صورت خشم و درگیری با معلمان بروز می‌دهند. در دوران نوجوانی که افراد به استقلال بیشتری دست می‌یابند و از محیط خانه دور می‌شوند، زمینه بروز بزهکاری در آنها بیشتر است. تعارض در انتخاب پدر یا مادر و وفاداری به یکی از آنها و رها کردن دیگری، مشکل اساسی نوجوانان پس از طلاق والدین است.^۱

در صورتی که والد سرپرست فرزند، ازدواج مجدد نماید، فرزندان طلاق با مشکلات جدیدتری روبه‌رو خواهند شد. عدم پذیرش جدی فرزند از جانب همسر جدید و نیز نپذیرفتن او از سوی کودک در موارد بسیاری اتفاق می‌افتد. افزون بر این، از آنجاکه ازدواج مجدد، شخص دیگری را وارد این حلقه محکم هم‌بستگی می‌کند، فرزندان احساس می‌کنند دیگر جایی در خانه ندارند و فرد جدید، محبت و توجه پدر یا مادر را به خود جلب خواهد کرد. از این رو، آنها به شدت از سست شدن رابطه خود با پدر یا مادر نگران هستند.

طلاق همچنین سبب می‌شود که ارتباط فرزند با بستگان والد غیرسرپرست، از هم گسسته شود. در نتیجه از حمایت‌های عاطفی، روانی و اقتصادی والدین، خواهران و برادران یکی از والدین محروم خواهد شد.

۳. پیامدهای اجتماعی

طلاق تعادل انسان‌ها را برهم می‌زند و موجب کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می‌شود.^۲ علاوه بر آن، تعادل روحی نیروی انسانی را در تولید و خدمات برهم می‌زند و موجب بروز پیامدهای سهمگینی در حیات اقتصادی جامعه خواهد شد. در ضمن هیچ‌گاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی بدون توجه به طلاق امکان‌پذیر نیست. طلاق می‌تواند موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی شود؛ از قبیل اعتیاد به موادمخدر و الکل، افزایش نرخ خودکشی و ناهنجاری‌های رفتاری جنسی.

۱. بنگرید به: تایبر، بچه‌های طلاق، ص ۴۷-۴۰.

۲. ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۱۲۰.

همچنین طلاق می‌تواند موجب کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در جامعه شود. افزون بر این، افزایش میزان طلاق به تدریج قبح اجتماعی آن را کاهش داده، اعتماد اجتماعی را - که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است - سلب می‌کند.

سه. راهکارهای کاهش فروپاشی خانواده

۱. پیشگیری از ایجاد اختلاف بین زن و شوهر: مهم‌ترین عامل تداوم پیوند زن و شوهر، مهر و علاقه آنها به یکدیگر است. این محبت در صورتی پایدار می‌ماند که آن دو به یکدیگر خوش بین باشند و هریک، دیگری را مؤنس و یاور خویش بدانند. به همین دلیل، اسلام از هر آنچه به روابط گرم و صمیمی همسران آسیب برساند، نهی کرده و دوستان، آشنایان و بستگان را به پرهیز از گفتار یا رفتاری که زن و شوهرها را نسبت به یکدیگر دلسرد کند، سفارش نموده است؛ حتی اگر آن گفتار، صادقانه باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که میان زن و شوهری جدایی اندازد، غضب و لعنت خدا در دنیا و آخرت شامل حال او می‌شود، و سزاوار است خداوند او را در آتش بزرگ [در جهنم] اندازد. و هر که قدمی در ایجاد اختلاف میان زن و شوهری بردارد، هر چند موجب جدایی آنها نشود، خشم خدا و لعنت او در دنیا و آخرت نصیب او می‌شود و خداوند با نظر رحمت به او نمی‌نگرد... و هر که قدمی در جهت اصلاح رابطه میان زن و شوهری بردارد... برای هر قدمی که برمی‌دارد، یا سخنی که می‌گوید، ثواب یک سال عبادت - که شب‌ها به نماز و روزها به روزه بگذرد - به او عطا می‌کند.^۱

۲. گذشت خردمندانه برای پیشگیری از طلاق: هر چند هریک از زوجین حقوق ویژه‌ای دارند، افراد خردمند به دلیل اهمیت استحکام خانواده از برخی حقوق خویش برای اصلاح روابط می‌گذرند تا بنای باعظمت خانواده فرو نریزد. در این معامله خردمندانه، همسر، فرزندان و بستگان در آینده به عظمت ایثار و اعتراف خواهند کرد و خداوند دانا و کریم نیز از دریای بی‌کران کرم خود به او پاداشی شایسته خواهد داد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَغْلِهَا يُشْرُزًا أَوْ إِيْزَاصًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا

۱. من عیال فی فزقہ بین امرأه و زوجها کان علیه غضب الله... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۹-۳۶۸)

وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۱

اگر زنی دریافت شوهرش با او بی مهر و از او روی گردان شده، باکی نیست که هر دو در میان خود طرح آشتی افکنند که آشتی بهتر است؛ حال آنکه بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد، و اگر نیکی و پرهیزکاری کنید، خدا به هر چه کنید، آگاه است.

۲. وساطت داوران: در قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) پیش‌بینی شده که در کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی، دادگاه باید برای صلح و سازش، موضوع را به داوری ارجاع دهد و داوران نیز برای آشتی بین همسران تلاش کنند. داوران باید در صورت امکان از میان بستگان زن و شوهر انتخاب شوند؛^۲ چراکه طرفین اختلاف غالباً در فضای روانی خاصی از احساسات منفی و کینه‌توزانه قرار دارند و در این فضا احتمال کمتری برای گرفتن تصمیمات صحیح و آینده‌نگرانه وجود دارد. راهکار اسلام در این مواقع آن است که طرفین دعوا تصمیم دوباره درباره زندگی را به دست افرادی بسپارند که دارای صلاحیت هستند. همچنین تأکید شده که یکی از داوران از خویشان زن، و دیگری از خویشان مرد باشد؛ از آن‌رو که بیشتر از وضعیت زندگی آنان مطلع بوده و بیشتر به مصالح خویشان خود پایبندند و نسبت به آنان دلسوزند.^۳

۴. توجه به مشکلات فرزندان: مشکلاتی که والدین پس از طلاق در مورد حضانت فرزند، دوری از او و تأمین مخارجش با آن مواجه می‌شوند، یکی از عوامل انصراف از طلاق خواهد بود.

۵. توجه به پیامدهای اقتصادی طلاق: طبق قانون حمایت خانواده، ثبت طلاق الزامی است و جز در موارد استثنا،^۴ حقوق همسر و فرزندان درباره جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و

۱. نساء (۴): ۱۲۸.

۲. مبنای این تدبیر قانونی، فرمان خداوند در قرآن کریم است: «فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا؛ پس داوری از خانواده آن [شوهر]، و داوری از خانواده آن [زن تعیین کنید]» [بفرستید]. (نساء (۴): ۳۵)

۳. زیبایی‌نژاد، «طلاق پسندیده»، نشریه حورا، ش ۴۰، ص ۱۶.

۴. در صورتی که زن رضایت دهد، یا حکم قطعی بر اعسار زوج یا تقسیر محکوم به صادر شود، اگر زن بدون دریافت حقوق مذکور نسبت به طلاق رضایت دهد، می‌تواند پس از طلاق از طریق اجرای احکام دادگاه برای دریافت این حقوق اقدام نماید.

نفقه اولاد باید پرداخت شود. گاهی مردان با توجه به مسئولیت‌های اقتصادی طلاق، از جدایی منصرف می‌شوند و به سازگاری ادامه می‌دهند.

۶. وقوع طلاق به نیکی و زیبایی: در قرآن به دفعات امر شده که وقوع طلاق باید به نیکی و با خوشرفتاری باشد. خداوند با عباراتی چون «تَشْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ»^۱، «سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»^۲، «فَارْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»^۳ و «سَرَّاحًا جَمِيلًا»^۴ بر این امر تأکید نموده است. در صورتی که متقاضی طلاق پس از جدایی پشیمان شود، این نحوه جدایی در آینده زمینه بازگشت به زندگی مشترک را سهل می‌سازد.

۷. ایجاد زمینه آشتی مجدد: براساس قوانین اسلامی، اگر طلاق به درخواست مرد باشد، زن باید در ایام عده در منزل شوهر زندگی کند و مستحب است در این ایام خود را بیاراید و با پوشش زیبا و آرایش و رفتار جذاب و با به‌کارگیری استعدادهای زنانه خود، مرد را به سوی خویش متمایل سازد و کانون خانواده را در آخرین مرحله، از فروپاشی کامل در امان دارد.^۵ در طول مدت عده تا پایان آن، زن نباید از سکونت در منزل مشترک سر باز زند، مگر آنکه احتمال ضرر جانی یا مالی برای او وجود داشته باشد.^۶

چهار. گریزناپذیری طلاق

اگر تداوم زندگی مشترک موجب آسیب‌های جدی به خود یا فرزندان است، نباید از جدایی و عواقب آن هراسید. این منفور الهی، حلال است و خداوند طلاق را راه خروج از بن‌بست

۱. فَإِنْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَشْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ؛ پس نگاهداشتنی به نیکی یا رهاکردنی به احسان. (بقره (۲): ۲۲۹)

۲. فَأَنسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ پس همسران را به نیکی نگهدارید یا به نیکی رها سازید. (بقره (۲): ۲۳۱)

۳. فَأَنسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ پس همسران را به نیکی نگهدارید یا به نیکی از ایشان جدا شوید. (طلاق (۶۵): ۲)

۴. وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا؛ رها کنید ایشان را رهاکردنی زیبا. (احزاب (۳۳): ۴۹)

۵. عن الصادق عليه السلام: «الْمُطَلَّقه تَكْتَحِلُ وَتَخْتَضِبُ وَتَطَّيَّبُ وَ...؛ زن مطلقه سرمه می‌کشد و خضاب می‌نماید و خود را خوشبو می‌سازد و هرلباسی را که خواست می‌پوشد؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «شاید خداوند پس از آن امری را پدید آورد. شاید زن بدین وسیله بهر خود را در دل مرد اندازد و مرد به او رجوع نماید. (زندگی زناشویی از سر گرفته شود)». (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۱۷)

۶. در ماده ۳۸ قانون حمایت خانواده اعلام شده که در طلاق رجعی (طلاق به درخواست مرد)، ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر اسکان زوجة مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است که در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال می‌شود.

قرار داده و اشاره فرموده که با تکیه بر رحمت وسیع خدا و با اعتماد به حکمت او از این داروی تلخ برای درمان بهره گیرید و بدانید که خداوند شما را یاری خواهد کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِنْ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا.^۱

و اگر [به طلاق] جدا شوند، خدا هر کدام [از آن دو] را از گشایشش بی‌نیاز می‌کند، و خدا گشایشگری فرزانه است.

پنج. ترمیم خانواده آسیب‌دیده از طلاق

در صورت وقوع طلاق، زن و مرد باید مهارت‌های لازم را برای مدیریت شرایط پس از طلاق به دست آورند تا از آسیب‌های احتمالی شرایط جدید در امان باشند. در این بخش به شیوه ترمیم خانواده آسیب‌دیده از طلاق پرداخته می‌شود.

۱. تقویت فضایل اخلاقی

کارشناسان مسائل خانواده پس از بیان رهنمودهای گوناگون برای کاهش مشکلات همسران و فرزندان طلاق، با این واقعیت انکارناپذیر روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل اساسی و قابل اطمینانی برای مشکلات یادشده وجود ندارد، مگر رفتار نیکو و پسندیده زن و شوهر حین و پس از طلاق.

اسلام به‌عنوان دین اخلاق‌مدار، اهتمام فراوانی به شکوفایی و پرورش فضایل اخلاقی دارد. تأکید مکرر قرآن کریم بر طلاق توأم با احسان و نیکی نیز بیانگر اهمیت این موضوع است؛ چراکه طلاق زیبا، جز در پرتو آراسته بودن به فضایل اخلاقی تحقق نمی‌پذیرد. همچنین نکوهش آسیب‌رسانی همسران به یکدیگر به‌عنوان یک قاعده کلی قبل و بعد از طلاق^۲ و تأکید بر مشورت و همفکری پسندیده میان زن و مرد طلاق‌گرفته در امور مربوط به فرزندان،^۳ از جمله سفارش‌های قرآن کریم در این زمینه است.

۱. نساء (۴): ۱۳۰.

۲. بنگرید به: بقره (۲): ۲۳۲-۲۲۸.

۳. وَأْتِمِرُوا بِنِكَاحِكُمْ بِمَعْرُوفٍ... (طلاق (۶۵): ۶)

۲. پذیرش موقعیت جدید

وظیفه مهم زن و مرد پس از طلاق، کنار آمدن با سردرگمی ناشی از این پدیده است. آنان باید با استفاده از شیوه‌های شناختی و عاطفی به سازگاری مطلوبی نایل گردند. آنها برای تنظیم عواطف می‌توانند به فعالیت‌های سرگرم‌کننده روزانه بپردازند. مسافرت تفریحی، ورزش مداوم و گسترش روابط با خویشان و دوستان نیز در تنظیم عواطف فرد مؤثر است. در عین حال، فرد باید از لحاظ شناختی، واقعیت زندگی کنونی خود را پس از طلاق به خوبی درک کند.

۳. تقویت پیوندهای اجتماعی

راهکار دیگر اسلام در این زمینه، تقویت پیوندهای اجتماعی شامل روابط خویشاوندی، دوستی و همسایگی از طریق تأکید بر ارزش‌هایی مانند صلح ارحام، رسیدگی به همسایگان و همدردی اهل ایمان با یکدیگر است. حضور مؤثر خویشاوندان، دوستان و همسایگان در کنار فرد طلاق‌گرفته و حمایت‌های مالی، عاطفی و مراقبتی آنان از وی و فرزندانش، نقش بسیار مهمی در کاهش عوارض منفی طلاق ایفا می‌کند.^۱ کانون مدرسه به‌ویژه معلمان و مشاوران متعهد و دلسوز نیز می‌تواند در حمایت از کودکان در سازگاری با شرایط پس از طلاق و رفع نیازهای عاطفی آنان نقش مهمی داشته باشد.^۲

۴. توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق

بهداشت روانی فرزندان طلاق به عواملی مانند سلامت روانی سرپرستی که حضانت کودک را برعهده می‌گیرد، بستگی دارد. سلامت عاطفی و روانی سرپرست و سازگاری مناسب او با محیط و شرایط پس از طلاق، در حمایت او از کودک در برابر استرس‌ها و تضادهای ناشی از طلاق بسیار مؤثر است. خصوصیات کودک مانند سن، حالات عاطفی و جنسیت نیز در این امر اهمیت دارد.^۳

۱. دیمانتو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۷۰.

۲. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۵.

۳. شهیدی، اصول و مبانی بهداشت روانی، ص ۱۱۸.

۴. همان، ص ۱۱۷.

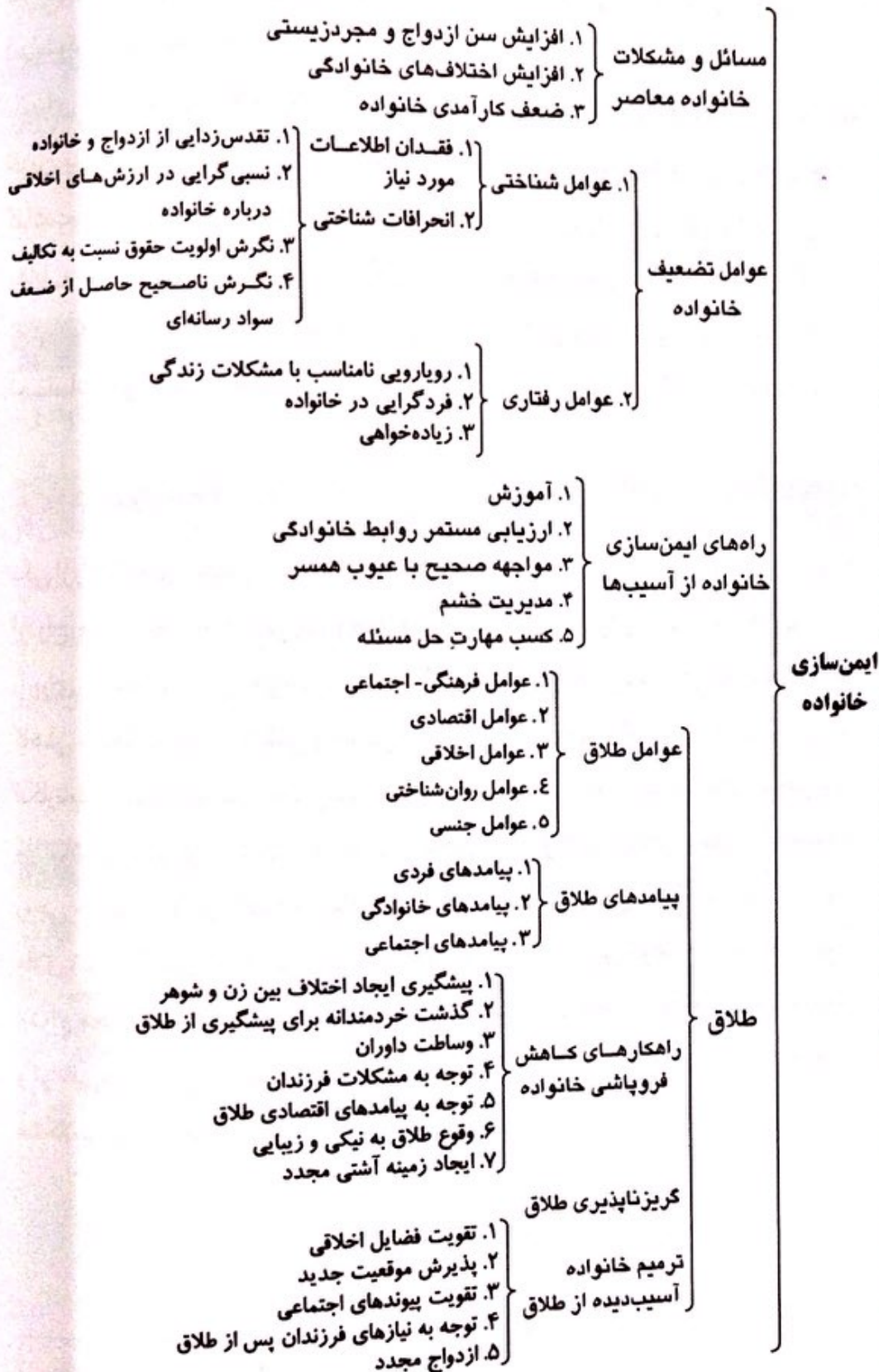
نکته مهم، همکاری پدر و مادر و حمایت از یکدیگر در سرپرستی فرزند است. آنان باید نقش والدینی خود را از نقش همسری تفکیک نمایند. مسئولیت والدین با طلاق ساقط نمی‌شود و آنان باید با مشورت و همفکری به امور فرزند خویش رسیدگی کنند. برای این منظور، والدین باید از نقش یکدیگر در رفع نیازهای کودک حمایت کنند. افزون بر این، تضعیف و بی‌اعتبار کردن یکدیگر، نتایج ناخوشایندی بر فرزندان خواهد گذاشت. بچه‌ها به دلیل رابطه عاطفی شدید با پدر و مادر، بدگویی یکی از آنها را از طرف مقابل، در حقیقت بدگویی هریک از آنان نسبت به خود تلقی می‌کنند؛ زیرا آنها از لحاظ روانی، پدر و مادر را جزئی از شخصیت خویش می‌دانند. پدر و مادر نیز باید بپذیرند که بین احساسات خود نسبت به همسر سابق و احساسات کودک نسبت به او تفاوت بگذارند.

۵. ازدواج مجدد

یکی از راهکارهای اساسی اسلام برای کاهش پیامدهای منفی طلاق، ازدواج مجدد است. ازدواج مجدد به‌ویژه در صورت وجود فرزند (حاصل از ازدواج سابق) مشکلات خاصی را برای همسران در پی خواهد داشت، اما آثار مثبت آن در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه کاهش مشکلات مالی، عاطفی و جنسی همسران طلاق‌گرفته و افزایش سلامت روانی آنان انکارناپذیر است. به بیان روشن‌تر، ازدواج مجدد با توجه به مسئولیت مالی شوهر باعث می‌شود زن طلاق‌گرفته از دغدغه تأمین معاش تا حد زیادی برهد و بسیاری از زخم‌های روحی حاصل از طلاق گذشته التیام یابد. بدون شک برای رفع مشکلات جنسی ناشی از طلاق (توقف ارضای نیاز جنسی و ناامنی جنسی برای زنان بی‌شوهر) نیز گزینه‌ای بهتر از ازدواج مجدد نمی‌توان یافت. کاهش مشکلات همسران موجب خواهد شد که قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در اموری چند افزایش یابد؛ توجه به نیازهای فرزندان، رسیدگی به مشکلات آنها و مراقبت بهتر و نظارت مؤثرتر بر رفتار آنها.^۱

۱. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۲.

نمودار مطالب فصل



◆ پرسش

۱. در منطقه‌ای که زندگی می‌کنید، به نظر شما مهم‌ترین علل اختلاف همسران در خانواده‌های نابسامان چیست؟
۲. یکی از مشکلات رایج در روابط همسران جوان شهر خود را ذکر کرده، برای حل آن راهکاری ارائه دهید.
۳. با توجه به شواهد شخصی خود زوج‌های نسل دهه ۵۰ با زوج‌های نسل دهه ۷۰ از نظر میزان و نوع اختلافات خانوادگی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟
۴. در این فصل به برخی عوامل تضعیف خانواده اشاره شد. آیا عامل دیگری را می‌توانید ذکر کنید؟ در مقابل، برای تقویت خانواده چه توصیه‌هایی دارید؟
۵. گرایش به تجملات و نسبت آن را با تضعیف کارآمدی خانواده تحلیل کنید؟
۶. طلاق چه پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد؟
۷. برای کاهش آسیب‌های طلاق چه پیشنهادهایی دارید؟

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲. مهرداد ظهیری و زهرا افتخاری، خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید، قم، هاجر.
۳. ابراهیم شفیعی سروستانی، زن، نظام سلطه و رسانه‌ها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴. ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم، هاجر.
۵. شکوه نوابی نژاد، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

فصل پنجم
فرزندآوری و
فرزندپروری

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱	اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام را بشناسند.
۲	آثار فردی و خانوادگی فرزندآوری را برشمارند.
۳	با آسیب‌های تک‌فرزندی آشنا شوند.
۴	با علل ناباروری و راه‌های درمان آن به اختصار آشنا شوند.
۵	برخی اصول تربیت فرزند را بدانند.

♦ برگه از یک زندگی

فرزند پرور فسور حسابی می‌گوید: آموزش قرآن و نمازها و دعاها معمولاً بر عهده مادر بود. اگر در ترجمه و تفسیر آیه‌ها برای مادر مشکل پیش می‌آمد، به سراغ پدر می‌رفتیم و از ایشان می‌پرسیدیم. پدر به ما ریاضیات، فیزیک، مکانیک، ستاره‌شناسی و پزشکی یاد می‌داد و ما را در جریان اختراعات جدید می‌گذاشت. در چنین شب‌هایی، ما نکات بسیار آموزنده‌ای از پدر آموختیم. علاوه بر اینها از ایشان شعروادبیات و مهم‌تر از همه درس زندگی و اخلاق را فرا گرفتیم. پدر همیشه برای صدا کردن ما از ضمیر «شما» استفاده می‌کرد. او هر وقت ما را به اتاقشان فرامی‌خواند، می‌دانستیم که می‌خواهند مطلب مهمی را به ما بگویند؛ یا اگر می‌خواستند به ما تذکری بدهند، در آن اتاق انجام می‌شد تا کسی نشنود و خجالت نکشیم!

۱. فرزندآوری

یک. اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام

از نظر اسلام، داشتن فرزند و باقی گذاردن نسل برای هر مسلمانی، امری پسندیده است. قرآن کریم عطای فرزند را نعمت و رحمتی از جانب خداوند به بندگان می‌داند:

۱. حسابی، استاد عشق، ص ۲۸.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّا نَا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ!
 فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؛ هرچه را بخواهد می‌آفریند؛ به هرکس بخواهد، دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد، پسر می‌بخشد.

استفاده از فعل «يَهَبُ» در آیه دلالت بر این دارد که فرزند پسر و دختر، هردو هدیه الهی و آسمانی به والدین هستند. از این رو، بندگان مؤمن طلب فرزند را در دعاهای اساسی خود قرار می‌دهند؛ چنان‌که قرآن در بیان ویژگی‌های «عباد الرحمان؛ بندگان خداوند مهربان» می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.^۱
 و کسانی که می‌گویند: «ای [پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش و ما را پیشوای باتقوایان قرار ده.»

همچنین قرآن کریم دعا و درخواست حضرت زکریا علیه السلام از خداوند برای داشتن فرزند و اجابت آن را چنین گزارش می‌کند:

وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ
 يَحْيَىٰ...^۲

و [یاد کن] زکریا را هنگامی که پروردگارش را ندا درداد: «پروردگارا! مرا تنها وامگذار [و فرزندى به من عطا کن] و تو بهترین وارثانی»، و [دعای] او را اجابت کردیم و به او یحیی را بخشیدیم.

تولد فرزندان در زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز نعمت و پاداش عظیمی شمرده شده که فرشتگان بدان بشارت دادند: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ...»^۳.
 درک نعمت بودن فرزند و توجیه اصرار مؤمنین در طلب آن زمانی میسر می‌گردد که کلام مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاد آوریم:

هرگاه شخص از دنیا برود، عملش قطع می‌شود و دیگر حسناتی برای او ثبت

۱. سورا (۴۲): ۴۹.

۲. فرقان (۲۵): ۷۴.

۳. انبیاء (۲۱): ۸۹-۹۰.

۴. هود (۱۱): ۶۹.

نمی‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه [=کار خیر ماندگار]، اثر علمی که از آن استفاده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند.^۱

چه فرصتی برای انسانِ محصور بین تولد تا مرگ، مغتنم‌تر از این است که بتواند راهی برای استمرار وجود خود بیابد و پرونده اعمال نیکش را باز نگه دارد و پس از مرگ نیز به آن بیفزاید؟ براین اساس در ادبیات دینی، فرزند یکی از مصادیق مهم «باقیات الصالحات» است. از منظر اسلام، تولد فرزند از اهداف مقدس ازدواج بوده و در این باره توصیه‌های فراوانی شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود؛ زیرا من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم.^۲

در اینجا، دو نکته درخور ذکر است:

۱. در این روایات، احتمال پدید آمدن نسلی که لاله الا الله یا تسبیح بگویند (نه قطعیت تحقق آن)، علت مطلوب بودن فرزندآوری دانسته شده است. به بیان دیگر، آنچه برای زن و شوهر امکان‌پذیر است و به آن تکلیف شده‌اند، انگیزه و تلاش برای فرزندآوری و پرورش نسلی با این ویژگی است و همین تلاش در نزد خداوند مطلوب است و پاداش دارد. بنابراین اگر پدر و مادر با انگیزه به دست آوردن نسلی تسبیح‌گو فرزند آورند، اما به دلیل عواملی خارج از اختیار آنان، این ویژگی‌ها در فرزند محقق نگردد، پدر و مادر وظیفه خویش را به جای آورده‌اند و پاداش می‌گیرند. در روایتی آمده است:

شخصی به امام موسی کاظم علیه السلام نامه نوشت که من از پنج سال پیش، از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ زیرا همسرم داشتن بچه را ناخوش می‌دارد و می‌گوید: «به دلیل اینکه امکانات خوبی نداریم، تربیت آنان برای من دشوار است.» پس صلاح کار چیست و شما چه نظری دارید؟ امام علیه السلام برای او نوشتند: بچه‌دار شوید و بدانید خداوند آنها را روزی می‌دهد.^۳

۱. إِنْ أَمَاتَ ابْنُ أُمَّةٍ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عَلِيمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يُسْتَغْفَرُ لَهُ. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۹۲)

۲. تَنَاسَكُوا تَكْتُمُوا. فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمُ الْأُمَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (پابنده (مترجم)، نهج الفصاحة، ح ۱۱۷۹، ص ۳۹۰)

۳. عَنْ نَكْرَبِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي علیه السلام: إِنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ... (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴)

پیامبر اکرم ﷺ ارزشمندی فرزندآوری را برای زنان که رنج بیشتری در بارداری و شیردهی می‌کشند، چنین متذکر شده:

اجری که برای زنان از زمان بارداری تا هنگام از شیر گرفتن کودک در نظر گرفته شده، همانند مجاهد در راه خداست و اگر زن در هریک از این مراحل بمیرد، مقامی همانند مقام شهید دارد.^۱

۲: ولادت فرزند نه تنها برای والدین او مایه خیر و برکت است، بلکه در سطح کلان جامعه نیز ارزشمند است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^۱

سپس دوباره [پیروزی] بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را به وسیله اموال و پسران امداد رسانیم و افراد شما را بیشتر [از دشمن] قرار دهیم.

در این آیه کثرت اولاد، نویدبخش پیروزی بردشمنان معرفی شده است؛ چرا که زیاد شدن جمعیت مسلمانان ابزاری برای تأمین اقتدار سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی به شمار می‌رود. در شریعت اسلام افزون بر تشویق به ازدواج و فرزندآوری، تأمین رزق و روزی همسر و فرزندان نیز تضمین شده؛^۲ چنان‌که در آیات متعددی به صراحت از رازقیت خداوند سخن رفته است. البته اعتقاد به رازقیت خداوند و توکل بر او، با عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی در زندگی منافاتی ندارد؛ چرا که خداوند برای هر پدیده‌ای سببی قرار داده است. یکی از علل و اسباب کسب روزی، تلاش و مجاهدت است که نزد خدا پاداش نیز دارد. در ادامه، فواید فرزندآوری بر اساس یافته‌های دانش تجربی بررسی می‌شود.

۱۲۳ دو. آثار و فواید فرزندآوری

یکی از اهداف مهم ازدواج، صاحب فرزند شدن است تا والدین از این طریق از لذت مادری یا پدری بهره‌مند گردند. امروزه برخی زوج‌ها تولد فرزند را مانع آسایش و راحتی زندگی خود

۱. لِّلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَنِئِهَا إِلَىٰ وَضْعِهَا ثُمَّ إِلَىٰ فِطَامِهَا مِنَ الْآخِرِ... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷)

۲. اسراء (۱۷): ۶.

۳. در توصیه اسلام به فرزندآوری، توجه به این نکته ضروری است که پیامبر اکرم ﷺ این روایات را زمانی فرموده است که مسلمانان در تنگنای اقتصادی بوده‌اند.

می‌دانند و هزینه تولد و تربیت فرزند را سرسام‌آور محاسبه می‌کنند. بیشتر پدران و مادران نیز در فراهم کردن امکانات رفاهی فرزند خویش ناخواسته افراط می‌کنند که این امر هزینه فرزندآوری را سنگین کرده است. روشن است که با سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرش فرزندان بیشتر - که مصرف دیگر اعضای خانواده را با بحران روبه‌رو می‌کنند - جای کمتری می‌ماند. افزون بر این، در چنین فضایی فرزندآوری هرچه بیشتر به تحقیر خانوارهایی می‌انجامد که نمی‌توانند در هماوردی مصرف، خود را نمایش دهند؛^۱ حال آنکه همسران جوان علاوه بر تفکیک هزینه‌های اقتصادی ضروری از غیرضروری فرزندپروری، باید به فواید فراوان تولد فرزند در خانواده نیز توجه نمایند.

فرزندآوری برای همسران آثار مثبت فراوانی دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. آثار و فواید روحی-روانی

۱-۱. احساس دوست داشتن و محبوب بودن

با آغاز زندگی مشترک، بسیاری از نیازهای عاطفی همسران جوان تأمین می‌شود و در صورت بهره‌مند بودن آنان از الگوی خانواده متعادل، به مرور زمان، می‌توانند به بیشتر نیازهای خود پاسخ دهند. تولد فرزند نیز زمینه پاسخ‌گویی بسیاری از نیازها از جمله نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن را فراهم می‌کند؛ زیرا یکی از نیازهای نوزاد، مورد توجه دیگران بودن است. در مقابل، والدین نیز نیاز دارند از کسی حمایت کنند و او را دوست بدارند. از این رو، کارکرد نیازهای یاد شده به‌گونه‌ای است که والدین و فرزند مکمل یکدیگر هستند و حاصل آن رضایت‌خاطری است که نصیب آنها می‌شود. این احساس رضایت موجب انس بیشتر با کسی می‌شود که در تأمین خواسته‌های درونی سهمی دارد. در نتیجه با گسترش خانواده پس از تولد فرزندان، ظرفیت‌های انس و الفت در زندگی افزایش می‌یابد.

۱-۲. نشاط و سلامت روانی والدین

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شور و نشاط در زندگی مشترک، تولد فرزند در خانواده است.

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۲۷.

ویل دورانت می‌گوید:^۱

ملاحظه کنید که زناشویی بدون فرزند پژمرده است و چگونه پس از آوردن فرزند شکفته می‌شود.^۲

کودکان از زمان تولد و گاه از همان زمانی که داخل رحم مادر هستند، موجب شادی و هیجان در خانواده می‌شوند. آنها با افزایش نشاط در روابط همسران، سلامتی و بهداشت روانی آنها را نیز تأمین می‌کنند. همان‌گونه که تولد کودک موجب شادی پدر و مادر است، نگاه به چهره او و کارهای کودکانه‌اش نیز نشاط و سلامت روانی والدین را در پی می‌آورد. مایکل آرگایل^۳ بر آن است که کودکان برای خانواده سرچشمه فایده‌های بسیارند. او می‌نویسد:

با وجود فرزند، لذت بسیاری در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین تحرک و شادی را به‌عنوان یک مزیت از کودکانشان دریافت می‌کنند. کودکان و والدین با هم می‌خندند و متأهلان دارای فرزند از متأهلان بدون فرزند شادترند.^۴

پژوهشی که راسل انجام داد، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می‌کند:

گذراندن وقت با کودک و بازی با او، یکی از بهترین لحظاتی است که می‌تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد.^۵

تحقیقات فیلدمن درباره پدر و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاط حاصل از آن، در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است.^۶

در پیمایش ملی در نروژ نیز که در سال ۲۰۰۹ م. میان ۵ هزار و ۱۸۹ نفر برای بررسی رابطه میان

1. Durant.

۲. دورانت، مشهورترین روان‌شناس انگلیسی قرن بیستم (متولد ۱۹۲۵)، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۸.

3. Argyll.

۴. آرگایل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۳۵.

5. Feldman, the Effects of children on the family, p. 104-125.

6. Feldman, "The Effects of children on the family" In: *Family issues of employed women in Europe & America*, p. 104 - 125.

وضعیت والد بودن و احساس خوشبختی انجام پذیرفت، این نتیجه به دست آمد: زنانی که صاحب فرزند نیستند، نسبت به زنان دارای فرزند رضایت زندگی و عزت نفس کمتری دارند.^۱ پژوهش دیگری در سال ۲۰۱۳ م. که میان ۱۸۶ زوج دارای فرزند در آمریکا انجام شد، نشان داد: والدین در زمانی که به مراقبت از فرزند خود می‌پردازند، نسبت به فعالیت‌های دیگر زندگی نیز احساس بهتری دارند. آنها احساس معنای زندگی بیشتری نیز دارند.^۲ در پیمایش مادران در اروپا که در سال ۲۰۱۰ م. در سطح کشورهای اتحادیه اروپا انجام شد، ۷ هزار و ۸۸۳ مادر شرکت داشتند که از این میان ۹۳ درصد از آنها به عنوان مادر احساس رضایت داشته و تنها ۱ درصد کاملاً ناراضی بودند. در ضمن این پیمایش نشان داد والدین ممکن است در بزرگ کردن فرزندان خود رنج و سختی داشته باشند، اما باز هم احساس رضایت کنند؛ یعنی لزوماً خوشبختی با راحتی همراه نیست^۳ و فرزند در عین سختی لذت نیز دارد. پیمایش خانوارهای بریتانیایی از سال ۱۹۹۱ م. تا ۲۰۰۵ م. که شامل ۸۹ هزار مشاهده بود، نشان داد کسانی که ازدواج کرده و با هم زندگی می‌کنند؛ داشتن فرزند به طور کلی بر رضایت از زندگی آنها تأثیر مثبتی داشته و با افزایش تعداد فرزندان، این تأثیر نیز افزایش یافته است.^۴

از نظر اقتصادی نیز برخی افراد امید دارند که فرزندان در آینده عایدی مالی برای والدین خود داشته باشند و به لحاظ اقتصادی به آنها کمک کنند. در این صورت نیز با آمدن فرزند رضایت این افراد از زندگی بیشتر می‌شود.^۵

۳-۱. امید به آینده

با ورود اولین فرزند به کانون خانواده، دایره امیدها و آرمان‌های والدین افزایش می‌یابد. همچنان‌که فرزند در مقابل چشمان والدین می‌بالد و شکوفا می‌شود، بذره‌های امید نیز در دل پدر و مادر جوانه می‌زند و آرزوهای نوین، منشأ حرکت و تلاش آنها برای تداوم حیات

1. Hansen et al. 2009.

2. Dunn, & Kushlev, *English*, P.8.

3. Bergeyck, *Liede Kerke*, P.46.

4. Angeles, *Children and life satisfaction*, P. 530.

5. Pedersen & Schmidt, 2014, P. 2.

می‌گردد؛ زیرا فرزندانی که صحیح تربیت می‌شوند، غیر از اینکه خود آنان مسیر سعادت را در زندگی طی می‌کنند و باعث افتخار پدر و مادر می‌گردند، در زندگی آینده والدین نیز نقش مؤثری دارند و از آنان حمایت می‌کنند. چنین فرزندانی در سال‌های پیری پدر و مادر، از آنان دستگیری می‌نمایند و آنها را تنها نمی‌گذارند؛ حال آنکه افراد بی‌فرزند معمولاً در دوران کهولت از احساس تنهایی رنج می‌برند.^۱

۴-۱. تداوم زندگی

فرزندآوری حلقه‌ای از زنجیره طولانی تداوم حیات به شمار می‌آید و این خود انگیزه‌ای برای داشتن فرزند است؛ فرزندی که نامی از والدین را بر خود دارد و یادآور میراث خانواده است. فرزندآوری در حقیقت نمودار تمایل والدین به جاودانگی است و فردی که صاحب فرزند است، معمولاً استمرار زندگی فرزند خود را تداوم حیات دنیوی خویش احساس می‌کند.

۵-۱. رشد شخصیت

وجود تجربه فرزندپروری، مجموعه کاملی از ارزش‌ها را به ساختار شخصیت والدین می‌افزاید. هن، میلیسپ و هارتکا^۲ از مطالعات خود درباره شخصیت به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می‌رسد. آنها می‌گویند:

معمولاً این‌گونه تصور می‌شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول نوجوانی روی می‌دهد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییرات بسیار شخصیتی، نه در طول نوجوانی، بلکه در انتهای آن رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که بیشتر مردم در نهایت دچار تغییرات نقش می‌شوند و به اشتغال و ایفای نقش والدینی مشغول می‌شوند.^۳

مطابق نظریه رشد اریکسون، در میان سالی میل به تربیت و پرورش دیگران در انسان به

۱. امام سجاده علیه السلام در حق فرزند این چنین دعا می‌کند: «بار خدایا! بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان و کمر مرا به آنان راست نما [= در سختی و گرفتاری آنان را کمک من گردان] و عدد و شماره مرا به آنان افزون کن و مجلس مرا به ایشان بیارای و یاد مرا به آنها زنده بدار و به وسیله ایشان برای رسیدن به حاجت و خواسته‌ام یاری‌ام فرما». (فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، دعای ۲۵)

2. Haan, N., Millsap, R., & Hartka, E.

3. Costa & McCare, "Personality in Adulthood", *Journal of Personality and Social Psychology*, P. 10.

وجود می‌آید و این موضوع در نیازهای انسانی ریشه دارد که می‌باید تأمین گردد. اریکسون معتقد است: «داشتن فرزند علامتی شاخص برای موفقیت شخصی است که موجب احساس افتخار، عزت و رضایت‌مندی است.»^۱

افزون براین، تربیت هر فرزند سبب رشد صفات اخلاقی می‌شود؛ صفاتی مانند گذشت و فداکاری، دوری از خودخواهی، توجه به نیازهای دیگران، صبر و سعه صدر.

۲. آثار و فواید جسمانی

خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند و احساس خوشبختی بیشتری می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه بریگهام یانگ آمریکا بر روی ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان (در بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ م) نشان می‌دهد که داشتن فرزند موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، درک بهتر زیبایی‌ها، افزایش دقت در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد.

فرزندآوری برای زنان اهمیت بیشتری دارد. داشتن فرزند برای زن، حکم سلامت او را دارد و با تأمین شادابی، او را به زندگی امیدوار می‌کند.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و بیماری‌هایی مانند سرطان را کاهش می‌دهد. همچنین این پژوهش‌ها که بر روی یک و نیم میلیون نفر انجام شده، نشان می‌دهد که داشتن فرزندان پرشمار، از خطر ابتلا به سرطان سینه در زنان می‌کاهد.^۲

براساس منابع تخصصی و فوق تخصصی پزشکی، هر بار بارداری فواید اثبات شده‌ای برای سلامت بدن مادر دارد و در مقابل بسیاری از بیماری‌ها برای او اثر محافظت‌کنندگی ایجاد می‌کند. برای مثال، حتی داشتن یک فرزند به میزان زیادی مادر را در مقابل سرطان تخمدان محافظت می‌کند و این خطر را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهد.^۳

1. Hansen, 2012, PP. 10-11.

۲. نامجو، نگاهی نوبه سلامت و باروری، ص ۲۶.

۳. برک و نوک، ۲۰۱۲.

همچنین براساس تحقیقات انجام شده در مرکز تحقیقات سرطان سینه آمریکا که نتایج آن در سال ۲۰۰۵ م. به چاپ رسید، میزان سرطان سینه در زنانی که هیچ‌گونه بارداری و زایمانی نداشتند، نسبت به افرادی که تجربه زایمان داشته‌اند، به طور معناداری بیشتر بوده است.

برخی از فواید بارداری، زایمان و شیردهی از نظر پزشکی به اختصار عبارت است از:
- حاملگی موجب پیشگیری از سرطان سینه می‌شود. هرچه سن اولین بارداری پایین‌تر باشد، این اثر محافظتی بیشتر است. به طور خاص زنانی که فرزند اول خود را قبل از بیست سالگی به دنیا آورده‌اند، در مقایسه با زنان بدون فرزند ۵۰ درصد کمتر به سرطان سینه مبتلا می‌شوند.^۱

- بارداری سبب جلوگیری از ایجاد فیبروم در رحم می‌گردد. (فیبروم‌ها شایع‌ترین علت هیستریکتومی یا درآوردن رحم هستند). هرچه سن اولین بارداری کمتر باشد، ریسک ابتلا به فیبروم کاهش می‌یابد و هرچه فواصل بین بارداری‌ها بیشتر باشد، ریسک ابتلا به فیبروم بیشتر می‌شود.^۲

۱. بنگرید به:

Breast Cancer Res. 2005 ;7 (3):131-42. Epub 2005 Apr 7. The protective role of pregnancy in breast cancer. Russo J1, Moral R, Balogh GA, Mailo D, Russo IH.

Endocr Relat Cancer. 2007 Dec ;14 (4):907-33. Pregnancy and the risk of breast cancer. Britt K1, Ashworth A, Smalley M.

Trends Mol Med. 2014 Mar ;20(3):143-53. doi: 10.1016/j.molmed.2013.11.002. Epub 2013 Dec 16. How pregnancy at early age protects against breast cancer. Meier-Abt F1, Bentires-Alj M2.- Breast Cancer Research : BCR BioMed Central Fabienne Meier-Abt, Heike Brinkhaus, and Mohamed Bentires-Alj.

Cumulative Risk of Breast Cancer to Age 70 Years According to Risk Factor Status: Data from the Nurses' Health Study Graham A. Colditz Bernard Rosner.

- American Journal of Epidemiology, Volume 152, Issue 10, 15 November 2000, Pages 950-964, Published: 15 November 2000.

- Epidemiol Rev. 1993;15(1):36-47. Reproductive factors and breast cancer. Kelsey LI, Gammon MD, John EM.

- Pregnancy-induced changes in cell-fate in the mammary gland Melanie R Ginger and Jeffrey M Rosen.

۲. برک و نوک، ۲۰۱۲؛ اسپیروف، ۲۰۱۱.

- شیردهی باعث کاهش سرطان سینه، رحم و تخمدان می‌گردد.^۱

- زنانی که دست‌کم به مدت دو سال تجمعی شیردهی داشته‌اند، در آینده کمتر به بیماری‌های قلبی عروقی مبتلا می‌شوند.^۲

افزون بر این، دانشمندان براساس برخی آزمایش‌ها و تحقیقات اعلام کرده‌اند مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، حافظه بصری قوی‌تری دارند و در مقایسه با زنانی که فرزند ندارند، بهتر می‌توانند اطلاعات اطراف خود را به خاطر بسپارند. همچنین این تحقیقات حاکی از آن است که داشتن فرزند موجب بهبود حافظه مادران می‌شود.^۳

۳. آثار و فواید خانوادگی

۱-۳. استحکام خانواده

والدین به لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای می‌یابند که مرکز ثقل آن «فرزند» است. مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد؛ از این رو آنها با کمک یکدیگر، همه توان خویش را برای حمایت از او به کار می‌گیرند.

بنابراین فرزند که در آموزه‌های دینی از او به «جگرگوشه والدین»^۴ یاد شده، در استحکام و تداوم حیات خانواده نقش مثبتی دارد و پدر و مادر حاضر نیستند به راحتی این جگرگوشه خود را با اختلاف یا طلاق آزرده خاطر کنند.^۵

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های بی‌فرزند در ایران بیش از خانواده‌های دیگر

۱. ویلیامز، ۲۰۱۴؛ اسپروف ۲۰۱۱.

2. Arteriosclerosis, Thrombosis, and Vascular Biology Vascular Biology Estrogen Mediates the Protective Effects of Pregnancy and Chorionic Gonadotropin in a Mouse Model of Vascular Injury Lin Zhang, Mark C. Fishman, Paul L. Huang.- Female Sex Hormones and Cardiovascular Disease in Women Debra F. Skafar Rui Xu Juan Morales Jeffrey Ram James R. Sowers The Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism, Volume 82, Issue 12, 1 December 1997, Pages 3913-3918, <https://doi.org/10.1210/jcem.82.12.4443> Published:01 December 1997.

۳. همان.

۴. عن النبي ﷺ: «الْوَالِدُ كَيْفَ الْمُؤْمِنِ...» (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲)

۵. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۶۰.

در معرض گسست قرار دارند.^۱ فرزند - به ویژه فرزند خردسال - به منزله پیوند بین پدر و مادر است. از این رو، وجود فرزند باعث استحکام خانواده می‌شود.

۲-۳. پویایی خانواده

یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است. در مقابل، یکنواختی موجب ملال، سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌گردد. تولد فرزند جدید، فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از دل‌تنگی است. همان‌گونه که مشاهده رویش گل‌ها و گیاهان، حس حرکت و بالندگی را در آدمی بیدار می‌کند، تماشای صحنه‌های دلپذیر رشد کودکان، والدین را به وجد می‌آورد و موجب پویایی و انگیزش آنان می‌شود. اضافه شدن فرزند به جمع خانواده، شتاب خاصی به آهنگ زندگی می‌بخشد. ویل دورانت در توصیف حالات پدر و مادر می‌نویسد:

این زن است که توانایی‌های تازه‌ای به دست آورده، مادری چنان شکیبا و مهربان شده که حتی در هنگام هیجان و شدت عشق نیز سابقه نداشته است ... و این مرد مسئولیتی می‌پذیرد که او را پخته کرده، افق دیدش را وسیع می‌سازد و از یک حس پدری عمیق که ناگهان فرامی‌رسد، لذت می‌برد.^۲

۳-۳. گسترش ارتباطات خانوادگی

خانواده ابتدا متشکل از زن و شوهر است و روابط آنها نیز در محدوده خاصی است. با تولد اولین فرزند، باب جدیدی در روابط انسانی خانواده گشوده می‌شود. این گسترش رابطه، افزون بر تغییر کمی، سبب تغییر کیفی رابطه آنها نیز می‌گردد. بدین ترتیب ارتباطات جدید آکنده از دل‌بستگی‌های خاص می‌شود.

شاید آمدن فرزند به جمع خانواده در ابتدا باعث شود زن و شوهر در رفتن به برخی محافل دچار محدودیت شوند، اما همین تازه‌وارد باعث می‌شود که آنها دوستان خانوادگی جدیدی پیدا کنند. همچنین وجود کودک، توجه دیگران به خانواده او را نیز در پی خواهد

۱. بنگرید به: ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۶۷-۷۱.

۲. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۹-۱۷۸.

داشت و در نتیجه از حمایت اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند شد که همین امر در افزایش سلامت خانواده مؤثر است.

هافمن^۱ تحقیقی بر روی خانواده‌های دارای فرزند انجام داد و چنین نتیجه گرفت که فرزند بر فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری والدین تأثیر می‌گذارد. موارد زیر از نتایج پژوهش اوست:

- کودکان به پدر و مادر اعتبار بخشیده، آنان را از تنهایی نجات می‌دهند.
- کودکان با حضور خود، به بزرگسالان به خصوص زنان هویت اجتماعی می‌بخشند.
- آنها والدین خود را از طریق فعالیت‌هایشان در مدرسه و مراکز تفریحی سالم و محیط همسایگی، با جامعه پیوند می‌دهند.

- کودکان با توجه به اصول اجتماعی شدن، شایستگی و صلاحیت والدین را افزایش می‌دهند و آنان را به مرز خودکفایی می‌رسانند.

- چون والدین بیش از افراد بی‌فرزند دارای تأیید اجتماعی هستند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت، بر اعمال نفوذ والدین نیز می‌افزایند.^۲
بنابراین فرزندآوری یک جنبه کلیدی برای اجتماعی شدن بیشتر مردم در همه فرهنگ‌هاست.

از دیگر پیامدهای ارزشمند فرزندآوری به اختصار می‌توان این موارد را برشمرد:

- تقویت انگیزه مراقبت از خویش برای رسیدگی به فرزندان؛
- انتقال ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی و دارایی مادی زن و شوهر به نسل‌های بعد؛

- بهره‌مندی از لذت مادری و پدری؛
- برخورداری از اجر و ثواب عظیم الهی که به پدران و مادران وعده داده شده است.
بنابراین زوج‌ها باید برای افزایش نسلی سالم و صالح اقدام کنند که لازمه آن بارداری‌های هوشمندانه به تناسب امکانات، همراه با اقدامات لازم برای تسهیل امر فرزندپروری است؛

1. Lynn Hoffman.

2. Lois Wladis Haffmon, *The Value of Children to Parents in the united states - Journal of Population*, P. 91-131.

اقداماتی همچون تعدیل روحیه ایدئال‌گرایی در تأمین رفاه فرزندان، ایجاد فرهنگ قناعت و میانه‌روی در خانواده، ایجاد فرهنگ تقسیم کار عادلانه بین پدر و مادر برای تربیت فرزند، برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از حمایت صمیمانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سایر بستگان در امر فرزندپروری، ایجاد ارتباط با دوستان همفکر دارای فرزند برای تبادل اطلاعات و تجربیات و سهیم نمودن یکدیگر در شادی فرزندپروری (از طریق میهمانی‌ها) و توجه به برکت اقتصادی‌ای که خداوند برای تولد فرزند وعده داده است.

سه. پیامدهای تک‌فرزندی

با کاهش نرخ باروری در کشورمان در دو دهه اخیر، تعداد فرزندان کم شده و خانواده‌ها کوچک شده‌اند و پدیده تک‌فرزندی شیوع گسترده‌ای پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که طبق آمارهای سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۳٪ از خانواده‌های ایرانی بدون فرزند یا فقط دارای یک فرزند هستند. کم بودن تعداد فرزندان در خانواده و به‌طور خاص تک‌فرزندی دارای پیامدهایی است که به تجربه ثابت شده است. پیامدهایی که تحقیقات متعددی را به‌ویژه در علم روان‌شناسی به خود معطوف کرده است. روان‌شناسان و مشاوران خانواده درمورد بسیاری از این پیامدها که دامنگیر خود کودک، پدر و مادر و در نهایت اجتماع می‌گردد، اتفاق نظر دارند و نسبت به آنها هشدار می‌دهند. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱. پیامد برای والدین

در خانواده‌های پرجمعیت، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان، از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش هم‌زمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند؛ حال آنکه در خانواده تک‌فرزند، این پویایی و تحرک بسیار کمتر است.

افزون بر این، در خانواده‌های تک‌فرزند معطوف شدن همه توجهات والدین به یک فرزند موجب می‌شود که مشکلات جزئی وی، اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر ایجاد کند. برای نمونه، پدر یا مادر با مشاهده کوچک‌ترین احتمال آسیب یا بیماری فرزند

سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار ظاهراً غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند. توجه به این جزئیات نیز گاه سبب درگیری‌های کم‌اهمیت در این خانواده‌ها می‌شود.

۲. پیامد برای فرزند

در خانواده‌های تک‌فرزند همه محبت‌ها و حمایت‌ها از یک سو و همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها از سوی دیگر، متوجه همان یک فرزند است. این محبت و حمایت افراطی یا سخت‌گیری زیاد و کنترل بیش از حد پدر و مادر و اطرافیان به سلامت روانی فرزند آسیب می‌رساند: از یک سو، چون همه توجهات به سوی اوست و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، اراده او خدشه‌دار می‌گردد و قدرت و تحمل وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، چون معمولاً همه چیز برای او فراهم است، توقع وی بالا می‌رود و درازمدت انسانی نامهربان و خودخواه می‌شود که چون عادت ندارد کسی را در کنار خود ببیند، همه چیز را فقط برای خود می‌خواهد.

تک‌فرزندانی که در کانون توجه خانواده قرار می‌گیرند، در مواجهه با مشکلات معمولاً دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند؛ درحالی‌که اگر چند فرزند باشند، با تکیه بر یکدیگر و همدلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

یکی دیگر از مشکلات تک‌فرزندی این است که او نمی‌تواند در خانواده با کسی رقابت یا دعوا کند. بنابراین فرصتی برای کنترل و مدیریت برخی احساسات منفی پیدا نخواهد کرد. تک‌فرزندها کمتر با مشکلات مواجه می‌شوند و همچنین در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و ... قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است، تجربه نمی‌کنند.

گرایش به انزوا و ضعف در برقراری ارتباط با همسالان و سایر افراد جامعه از جمله خصوصیات تک‌فرزندهاست. زندگی در کنار برادر یا خواهر، روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت می‌کند و به وی مدیریت در روابط اجتماعی را می‌آموزد. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های دارای چند فرزند است. در این خانواده‌ها

ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک دارد. برای مثال در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند؛ این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش‌های متفاوتی را ایفا نماید؛ او را در افزایش خلاقیت یاری می‌رساند؛ به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری خویش را ابراز کند و به او می‌آموزد که چگونه این حس را هدایت کند. بی‌تردید این ویژگی‌ها او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌سازد.

دیگر پیامد تک‌فرزندی آن است که تنهایی و کم شدن ارتباطات کلامی، سبب جایگزین شدن انواع رسانه‌های تصویری در زندگی او می‌گردد. در نتیجه کودک به تلویزیون و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی روی می‌آورد که این امر تعامل اجتماعی را کاهش می‌دهد و تأثیری منفی بر رشد معرفتی او می‌گذارد. مرجعیت رسانه‌ها برای این کودکان سبب می‌شود که هویت برخی از این فرزندان بیشتر براساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن شکل گیرد تا تربیت خانوادگی. افزون بر این، از آنجاکه الگوی تربیتی در خانواده کم‌جمعیت معمولاً فردگرایانه است، گسست نسلی نیز افزایش می‌یابد و فرزندان آمادگی کمتری دارند که فرهنگ و سنت‌های پرارزشی را که دستاورد هزاران سال زندگی بشری است، از پدران و مادران و نیاکان خویش دریافت کنند. در نتیجه، پیوند میان گذشته و آینده که ضامن پایداری فرهنگ است، سست می‌شود.^۱

تک‌فرزندی آثار منفی دیگری نیز دارد؛ از جمله: مراقبت بیش از حد پدر و مادر که استقلال تک‌فرزند را به خطر می‌اندازد؛ ضعف در تجربه مراحل کودکی به دلیل ارتباط مستمر با بزرگسالان، گستردگی مسئولیت‌های تک‌فرزند نسبت به پدر و مادر در ایام بیماری یا سالمندی آنان (به دلیل تمرکز مسئولیت بر یک فرزند)، محرومیت تک‌فرزند از حمایت خواهران و برادران در ایام جوانی و بزرگسالی، و محرومیت فرزندان او از حمایت عاطفی و روانی خاله و دایی یا عمه و عمو.

آنچه بیان شد، آسیب‌های رایج تک‌فرزندی است؛ هرچند مواردی نیز وجود دارد که تک‌فرزندها به واسطه تربیت صحیح پدر و مادر از بسیاری از آسیب‌های تک‌فرزندی در امان بوده‌اند. از این سو، خانواده‌هایی با فرزندان متعدد نیز وجود دارند که به دلیل تربیت ناصحیح، آسیب‌های بسیاری دیده‌اند.

۱. زیبایی‌نژاد، تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۴۷-۴۵.

امروزه یکی از مشکلات جمعیتی ایران، ناباروری بسیاری از زوج‌های ایرانی است که افزون بر آثار نامطلوب اجتماعی، بر روابط همسران نیز تأثیر منفی می‌گذارد. از این رو به این بحث و راه‌های درمان آن پرداخته می‌شود.

یک. علل ناباروری

ناباروری به معنای ناتوانی زن یا مرد در بچه‌دار شدن است که در ۱۰ تا ۱۵٪ از زوج‌ها دیده می‌شود.^۱ علل آن نیز می‌تواند ناشی از مشکل فیزیولوژیک در زن یا مرد و یا هر دو باشد.^۲ ۴۰٪ از علل ناباروری مربوط به مردان، ۴۰٪ مربوط به زنان، ۱۰٪ مربوط به هر دو و ۱۰٪ نیز نامشخص است.^۳ بسیاری از این علل با انجام آزمایش‌های ساده قابل تشخیص است. امروزه با تکنیک‌های پیشرفته و جدید، راه‌های درمانی بسیاری برای درمان ناباروری وجود دارد. خوشبختانه این دانش در سطح بالایی به شکل بومی در کشورمان توسعه یافته؛ به‌گونه‌ای که بیشتر روش‌های درمانی با درصد زیادی از موفقیت، در مراکز درمانی ایران اجرا می‌شوند. در ادامه عوامل مؤثر بر ناباروری را بررسی می‌کنیم.

دو. عوامل مؤثر بر ناباروری

۱. تغذیه ناسالم

رژیم غذایی صحیح همراه با فعالیت بدنی متعادل و نیز کنترل وزن، در ایجاد تخمک‌گذاری منظم و افزایش قدرت باروری زنان مؤثر است. همچنین مصرف ویتامین‌های E و C، روی

۱. صفدریان، بیرجانی و دیگران، اثرات فیروم رحم بر لانه‌گزینی و سقط در سیکل‌های فن‌آوری کمک باروری (ART)، در بیماران نابارور، ص ۱۶۰.

۲. علل ناباروری عبارت است از:

- علل مردانه: اشکال در کمیت و کیفیت اسپرم؛
 - علل زنانه: عدم تخمک‌گذاری، انسداد لوله‌های رحمی، سابقه عفونت‌های دستگاه تناسلی و نیز اشکال آناتومیک در دستگاه تناسلی؛
 - علل غیرقابل توجه: شناسایی نشدن علت زنانه یا مردانه برای آن.
۳. بنگرید به: علامه و عابدی، ناباروری؛ علل، پیشگیری و درمان، ص ۵.

و اسیدفولیک برای تولید تخمک بسیار اثرگذار است.^۱ مصرف ویتامین A نیز در بهبود عملکرد غدد تولیدمثل مؤثر است. افزون براین، ویتامین‌های گروه B نیز برای تنظیم عملکرد غدد جنسی ضروری هستند.

در مقابل، تغذیه ناکافی و ناسالم می‌تواند تأثیر بسیار نامطلوبی بر سیستم باروری بگذارد و حتی عاملی برای ناباروری مردان و زنان گردد. هر ماده غذایی که به بدن کالری بیهوده تحمیل کند، یک ماده غذایی ناسالم محسوب می‌شود. فست فودها، انواع کنسرو، سوسیس، کالباس، چیپس، پفک، نوشابه‌های گازدار، مواد رنگی خوراکی‌ها و بسیاری از شیرینی‌ها و مواد قندی، از این جمله‌اند.

۲. مواد فریزشده

یکی از راه‌های نگهداری مواد غذایی، فریز کردن آنهاست. مدت ماندگاری مواد غذایی در فریزر - هرچند با فریز کردن اصولی آنها همراه باشد - به ظاهر تأثیری بر عطر، طعم و بوی آنها ندارد، اما بر ارزش غذایی آنها تأثیر می‌گذارد؛ به ویژه اگر بسته‌بندی آنها نامناسب باشد، یا مواد غذایی بیش از زمان استاندارد در فریزر نگهداری شود.

یکی از آثار منفی فریز کردن مواد غذایی، از بین رفتن «سلنیوم» است. سلنیوم در تقویت تولیدمثل، افزایش باروری مرد و رشد جنین مؤثر است. غذاهایی که به صورت فرآوری شده درآیند (کنسرو، دودی یا فریزشده)، سلنیوم آنها از بین می‌رود.

از نظر طب اسلامی نیز علت عمده ناباروری در زن و مرد، غلبه سردی است که موجب ناتوانی رحم و ضعف اسپرم می‌شود. علت سردی زیاد بدن، استفاده از غذاهای مانده، فریزشده، آماده (فست فود) و فرآوری شده (کنسروشده، سوسیس، کالباس و ...) است.^۲

۳. شرایط روحی و روانی

استرس محیطی، کاهش تخمک‌گذاری و همچنین افسردگی و اضطراب را در پی خواهد

۱. بنگرید به: علیزاده، میرمیران و دیگران، نقش تغذیه در باروری زنان و مردان، ص ۱۰.

۲. بنگرید به: ماهروزاده، سهراب‌وند و دیگران، ناباروری مردان از دیدگاه طب سنتی ایران، علل و تدابیر آن و مقایسه با طب نوین، ص ۷.

داشت و بر مغز زنان اثر نامطلوبی می‌گذارد که در نهایت سبب تغییر در میزان هورمون‌های اصلی بدن و در نتیجه موجب ناباروری می‌گردد.^۱

۴. نوع لباس

پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان در مردان سبب بالا رفتن دمای بیضه و باعث آسیب رسیدن به اسپرم‌ها می‌شود. این کار علاوه بر کاهش قدرت باروری، با تحت فشار قرار دادن بیضه‌ها، خون‌رسانی به آنها را نیز مختل می‌کند. همچنین پوشیدن شلوار تنگ در زنان چه بسا افزون بر عفونت‌های مثانه، با کاهش خون‌رسانی به تخمدان، در درازمدت موجب بروز کیست تخمدانی شود و عفونت‌های قارچی دستگاه تناسلی را به دنبال آورد.^۲

۵. فعالیت‌های بدنی

زنانی که تحرک کافی دارند، در دوران بارداری با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند. اضافه وزن نه تنها بر قدرت باروری زوج‌ها، بلکه بر سلامت نوزادی که در آینده متولد می‌شود نیز اثرگذار است.^۳ زنان چاق با ورزش در حد متعادل، چربی اضافی بدن خود را از بین می‌برند و همین موجب می‌شود که در هورمون‌های جنسی آنها تعادل ایجاد گردد. البته ورزش بیش از حد متعادل نیز برای باروری مضر است.

۶. تکنولوژی

توسعه سریع علم و تکنولوژی و پیشرفت در صنعت برق، موجودات زنده از جمله انسان را تحت تابش طیف وسیعی از میدان‌های الکترومغناطیسی (حاصل از وسایل برقی از جمله خطوط انتقال نیروی برق با ولتاژ زیاد، کامپیوتر شخصی، فربرقی، تلویزیون و یخچال) قرار داده است.

۱. بنگرید به: پیوندی، مسعودزاده و دیگران، رابطه اضطراب و افسردگی بیماران نازا با میزان موفقیت سیکل‌های لقاح خارج رحمی TVF، ص ۱۰.

۲. بنگرید به: انجمن ناباروری آمریکا، شش نکته درباره باروری و ناباروری.

۳. مستجابی، جهانی شوراب و دیگران، مقایسه تأثیر دوروش آموزش سنتی و آموزش مبتنی بر مدل فرآیند موازی توسعه یافته بر آگاهی از عوارض چاقی قبل بارداری در زنان، ص ۸۳.

آنتن‌های BTS تلفن همراه نیز به دلیل آنکه تشعشعات الکترومغناطیسی ساطع می‌کنند، برای انسان خطرساز هستند. قرار گرفتن در معرض امواج این آنتن‌ها برای مدت طولانی و حتی در فواصل کوتاه، خطرناک است و عوارض ثابت شده‌ای ایجاد می‌کند؛ از جمله سردرد، سرگیجه، افزایش فشار خون و مشکلات و تحریکات عصبی. این امواج همچنین می‌توانند بر تولید نطفه اثرگذار باشند. به‌واقع افرادی که بیشتر در معرض این امواج باشند، امکان ناباروری در آنها بیشتر خواهد شد.

رایانه‌های کیفی نیز یکی از منابع میدان‌های الکترومغناطیسی به‌شمار می‌رود. بسیاری از افراد، این رایانه‌ها را در هنگام استفاده روی پاهای خود قرار می‌دهند که این شیوه به‌ویژه در نوجوانان و جوانان ممکن است موجب بروز برخی اختلالات شود؛ از جمله در اسپرماتوزنز (سلول جنسی مردانه). افزون بر این، میدان‌های مغناطیسی ناشی از رایانه‌های کیفی می‌تواند از طریق تأثیر بر میزان تحرک اسپرم‌ها، قابلیت‌های تولیدمثلی را دچار اختلال کند.

۷. مواد مخدر و مشروبات الکلی

از سال‌ها قبل، تأثیر مخرب مواد مخدر بر سلامت عمومی بدن به‌روشنی ثابت شده است. امروزه نیز اثبات شده که مصرف این مواد، بر سلامت جنسی مرد و زن و قدرت باروری آنها تأثیر مستقیمی دارد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد مادران باعث کاهش رشد جنین، زایمان زودرس، احتمال سقط جنین و مشکلات تنفسی در او، فشار خون بالا، پایین بودن وزن نوزاد به‌هنگام تولد، تولد نوزاد مرده، جدا شدن زودرس جفت و سندرم مرگ ناگهانی می‌شود.

مشروبات الکلی نیز می‌تواند از جنبه روانی، جسمانی، رفتاری و ارتباطی، بر زندگی جنسی افراد تأثیر بگذارد و سبب ایجاد آثار نامطلوبی در نسل گردد. الکل همچنین بر روابط جوانان در اجتماع اثر بسیار نامطلوبی دارد و موجب تحریکات بی‌موقع و نامنظم جنسی و شیوع بیماری‌های مقاربتی می‌شود.

مصرف الکل در زنان، ضمن ایجاد بی‌نظمی در چرخه تولیدمثل، موجب تقلیل استعداد باروری و کاهش عملکرد تخمدان می‌شود و با ایجاد اختلال در سیکل قاعدگی، سبب ناباروری یا سقط جنین و رشد نامناسب جنین می‌گردد. مصرف الکل در مردان نیز با کاهش

تعداد و حرکت اسپرم و کاهش سطح تستوسترون، ناتوانی جنسی را به دنبال می‌آورد.

۸. مصرف سیگار

ماده اصلی تشکیل دهنده سیگار، قلیان و چپق «نیکوتین» است. این ماده، منقبض کننده‌ای قوی برای عروق بوده و ایجادکننده تصلب شرائین (کاهش دهنده خون‌رسانی به عضو) است. مصرف این ماده سمی در مردان گاهی با ایجاد اختلالات هورمونی و اشکال در اسپرماتوژنز همراه است که موجب تولید اسپرم غیرنرمال و کاهش تعداد و تحرک اسپرم می‌شود.

مصرف سیگار در زنان می‌تواند علاوه بر ایجاد سرطان رحم، به تولید تخمک با مشکلات ژنتیکی، ناباروری و سقط جنین بینجامد. نیکوتین بر جنین نیز تأثیر می‌گذارد و احتمال لب‌شکری شدن و شکاف کام، هیدروسفالی (جمجمه بزرگ) و میکروسفالی (جمجمه کوچک) را چند برابر افزایش می‌دهد.

قلیان نیز بر باروری مردان و زنان تأثیرات سوء دارد. ترکیب دود حاصل از قلیان با بخار آب، اثر مخربی بر فرد و به‌ویژه بر جنین می‌گذارد.

۹. مواد شیمیایی

با صنعتی شدن جوامع و تغییر شیوه زندگی، به مرور بر انواع عوامل خطر ساز محیطی افزوده شده که همین موجب بروز اختلالاتی در فرایند باروری گشته است. استفاده از هورمون‌ها و داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آنها در محصولات لبنی و گوشتی، عادات تغذیه‌ای و رژیم‌های غذایی نامناسب و نیز کمبود آنتی‌اکسیدان‌ها و عناصری نظیر روی، سلنیوم و مس در رژیم غذایی روزانه، از جمله عوامل ناباروری است. فلزات سنگین همچون سرب نیز می‌توانند از سه راه هوا، آب و غذا وارد بدن انسان شوند و با تأثیر بر سلول‌ها یا هورمون‌های جنسی موجب ناباروری گردند. جذب سرب از هفته دوازدهم تا پایان دوران حاملگی از طریق جفت انجام می‌گیرد. سقط خودبه‌خود، پارگی

۱. بنگرید به: نامجو، سلامت و باروری از نگاه پزشکی.

زودرس مامبران‌ها (پرده‌های جنینی)، زایمان زودرس، مرده‌زایی و کندی در رشد ذهنی طفل، از تأثیرات سرب به‌شمار می‌رود.^۱

۱۰. روش‌های پیشگیری از حاملگی

هرچند روش‌های پیشگیری از حاملگی با هدف پیشگیری موقت از بارداری انجام می‌پذیرد، در مواردی ممکن است به ناباروری دائمی بینجامد. برای نمونه، وازکتومی یک عمل جراحی و یک روش دائمی برای جلوگیری از بارداری در مردان است. اگر فردی پس از انجام وازکتومی پشیمان گردد و خواهان باز کردن مجدد مجرا شود، این امر از طریق لاپاراسکوپی و جراحی ظریف پلاستیک، آن هم با احتمال موفقیت خیلی ضعیف ممکن خواهد بود. مؤلفه مهم در این عمل جراحی، زمان است که هرچه فرد سریع‌تر برای جراحی اقدام کند، شانس بیشتری خواهد داشت، ولی اگر چندین سال از انجام جراحی وازکتومی گذشته باشد، احتمال موفقیت عمل و در نتیجه امکان باروری پایین‌تر است و حتی گاه به صفر می‌رسد.

شایان ذکر است شیوه زایمان نیز در امکان بچه‌دار شدن مؤثر است. از این رو، سزارین امکان تعدد بارداری را محدود می‌کند.

۱۱. سن

تمایل به دیر بچه‌دار شدن و استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی به مدت طولانی می‌تواند اصل باروری را به خطر بیندازد. زنان در ۲۰ تا ۲۴ سالگی بالاترین قابلیت باروری را دارند. طی تحقیقات صورت‌گرفته، هرچه بارداری و زایمان زودتر اتفاق بیفتد، احتمال نازایی ثانوی، سرطان‌های تخمدان و سینه، یائسگی زودرس و عوارض مربوط به آن از قبیل پوکی استخوان، بیماری‌های قلبی-عروقی و فشار خون، کمتر است.^۲

۱. بنگرید به: افشار، جلالی و دیگران، بررسی مخاطرات سرب در دوران بارداری و انتقال آن به جنین، ص ۳۵.
۲. بنگرید به: نامجو، سلامت و باروری از نگاه پزشکی.

مراحل بارداری زن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تخمدان‌های زن باید تخمک سالمی آزاد کنند تا بتوانند از لوله‌های فالوپ (لوله‌های

رحم) به سوی رحم جابه‌جا شوند.

۲. اسپرم مرد باید بتواند خود را به لوله‌های رحم برساند.

۳. اسپرم و تخمک باید با هم درآمیزند تا تخمک بارور شده (تخم) به وجود آید.

۴. تخم باید بتواند خود را به دیواره رحم پیوند دهد و از رگ‌های آن غذا دریافت کند تا

جنین رشد نموده و برای پانهادن به دنیای دیگر آماده شود.

هرگونه نارسایی در هر یک از این مراحل می‌تواند باعث ناباروری شود.

امروزه اگر پس از یک سال رابطه زناشویی منظم و صحیح، بارداری اتفاق نیفتد، ابتدا

علت ناباروری شناسایی می‌شود. برای این کار در آغاز شرح حال بیمار بررسی می‌گردد. از

این‌رو، درباره اختلال در عملکرد جنسی زن و شوهر، طول ناباروری و نتایج درمان قبلی،

سابقه جراحی‌هایی که فرد انجام داده و نتایج آن، داروهایی که بیمار مصرف می‌کند

و آلرژی‌هایی که دارد، شغل بیمار، مصرف موادی که می‌تواند بر ناباروری مؤثر باشد و

همچنین درباره سابقه فامیلی ناهنجاری‌های مادرزادی سؤالاتی می‌شود. سپس زن و

شوهر معاینه می‌شوند و از آنها تست‌های غربالگری گرفته می‌شود.

پس از روشن شدن علت ناباروری، درمان آن آغاز می‌گردد. این درمان‌ها عبارت است

از: دارودرمانی، هورمون‌درمانی، عمل جراحی یا ترکیبی از آنها. در مواردی نیز بر تغییر روش

زندگی تأکید می‌شود. برای نمونه، از آنجا که چاقی می‌تواند در ناباروری مؤثر باشد، کاهش

وزن از طریق اصلاح تغذیه، همراه با انجام فعالیت فیزیکی منظم مانند ورزش روزانه با

شدت متوسط (همچون پیاده‌روی سریع) توصیه می‌شود.^۱

۳. فرزندآوری

هدف اصلی در فرزندآوری، تربیت فرزندان شایسته است. پرورش فرزند نیکو نیازمند

دانش و مهارت‌های ویژه‌ای است که در این بخش به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۱. بنگرید به: فریتس و اسپیروف، اندوکرینولوژی بالینی و ناباروری، ج ۲-۱.

یکی از ویژگی‌های مسئولیت والدین، شمول و پیوستگی آن در طول دوره زندگی فرزند است که گستره آن، دوره قبل از تولد فرزند (همسرگزینی، مقدمات انعقاد نطفه، بارداری و زایمان) و نیز دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و مرحله ازدواج فرزند را دربر می‌گیرد. از این رو، تربیت فرزند باید از قبل از تولد (هنگام انتخاب همسر) مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا همسر اثرگذارترین عامل در تربیت آینده فرزند محسوب می‌شود. در ضمن باید توجه داشت افکار و حالات روانی و رفتار والدین حین انعقاد نطفه بر فرزند اثرگذار خواهد بود. بر این اساس اولین مؤلفه مهم، رعایت حریم الهی و ترک محارم الهی از سوی پدر و مادر است که بارزترین مورد آن، پرهیز از غذای حرام پیش از انعقاد نطفه و هنگام شکل‌گیری سلول‌های اولیه است؛ زیرا همان‌گونه که غذای مسموم موجب بروز اختلال‌هایی در بدن فرزند می‌گردد، غذای حرام نیز تأثیر مخربی بر روح و روان او خواهد گذاشت.^۱

پس از آن، زندگی و رشد جنین در رحم مادر حساسیت ویژه‌ای دارد. جنین در این دوران تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد؛ از جمله:

- عوامل مادی و طبیعی مانند تغذیه مادر، داروها، بیماری‌ها، اعتیاد و تشعشعات؛
- عوامل روانی همچون غم‌ها، شادی‌ها، ترس‌ها، اضطراب‌ها و اندیشه‌های مادر؛
- عوامل اجتماعی نظیر رفتارهای دیگران (به ویژه پدر) با مادر و ارتباطات اجتماعی او؛
- عوامل معنوی مانند ارتباط با خدا، غذای حلال، نیت خالص و خصوصیات اخلاقی مادر.

تأثیر این عوامل بر فرزند در رحم مادر تا حدی است که در سرنوشت او در بزرگسالی نیز اثر خواهد داشت. در بین عواملی که ذکر شد، تغذیه مناسب و آرامش روحی مادر طی دوران بارداری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تکامل اعضای بدن جنین، رشد اعصاب و ساختمان مغز و میزان ضریب هوشی و استعداد کودک و حتی اخلاق او، به وضع تغذیه مادر در دوران بارداری بستگی دارد.

بی‌شک نزدیک‌ترین عنصر محیط به جنین، مادر است. بنابراین هیجانات شدید مادر، افکار منفی، غم و اندوه، تأسف خوردن از بارداری، واکنش منفی شوهر نسبت به

۱. بنگرید به: میخبر، ریحانه بهشتی، ص ۵۵-۳۴.

بارداری او، نگرانی از واکنش اطرافیان به جنسیت نوزاد، ترس، خشم، بدبینی و ... در جنین تأثیر منفی می‌گذارد. از این سو نیز تماشای مناظر زیبا، قرار گرفتن در طبیعت، افکار مثبت، آرامش و اطمینان یافتن بر اثر حمایت‌های همسر و اطرافیان، پذیرش موقعیت خود و احساس غرور و افتخار برای داشتن چنین نعمتی، علاوه بر تأثیر مثبت بر جنین، قدرت تحمل مادر را در مقابل سختی‌های دوران حمل زیاد می‌کند.

پدران نیز مسئولیت خطیری در دوران بارداری مادران برعهده دارند. فراهم نمودن آرامش خاطر و سلامت روانی و عاطفی مادر، تلاش برای تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی او و سیراب ساختن وی از منبع محبت، از وظایف پدران آگاه و متعهد است.^۱

❁ دو. تأمین نیاز جسمانی فرزند

از جمله حقوق کودکان بر پدر و مادر، حق بهره‌مندی از سلامت و رشد جسمی است. در این باره پدر و مادر باید تغذیه سالم و کافی را برای کودک فراهم کنند. از آنجاکه طعام حرام بر رشد و تکامل شخصیتی کودک تأثیر منفی می‌گذارد، پدر و مادر در تهیه غذای کودک باید بکوشند تا از درآمد مشروع، خوراک فرزند تأمین شود. علاوه بر آن، رعایت بهداشت و نظافت کودک و محافظت از عوامل بیماری‌زا و حوادث آسیب‌زا و اقدام برای درمان بیماری‌ها نیز از وظایف پدر و مادر است. پس از آنکه کودک قدرت درک مناسب یافت، آموزش بهداشت نیز لازم می‌باشد. در ضمن زمینه‌سازی برای انجام ورزش و بازی‌های مطلوب نیز از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر است. ورزش‌های سالم، گذشته از آنکه توان بدنی کودک را افزون می‌سازد، نوعی تمرین و ممارست برای تحمل سختی‌ها و تن‌دادن به نظم و انضباط و برنامه نیز هست.^۲

❁ سه. اصول تربیت فرزند

تربیت فرزندان وظیفه‌ای دشوار است که به فراگیری دانش و مهارت، بردباری، تمرین و صرف وقت نیاز دارد. در موضوع تربیت فرزند به مباحثی چون اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت باید توجه داشت که در این بخش، به دلیل رعایت اختصار فقط چند

۱. افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، ص ۲۱۲.

۲. بنگرید به: حاجی‌ده‌آبادی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، ص ۱۰۲-۹۴.

اصل مهم در امر تربیت فرزند و مهارت‌های رفتاری برای تحقق این اصول بیان می‌شود.

۱. محبت

محبت والدین به کودک در جهت رشد عاطفی او بسیار ضروری است. آدلر،^۱ روان‌شناس معروف می‌گوید:

کودک از نخستین لحظه تولد می‌خواهد خود را به مادر بچسباند و هدف از جنب و جوش‌هایش همین است. مادر است که اولین تماس میان کودک و دیگران را برقرار می‌کند و در او میل به ارتباط با اشخاص دیگر را به وجود می‌آورد.^۲

اگر کودک از محبت پدر و مادر به طور متعادل بهره‌بردارد، آرامش روانی، امنیت خاطر و اعتماد به نفس خواهد داشت و گرفتار ناکامی و عقده‌های روانی نمی‌گردد. کارن هورنای،^۳ روان‌کاو آلمانی می‌گوید:

اگر کودک در نخستین سال‌های زندگی خود از محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی بیماری‌های روانی در وی تکوین می‌یابد که بعدها در بزرگسالی، منشأ بسیاری از درگیری‌های عاطفی و اضطراب عمیق در او خواهد شد.

امروزه یکی از امور مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، استقبال روزافزون مادران از سپردن کودکان خردسال به مهدکودک‌ها است. این مسئله در کشورهایی که سابقه‌ای طولانی در این خصوص دارند، مورد انتقادهای جدی قرار گرفته است. کارل زینس مستر^۴ می‌گوید:

یکی از دلایل استرس دوران کودکی، دور بودن کودکان از والدین در زمان خردسالی است. استفاده فزاینده از مهدکودک‌ها برای بچه‌های خیلی کوچک، نشانه‌ای از این جدایی است.^۵

۱. آدلر، روان‌درمانگر اتریشی.

2. Adler.

۳. به نقل از رحیمی یگانه، خانواده شاد و با نشاط، ص ۱۹۲.

4. Karen Hornayl.

5. Karl zinsmeister.

۶. گیلدر و همکاران، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟، ص ۲۵.

جان بالبی،^۱ روان‌پزشک انگلیسی و پایه‌گذار نظریه «دل بستگی»^۲ نیز در کتاب *دل بستگی و فقدان آن*^۳ می‌نویسد:

گرسنگی کودک برای حضور مادرش به اندازه گرسنگی‌اش برای غذا زیاد است، و عدم حضور او بی‌تردید در کودک احساس شدید زیان دیدگی و عصبانیت ایجاد می‌کند؛^۴ حال آنکه اعتماد به نفس مادران، به شغلشان وابسته شده، نه به نقش مادری آنان، و مادران بسیاری که ماندن در خانه را برمی‌گزینند، گاهی اوقات هزینه سنگینی را برای اثبات شخصیت خود می‌پردازند.^۵

♦ برای مطالعه بیشتر

- والدین برای محبت به فرزندان باید این نکات را در نظر بگیرند:^۶
۱. برای ابراز محبت به کودکان خردسال، آنان را در آغوش بگیرید و ببوسید.
 ۲. در حضور آنان تأکید کنید که بسیار عزیز و دوست‌داشتنی هستند.
 ۳. به آنها سلام کرده، هنگام خواب آنها را ببوسید و به آنها شب‌بخیر بگویید.
 ۴. با آنان هم‌بازی شوید و بخشی از اوقات فراغت خود را به تفریح و گردش با آنان اختصاص دهید.
 ۵. هنگامی که عمل ناپسندی از آنها سر می‌زند، عمل آنان را نکوهش کنید، نه شخصیت آنها را.
 ۶. در صورت مخالفت با درخواست اشتباه آنها، گفتن «نه» را با پیامی محبت‌آمیز همراه کنید. برای مثال بگویید: چون تو را دوست دارم، به تو اجازه نمی‌دهم.
 ۷. با اقوام و دوستانی که به فرزندان محبت دارند، بیشتر معاشرت کنید.
 ۸. به مناسبت روز تولد، رسیدن به سن تکلیف، قبولی دانشگاه و ... جشن کوچکی برای آنها گرفته، به ایشان هدیه بدهید.
 ۹. عکس فرزندان را در منزل و در کیف پول خود قرار دهید.
 ۱۰. از محبت افراطی به فرزند اجتناب کنید. توقع بیجا، زودرنجی، سلطه‌طلبی، کم‌رویی و عدم رشد صحیح تربیتی و اخلاقی، حاصل افراط در محبت است.

1. John Bowlby.
2. Theory of attachment.
3. Attachment and Loss.

۲. گیلدر، هانترو همکاران، چه کسی گم‌واره را نکان خواهد داد؟، ص ۹۸.

۵. همان، ص ۱۱۱.

۶. بنگرید به: زارعیان، اشاره.

بنیادی‌ترین نیاز عاطفی و روانی انسان، نیاز به امنیت است. سلامت جسمی زمانی برای انسان ارزشمند است که دلهره و اضطراب نداشته باشد و احساس امنیت کند. این احساس در سال‌های نخستین زندگی به کمک افراد خانواده به ویژه مادر ایجاد می‌شود. رابطه اولیه کودک با مادر، تجربه احساسی و ارتباطی بسیار مهمی برای فرزند پدید می‌آورد که احساس امنیت را در وی پی‌ریزی می‌کند. کودک یا نوجوانی که احساس امنیت و آرامش داشته باشد، به راحتی می‌تواند اعتقادات و اندیشه‌های خود را ابراز کند و اگر هم اشتباه یا خطایی داشته باشد، می‌تواند آن را به یاری پدر و مادر اصلاح نماید. این احساس به کودک اجازه ابتکار، خلاقیت و نوآوری می‌دهد. اساساً ترس و احساس ناامنی همواره مانعی بر سر راه پیشرفت آدمی است و فرزند را وابسته و بدون اراده بار می‌آورد. همچنین ترس و ناامنی موجب فروخوردن و واپس زدن اندیشه و ابتکار می‌شود و چه بسا به عقده‌های روانی بدل گردد. بنابراین پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای مناسب و آرام برای کودک میسر نیست. نابسامانی خانواده و نزاع‌های والدین، رابطه سرد میان اعضای خانواده به ویژه والدین و نبود امنیت و آرامش لازم در محیط خانه، تربیت صحیح فرزند را به مخاطره می‌افکند.^۱

♦ برای مطالعه بیشتر^۲

۱. برای اداره زندگی برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه داشته باشید تا با مشکلات و مسائل پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو نشوید. بی‌شک این مشکلات، امنیت خانواده را به خطر می‌افکند.
۲. مراقب باشید ذهن کودک آشفته نشود. مسائلی را که باعث ناراحتی و اضطراب او می‌شود، ابراز نکنید. اگر احساس کردید موضوعی فکر و ذهن فرزندتان را مشغول کرده، سعی کنید علت را شناسایی نمایید و برای رفع آن راه حل مناسبی بیابید. بکوشید محیطی آرام برای فرزند فراهم کنید که از هرگونه آشفتگی، اضطراب و مشاجره به دور باشد.
۳. با فرزندان عادلانه رفتار کنید. تبعیض بین فرزندان موجب سلب امنیت روحی آنان می‌شود.

۱. شرفی، اخلاق خانواده، ص ۲۴۷.

۲. همان، ص ۲۴۸.

نحوه ارتباط والدین با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آنها را در سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. والدین سهل‌گیر؛

۲. والدین سخت‌گیر؛

۳. والدین مقتدر.

«والدین سهل‌گیر»، درخواست و انتظارات کمی از فرزندان دارند؛ به آنان اجازه می‌دهند بی‌هیچ قید و بندی احساسات خود را ابراز کنند؛ فعالیت‌های کودکان را زیر نظر ندارند و به ندرت کنترل مناسبی بر رفتار آنان دارند.

«والدین سخت‌گیر»، الگوهای سخت‌گیرانه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که بسیاری از قواعد را بر فرزندان تحمیل نموده، از آنان انتظار اطاعت دقیق دارند. آنان به ندرت برای فرزندان چرایی لزوم پیروی از قواعد را توضیح می‌دهند و اغلب از شیوه‌های اعمال فشار استفاده می‌کنند. «والدین مقتدر»، شیوه‌ای منعطف دارند که در آن به فرزندان آزادی عمل داده، در عین حال محدودیت‌هایی بر آنان اعمال می‌کنند و در ضمن دلایل آن را نیز برای فرزندان برمی‌شمرند. آنان پاسخ‌گوی نیازها و دیدگاه‌های فرزندان هستند و فرزندان را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دخالت می‌دهند. آنها در صورت لزوم از اعمال قدرت استفاده می‌کنند و برای این کار نیز استدلال ارائه می‌دهند.^۱

این سه شیوه، تأثیرات مهمی بر بهداشت روانی کودکان دارد: «فرزندان خانواده‌های سخت‌گیر»، قدرت طلب، تحریک‌پذیر، ترسو و نگران، زودرنج، آسیب‌پذیر در برابر فشار روانی، دمدمی مزاج و غمگین، بی‌هدف، عبوس و بدخلق و غیردوستانه پرورش می‌یابند. «فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر» غالباً پرخاشگر، نافرمان، دارای اعتماد به نفس و خویشتن‌داری پایین، سلطه‌جو و بی‌هدف هستند و موفقیت و پیشرفت کمتری دارند. «فرزندان خانواده‌های مقتدر» از افرادی پرتوان و خون‌گرم، متکی به نفس و خویشتن‌دار، دارای انرژی زیاد، دارای توان مواجهه مناسب با فشار روانی، دارای روابط دوستانه با سایرین، کنج‌کاو، هدفمند و دارای انگیزه پیشرفت هستند.^۲

۱. سالاری فرو همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۳۱۷.

سعدی به زیبایی در مورد تربیت فرزند گوید:

خردمند و پرهیزکارش بر آر گرش دوست داری بنارش مدار
به پایان رسد کیسه سیم و زر نگردد تهی کیسه پیشه‌ورا

۲. هماهنگی والدین در تربیت فرزند

هماهنگی والدین در شیوه‌های تربیتی، تأثیر بسزایی در تربیت صحیح فرزندان دارد؛ حال آنکه اختلاف والدین در این زمینه، کودک را دچار تعارض می‌کند؛ چراکه او مجبور است فقط یک توصیه رفتاری را بپذیرد و چون هم پدر و هم مادر را دوست دارد، توان انتخاب یکی را نخواهد داشت و دچار التهاب درونی و تعارض خواهد شد.

در صورت اختلاف پدر و مادر در تربیت فرزند، باید آن دو با گفتگو و تبادل اندیشه، به شیوه‌ای واحد برسند و توجه داشته باشند که این گفتگو در حضور کودک انجام نگیرد. در مواردی که والدین نمی‌توانند به نظر واحد برسند، نظر مشاور آگاه، متدین و دلسوز می‌تواند راهگشا باشد.

اگر والدین در تربیت فرزندان با هم هماهنگی داشته باشند، اطرافیان نیز به خود اجازه دخالت بی‌موقع و نامناسب را نخواهند داد و فرزندان با یک شیوه تربیتی مناسب و به صورتی متعادل رشد می‌یابند.

در تربیت فرزندان باید به هماهنگی سایر عوامل تربیتی با پدر و مادر نیز توجه کرد. بنابراین هماهنگی بین مدرسه و خانه و بین استفاده از رسانه‌ها و اصول تربیتی پدر و مادر، امری ضروری است.

♦ برای مطالعه بیشتر

۱. برای ایجاد هماهنگی در تربیت فرزندان این امور را در نظر بگیرید:
۲. ترتیب دادن گفتگوهای خانوادگی برای نزدیکی فکری بیشتر؛
۳. مطالعه و بررسی تأثیر تعارض تربیتی بر شخصیت فرزند؛
۴. ارتباط منسجم و مؤثر خانواده با مدرسه به منظور همگرایی اهداف تربیتی؛
۵. نقد برنامه‌های رسانه‌ای در خانواده، و مدیریت و هدایت فرزندان در انتخاب برنامه‌ها؛
۵. اهتمام به تکریم منزلت همسر با وجود اختلاف نظر، سلیقه و دیدگاه.

از عوامل اثرگذار بر تربیت فرزند، محیط اجتماعی به ویژه همسالان است. رابطه با همسالان پاسخ به نیاز اساسی و مهم پیوندجویی در کودکان است.^۱ آنان در این روابط ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزند. در این روند فرصت مناسبی برای مقایسه اجتماعی پدید می‌آید که کودکان با درک دیگران، شناختی واقعی از خود و توانایی‌های خویش به دست می‌آورند و به آزمون عقاید و احساسات خویش می‌پردازند.

همین امور کمک مناسبی به ایجاد خودپنداره و عزت نفس آنهاست. برای مثال، هنگامی که عملکرد خود را بهتر از دیگران دیدند، احساس غرور می‌کنند و عزت نفس آنها افزایش می‌یابد. آموختن چگونگی کمک به دیگران، رقابت با آنها، درک نیازهای آنها، اعتماد به دیگران، تأیید آنها و در عبارت کلی «سازگاری اجتماعی»، ابعاد مهمی از رشد اجتماعی است که کودک از همسالان می‌آموزد. برخی همسالان گاه امنیت عاطفی‌ای برای کودک فراهم می‌کنند که بزرگسالان قادر به آن نیستند. تعامل با همسالان از طریق بازی و سایر فعالیت‌های تفریحی می‌تواند به رشد شناختی کودک نیز کمک کند.

در مجموع، همسالان با گشودن چشم اندازه‌های جدید و فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر، به استقلال و آزادی کودک کمک کرده، او را از داوری‌های خودمحور و یک‌جانبه‌باز می‌دارند.^۲ کودکان در بسیاری از رفتارهای خوب مانند ادب و شجاعت تحت تأثیر دوستان خود هستند. دوستی با همسالان درست‌کار سبب تأثیرپذیری مثبت خواهد شد. علاوه بر آن، هنگام هیجانات نامطلوب، ارتباط با آنها سبب تخلیه احساسات شده، آرامش روحی را برای آنان به ارمغان می‌آورد. با این حال، گروه همسال ممکن است با فشار بر افراد، استقلال فردی آنها را تضعیف کند؛ زیرا کمتر کودکی قادر به مقاومت در برابر فشار همسالان خود است. رفتارهای نابهنجار و ضداجتماعی مانند پرخاشگری و انحراف جنسی ممکن است از همسالان آموخته شود. گرایش به دوستان نامطلوب ممکن است به این دلایل باشد: غفلت والدین، ارتباط‌های فامیلی نادرست، حضور در محیط‌های نامناسب و عدم آگاهی کودک از ضرر همسالان ناسالم و ناآشنایی با ملاک‌های دوست خوب. پدر و مادر باید دوستان کودک خود را کنترل

۱. مصباح، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۹۵.

2. Papalia, & Olds, Human Development, p. 282.

کنند؛ رفتارهای مجاز و غیرمجاز را برای او معین نمایند؛ با نظارت بر کودک، با موارد تخلف برخورد کنند و تعامل مفید او با همسالان را تشویق نمایند.

◆ برای مطالعه بیشتر

برای ارتباط مطلوب کودک با همسالان این امور را رعایت کنید:

۱. او را به شرکت در برنامه‌های گروهی مطلوب (در فامیل یا در مدرسه) تشویق کنید.
۲. دوستانش را به مناسبت‌هایی به منزل دعوت کنید.
۳. ارتباط خود را با بستگان و همسایگانی که فرزندان خوبی دارند، بیشتر کنید تا فرزند شما فرصت بیشتری برای انتخاب دوستان خوب به دست آورد.
۴. فرزندان را تشویق کنید تا خوراکی‌ها و امکانات تفریح و سرگرمی خود را در اختیار دوستانش قرار دهد. این امر سبب خواهد شد که آنها نیز ارتباط صمیمی با وی برقرار کنند.
۵. با بیانی شیرین و مهربان، ارزش دوست خوب و چگونگی ارتباط خوب با دوست را به او بیاموزید.

۶. از کودکی به فرزندان در گفتگوهای صمیمی یا در قالب قصه، ملاک‌های دوست خوب را بیاموزید. مهم‌ترین ملاک‌های دوست‌یابی عبارت است از: اعتقادات صحیح، علائق مشترک و درست، همگونی خانوادگی، سلامت نفس، ادب و شخصیت اجتماعی مطلوب.

۷. اگر فرزندان دوست ناسالمی دارد، به او کمک کنید تا متوجه شود که او ملاک‌های واقعی دوست مطلوب را ندارد. به او توضیح دهید که اگر شخصیت دوست او مثبت نباشد، دیگران او را نیز فردی نامطلوب می‌پندارند.

۸. برای قطع ارتباط فرزندان با دوستان نامناسب، به خصوص در دوران نوجوانی:

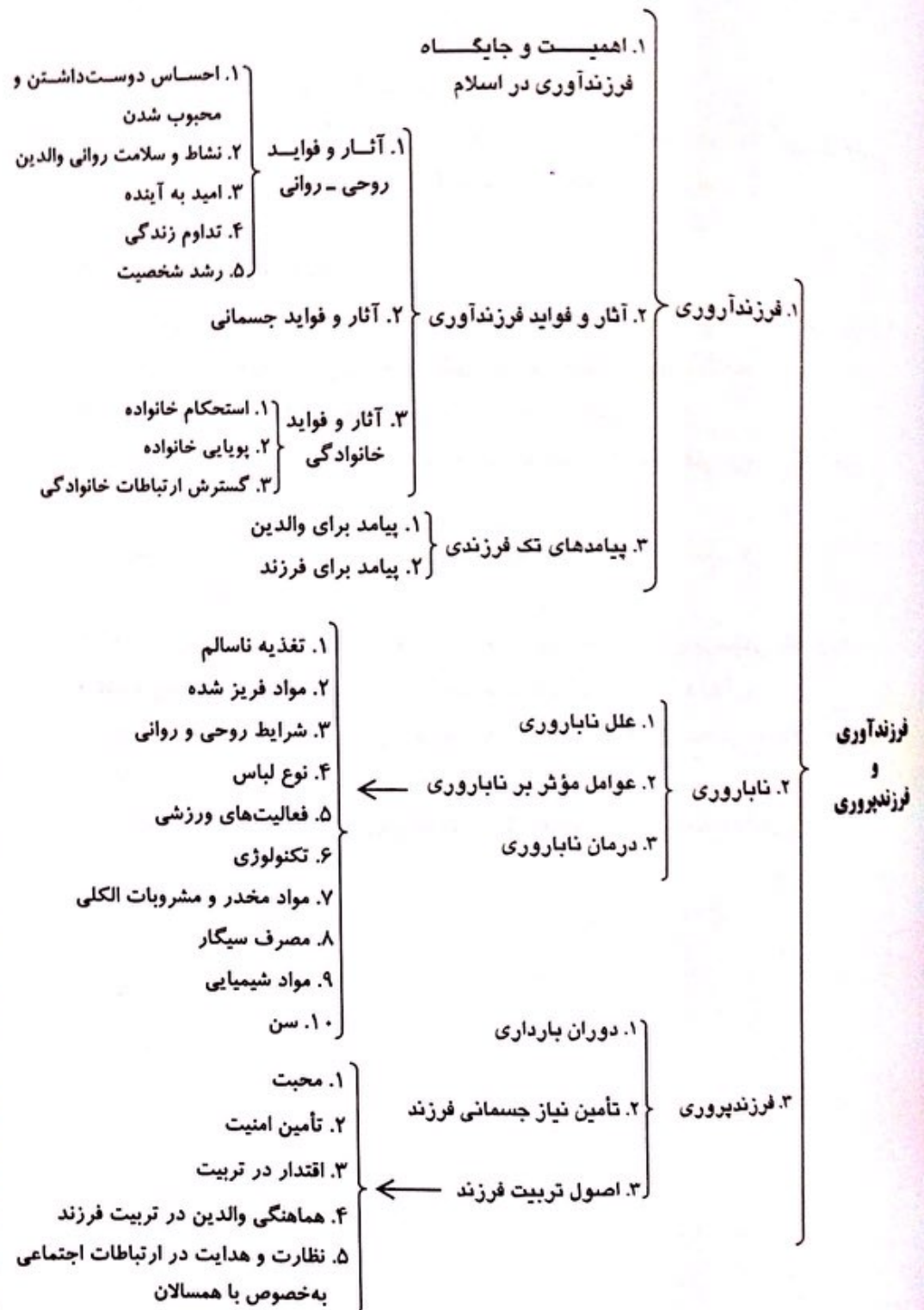
- از اهرم فشار استفاده نکنید؛ زیرا سبب مقاومت او خواهید شد.
- برای قطع رابطه زیاد اصرار نکنید؛ چرا که بر تداوم رابطه حریص‌تر می‌شود.
- به دوستان او توهین نکنید.
- بردبار باشید و پس از روشن‌گری فرزندان به او فرصت دهید تا به مرور ارتباط خود را با آنان قطع کند.
- با تغییر منزل، باشگاه ورزشی یا ... زمینه دیدار او با آنان را کمتر کنید.
- با ایجاد زمینه ارتباط بیشتر با همسالان مطلوب، زمینه جایگزینی دوستان شایسته را برایش فراهم نمایید.

۹. رابطه عاطفی خود را با فرزندان بیشتر کنید؛ عزت نفس او را افزایش دهید و با ایجاد پشتوانه فرهنگی و تقویت روحیه دینی، از ابتدا به او کمک کنید تا در محیط‌های خارج از منزل تحت تأثیر بدآموزی‌های دیگران قرار نگیرد.^۲

۱. تامسون، مشاوره با کودکان، ص ۵۷۰.

۲. بنگرید به: دهنوی، نسیم مهر، ج ۱، ص ۱۹-۲۲ و ج ۲، ص ۱۰۲-۸۹ و ۱۴۷-۱۴۵.

نمودار مطالب فصل



◆ پرسش

۱. به نظر شما وجود فرزندان چه برکاتی برای همسران جوان دارد؟ (در ابعاد جسمانی، روان شناختی و خانوادگی)
۲. آسیب‌های تک‌فرزندی بر کودک و والدین را ذکر کنید.
۳. در تربیت فرزند، رعایت چه اصولی ضروری است؟
۴. یکی از خصوصیات اخلاقی خوب خود را که پدر و مادر شما در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، نام ببرید. در این خصوص نقش والدین شما چه بوده است؟

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. غلامعلی افروز، مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، دانشگاه تهران.
۲. احمد به‌پژوه، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
۳. راس پارک، مهربدیری از دیدگاه روان‌شناسی، تهران، قطره.
۴. محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. سید علی حسینی‌زاده، تربیت فرزند، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. حسین دهنوی، نسیم مهر، ۳ ج، قم، خادم‌الرضا.
۷. محمدرضا شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟ چشم‌اندازی بر مراحل رشد و تحول و فرآیند تربیت از ولادت تا نوجوانی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۸. محمدرضا شرفی، تا فصل گل شدن؛ نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان، مشهد، آستان قدس رضوی.
۹. فرشته موتابی، مهارت برقراری ارتباط مؤثر؛ ویژه والدین، تهران، طلوع دانش.

فصل ششم

جمعیت



از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ دیدگاه طرف‌داران افزایش و کاهش جمعیت را ارزیابی کنند.

۲ پیامدهای وضعیت کنونی نرخ رشد باروری در ایران را بشناسند.

۳ سیاست‌های کلی جمعیت در ایران را بدانند.

انسان‌ها گران‌بهاترین سرمایه کشورها محسوب شده و پایه‌گذار تمدن‌ها و محرك چرخه تولید به شمار می‌آیند. بنابراین موضوع جمعیت از مهم‌ترین مسائلی است که می‌باید در سیاست‌گذاری‌های اساسی کشورها مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل مطالعه مباحث جمعیتی برای اندیشمندان حوزه‌های مختلف، سودمند و اثرگذار است.

۱. تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی

به مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به طور مستمر و در قالب خانوار^۱ و خانواده^۲ زندگی می‌کنند و شرایط ملی، قومی و سیاسی واحدی دارند، «جمعیت» گفته می‌شود.^۳ «جمعیت‌شناسی»^۴ علمی است که به مطالعه چگونگی تحول و حرکات جمعیت‌ها در زمان و مکان می‌پردازد و پدیده‌های جمعیتی مانند باروری،

۱. در تعریف جمعیت‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی خانوار یک واحد آماری است با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی معینی، مرکب از افرادی که در یک کانون زندگی می‌کنند و زیر یک سقف می‌خوابند و هم‌خرج هستند و دور یک میز یا سفره غذا می‌خورند. (تقوی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۵۳)

۲. در جمعیت‌شناسی، خانواده، نوع خاصی از خانوار است که حداقل از یک زن و مرد تشکیل شده و اساس شکل‌گیری آن ازدواج است.

3. Population.

4. Demography.

ولادت، مرگ و میر و مهاجرت را به صورت منظم بررسی می‌کند و همچنین امکان آگاهی از وضعیت و تحلیل کمی و کیفی جمعیت‌ها را فراهم می‌سازد.^۱ این دانش در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربردی وسیع دارد و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود؛ زیرا شناخت ویژگی‌های جمعیت همچون تعداد، تراکم، توزیع جغرافیایی، ساختار سنی و جنسی، نحوه مهاجرت و جابه‌جایی فیزیکی یا طبیعی آن، از مؤلفه‌های مهم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. از این رو، جمعیت‌شناسی دانشی میان‌رشته‌ای است که در قلمرو موضوع خود با علوم دیگر نیز ارتباط دارد.

۲. روند تحولات جمعیتی در جهان

در سیر تاریخی تحولات جمعیتی جهان، شاهد دو گذار جمعیتی هستیم^۲ که مراحل مختلف آن در نمودار (۱) آمده است. اطلاعات تاریخی نشان می‌دهد که تا اواسط قرن شانزدهم میلادی نرخ زاد و ولد و مرگ و میر، هر دو در سطح بالایی قرار داشته و در نتیجه رشد طبیعی جمعیت بسیار کم بوده است. به همین دلیل افزایش جمعیت بسیار کند صورت می‌گرفت. پس از آن «گذار اول جمعیتی» با تغییرات رشد جمعیت آغاز شد. از اواسط قرن هفدهم با پیشرفت چشمگیر علم پزشکی و کنترل بیماری‌ها، نرخ مرگ و میر کاهش یافت؛ در حالی که نرخ زاد و ولد تغییری نکرد. به همین دلیل رشد طبیعی جمعیت سیر صعودی شتابانی گرفت.

پس از این مرحله با وقوع انقلاب صنعتی اروپا به تدریج برتری‌های اقتصادی و تکنولوژیک اهمیت بیشتری یافت و رابطه جمعیت و افزایش قدرت در مرتبه پایین‌تری قرار گرفت. سرانجام در اواخر قرن هجدهم بسیاری از جمله مالتوس^۳ با انتشار نظریاتی رشد جمعیت را عامل عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌ها معرفی، و مردم و دولت را به سمت کاهش جمعیت تشویق کردند. بدین ترتیب آرام‌آرام نرخ موالید کاهش یافت و رشد طبیعی جمعیت سیر نزولی گرفت.

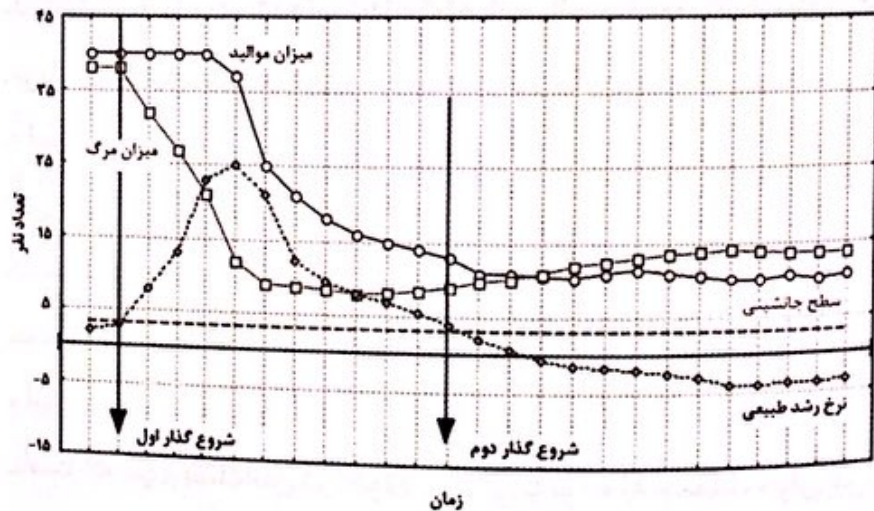
۱. کاظمی‌پور، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۷۰.

۲. توضیحات بیشتر درباره این دیدگاه در ادامه همین فصل خواهد آمد.

۳. توضیحات بیشتر درباره این دیدگاه در ادامه همین فصل آمده است.

چنین نگرشی به کاهش جمعیت و تأخیر در باروری از اوایل قرن بیستم با تغییرات جدی در هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی در کشورهای اروپایی و آمریکایی همراه شد. در واقع این تغییرات فرهنگی-اجتماعی در غرب، خود حاصل نهادینه شدن مبانی فکری جدیدی-از جمله اصالت انسان (در برابر اصالت خدا)، جداسازی دین از زندگی فردی و اجتماعی، فردگرایی و لذت‌گرایی- بود که پذیرش آنها عملاً نهاد خانواده و مسئولیت‌پذیری برای فرزندآوری را تضعیف می‌نمود. به همین دلیل در ادامه این روند تعداد ازدواج‌ها کم شد؛ سن ازدواج افزایش پیدا کرد و پدیده طلاق گسترش یافت. از سویی دیگر، وسایل پیشگیری از بارداری نیز به بازار آمد و استفاده از آنها به شدت رو به گسترش نهاد. در نتیجه با ادامه کاهش نرخ زادوولد، نزول رشد طبیعی جمعیت ادامه یافت. شایان ذکر است در این مرحله نرخ مرگ‌ومیر نسبتاً ثابت بوده است؛ زیرا پیشرفت پزشکی تا حدی توانسته بود نرخ مرگ‌ومیر را کاهش دهد.

چنان‌که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، در همه این مراحل، نرخ باروری کل به تدریج کاهش می‌یابد، اما همواره بالاتر از سطح جانشینی است.



نمودار (۱): گذارهای جمعیتی جهان^۱

1. Van de kaa, "The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries", Paper presented at the 6th Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security, Tokyo, Japan, January 29.

«سطح جانشینی» به حداقل میزان نرخ باروری کل^۱ (نرخ باروری کل عبارت است از میانگین تعداد فرزندان که یک زن در طول زندگی به دنیا می‌آورد.) گفته می‌شود که یک جمعیت بتواند به لحاظ تعداد نسل خود را بازتولید کند؛ یعنی نسل بعدی جانشین نسل قبلی گردد.^۲ سطح باروری جانشینی در همه نقاط جهان یکسان نیست و بین کشورهای مختلف مقادیر متفاوتی دارد. این عدد معمولاً بین ۲/۱ تا ۳/۳ در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا ممکن است دو فرزند یک خانواده به هر دلیلی از جمله بیماری، تصادف و حوادث غیرمترقبه زودتر از والدین خود از دنیا بروند و نقش جانشینی نسلی پس از پدر و مادر را ایفا نکنند. به همین دلیل جمعیت‌شناسان با در نظر گرفتن حاشیه امنی متناسب با میزان امید به زندگی، رفاه و بهداشت و مانند آن در هر کشور، این سطح را تعیین می‌کنند.^۳ گذار دوم جمعیتی زمانی آغاز می‌گردد که روند کاهشی نرخ زادوولد ادامه می‌یابد و در نتیجه نرخ باروری کل به سطح جانشینی می‌رسد. از آن پس سیر رشد طبیعی جمعیت به تدریج به صفر رسیده و منفی می‌شود.

اکنون بسیاری از کشورها وارد گذار دوم جمعیتی شده‌اند. در برخی کشورهای اروپایی، نهادینه شدن عوامل فرهنگی و اجتماعی بازدارنده در خصوص فرزندآوری، موجب استمرار شیب تند کاهش نرخ باروری شده است؛ آن‌گونه که میزان مرگ و میر از زادوولد پیشی گرفته و افزون بر بالا رفتن نرخ سال خوردگی، مرحله جدیدی از این تحولات با رشد منفی جمعیت آغاز شده است.

آمارهای جهانی نشان‌دهنده آن است که سهم اروپا از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۶۰ م. نزدیک ۱۵ درصد بوده، اما در سال ۲۰۰۵ م. به کمتر از ۸ درصد رسیده است. این روند کاهشی همچنان ادامه دارد؛ تا جایی که محققان پیامد اختلاف رشد جمعیت در خاورمیانه اسلامی و اروپا را تغییر تناسب جمعیتی به نفع مسلمانان در سال ۲۰۵۰ م. می‌دانستند. این بدان معناست که سهم مسلمانان در تحولات جهانی با توجه به جمعیت جوان این کشورها می‌تواند بیش از پیش افزایش یابد.

۱. TFR: Total fertility rate.

۲. سرایی، جمعیت‌شناسی؛ مبانی و زمینه‌ها، ص ۱۱۴.

۳. بدیهی است با رسیدن نرخ باروری کل به سطح جانشینی رشد جمعیت یک‌باره متوقف نمی‌شود، بلکه سیر صعودی خود را مدتی ادامه می‌دهد تا بالاخره این روند متوقف گردد و رشد جمعیت به صفر برسد.

رشد منفی جمعیت در کشور ژاپن نیز زنگ خطر را برای آنان به صدا درآورده است. ژاپن در زمان رشد جمعیت شتابان خود در دهه ۱۹۶۰ م. به ازای هر ۹ نفر نیروی کار، یک سالمند داشت؛ درحالی که در سال ۲۰۵۰ م. این نسبت به یک نیروی کار در مقابل یک بازنشسته خواهد رسید. چنین وضعیتی سبب می شود که دولت ها ناچار شوند بخش مهمی از درآمد خود را برای حمایت از سالمندان هزینه نمایند؛ چنان که در سال های اخیر سهم هزینه حمایتی از سالمندان و مستمری بگیران از بودجه سالانه ژاپن به حدود ۳۰ درصد رسیده است.^۱

۳. دیدگاه های مختلف درباره جمعیت

در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، دولت های اروپایی بر این باور بودند که قدرت و ثروت یک دولت در رابطه با بزرگی جمعیت آن تعیین می شود و با افزایش جمعیت قدرت و ثروت نیز افزایش می یابد. در این دوره جمعیت زیاد به عنوان منشأ و عامل تعیین کننده اقتدار ملی و توان نظامی و اقتصادی دولت ها مطرح بود. به همین دلیل توجه به جمعیت بیشتر، از زاویه اهدافی نظیر تقویت قدرت نظامی دولت، مشارکت در ثبات سیاسی و کسب درآمدهای مالیاتی بود و غالباً جمعیت زیاد بر کم ترجیح داده می شد.^۲

در اوایل قرن نوزدهم در شرایط پس از انقلاب صنعتی، توماس رابرت مالتوس^۳ (۱۸۳۴-۱۷۶۶ م) اقتصاددان انگلیسی، برای اولین بار رویکردی بدبینانه درباره رشد جمعیت ارائه داد. او نظریات خود را برپایه فضای اقتصاد صنعتی آن روز بنا نهاد؛ فضایی که در آن سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی را در تولید کالا و خدمات ایفا می کردند. نظریه مالتوس شاید شناخته شده ترین نظریه ای است که مخالف افزایش جمعیت جهان است. به اعتقاد مالتوس، منابع طبیعی جهان محدود و پایان پذیر است. از این رو، افزایش جمعیت به معنای کاهش دسترسی سرانه هر فرد به منابع غذایی و در نتیجه به معنای

۱. بنگرید به: مهري، بررسی طرح ها و سیاست های افزایش مولید در کشورهای منتخب و ارائه الگوی متناسب با شرایط ایران، ص ۱۶-۸.

۲. سرایی، جمعیت شناسی؛ مبانی و زمینه ها، ص ۱۱۴.

3. Thomas Robert Malthus.

گسترش فقر و گرسنگی است که می‌تواند رشد و پیشرفت اقتصادی را متوقف و جوامع را دچار رکود و عقب‌گرد کند. او همچنین بر موضوع تخریب محیط زیست بر اثر افزایش جمعیت، تأکید می‌نمود. بعدها همفکران و پیروان او، دیدگاه وی را در توضیح رابطه معکوس بین جمعیت و منابع طبیعی تأیید کردند. این دیدگاه تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های نهادهای بین‌المللی و کشورهای در حال توسعه برجای گذاشت.

البته پس از وی، صاحب‌نظران بسیاری این رویکرد را نقد و رد کردند تا جایی که حتی خود مالتوس در نوشتارهای بعدی خود (ویرایش پنجم رساله‌ای در باب اصول جمعیت) نظریات خود را تعدیل نمود. اما جالب اینجاست که با این همه، هنوز بسیاری از افراد بر نتایج اولین ویرایش کتاب او تکیه می‌کنند، درحالی‌که در مباحث علمی باید آخرین آرای یک صاحب‌نظر را معیار قرار داد و آن را تحلیل کرد.^۱

تصور مالتوس از ثروت و منابع طبیعی، تصویری کمی و غیرپویا بود. از نظر وی منابع طبیعی کمیت ثابت و معینی دارند و به صورت یک عامل مستقل بیرونی بر اقتصاد تأثیر می‌گذارند. اما در اندیشه اقتصادی مدرن، منابع طبیعی در درازمدت، خود بخشی از مجموعه متغیرهای درونی تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی محسوب می‌شوند. از این رو به دلیل تأثیر متقابل منابع طبیعی و مؤلفه‌های نظام اقتصادی، پیش‌بینی درازمدت این منابع بدون در نظر گرفتن تحولات علمی و فنی سطح پیشرفت سایر متغیرهای مؤثر اقتصادی، امکان‌پذیر نیست و فاقد پایه علمی خواهد بود.^۲

با رشد علم و تکنولوژی می‌توان از امکانات موجود بهره‌های بیشتری برد. برای مثال می‌توان زمین‌های غیرقابل کشت را به بهره‌برداری رساند و حتی برای تهیه مواد غذایی از غیر زمین (مانند آب دریا و هوا) استفاده نمود. بنابراین در بررسی منابع یک سرزمین باید هم منابع موجود و هم منابع بالقوه را مورد توجه قرار داد و فرهنگ کار و تلاش را رواج داد، مانع گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی شد. در تربیت نیروی انسانی نیز می‌باید افرادی خلاق، تولیدگر، مدیر و برنامه‌ریز را پرورش داد.

نظریات جدید در حوزه علم اقتصاد، افزایش جمعیت را فرصتی جدی تلقی می‌کنند و

۱. دلالی اصفهانی و اسماعیل‌زاده، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی، ش ۹، ص ۱۰۳.

۲. محمودی و احقراری، «درآمدی بر اقتصاد جمعیت؛ نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها»، ص ۱۲.

تأکید می‌نمایند که نیروی کار و سرمایه انسانی در برتری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشورها اثرگذار است. برای مثال، ژان باتیست سی،^۱ یکی از اقتصاددانان معروف فرانسوی معتقد بود: رشد جمعیت علت رشد اقتصادی کشورها در بلندمدت است.^۲ پل ساموئلسون،^۳ برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ م. بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد را نرخ باروری انسانی می‌دانست.^۴ همچنین هارود،^۵ از دیگر نظریه پردازان توسعه اقتصادی رشد جمعیت را عامل مثبتی برای رشد طبیعی اقتصاد می‌داند.^۶

مرور تجربه کشورهای مختلف در بررسی روند تغییرات سرانه تولید ناخالص ملی آنها نشان می‌دهد که با گذشت زمان، هرچه جمعیت کشورها افزایش یافته، ثروت بیشتری به ازای هر نفر تولید شده است. برای مثال، تجربه کشور هند نشان می‌دهد که آنچه جلوی رشد اقتصاد را می‌گیرد، افزایش جمعیت نیست، بلکه سیاست‌های نادرست اقتصادی است. بعد از دهه ۱۹۹۰ م. که هند اصلاحاتی اساسی در نحوه مدیریت اقتصادی خود انجام داد، رشد عظیمی در اقتصاد این کشور حاصل شد؛ درحالی‌که هم‌زمان دارای رشد بسیار سریع در جمعیت و نرخ تولد بود.^۷ تجربه چین نیز مؤید این مطلب است که جمعیت زیاد اگر به صورت شایسته مدیریت شود، عامل مهمی برای رشد اقتصادی کشور است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی میان جمعیت و سرانه تولید ناخالص ملی، همچنین ضریب هم‌بستگی بین جمعیت و میزان بیکاری بسیار ناچیز است و رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد. به بیان دیگر، مشکل کشورهای در حال توسعه را باید در سیاست‌گذاری و عملکرد مدیریتی ضعیف و همچنین در توزیع نامتوازن جمعیت و ثروت جستجو کرد، نه در میزان جمعیت آنها. به‌طور کلی رشد و رفاه اقتصادی در سایه کار و کوشش آحاد افراد جامعه معنا می‌یابد.

1. Jean Baptiste Say.

۲. همان، ص ۳.

3. Paul Samuelson.

4. Paul A. Samuelson, "An exact consumption-loan model of interest with or without the social contrivance of money," *Polit. Econ.*, vol. 66, no. 6, pp. 467-482, 1958.

5. Harrod.

6. R. F. Harrod, "An Essay in Dynamic Theory," *Econ. J.*, vol. 49, no. 193, pp. 14-33.

۷. دلالی اصفهانی، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی، ص ۱۰۷.

اگر در گذشته تنها بر سرمایه فیزیکی به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی تأکید می‌شد، امروزه با به حاشیه رفتن این عامل، سرمایه‌های نوینی همچون سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و نهادهای اقتصادی و مدیریتی، کانون توجه صاحب‌نظران جهان قرار گرفته است. هاربیسون^۱ نظریه پرداز توسعه معتقد است:

منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند؛ درحالی‌که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند؛ از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند؛ سازمان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند.^۲

کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن به نحو مؤثری در اقتصاد ملی بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.

بدیهی است که با افزایش جمعیت، نیروی کار گسترده‌ای فراهم می‌شود و امکان بهره‌گیری از فرصت‌های بالقوه اقتصادی فراهم می‌گردد و در نتیجه امکان تقسیم کار گسترده در جامعه و کسب مهارت برای نیروی کار به وجود می‌آید. بدین ترتیب تخصص‌گرایی - که محصول مستقیم تقسیم کار است - بهره‌وری را افزایش می‌دهد و از مصرف شدن بیهوده منابع جلوگیری می‌کند؛ به گونه‌ای که با منابع کمتر، ثروت بیشتری تولید می‌شود. فراوانی نیروی کار موجب می‌گردد تا ضمن پاسخ به تقاضاهای جاری در جامعه، با خلاقیت، نوآوری و ابتکار این افراد، فرصت ایجاد خدمات و کالاهای جدید و متنوع در اقتصاد فراهم گردد.

همچنین کثرت مصرف‌کنندگان کالا در جامعه، زمینه تولید انبوه در مقیاس‌های بزرگ را فراهم می‌کند که همین موجب کاهش هزینه واحد تولید و در نتیجه سبب کاهش قیمت‌ها می‌گردد. از این رو، افزایش جمعیت و شکل‌گیری جوامع بزرگ، هم از جهت تقاضا (بازار مصرف) و هم از جهت عرضه (نیروی کار)، زمینه رشد و توسعه اقتصادی را مهیا می‌سازد. بنابراین افزایش جمعیت در صورتی‌که با سیاست‌های مناسب در حوزه آموزش و

1. Harbisson.

2. Harbison. F. ,Human Resources as the Wealth of Nations, New York: Oxford University Press. 1973.

تحصیلات همراه شود و سرمایه انسانی متناسب با بازار کار فراهم گردد، می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی را شتاب بخشد. جمعیت بیشتر به معنای سرمایه انسانی و اجتماعی، قدرت فرهنگی و پشتوانه سیاسی کشور است و می‌تواند فاصله کشورهای در حال توسعه را با کشورهای توسعه یافته کاهش دهد. در نتیجه، توجه به «جمعیت» به عنوان یک مؤلفه قدرت در جوامع و حتی احساس تهدید از طریق آن از سوی رقبا، توجیه پذیر به نظر می‌رسد.

۴. جمعیت و نظام سلطه

در مطالعه چگونگی ایجاد شکاف عمیق بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته جهان نباید سابقه تاریخی کشورهای اروپایی را در چگونگی انباشت ثروت و رسیدن به پیشرفت فراموش کرد. در قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی، به مدد «استعمارگری»، تأمین مواد خام تسهیل گردید و به مدد «برده‌داری» نیز نیروی کار فراوان با هزینه اندک در اختیار این کشورها قرار گرفت. این دو عامل، چرخ صنعت را در اروپا و سپس آمریکا به گردش درآورد و فرایند رشد و توسعه را شتاب بخشید. در ادامه همان سیاست‌ها، امروزه نیز که سرمایه کیفی انسانی، محور اصلی پیشرفت علم و فناوری است، نیروی انسانی کارآمد، فعال و نخبه در کشورهای در حال توسعه، به صورت هوشمندانه دست‌چین شده، در قالب تحصیل یا مهاجرت در راستای تأمین منافع اروپا و آمریکا به خدمت گرفته می‌شوند.

از سوی دیگر، در حالی که از حدود نیم قرن پیش کشورهای پیشرفته در درون خود سیاست افزایش مولید را دنبال می‌کنند، برای کشورهای در حال توسعه نسخه کنترل زادوولد را تجویز می‌نمایند. این دوگانگی رویکرد به دلیل آن است که آنها از وجود کشورهای پرجمعیت و قدرتمند در عرصه جهان واهمه دارند و از این رو سال‌هاست که ظرفیت‌های مالی و غیرمالی فراوانی را در خدمت پروژه جهانی «کنترل جمعیت» و محدود نمودن نسل قرار داده‌اند. نگرانی این کشورها نه به جهت گرسنگی و کمبود امکانات ملت‌های ضعیف، بلکه به دلیل محدود شدن دسترسی خودشان به منابع جهانی است. بسیاری از سیاست‌مداران غربی به صراحت کاسته شدن جمعیت جهان را هدفی در راستای مصالح و منافع خود اعلام می‌کنند.

برای مثال، پروفیسور ژاکلین کاسون^۱ در کتاب جنگ علیه جمعیت نشان می‌دهد که کنترل جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر پارامترهای دکترین نظامی آمریکا بوده و یک جنگ تمام‌عیار است. متخصصان جمعیت در آمریکا طی چند دهه، یک دیدگاه فراملیتی را حول این اصل گسترش دادند که رشد جمعیت مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی است و تنها راه حل ممکن برای مقابله با آن برنامه‌های تنظیم خانواده است. توسعه این تفکر، بر سیاست‌های بین‌المللی کنترل جمعیت به ویژه در کشورهای جهان سوم، تأثیر اساسی داشت.

این هدف در دهه‌های اخیر از طرق مختلف از جمله ترویج فراگیر وسایل پیشگیری از بارداری، تسهیل سقط جنین و عمل‌های جراحی عقیم‌کننده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (از جمله کشورهای مسلمان) پیگیری شده است. افزون بر روش‌های یادشده، تغییر ارزش‌ها و باورها و اقناع مردم و رهبران کشورهای ضعیف نسبت به اینکه کاهش جمعیت راه اصلی نجات و پیشرفت آنهاست نیز اجرای سیاست‌های کنترل نسل را تسهیل نموده است. در سال‌های اخیر کثرت کشتارهای مسلحانه در درگیری‌ها و جنگ‌ها، ترورهای کور و بی‌هدف و نسل‌کشی زنان و کودکان به بهانه‌های مختلف - که با حمایت و مدیریت نظام سلطه جهانی اتفاق می‌افتند - ابعاد دیگری از تلاش برای کاهش جمعیت را آشکار نموده‌اند. مطالعه گزارش‌های تاریخی درباره چگونگی کاهش هدفمند نسل سرخ‌پوستان آمریکا و بومیان استرالیا از سوی مهاجرین غربی نشان می‌دهد که دستیابی به قدرت از طریق تغییرات جمعیتی در نظام سلطه، در گذشته نیز تجربه شده است و نباید آن را امری ساده تلقی نمود.

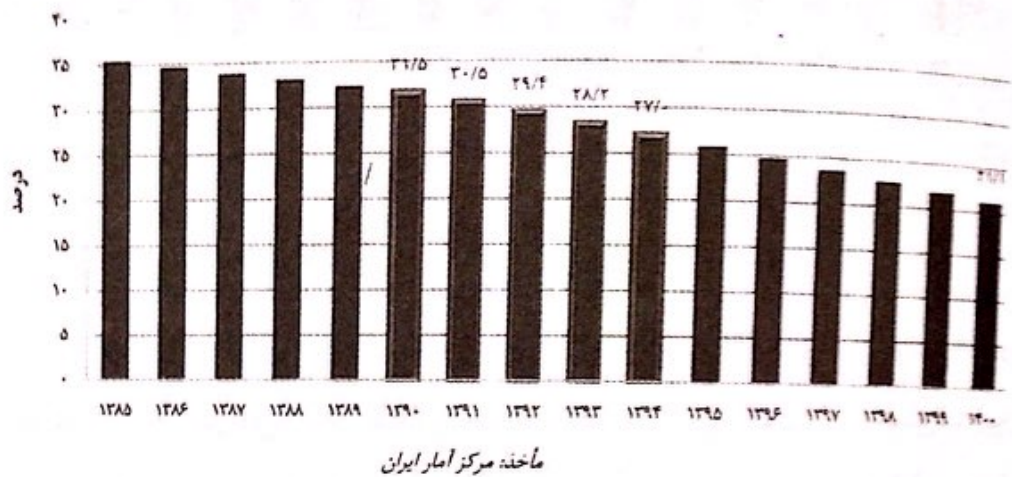
۵. عوارض و چالش‌های کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی

استمرار کاهش میزان زادوولد از یک سو و نزول نرخ مرگ و میر به دلیل افزایش امید به زندگی از سوی دیگر، موجب می‌شود جمعیت به تدریج در دوره‌های بالاتر سنی انباشته گردد و با کاسته شدن سهم جمعیت جوان از کل جمعیت، سهم سال‌خوردگی^۲ بیشتر شود.

۱. Jacqueline Kasun.

۲. معمولاً به افرادی با سن بالاتر از شصت سال که بازنشسته می‌شوند و نیرو و نشاط کاری خود را از دست می‌دهند، سالمند یا سال‌خورده گفته می‌شود.

در ایران جمعیت جوان ۲۹-۱۵ ساله از سال ۱۳۸۵ به بعد در حال کاهش است. در سال ۱۳۹۴، ۲۷،۱۳۹۴ درصد جمعیت در این گروه سنی بوده‌اند که در مقایسه با سال ۱۳۹۰ حدود ۴/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. انتظار می‌رود این نسبت در سال ۱۴۰۰ به مقدار ۲۱/۱ درصد برسد.



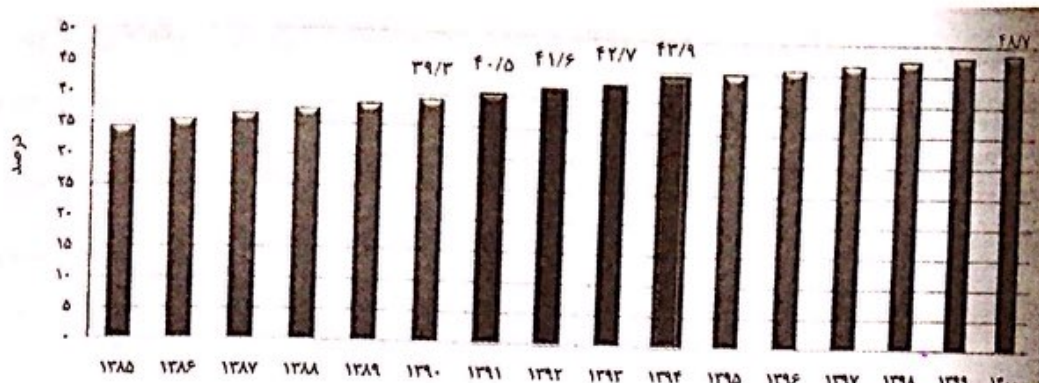
نمودار (۲): درصد جمعیت جوان ۲۹-۱۵ ساله به کل جمعیت از سال ۱۳۸۵-۱۴۰۰

طبق گزارش مرکز آمار ایران، در مقابل کاهش نسبت جمعیت جوان، نسبت جمعیت میان‌سال (۳۰-۶۴ ساله) در سال‌های اخیر در حال افزایش است. در سال ۱۳۹۵، ۴۴/۸ درصد جمعیت در این گروه سنی بوده‌اند که در مقایسه با سال ۱۳۹۰ حدود ۵/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. انتظار می‌رود این نسبت در سال ۱۴۰۰ به مقدار ۴۸/۷ درصد برسد. بنابراین، ایران در مراحل پایانی جوانی جمعیت و در مراحل آغازین ورود به میان‌سالی جمعیت است.

جدول (۱): میانگین سنی جمعیت در کشورهای سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
میانگین سنی	۲۲،۴	۲۱،۷	۲۴،۰۳	۲۷،۹۷	۲۹،۸	۳۱،۱

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵



ماخذ: مرکز آمار ایران

نمودار (۳): درصد جمعیت میان سال ۶۴-۳۰ ساله به کل جمعیت از سال ۱۳۸۵-۱۴۰۰
 جدول فوق براساس آمارهای سرشماری نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت کشور به سرعت در حال افزایش است. کاهش نسبت جمعیت جوان و افزایش جمعیت میان سال عوارض و پیامدهای بسیاری به همراه خواهد داشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. پیامدهای اقتصادی

در بعد اقتصادی، کاسته شدن از نیروی کار جوان و فعال باعث می‌شود تا از میزان تولیدات و خدمات کاسته شود و قیمت آنها افزایش یابد؛ زیرا تولید بسیاری از کالاها و خدمات در تعداد و مقیاس کوچک، هزینه‌های بالاتری خواهد داشت. همچنین جمعیت کمتر و سالم‌تر، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف محدودتری دارد که همه این موارد از عوامل تضعیف اقتصاد به‌شمار می‌آیند. افزون بر این، کم شدن نیروی کار و افزایش مصرف‌کنندگان، کاهش تولید ناخالص داخلی را به دنبال خواهد داشت که پیامد آن کاهش صادرات محصولات صنعتی، افزایش واردات، کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهی‌های خارجی خواهد بود.

به بیانی دیگر با بالا رفتن میانگین سنی افراد جامعه، سالمندان به مصرف‌کنندگان امکانات تبدیل شده و بار سنگینی از هزینه تکفل آنها بر جامعه تحمیل می‌شود. سالمندان برخلاف جمعیت جوان، مستمری‌های دریافتی خود را برای تأمین مسکن و دریافت خدمات اجتماعی،

بهداشت و درمان مصرف می‌کنند. از همین رو، آنان توانایی کمتری برای پس انداز خواهند داشت که این امر بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.^۱

همچنین با افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری‌بگیران نسبت به افراد شاغل، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی فشار زیادی را متحمل می‌شوند که معمولاً برای جبران آن سن بازنشستگی را افزایش، یا میزان پرداختی به ایشان را کاهش می‌دهند که البته این امر نارضایتی بیمه‌شدگان و مشکلات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

در بخش کشاورزی نیز باید یادآور شد که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی - به‌عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی - به مجموعه‌ای از نیروهای خلاق، آموزش‌پذیر، ریسک‌پذیر، پویا و شاداب نیاز است. این ویژگی‌ها در جوانان بسیار بیشتر از سالمندان وجود دارد. شاغلان در بخش کشاورزی در سال‌های اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای به سال خوردگی گراییده‌اند. مهاجرت از روستا به شهر - در کنار کاهش نسبت جمعیت جوان - از مهم‌ترین دلایل سال خوردگی شاغلان بخش کشاورزی است؛ به‌گونه‌ای که درصد اشتغال جوانان در این بخش بسیار پایین است. مهم‌ترین نتایجی که سال خوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت، عبارت است از: کاهش بهره‌وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، نیاز به واردات این مواد از خارج و نیز عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین در عرصه تولیدات کشاورزی و دامی.

از دیگر پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت، هزینه‌هایی است که جامعه باید برای حفظ سلامتی سالمندان صرف کند؛ زیرا سالخوردگان در مقابل بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند. بر همین اساس نظام مراقبت پزشکی نیز باید به تجهیز مراکز درمانی مناسب برای ایشان و همچنین به پرورش متخصصان در حوزه بیماری‌های دوران کهنسالی پردازد.^۲

یافته‌ها نشان می‌دهد در ایران تا سال ۱۴۳۰ به سه برابر تخت‌های بیمارستانی، پنج برابر مراکز فیزیوتراپی و چهار برابر آزمایشگاه‌های موجود نیاز خواهد بود.

۱. دارایی و همکاران، پیامدهای اقتصادی - اجتماعی سال خوردگی جمعیت در ایران، علوم اجتماعی، ش ۵۸، همان.

دو. پیامدهای فرهنگی-اجتماعی

اساساً جامعه سالمند، چابکی و سرعت لازم را در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی نخواهد داشت و همین سبب می‌شود که خلاقیت و نوآوری و ریسک‌پذیری در این جامعه کاهش یابد؛ همچنان‌که امروزه رشد علمی و نوآوری‌ها و موفقیت‌های کشور در عرصه دانش و ورزش و تولید، به دلیل کثرت نسل جوان است. افزون‌براین، از نظر اجتماعی با کاهش تعداد خانوار، فرزندان کمتری مسئولیت نگهداری از والدین سالمند خود را برعهده خواهند داشت. بدین سبب نگهداری از والدین برای آنها مستلزم صرف هزینه‌های زمانی و مالی زیادی است. بنابراین در خانواده‌ای که چندین فرزند دارد، مسئولیت‌ها بین افراد تقسیم شده و به هیچ‌یک از آنان فشار زیادی وارد نمی‌آید.

سه. پیامدهای سیاسی-امنیتی

روند کلی تغییرات در جهان امروز نشان می‌دهد که جمعیت یکی از مؤلفه‌های قطعی در اقتدار کشورهاست. از بعد سیاسی و امنیتی، توان نظامی و قدرت بازدارندگی یک کشور به جمعیت آن بستگی دارد و در هنگام بروز بحران‌ها، کشوری که از لحاظ ساختار سنی درصد بالایی از جوانان را دارا باشد، کمتر از کشوری با جمعیت سال‌خورده آسیب‌پذیر خواهد بود. جمعیت جوان در رویارویی با بحران‌های سیاسی-امنیتی به سرعت می‌تواند نیروهای خود را بسیج کند. از این سو، جامعه سالمند در این بحران‌ها ریسک‌پذیری کمتر و محافظه‌کاری بالاتری از خود بروز می‌دهد. گذشته از این، در حوزه امنیتی، میزان تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور -از جمله مناطق روستایی و مرزی- و توزیع جمعیتی متقارن و متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی، از اهمیت زیادی برخوردار است.

◆ برای مطالعه بیشتر

از آنجا که برخی کشورهای جهان با بررسی میزان رشد جمعیت در کشور خود متوجه آثار زیان‌بار کاهش جمعیت در آینده شده‌اند، سیاست‌های مختلفی برای افزایش جمعیت در پیش گرفته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.¹

1. See: Bradshaw and Finch, "A comparison of child benefit packages", in *Department for Work and Pensions Research Report*, Leeds, Corporate Document Services, 22 countries.

سونند: به هریک از پدر و مادر ۱۸ ماه مرخصی همراه با حقوق داده می‌شود. از آنجا که مشارکت زنان در سونند به عنوان نیروی کار بالاست، برای مادران شاغل برنامه‌های کاری منعطفی طراحی شده است؛ به گونه‌ای که مادران قبل از سن مدرسه کودکان می‌توانند ساعت‌های کاری خود را کاهش دهند.

نروژ: مادران از ۱۲ ماه مرخصی با ۸۰٪ حقوق یا ۱۰ ماه مرخصی با پرداخت حقوق کامل بهره می‌برند. پدران نیز حق دارند تقریباً تمام این زمان را به جای مادر مرخصی بگیرند، اما برای پدر، گرفتن حداقل ۴ هفته مرخصی اجباری است. در غیر این صورت، مزیت مرخصی پس از زایمان برای هر دو والد از بین می‌رود. نکته مهم این است که هزینه این مرخصی‌ها از محل مالیات و از سوی دولت پرداخت می‌شود. بنابراین کارفرمایان در این خصوص هیچ‌گونه ضرری متحمل نمی‌شوند. در این کشور به مادری که تا ۳۰ ماه بعد از تولد فرزند قبلی، فرزند جدید خود را به دنیا آورد، مرخصی ویژه تعلق می‌گیرد. این قانون برای تشویق زنان به کم کردن فاصله بین بارداری‌ها وضع شده است.

فرانسه: مانند سایر کشورهای اروپایی، میزان بالای اشتغال زنان مهم‌ترین چالش برای بهبود نرخ باروری است. از این رو، دولتمردان فرانسه سیاست‌های گوناگونی را برای تطبیق زندگی خانوادگی با کار کردن زنان طراحی کرده‌اند. برای مثال، مادران می‌توانند برای فرزند اول خود مدت ۱۶ هفته مرخصی زایمان همراه با دریافت حقوق بگیرند و این تا ۲۶ هفته برای فرزند سوم افزایش پیدا می‌کند. در این کشور در صورت تولد فرزند سوم، سالانه مبلغی کمک مالی به والدین تعلق می‌گیرد. علاوه بر آن، به ازای تولد فرزندان، مالیات نیز کاهش می‌یابد و والدین همراه با فرزندان خود می‌توانند از برخی امکانات دولتی با تخفیف استفاده نمایند. این کشور گسترده‌ترین سیستم مراقبت از کودکان با بودجه دولتی را در اروپا داراست. همچنین فرانسه دارای دومین رتبه نرخ باروری در اروپاست.

بریتانیا: در حال حاضر پس از تولد فرزند، مادران شش ماه و پدران دو هفته مرخصی دارند. همچنین والدین کودکان زیر شش سال حق دارند از کارفرمایان خود درخواست نمایند که ساعت‌های کاری انعطاف‌پذیرتری داشته باشند.

آلمان: این کشور مدتی طولانی است که یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری را در اتحادیه اروپا دارد. تعداد زنان بدون فرزند در این کشور بسیار بالاست؛ چنان‌که براساس آمار اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ م، ۳۰٪ زنان آلمانی فرزند ندارند. جمعیت‌شناسان درباره ادامه این روند در آینده هشدار داده‌اند. از بزرگ‌ترین مشکلات خانواده‌ها، کمبود اماکن مراقبت از کودکان است که البته با وجود دریافت دستمزد خیلی زیاد، زمان کوتاهی سرویس ارائه می‌دهند و هنگام ظهر نیز تعطیل می‌شوند. همچنین زمان مدارس به طور سنتی در ساعت یک بعدازظهر به پایان می‌رسد که همین مشکل بزرگی برای والدین شاغل است. دولت آلمان در حال حاضر بهبود نرخ زادوولد را در صدر امور سیاسی خود

قرار داده است. در سال ۲۰۰۵ م. لایحه‌ای در راستای ارائه معافیت‌های مالیاتی تصویب شد و حذف تدریجی هزینه‌های مهدکودک نیز در دستورکار قرار گرفت.

کریستینا شرودر، وزیر امور خارجه وقت آلمان نیز درباره اختصاص مرخصی بدون حقوق به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای نگهداری از نوه‌های خود طرحی ارائه کرد.

از دیگر تمهیدات آلمان برای مقابله با بحران کاهش جمعیت، سیاست‌های باز مهاجرت‌پذیری به خصوص برای پذیرش کارگران بسیار ماهر است.

چین: دولت چین از سال ۱۹۷۹ م. تصمیم به اجرای سیاست تک‌فرزندی در کشور گرفت که مطابق آن، عموم خانواده‌های شهری و روستایی چینی می‌توانستند فقط یک

فرزند داشته باشند. البته محدودیت در شهرها بیشتر از مناطق روستایی بود و در بیشتر مناطق روستایی با شرایطی اجازه فرزند دوم نیز داده می‌شد.

البته سیاست تک‌فرزندی در چین همواره بنابه شرایط مختلف استثناهایی نیز داشت. برای نمونه، بعد از زلزله سال ۲۰۰۸ م. در شهر «سی جوان»، محدودیت تک‌فرزندی

برای خانواده‌های آسیب‌دیده برداشته شد؛ ضمن آنکه اخیراً در سال ۲۰۱۴ م. حزب حاکم کمونیست چین رسماً قانون تک‌فرزندی را لغو کرد و بدین ترتیب به زوج‌ها اجازه

داد در صورتی که یکی از والدین تک‌فرزند است، فرزند دوم بیاورند.

ترکیه: این کشور نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تنظیم خانواده را در پیش گرفت، ولی اکنون تغییر در این روند را در دستورکار قرار داده، آن را به شدت

پیگیری می‌کند. به تازگی نخست‌وزیر ترکیه، خانواده‌های این کشور را به آوردن حداقل سه فرزند تشویق نموده است. او داشتن سه فرزند را تنها راه جلوگیری از پیر شدن

جمعیت ترکیه و افزایش نیروی کار مورد نیاز این کشور می‌داند و آن را عامل مهمی در افزایش قدرت منطقه‌ای می‌شمرد.

روسیه: از حدود سال ۱۹۹۵ م. تا اواسط سال ۲۰۰۷ م. جمعیت کشور روسیه حدود ۶/۵ میلیون نفر کاهش یافت و به پایین‌تر از ۱۴۲ میلیون نفر رسید که تقریباً کاهشی ۴/۴

درصدی را نشان می‌دهد. این روند کاهش جمعیت معمولاً در حالت جنگ و مهاجرت وسیع رخ می‌دهد، اما کاهش جمعیت روسیه در حال صلح و رشد اقتصادی رخ داد.

به دلیل پایین بودن میزان تولد و بالا بودن میزان مرگ‌ومیر، روسیه هر سال در حال از دست دادن تعداد زیادی از جمعیت خود است.

بدیهی است که رؤیای قدرت بزرگ روس نمی‌تواند بدون داشتن منابع انسانی فراوان تحقق یابد. از این روی، پوتین سال ۲۰۰۸ م. را سال «خانواده» نام نهاد. بدین ترتیب

تمام دستگاه‌های دولتی روسیه موظف شدند برنامه‌های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند. نگرانی دولت از بحران کاهش

جمعیت تا سال ۲۰۳۰ م. سبب شد تا برای تشویق والدین به فرزندآوری، مبلغ درخور توجهی به عنوان «سرمایه‌گذاری مادر»، به والدینی که فرزندشان به دنیا می‌آید، پرداخت

شود و تا رسیدن هریک از فرزندان به هفت سالگی، ماهانه دویست دلار هزینه نگهداری، سلامت و بهداشت نیز به پدر و مادر پرداخت گردد.

رژیم صهیونیستی؛ شورای افزایش جمعیت این رژیم با همکاری کابینه، برای تشویق زنان به زایمان‌های بیشتر، به ازای تولد هر فرزند کمک مالی چشمگیری می‌کند و زنان نیز تشویق می‌شوند که حداقل چهار فرزند داشته باشند. در ضمن تعداد زیاد فرزندان سبب کاهش انواع مالیات‌ها می‌شود و کارمندان بازنشسته دارای فرزندان زیاد، حقوق بازنشستگی بیشتری دریافت می‌کنند. تبلیغات دینی نیز ازدواج را برای یهودیان واجب دانسته و بچه‌دار نشدن با وجود توانایی مالی و جسمی را گناه شمرده است.

سنگاپور؛ در این کشور برای افزایش نسل افراد باهوش و مستعد، به زنانی که تحصیلات عالی داشته باشند و فرزند سوم و بعد از آن را به دنیا آورند، تخفیف مالیاتی بیشتری تعلق می‌گیرد. همچنین به مادرانی که صاحب فرزند سوم یا بیشتر می‌شوند، مرخصی با حقوق و نیز کمک هزینه پرداخت می‌شود. علاوه بر آن، به زوج‌های جوانی که در انتظار خرید آپارتمان هستند، کمک می‌شود تا آپارتمان اجاره کنند و ازدواج خود را به علت تأخیر در خرید آپارتمان به تأخیر نیندازند. همچنین از ساخت مسکن‌های چندنسلی (مسکن‌هایی که زوج‌های جوان و نسل‌های مسن‌تر آنها در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند) حمایت می‌شود تا هم مراقبت و نگهداری مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها از کودکان فراهم شود و هم فشار دولت برای حمایت و نگهداری از سالمندان کاهش یابد.

در این کشور از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، پوستر و بوردهای تبلیغاتی، شعارهای فراوانی برای تشویق به ازدواج و فرزندآوری تبلیغ می‌شود؛ شعارهایی همچون: «پلکان ترقی شغلی و تحصیلی را تنها طی نکنید؛ ازدواج کنید» یا «زندگی لذت بخش است، اگر مادر یا پدر باشید» یا «بهترین هدیه به فرزندان یک برادر یا یک خواهر است».

در این کشور به دلیل رقابت شدید در زمینه ثبت نام در مدارس با کیفیت، اولویت ثبت نام با فرزندان سوم به بعد خانواده است تا والدین تشویق به فرزندآوری شوند. در سنگاپور کمیته‌ای دولتی با عنوان «خانواده مهم است»، تشکیل شده که هدف آن تسهیل ازدواج، افزایش فرزندآوری و ساختن محیطی دوستدار خانواده است.

در کشورهای متعدد دیگری نیز سیاست‌های افزایش جمعیت در حال اجراست. برای نمونه، در کره جنوبی برای درمان ناباروری، یارانه پرداخت می‌شود. در ایرلند براساس تعداد فرزندان -از یک تا هشت نفر- حقوق ماهیانه به والدین اختصاص می‌یابد. در آمریکا والدینی که تعداد فرزندان آنها زیاد است، مشمول کاهش مالیاتی قرار می‌گیرند. در ژاپن خانواده‌هایی که فرزند زیر پانزده سال دارند، ماهانه مبلغ قابل توجهی کمک مالی دریافت می‌کنند.

ایران در گذشته، کشور پرجمعیتی بوده است. به روایت برخی از مورخان، در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، جمعیت ایران باستان حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بوده است. هرچند این رقم مربوط به محدوده کنونی ایران نبوده و شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شده که احتمالاً وسعتی بیش از سه برابر وسعت کنونی ایران داشته، بسیاری از سیاحان و مورخان به پرجمعیت بودن شهرهای ایران اشاره کرده‌اند که این خود بر کثرت جمعیت ایران در ادوار مختلف تاریخ دلالت دارد.

تا نیمه قرن سیزدهم شمسی، سرشماری جمعیتی در ایران متداول نبود. در نخستین سرشماری نوین در زمان میرزا تقی‌خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ جمعیت ایران بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر اعلام گردید. برآورد دیگر از جمعیت ایران مربوط به ژنرال شیندلر^۱ است که در جریان مأموریت خود برای گسترش تلگراف در ایران سفرهای متعددی کرد. او ضمن گزارش وضعیت ایران، شمار جمعیت کشور را در سال ۱۲۶۳ شمسی حدود ۷/۶ میلیون نفر تخمین زد.^۲ به این ترتیب تا قبل از آغاز قرن چهاردهم شمسی، جمعیت ساکن در ایران کمتر از ۱۰ میلیون نفر بوده است. سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ جمعیت ایران را بالغ بر ۱۸/۹ میلیون نفر اعلام کرد که از این شمار ۶ میلیون نفر در مناطق شهری و ۱۲/۹ میلیون نفر در نقاط روستایی سکونت داشتند.

تا اوایل دهه ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ رشد پایینی افزایش می‌یافت؛ زیرا با اینکه فرهنگ ایرانی به‌طور سنتی با تعدد فرزند موافق بود و زود هنگامی و عمومیت ازدواج نیز یک ارزش اجتماعی و مذهبی تلقی می‌شد، لذا زاد و ولد زیادی اتفاق افتاد اما متقابلاً کثرت مرگ و میر اطفال به دلیل کمبود امکانات و بهداشت، اثر باروری بالا را خنثی می‌کرد و در نتیجه شمار کلی جمعیت به‌کندی افزایش می‌یافت.^۳

با بهتر شدن اوضاع بهداشت و درمان در طول یک دوره ده‌ساله از سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور با نرخ متوسط رشد سالانه ۳/۱۳ درصد، به ۲۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید. تا

۱. General Fch. Shindler.

۲. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۳.

۳. شوازی و دیگران، ارزیابی روش فرزندان خود برای برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی، ص ۱۰۵.

اواسط دهه ۱۳۴۰ دولت سیاست مشخصی در زمینه تحدید موالید و کاهش سطح باروری نداشت. در سال ۱۳۴۱ برای نخستین بار در برنامه سوم عمرانی کشور، موضوع جمعیت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ دولت به طور رسمی سیاست جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام نمود و به این ترتیب ایران به امضاکنندگان بیانیه جهانی تنظیم خانواده پیوست. این سیاست با افزایش دسترسی به خدمات جلوگیری از بارداری و به موازات آن با فعالیت‌های تبلیغاتی و آموزشی در راستای تحدید موالید همراه بود.^۱ بدین ترتیب، در طول دوره ده ساله بعدی (از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵) شتاب افزایش جمعیت ایران کاهش یافت. شمار جمعیت با نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصد، از ۲۵/۷ میلیون نفر به ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که در مقایسه با نرخ متوسط رشد در دوره قبل (۳/۱۳ درصد در سال) تا حدودی کاهش یافته بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تغییر بستر فرهنگی و اجتماعی در کشور و همچنین با متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت گرفت. اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط نرخ رشد سالانه حدود ۳/۲ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش نمود. این بالاترین نرخ رشد جمعیت در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران بود. در نتیجه مسئولان و سیاست‌گذاران از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ مجدداً سیاست کنترل موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را در اولویت قرار دادند. این سیاست‌ها در اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درآمد.

در سال ۱۳۷۲، قانون کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تصویب شد. این قانون، امکانات و تسهیلات متعلق به خانواده‌های پرجمعیت را قطع کرد و مبنای قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های همه‌جانبه کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت. در این راستا اقدامات سراسری و همه‌جانبه‌ای از سوی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجام شد. مثلاً سازمان‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها به ترویج شعارهایی از قبیل «فرزند کمتر، زندگی بهتر» پرداختند؛ به گونه‌ای که در دهه هفتاد این تبلیغات در معابر عمومی، خیابان‌ها و روی بسته‌بندی کالاها دیده می‌شد و وزارت بهداشت نیز خدمات پیشگیری از بارداری را به طور فراگیر در سراسر کشور ارائه داد.

۱. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۵.

این تغییر رویکرد و فعالیت‌های صورت‌گرفته در پی آن موجب شد که در فاصله ده‌ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی از ۳/۲ درصد به ۱/۹۶ درصد (۲/۹۵ در شهر و ۰/۲۸ در روستا) تقلیل یابد. روند کاهش متوسط نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی بسیار بیشتر و بارزتر از مناطق شهری بود که از دلایل آن می‌توان به مهاجرت روستاییان به شهرها اشاره کرد.

به این ترتیب، هدفی که سیاست‌گذاران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نظر گرفته بودند، بیش از یک دهه زودتر محقق شد و ایران در رتبه نخست دستیابی به اهداف برنامه‌های کنترل جمعیت در جهان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که هیچ کشوری در جهان نتوانسته بود در مدت زمانی به این کوتاهی، رشد جمعیت خود را به این میزان کاهش دهد.

جدول (۲): جدول بازخوانی سیر تاریخی جمعیت در ایران^۱

نرخ رشد سالانه (درصد)	تعداد جمعیت (نفر)	سال (شمسی)	ردیف
۱/۵	۱۸,۹۵۴۷,۰۴	۱۳۳۵	۱
۳/۱	۲۵,۷۸۸,۷۲۲	۱۳۴۵	۲
۲/۷	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۱۳۵۵	۳
۳/۹	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۱۳۶۵	۴
۱/۹	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	۱۳۷۵	۶
۱/۶	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	۱۳۸۵	۷
۱/۲۴	۷۹,۹۲۶,۲۷۰	۱۳۹۵	۹

عوامل کاهش جمعیت در ایران

گرچه در پیش گرفتن سیاست‌ها و اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده، عامل مؤثری در سرعت کاهش باروری و زادوولد در ایران بود، این فرایند تحت تأثیر عوامل، شرایط و

۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵.

زمینه‌های مختلف دیگری نیز قرار داشت که در تحلیل تغییرات کمی جمعیت باید به آنها توجه نمود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- بالارفتن سن ازدواج: میانگین سن در اولین ازدواج زنان از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳ سال در سال ۱۳۹۵ و برای مردان نیز این شاخص از ۲۵/۶ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۷/۴ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است.^۱

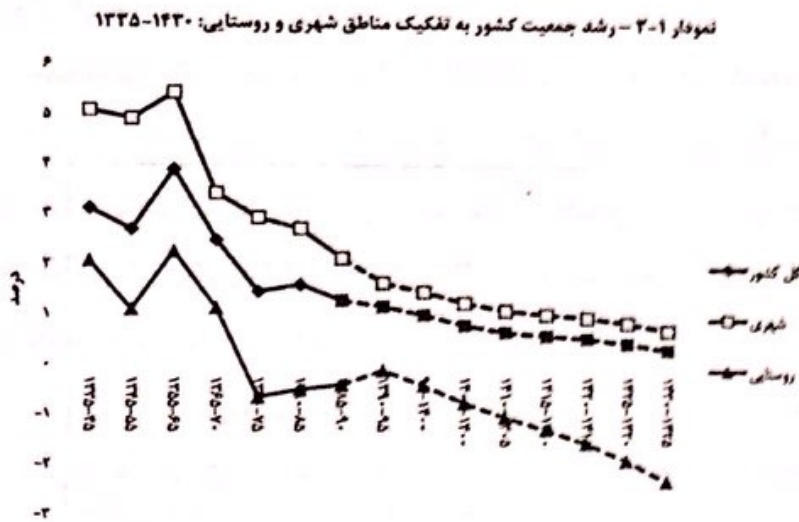
- اجرانشدن سیاست‌های اشتغال معطف با مسئولیت‌های خانوادگی: اقبال زنان به تحصیلات عالی، بالارفتن میزان مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و همچنین افزایش نرخ اشتغال آنان در کنار اجرا نشدن سیاست‌های مربوط به اشتغال معطف با تحصیلات و مسئولیت‌های خانوادگی (همسری و مادری) باعث گردید که میزان فرصت و تمایل آنها برای فرزندآوری کاهش یابد.

- افزایش شهرنشینی: نرخ جمعیت شهرنشین از حدود ۳۰ درصد در سال‌های اول پس از انقلاب، به بالای ۷۰ درصد در دهه نود افزایش یافته است. در پی افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، بخش زیادی از جمعیت جامعه در محیطی متراکم گرد هم می‌آیند. در نتیجه این تراکم، افراد مجبور می‌شوند در حداقل مساحت ممکن ساکن شوند. پیامد این مسئله، کاهش ابعاد منازل مسکونی خواهد بود که طبعاً نمی‌تواند پذیرای خانواده‌ای پرجمعیت باشد. ایجاد محلات پرجمعیت، حاشیه‌نشینی، فقر، مشکل مسکن، ترافیک، دشواری در دفع زباله، آلودگی هوا و مشکل تأمین آب سالم و کافی، از جمله پیامدهای افزایش شهرنشینی است که با کاهش جمعیت ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارد.

- تغییرات فرهنگی و سبک زندگی: با گسترش مدرنیته و تغییر سبک زندگی در خانواده‌ها، از یک سو مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی و احساس فقر کاذب افزایش پیدا کرد و از سوی دیگر تلاش برای تأمین سطح بالای رفاه برای فرزندان، به فرزندسالاری منجر شد. بدین ترتیب مادری و خانه‌داری تحقیر شد؛ فردگرایی و مجردزیستی رواج پیدا کرد و با تغییر ارزش‌ها، طلاق و فروپاشی خانواده‌ها نیز روند افزایشی یافت. سبک زندگی زنان و مردان ایرانی نیز آنان را در زمره پرشمارترین افراد نابارور در کشورهای جهان قرار داد. علاوه بر آن مهاجرت ایرانیان به سایر کشورها هم از عوامل مؤثر در کاهش جمعیت است. مجموعه این عوامل باعث کاهش نرخ فرزندآوری گردیده است.

۱. سایت رسمی مرکز آمار ایران، داده‌ها و اطلاعات آماری.

بنابراین کاهش فرصت فرزندآوری به دلیل بالا رفتن سن ازدواج، افزایش میزان تجرد قطعی، افزایش طلاق و نیز گسترش میزان ناباروری موجب شد کاهش رشد جمعیت به صورت پرشتابی ادامه یابد؛ تا جایی که میزان متوسط رشد جمعیت در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱/۶ درصد سقوط کرد. طی سال‌های اخیر، درصد رشد سالانه جمعیت ایران به دلیل کاهش میزان باروری همچنان رو به کاهش بوده است. طبق سرشماری سراسری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ نرخ رشد جمعیت کشور در این سال به ۱/۲۴ درصد کاهش یافت.^۱ آمار نشان می‌دهد علاوه بر روند نزولی درصد رشد سالانه جمعیت در کشور، منفی شدن نرخ رشد جمعیت در روستاها شتاب زیادی داشته؛ به گونه‌ای که بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده است.



ماخذ: مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری

نمودار (۴): رشد جمعیت کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۳۵-۱۳۳۰ همچنین آمار سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در بیشتر از ۲۲ استان کشور، میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است که استمرار آن به معنای عدم جایگزینی فرزندان با پدر و مادر در نسل بعدی است؛ معضلی که موجب تغییر ساختار سنی جمعیت کشور در آینده نزدیک می‌شود.

۱. بنگرید به: «سری‌های زمانی جمعیت»، به نقل از: درگاه ملی مرکز آمار ایران: (www.Amar.org.ir)

جدول شماره ۳ تحولات نرخ باروری، میزان مرگ و میر عمومی و امید به زندگی را در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نرخ باروری کل^۱ به صورت چشمگیری کاهش یافته است.

به دلیل اوج تعداد جوانان در سن باروری (متولدین دهه ۶۰ که بیشترین موالید تاریخ ایران را داشته‌اند) نرخ باروری کل در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۰ افزایش داشته است، ولی باز هم این نرخ، به نرخ باروری در حد جانشینی (۲/۱) نرسیده است. لازمه آنکه جمعیت کشور حداقل ثابت بماند، این است که نرخ باروری ۲/۱ باشد تا به ازای فوت پدر و مادر دست‌کم دو فرزند جایگزین آنها باشد؛ چراکه به هر حال تعدادی از فرزندان به دلایل مختلف در سال‌های آتی از دنیا خواهند رفت. البته در همین بازه زمانی، مرگ و میر عمومی نیز کاهش، و امید به زندگی افزایش چشمگیری داشته و در نتیجه جمعیت فزونی یافته است، ولی این افزایش جمعیت به دلیل ازدیاد افراد میان سال و سال خورده است، نه افزایش موالید. از این رو، آمار به روشنی نشان می‌دهد ایران رو به سالمندی پیش می‌رود.

جدول (۳): نرخ باروری کل، میزان مرگ و میر عمومی و امید به زندگی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

سال	نرخ باروری کل	میزان مرگ و میر عمومی (در هزار نفر)	امید به زندگی
۱۳۵۵	۶/۰۸	۱۱/۵	۵۴
۱۳۶۵	۶/۳	۸	۵۹
۱۳۷۵	۲/۵۲	۷	۶۷
۱۳۸۵	۱/۸۹	۶/۵	۷۱
۱۳۹۰	۱/۷۵	۶/۱	۷۲

همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌کنید، روند نزولی نرخ باروری کل در ایران در سال‌های اخیر بسیار پرشتاب بوده است؛ آن‌گونه که نیکولاس ابرشتات، محقق آمریکایی، آن را یکی

^۱ نرخ باروری کل عبارت است از: تعداد متوسط فرزندان زنده متولدشده به ازای یک زن.

از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش نرخ باروری در تاریخ بشر می‌داند. این محقق خاطر نشان می‌کند که در طول سه دهه گذشته نرخ باروری در کل جهان ۳۳ درصد، در جهان اسلام ۴۱ درصد و در کشور ایران حدود ۷۰ درصد کاهش یافته است.^۱

توجه به این نکته ضروری است که طبق آمار، در اوج جمعیت در سن باروری، بازهم نرخ باروری به سطح جانشینی نرسیده است. البته روند نزولی تعداد تولدها از سال ۱۳۹۵ آغاز شده؛ به گونه‌ای که تعداد کل تولدهای ثبت شده در این سال نسبت به سال ۱۳۹۴ به میزان ۲/۷ درصد کاهش یافته و سال ۹۶ نیز نسبت به ۹۵ مجدداً بیش از ۲ درصد کاهش پیدا کرده است.^۲

جدول (۴): تغییرات مولید و نرخ آن در دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۵

سال	جمعیت کل	تعداد تولدها	درصد تغییرات مولید
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۲۵۳۹۱۳	-
۱۳۸۶	۷۱۳۴۱۱۲۸	۱۲۸۶۷۱۶	۲/۶۲
۱۳۸۷	۷۲۲۱۵۱۰۸	۱۳۰۰۱۶۶	۱/۰۵
۱۳۸۸	۷۳۰۹۷۴۷۶	۱۳۴۸۵۴۶	۳/۷۲
۱۳۸۹	۷۴۰۵۲۵۰۸	۱۳۶۳۵۴۳	۱/۱۱
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۳۸۳۳۲۹	۱/۳۷
۱۳۹۱	۷۶۰۸۱۵۲۵	۱۴۲۱۶۸۹	۲/۹
۱۳۹۲	۷۷۰۲۴۹۳۶	۱۴۷۱۸۳۴	۳/۵۳
۱۳۹۳	۷۷۹۸۰۰۴۵	۱۵۳۴۳۶۱	۴/۲۵
۱۳۹۴	۷۸۹۴۹۹۸	۱۵۷۰۲۱۹	۲/۳۴
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۵۲۷۷۱۳	- ۲/۷

۱. Eberstadt and Apoorva 2013, on "Fertility Decline in the Muslim World: A Vertible Sea-Change, Still Curiously Unnoticed".

۲. سازمان ثبت احوال کشور.

در مقایسه‌ای اجمالی می‌توان گفت در سال ۱۳۶۵ تعداد زنان در سن باروری (۴۹-۱۵ سال) حدود ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و میزان مولید نیز حدود ۲ میلیون نفر بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۵ تعداد زنان در سن باروری (۴۹-۱۵ سال) به حدود ۲۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر افزایش یافته، ولی مولید به حدود ۱ میلیون و ۵۲۷ هزار نفر کاهش یافته است.

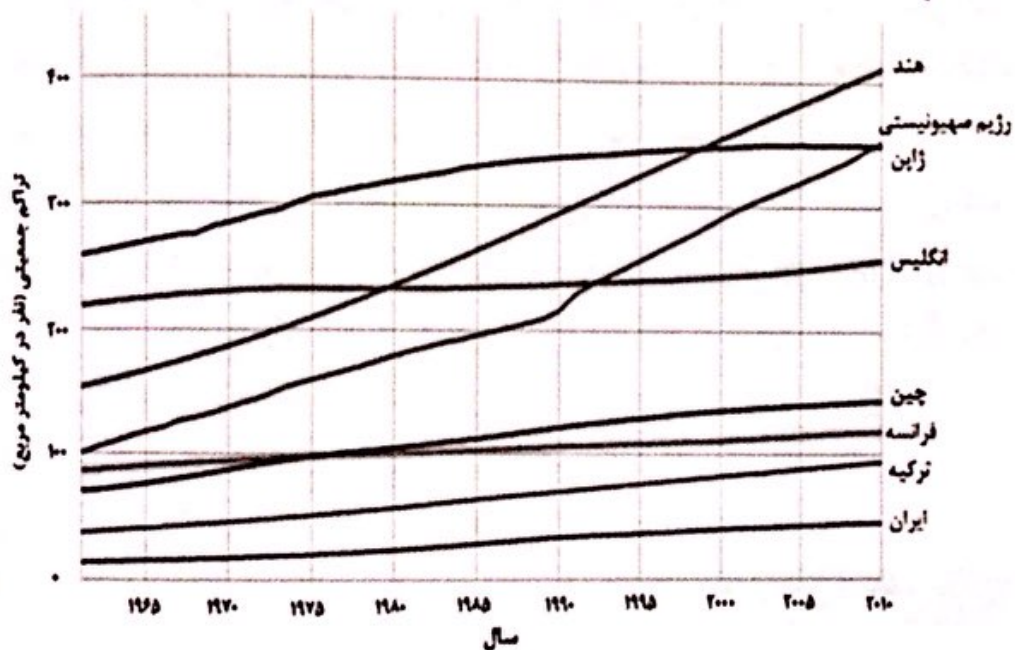
گزارش آینده‌پژوهانه سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ که براساس تحولات اخیر جمعیتی کشور انجام شده است، دورنمایی از تغییرات جمعیتی ایران و روند شتابان کاهش نرخ رشد را نشان می‌دهد. این محاسبات پیش‌بینی می‌کند در صورتی که نرخ باروری ایران به همین صورت ادامه پیدا کند، از سال ۱۴۵۹ به بعد رشد جمعیت متوقف شده و جمعیت کل کشور به سرعت کاهش خواهد یافت. طبق آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ م. کشور ایران در سال ۲۰۵۰ جزو پیرترین کشورها خواهد شد و از میانگین سنی جهان در آسیا، آمریکا و آمریکای لاتین نیز پیرتر خواهد شد. این در حالی است که در زمان انتشار این آمار (۲۰۱۲ م) ایران با نسبت سالمندی ۸٪ جزو جوان‌ترین کشورها بوده است.^۱

۷. ظرفیت و تراکم جمعیتی ایران

در ادامه بررسی تحولات جمعیت در ایران باید به موضوع «ظرفیت جمعیتی» کشور نیز توجه شود. منظور از ظرفیت جمعیتی، تعداد جمعیتی است که یک محیط طبیعی با تمام خصوصیاتش، نیازهای آن را کاملاً تأمین کند. ظرفیت و توان جمعیتی هر کشوری را می‌توان با توجه به منابع و امکانات مختلفی همچون زمین‌های قابل کشت، حاصلخیزی خاک، میزان بارندگی، معادن و ذخایر زیرزمینی و میزان توسعه صنعتی و تکنولوژی مشخص کرد. ایران دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده منابع نفت جهان است و حدود ۲ درصد از کل منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد و دارای زمین‌های کشاورزی وسیع است؛ در حالی که یک درصد از کل جمعیت جهان را در خود جای داده است. یکی از شاخص‌های جمعیتی برای نشان دادن ظرفیت جمعیتی یک کشور، محاسبه

۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایران و بحران سالمندی.

تراکم‌های حسابی^۱ و بیولوژیک^۲ است. در حال حاضر، تراکم حسابی جمعیت در ایران حدود ۴۵ نفر در هر کیلومتر مربع است؛ حال آنکه در آسیا حدود ۱۲۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. در ارمنستان و آذربایجان، تراکم جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ نفر، در ژاپن نزدیک به ۳۳۶ نفر و در کره شمالی ۱۹۷ نفر در هر کیلومتر مربع است. همان‌گونه که در نمودار ۵ مشاهده می‌کنید، ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی جزو کشورهای کم‌تراکم جمعیتی محسوب می‌شود.



نمودار (۵): تغییرات تراکم جمعیتی چند کشور طی دهه‌های اخیر

از سوی دیگر، اگر تراکم بیولوژیک را مبنای محاسبه قرار دهیم، این شاخص نیز در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان کمتر است. متوسط تراکم بیولوژیک در ایران نزدیک به ۴ نفر در هر هکتار است، اما این نرخ در استان‌های مختلف کشور تفاوت‌های عمده‌ای دارد. برای نمونه، تراکم بیولوژیک استان مازندران ۸/۱، اصفهان ۱۰/۷۵، آذربایجان شرقی ۲/۷۳ و تهران ۶۰/۷۳ نفر در هر هکتار زمین قابل کشت است. بنابراین با توجه به وضعیت تراکم حسابی و بیولوژیک، مشکل کنونی جمعیت ایران، کثرت جمعیت نیست، بلکه توزیع نامتوازن آن است.

۱. تراکم حسابی عبارت است از نسبت کل جمعیت به مساحت منطقه با مقیاس کیلومتر مربع.
 ۲. تراکم بیولوژیک یا زیستی عبارت است از: نسبت کل جمعیت به مساحت زمین‌های قابل کشت.

ایران در مرحله انتقال شهری بوده و دارای رشد شتابان شهرنشینی است؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون حدود ۱۶ درصد از جمعیت کشور در کلان شهر تهران متمرکز است.^۱ سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان داد که نسبت جمعیت شهری به روستایی ۷۱ به ۲۹ درصد بوده است. این در حالی است که همین نسبت در سرشماری مربوط به دهه ۱۳۶۰ کاملاً معکوس بوده؛ یعنی جمعیت روستانشین در ایران نزدیک به ۷۰ درصد و جمعیت شهرنشین حدود ۳۰ درصد گزارش شده است.

چنان‌که می‌دانیم، از جمله امکانات مربوط به ظرفیت جمعیتی، منابع آب است. در طی سال‌های اخیر ارتباط مسئله آب و موضوع جمعیت، سؤالات و شبهات زیادی را ایجاد کرده است؛ تا حدی که برخی افراد و رسانه‌ها براساس آن، در سیاست‌ها و راهبردهای افزایش جمعیت تشکیک و تردید کرده‌اند. در زمینه موضوع کمبود آب و نسبت آن با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، مطالعات مختلفی انجام گرفته است که اغلب آنها نشان می‌دهد مشکل اصلی، کمبود آب نیست، بلکه ضعف مدیریت آب است؛ یعنی نحوه مدیریت منابع آب، عامل ایجاد تنش و بحران در این زمینه شده است، نه رشد جمعیت. برای نمونه می‌توان به این نکته اشاره کرد که برخلاف رشد حدود ۲/۵ درصدی جمعیت شهر تهران در یک دوره ۳۰ ساله، مصرف آب این شهر سالانه تقریباً ۵ تا ۶ درصد رشد داشته است.

از سوی دیگر در کشورهایی مانند دانمارک، بلژیک و هلند با ذخیره سرانه آبی به ترتیب ۱۰۶۳، ۱۰۷۱ و ۶۰۸ متر مکعب که نزدیک به شاخص بحران آب است، سیاست‌های افزایش جمعیت پیگیری می‌شود، اما در ایران با ذخیره سرانه آب ۱۶۳۹ متر مکعب، سیاست‌های افزایش جمعیت از نظر برخی بیش از اندازه واقعی با مسئله تنش آبی گره خورده و تهدید تلقی می‌گردد.

برای تعیین بحران آب شاخص‌های معتبر زیادی وجود دارد؛ مانند فالکن مارک، شاخص سازمان ملل و شاخص مؤسسه بین‌المللی مدیریت آب. براساس شاخص اول، ایران با ذخیره سرانه آب ۱۶۳۹ متر مکعب در آستانه قرار گرفتن در بحران آبی است و براساس دو شاخص دیگر نیز منابع آب ایران در وضعیت بحران آبی شدید قرار دارد. اما

۱. محمودی، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، ص ۱۸.

امروزه بسیاری از کشورها با استفاده بهینه از منابع آب و بازچرخانی آن، با ارقام سرانه کمتر از ۸۰۰ متر مکعب در سال نیز بدون مشکلات حاد، برنامه‌های توسعه ملی خود را پیش می‌برند. پس مشکل ایران در موضوع منابع آب در کجاست؟ این موضوع را می‌توان در ابعاد زیر بررسی کرد:

الف) توزیع ناهمگون جمعیت: درحالی‌که نیمه غربی کشور ۲۵ درصد از مساحت کشور را شامل می‌شود، حدود ۷۰ درصد از کل منابع آب تجدیدشونده و ۵۰ درصد از جمعیت کل کشور را دربرمی‌گیرد. اما حوزه مرکزی، نیمی از مساحت کشور را به خود اختصاص می‌دهد؛ درحالی‌که فقط حدود یک‌سوم منابع آب در این منطقه واقع است. بنابراین یکی از مشکلات، توزیع ناهمگون آب نسبت به جمعیت ساکن در مناطق مختلف کشور است که موجب شده برخی نقاط کشور با مشکل دسترسی به منابع آب تجدیدشونده و باکیفیت روبه‌رو شوند.

ب) کشاورزی ناکارآمد و با بازده پایین: درحالی‌که بخش کشاورزی ۹۳ درصد از آب کشور را به خود اختصاص می‌دهد، بازدهی بین ۳۰ تا ۳۵ درصد در آبیاری در بخش کشاورزی دارد و بهره‌وری آب به تولید در این حوزه، حدود ۰/۷۵ کیلوگرم در متر مکعب است. تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی، بهره‌برداری نامناسب از تأسیسات آبیاری موجود، نشت آب از کانال‌های انتقال، نبود آگاهی کشاورزان از اهمیت بهینه‌سازی و کارایی مصرف آب، استفاده نکردن از روش‌های آبیاری مناسب، نامناسب بودن الگو و تراکم کشت محصولات زراعی و باغی و نیز نامناسب بودن نظام قیمت‌گذاری آب، از برخی عوامل پایین بودن کارایی در بخش کشاورزی است.

ج) مدیریت نامناسب حوضه‌های آبی کشور: در این بخش موارد بسیاری را می‌توان ذکر کرد؛ از جمله ذخیره نکردن بارش مازاد، توسعه مناطق مختلف کشور بدون در نظر گرفتن توان اکولوژیکی و محیطی، اقدامات سازه‌ای بیش از حد نیاز، توزیع ناعادلانه آب در کشاورزی و نیز تمرکز جمعیت در شهرها.

د) هدررفت آب در سیستم انتقال و توزیع: حجم بسیاری از آب شرب کشور به خاطر خطوط فرسوده انتقال آب هدر می‌رود. به دلیل این فرسودگی و همچنین به سبب عدم نظارت کافی بر شبکه‌های آبرسانی به شهرها، معادل ۲۸ درصد (معادل چهار برابر گم شدن

آب در کشوری مانند آلمان و سنگاپور) از آب‌های باکیفیت در انتقال به شهرها در شبکه آب‌رسانی شهری کشور گم می‌شود.

کارشناسان می‌گویند با توجه به منابع غنی و خدادادی ایران، در صورت به‌کارگیری روش‌های مدیریتی صحیح و استفاده از روش‌های نوین آب‌خیزداری در بخش‌های شرب شهری، صنعت، محیط زیست و کشاورزی، ظرفیت جمعیتی ایران می‌تواند تا ۱۵۰ میلیون نفر افزایش یابد.

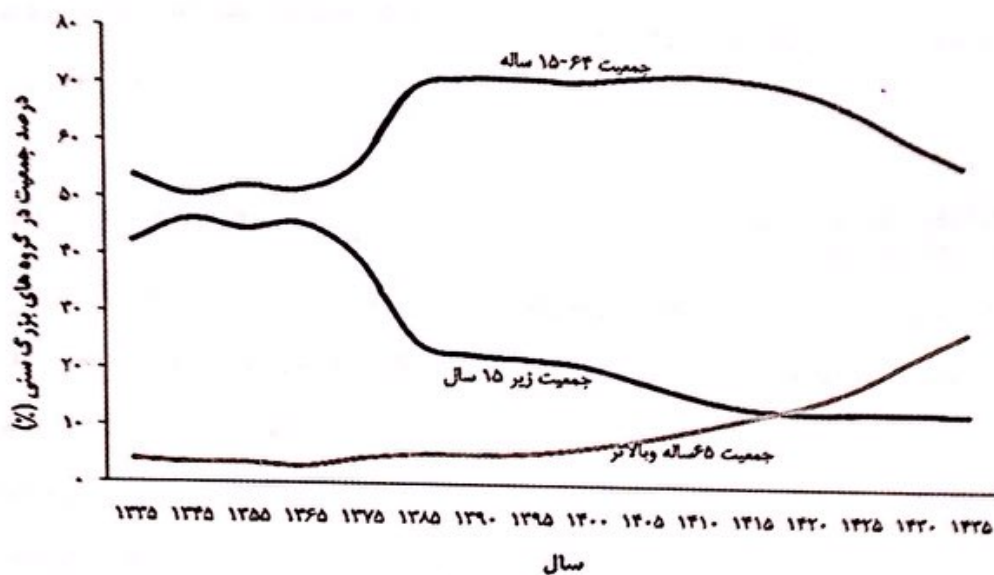
۸. پنجره جمعیتی ایران

در علم جمعیت‌شناسی به شرایطی که در ساختار سنی جمعیت یک کشور، تعداد جوانان و افراد فعال در سنین کار (جمعیت تولیدکننده بین سنین ۱۵ تا ۶۵) به صورت چشمگیری بیشتر از سالمندان، کودکان و نوجوانان (جمعیت مصرف‌کننده) باشند، اصطلاحاً «پنجره جمعیتی» گفته می‌شود. این شرایط، نتیجه کاهش باروری و تغییر در توزیع و ترکیب سنی جمعیت است. به وجود آمدن پنجره جمعیتی، فرصت مغتنمی برای رشد و توسعه کشور در ابعاد مختلف است که باید از آن به خوبی بهره برد؛ چراکه به آسانی تکرار نمی‌شود، آن‌گونه که شاید بتوان گفت در عمر هر ملت ممکن است فقط یک بار تجربه شود.^۱

بررسی‌های برخی محققان گویای آن است که جهش اقتصادی برخی کشورهای آسیای شرقی، بیش از هر عاملی، مرهون استفاده مناسب از این فرصت پنجره جمعیتی بوده است. علاوه بر توجه اقتصادی ویژه به پدیده پنجره جمعیتی، این شرایط می‌تواند فرصتی مناسب برای پیشرفت ملت در همه ابعاد علمی، فرهنگی، رفاهی و تربیتی باشد که البته این امر مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و تدوین و اجرای برنامه‌های مناسب و دقیق است. چنان‌که در نمودار ۶ آمده، ایران با تغییر ساختار سنی از حدود سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده است که حداکثر سه دهه به طول می‌انجامد. گفتنی است سال‌های اول دهه نود که جمعیت جوان کشور (متولدین دهه ۱۳۶۰) در بالاترین سطح خود قرار دارد، بهترین وضعیت آن است.

۱. صادقی، «تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۵.

این ساختار سنی طلایی در کنار سایر ظرفیت‌ها و منابع موجود در کشور می‌تواند شرایط ویژه‌ای برای توسعه و پیشرفت پرشتاب ایجاد کند. بی‌تردید بهره‌مندی از فرصت در گرو تعجیل در سیاست‌گذاری و هوشمندی در برنامه‌ریزی‌هاست تا با گام‌های بلند، آینده مقتدری برای نسل‌های بعد ایجاد شود.



نمودار (۶): پنجره جمعیتی ایران^۱

۹. سیاست‌های جمعیتی ایران

رونق اقتصادی، پیشرفت علمی و تکامل فنی و صنعتی هر جامعه بیش از هر چیز با توانایی هوشی، دانش، کوشش و خلاقیت اعضای آن ارتباط دارد. اما دانش، کوشش و خلاقیت هر جمعیت در گرو سلامت جسمی و روحی، آمادگی ذهنی و هوشی و انگیزه تلاش آنهاست. هر جامعه همان‌گونه که برای سامان دادن منابع طبیعی و مادی خود و استفاده از آن برنامه‌ریزی می‌کند، برای پرورش جمعیت خود و بهره‌وری بهینه از توان جسمی و روحی آن نیز باید برنامه‌ای مدون داشته باشد. تهیه چنین برنامه‌ای مستلزم اتخاذ نوعی سیاست جمعیتی است. تدوین و اجرای سیاست‌های جمعیتی، امروزه جزئی از برنامه ملی توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها تلقی می‌گردد. البته سیاست‌های جمعیتی

۱. صادقی، برآورده‌های جمعیتی سازمان ملل، ص ۱۲۳.

به سیاست‌های مرتبط با زادوولد و باروری محدود نمی‌شود. هر سیاستی را که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم بر ویژگی‌های کمی و حتی کیفی جمعیت تأثیر بگذارد، می‌توان «سیاست جمعیتی» نامید. سیاست‌های توزیع جمعیت، سیاست‌های مهاجرتی و حتی خط‌مشی‌هایی که در جهت بهبود کیفیت جمعیت‌هاست، در زمره سیاست‌های جمعیتی به‌شمار می‌آیند.

۱۱. تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران

در قانون برنامه اول توسعه در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور چنین آمده است:

بر مبنای بررسی‌های به‌عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود.

با وجود تعیین این ارقام در برنامه یاد شده، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور نشان داد، رشد جمعیتی کشور ۱/۲۴ درصد و متوسط میزان باروری کل کشور حدود ۲/۰۱ فرزند به ازای هر زن اعلام شده است. این انحراف قابل توجه و پیشی گرفتن از اهداف قانون برنامه توسعه، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی کشور را روشن می‌کند.

با توجه به مشکلات جمعیتی موجود و پیش‌رو و روند کاهش نیروی جوان و بانشاط در کشور، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ «سیاست‌های کلی جمعیت» براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ گردید. این سیاست‌ها عبارت است از:

۱. ارتقا، پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی؛
۲. رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد؛



۳. اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط؛

۴. تحکیم بنیان و پایداری خانواده، با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی و نیز توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری؛

۵. ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی؛

۶. ارتقای امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بیماری‌ها؛

۷. فرهنگ‌سازی برای تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب؛

۸. توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن «نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی-حرفه‌ای و تخصصی» با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد؛

۹. بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب، با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی؛

۱۰. حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی - به‌ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان - از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق آن و نیز ایجاد فضای کسب‌وکار با درآمد کافی؛

۱۱. مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت، با تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب؛

۱۲. تشویق ایرانیان خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در داخل و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان؛

۱۳. تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی ایرانی، اسلامی، انقلابی و ارتقای وفاق و هم‌گرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به‌ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور؛

۱۴. رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد سازوکار مناسب، تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و نیز انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.

نمودار مطالب فصل

۱. تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی

۲. روند تحولات جمعیتی در جهان

۳. دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت

۴. جمعیت و نظام سلطه

۵. عوارض و چالش‌های کاهش جمعیت

و افزایش نرخ سالمندی

۶. سیر تحولات جمعیت در ایران

۷. ظرفیت و تراکم جمعیتی ایران

۸. پنجره جمعیتی ایران

۹. سیاست‌های جمعیتی ایران

۱۰. تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران

جمعیت

یک. پیامدهای اقتصادی

دو. پیامدهای فرهنگی - اجتماعی

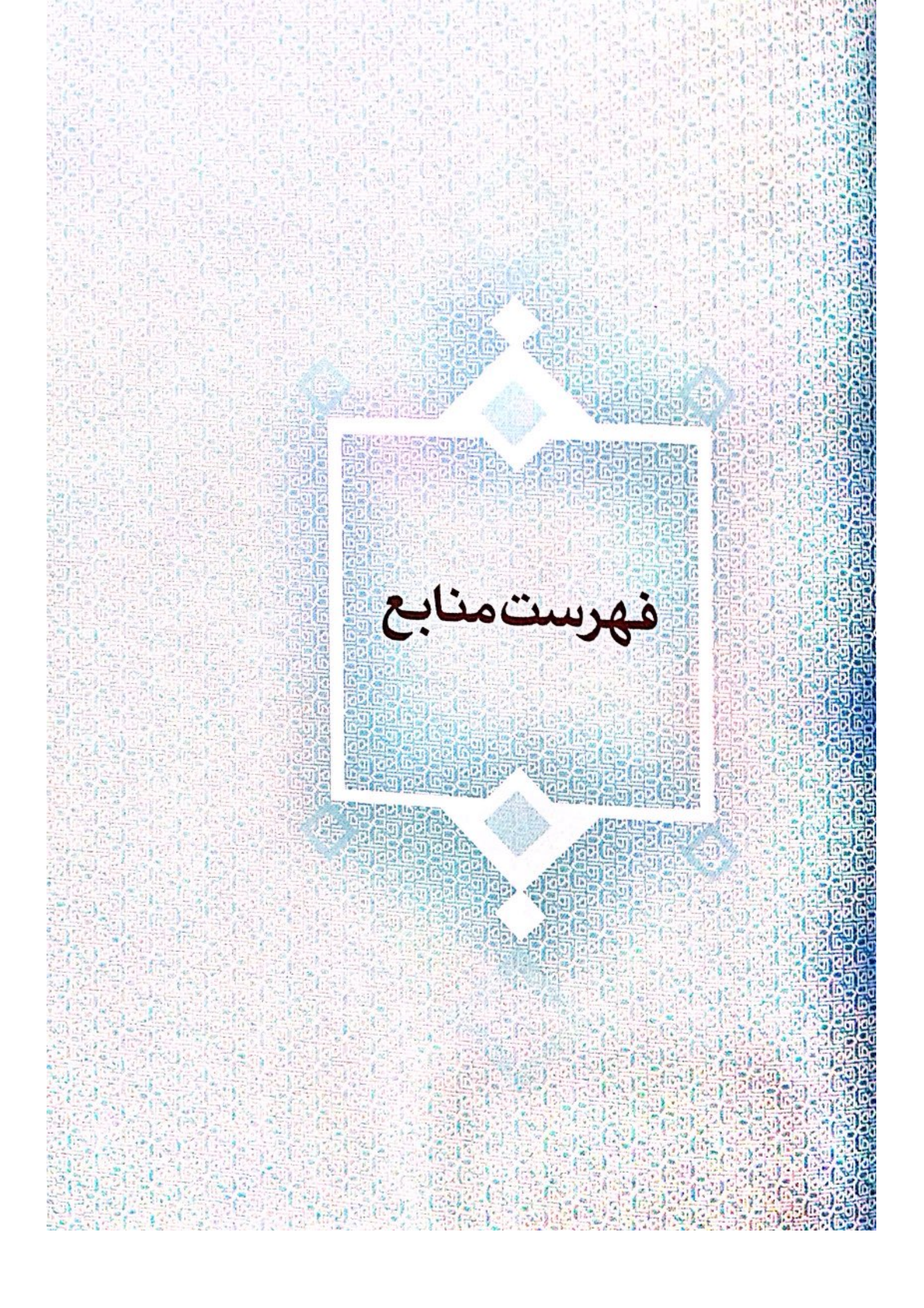
سه. پیامدهای سیاسی - امنیتی

◆ پرسش

۱. مراحل انتقالی جمعیت در جهان را توضیح دهید.
۲. سیر تحولات جمعیت در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرح دهید.
۳. کاهش جمعیت جوان و افزایش سالمندان در ایران چه پیامدهای منفی اجتماعی دارد؟
۴. برخی کشورها با اعمال سیاست‌هایی درصدد افزایش نرخ باروری هستند. کدام یک از این سیاست‌ها برای ملت ایران قابل الگو گرفتن است؟

◆ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. اکرم حسینی مجرد، جمعیت ایران؛ افزایش یا کاهش؟، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. حاتم حسینی، «گذار جمعیت‌شناختی در ایران»، مجموعه مقالات همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، تهران، مرکز آمار.
۳. حسن رهبری، اسلام و سامان‌دهی جمعیت، قم، بوستان کتاب.
۴. رسول صادقی و غلامعلی فرجادی، «پنجره جمعیتی: فرصت طلایی برای توسعه اقتصادی در ایران»، همایش جمعیت، برنامه‌ریزی و توسعه پایدار، تهران، انجمن جمعیت‌شناسی ایران.



فهرست منابع